((مقاصد الصالحین))

تالیف

علامه حاج سید محمد باقر ملا باشی شیرازی

تقدیم به کتابخانه مسجد اعظم قم

حاج سید محمد باقر آیت اللهی . علم .

شیراز . ... شعبان المعظم ۱۳۹۵ قمری

مکرر ۸ ق ف / ۵۷

شماره قفسه: ۳۰
شماره کتاب: ۲۹۷
تاریخ ثبت: ۷۸/۹/۴
شماره مسلسل:

شرح اجمالی احوال مرحمت پناه

علامه حاج سید محمد باقر ملاباشی شیرازی

قدس سره

نام کتاب:
تاریخ ورود: ۱۳/۹/۱۳۵۴
شماره عمومی: ۲۰۰۷۸
شماره اختصاصی:

شرح اجمالی احوال مرحمت پناه علامه حاج میرزا محمد باقر موسوی ملاباشی قدس سره
نسب شریفشان طبق آنچه فرزندشان آقای حاج میر سید محمد موسوی طاب ثراه
در صفحه دویست کتاب مقاصد الصالحین بخط خود مرقوم داشته‌اند چنانچه میشود

بسم الله الرحمن الرحیم

شجره نامه این سلسله علیه از قراریکه قبله گاهی حاجی میرزا علی مجد الدوله نوشته‌اند
۱ محمد باقر بن ۲ سید محمد بن ۳ محمد حسین بن ۴ محمد علی بن ۵ محمد رضا
بن ۶ احمد بن ۷ سلمان بن ۸ ابوالفتح ابن ۹ اسحق بن ۱۰
محمد امین بن ۱۱ محمد صادق بن ۱۲ مهدی بن ۱۳ سید محمد بن ۱۴ عبدالله
بن ۱۵ ابراهیم بن ۱۶ مرتضی بن ۱۷ حسین بن ۱۸ محمد جعفر بن ۱۹
محمد کاظم بن ۲۰ محمد طاهر بن ۲۱ محمد صالح بن ۲۲ الشیخ ابراهیم بن ۲۳
الشیخ الاجل المشتهر فی الآفاق صفی الدین اسحق الاردبیلی بن ۲۴ امین الدین جبرئیل
بن ۲۵ صالح بن ۲۶ قطب الدین بن ۲۷ صالح الدین بن ۲۸ رشید بن
۲۹ محمد الحافظ بن ۳۰ عوض الخواص بن ۳۱ فیروزشاه بن ۳۲ محمد بن
۳۳ شرفشاه بن ۳۴ حسن بن ۳۵ محمد بن ۳۶ ابراهیم بن ۳۷ جعفر
بن ۳۸ محمد بن ۳۹ اسمعیل بن ۴۰ محمد بن ۴۱ احمد الاعرابی بن
۴۲ محمد بن ۴۳ ابی محمد قاسم بن ۴۴ ابی القاسم حمزه بن ۴۵ الامام
الهمام موسی الکاظم صلوات الله علیه و علی آبائه المعصومین اجمعین آمین
رب العالمین

اجمال حالشان باجابت مستطاب حکیم سلمان کرهمتین تحقیقات سلسله عالیه
بالا میباشد در صفحه ۱۱۲ و ۱۱۳ جلد دوم فارسنامه ناصری ثبت و بیان شده
است و اجمالاً تحقیقات معظم له اولین کسی است که از این دودمان در ... شده

روحانیت وارد شده و بمقامات عالیه صوری و معنوی رسیده است و تا کنون بحمد
تعالی آثار روحانیت عالیه اش در اعقابش برقرار است. امیدست که بفضل حق تعالی
جل و علا و تأثیر همین آثار باقی باشد انشاء الله تعالی.

معظم له جامع معقول و منقول و فنون علمی دیگر بوده اند و رساله علمی
و عملی شان از مؤلفات آنمرحوم آشکار و نیازی بتوضیح ندارد.

لکن چون این بنده فانی ناچیز تصمیم گرفتم که با حول و قوة خدای متعال
جلّت عظمته مؤلفات آنمرحوم را با حد امکانات موافقت کند نشر و توزیع و
در دسترس و بعهده برادران قرار دهم ناگزیرم که جهت تصمیم خود را تا اندازه ای
توضیح دهم. اما نسبت به مؤلفات آنمرحوم عموماً چند جهت است.

۱ - این حقیر سوای اعتبار از احفاد و اعقاب آنمرحوم می باشم و در سلسله روحانی
من بعد خدای متعال آنمرحوم و خاندان واسطه و توجهات بر من دارند.

۲ - در اینکه این حقیر در سلک روحانیت بوده ام و بحمد الله تعالی این شرافت را حفظ
داده ام که روحانیت آنمرحوم در این امر موثر بوده است

۳ - مؤلفات آنمرحوم عربیاً و فارسیاً مفید و پر محتوی و پر ارزش است و هر یک از
آنها برای اهلش قابل تقدیس و تحسین و تمجید است. این حقیر برای خدمت به علم
و معارف مذهبی اتخاذ این تصمیم را نموده ام و قبلاً هم نسبت به یکی از مؤلفات
آنمرحوم - جلد سوم لوامع التنزیل - بر این امر مبادرت نموده ام.

و اما نسبت به نشر این کتاب مقاصد الصالحین بالخصوص نکته ای جداگانه
علاوه بر نکات پیش در نظر بوده است که بشرح ذیل به بیان آن خواهم پرداخت
انشاء الله تعالی.

علامه معظم از تلامذه مرجع پناه نخبه علمی بزرگ آقای آقا باقر

بهبهانی استاد المجتهدین و مجدد الملة فی راس المأة الثالثة عشر قدس
سره الشریف بوده اند و پس از تکمیل در رشته فقه و اصول با مراتب
راجحه بشیراز نزول فرموده و گویا بمناسبت رفاقت و صداقتی که مرجع پناه
علامه آقای حاج محمد حسن قزوینی صاحب کتاب ریاض الشهاده طاب ثراه
داشته اند ایشانهم محل اقامت را در شیراز اختیار نموده و صداقتشان تا پایان
برقرار بوده و هر دوی آنها پس از خود آثار شرعیه در شیراز که در بعضی اقلام
چندین سال از عمرشان در ایران و شیراز پیش آمده بوده مجدد مراسم مذهبی
و بالاخص تعزیه داری حضرت خامس آل عبا ارواح العالمین له الفداء
گذاشته اند خصوصاً مسجد مرحوم معظم له تاسیس فرموده است
بحمد الله تعالی هنوز باقی است.

و چون آنمرحوم با ماجدیت مقام عالی روحانیت و معنویت مشغول
حفظ مصالح شرعیه معاشرت با ابناء سیاست و انتظام کشور داشته اند اتفاقاً
روزی برای دیدن یا بازدید شاهزاده حسینعلی میرزا قاجار معروف به فرمانفرما
که از سال هزار و دویست و چهارده قمری تا سال هزار و دویست و پنجاه ایالت
فارس بوده اند ملاقات بوده اند مصادفاً مرحوم محمد زکیخان نوری که از اعیان
سلسله نوریه که در شیراز توطن داشته اند حاضر بوده است و مرحوم نوری
در حضور آنمرحوم و شاهزاده ذکر جمیلی از مرحوم حاج محمد حسن قزوینی
سابق الذکر که معروف به مجتهد اصولی بوده اند مینماید آنمرحوم برای
حفظ الغیب مرحوم قزوینی که وظیفه برادری ایمانی است محمد زکیخان نوری
را مورد تعرض و عتاب قرار میدهد و شاهزاده متعرضانه میفرماید چنانکه
شناخته اید از عالم ربانی ذکر نموده شود و از عملی بحالت تعرض و اعتراض

برخاسته و بمنزل شخصی که در محله میدان شاه بوده است مراجعت میفرمایند
پس از خاتمه مجلس عهد ذکیجان بوری[?] بمنزل خود میرود و مبتلا به حبس البول
میشود و هرچه معالجه می کنند سود بخش نمیشود تا آنکه از فشار بسیاری زبان
بند میگردد و با اشاره می فهماند که مرا بخانه آقا ببرید بلکه بدعای ایشان شفا
یابم. بنابراین او را به منزل آن مرحوم می برند و در طرف خلوت (بیرونی)
که تا این تاریخ به حالت وضع ساختمان قدیم باقیست در سمت جنوب حیاط
بالای حوض جلو تالار میخوابانند و مرحوم آقا قدس سره خبری دهند که
عهد ذکیجان را برای استشفای بدعا آورده اند. ایشان از طرف اندرون
که در سنه ۱۳۱۴ خورشیدی مسیر خیابان لطفعلیخان زند گردیده است بیرون
تشریف می آورند و بالای سر عهد ذکیجان که میرسند میفرمایند اگر تو تعهد[?]
میکنی که در ساحت علمای اعلام من بعد جسارت و اهانت نکنی، ما دریغ
دارم از او خواهش میکنم دعا کند تا خدای متعال شفا کرم فرماید. با اشاره
وعده میکند. آن مرحوم بداخل خانه تشریف برده پس از مدتی عهد ذکیجان
با اشاره طلب میطلبد و فتح میشود و بسته باز کرده و بحالت عادی قرار میگیرد
و استدعا می کند که طعامی از منزل آن مرحوم صرف نماید و پس از صرف
طعام با حالت سلامت و عافیت بمنزل خود بر میگردد و بعداً در نتیجه این جریان
عمداً ملک از مزرعه خیرات آباد[?] واقع در بلوک خفرک که بحساب بعد بر ۱۲[?]
من هده بخش جز مشخص شده است وقف می نماید و تولیت آنرا بعد از
خودش بحجت پناه معظم له قرار میدهد و با اولاد آن مرحوم با شرایط معینه
که تولیت آن بحساب و قضا مربایی دارای تطبیق و حوالی آن موقوفه مباشر
و این موقوفه از سال ۱۳۴۰ قمری تا سال ۱۳۵۰ خورشیدی که مطابق

با سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ قمری است برقرار و بمصرف این دعا بوده و از سال
۱۳۵۰ خورشیدی طبق قانون مصوب بعد اداره شئون مامور روستاها
بدهقانان برگذار نموده و این دعای دیگر دخالتی ندارم. فقط قسمتی از
اراضی باز خارج از نسق که طبق ماده هشت قانون اصلاحات ارضی مستثنی
از قانون فوق الذکر است باقیست که آنهم بکسی سپرده شده که عمران
نماید و تا این تاریخ بهره برداری از آن نشده است.

ترتیب موقوفه بالاطلاق و قضا مر که موجودات متزاید می باشد:
پس از خارج ملکی یعنی عملی و خارج ملکی یعنی دیوانی و دولتی آنچه بدست
آید به قسمت میشود. یک قسمت حق التولیت و دو قسمت دیگر برای
نشر دو کتاب از مؤلفات مرحوم معظم له است. یکی کتاب انوار القلوب
در سه جلد که جلد اول در احوال حضرت اقدس رسالت مآب محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله تا حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است. جلد دوم
در احوال حضرت ابا عبدالله الحسین خامس آل عبا ارواحنا و ارواح العالمین
لتراب مرقده الفداء تا حضرت امام محمد باقر علیه السلام و جلد سوم در احوال
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام تا امام دوازدهم حجت بن الحسن بقیة الله
تعالی عجل الله تعالی فرجه و سهل مخرجه.

و دیگری کتاب مقاصد الصالحین که موجود نیست. اما
جلد اول کتاب انوار القلوب در زمان حیات مرحمت پناه آقای حاج میرزا
محمد باقر ملاباشی جد مرحمت پناه آقای والد ماجد طاب ثراهما وسیله آقایان
اخوان کاظمی بطبع رسیده است و جلد دوم آن در زمان مرحوم علامه
آقای حاج سید عبدالباقی مجتهد قدس سره الشریف وسیله همان اخوان

اخوان کاشی طبع شده است و جلد سوم آن را این حقیر با تفسیر از غل
موفور مزبور بطبع رسانده‌ام و رایگان در اختیار خوانندگان گذاردم
و اما کتاب مقاصد الصالحین، آیة عظمی قدس الله روحه حسب مقدار
وسع تکثیر نسخه‌های مخطوط نموده و لیکن موفق بطبع آن نشده اند.
این حقیر سراپا تقصیر با اینکه دیگر موفور مزبوره باقی نمانده است
که هوا داشته باشد تا چه رسد باینکه از عایدی این کتاب بطبع رسد
معذلک خوش داشتم که جبران اینکه پدران من تمکن طبع این کتاب را نداشته اند
این حقیر برای ترویج ارواح آنان بمقدار وسع نشر دهم که هم آثاری از مؤلف
معظم له باقی بماند و هم این نشر خیری برای پدران محترم باشد. و چون
وسیله طبع نبود بهمین اندازه اکتفا نمودم که فهرستی برای این کتاب
بکنم تا مطالب آن سهل التناول باشد و نسخه‌ای از نسخه‌های مخطوط این
کتاب که در دسترس بود و خط آن خواناتر و زیباتر بود بقدر الامکان تکمیل
و تصحیح کنم و ضمیمه فهرست مزبور چند نسخه فتوکپی گرفته و جلد کاغذ
دیگر اهدا نمایم شاید خدای متعال جلت قدرته بعدا باین اهل خیری را توفیق
دهد که برای نشر علوی آن فکری شایسته بدارد و موفق بنشر آن بشود انشاء الله.
و در پایان لازم میدانم که اتصال نسب خود را بجد اعلی معظم له مؤلف
کتاب مزبور یادآور شوم. این حقیر حاج سید محمد ابراهیم الهی مشهور
بعالم فرزند علامه فقید سعید آقای حاج میرزا عبدالباقی مجتهد شیرازی
متوفی و مدفون در شیراز آرامگاه اختصاصی سنائی نزد حافظیه و ایشان
فرزند مرحوم سلطان الزمان آقای حاج میرزا محمد ابراهیم ملاباشی متوفی و مدفون
در مشهد مقدس رضوی علی مشرفها الاف التحیة والسلام در دار الضیافه

حضرت از طرف گنبد اعم و ... ایشان فرزند مرحوم حاج میرسید
محمد ملاباشی مقیم شیراز و بعد اعقاب در بیت ... متوفی در کربلای معلی
و مدفون در طاق سید ابراهیم ... شمال صحن مقدس و ایشان فرزند مرحوم علامه
آقای حاج میرزا محمد آقا ملاباشی معظم له مؤلف تألیفات عدیده بوده اند.
۱ : انوار الحقایق در علم کلام در یک جلد مفصل مطول طبع و چاپ شده
۲ : لوامع الانوار العرشیه فی شرح الصحیفة السجادیه علیه وعلی
آبائه وابنائه افضل السلام والتحیة. قسمتی از آن طبع شده است.
۳ : بحر الجواهر فارسی در اصول دین. طبع شده است.
۴ : انوار القلوب فارسی در سه جلد طبع شده است.
۵ : مقاصد الصالحین فارسی در ده جلد. مؤلفات دیگری
هم در فنون مذهبی و علمی و غیره داشته اند.
ناگفته نماند که جد اعلی آقای حاج میرسید محمد ملاباشی
رفیع الذکر فرزند علامه معظم له میرزا ... مرحمت پناه علامه
بزرگوار عبد العلم فی ... آقای حاج میرزا محمد حسن
حجة الاسلام شیرازی زعیم عالم تشیع قدس سره میباشند و این بنده خانواده
این داعی مفتخر بخاندان آنمرحوم میباشد.
در مطلب دیگر اینست ... : ۱ ـ شرح حال آنمرحوم را
مرحمت پناه محدث قمی طاب ثراه در صفحه شماره ۲۲۵ کتاب فوائد الرضویه
ذکر نموده و نیز سلسله علما ملاباشی سادات ... شیراز را مرحوم
حاج میرزا حسن فسائی مؤلف فارسنامه ناصری در صفحات
۱۱۳ و ۱۱۴ از جلد دوم کتاب مزبور که قبلا اشاره شد ونشر اند

ونیز مرجعیت پناه علامه بزرگ حاج آقا بزرگ طهرانی قدس سره در کتاب
الذریعه مرحوم حاشیه اند ومرحوم فرصت الدوله حسینی در کتاب
آثار عجم در صفحه ۴۷۲ بیان نموده اند.

۲ - از مرحوم علامه والد ماجد آقای حاج سید عبد الباقی قدس سره
شنیدم که جنازه مرحوم حاج محمد حسن قزوینی مجتهد اصولی طاب ثراه
سابق الذکر باعتبات قدس فرستاده شد وموقعیکه جنازه را حرکت دادند
مرحوم جد امجد اعلی علامه آقای حاج میرزا محمد باقر ملا باشی مؤلف
تألیفات فوق بدرقه وتشییع جنازه می نمودند. ملاحظه کردند که جنازه را
بسرعت می برند. خطاب به جنازه فرمودند که تند مرو تا ما هم بشما برسیم
وبعد از زمان بسیار اندکی آنمرحوم رحلت فرمودند. وبنا بود جنازه
ایشان را هم بعتبات عالیات ببرند اهالی شیراز خواهش کردند که در
شیراز دفن شوند تا از زیارت آن بهره مند گردند. لذا با اینها موافقت
شد ودر سکوی شمالی تکیه حافظیه در سرداب مخصوص دفن شدند و
بجهة شکال در تغییرات وضع تکیه حافظیه که در قرن حاضر پیش آمد
بمدفن آنمرحوم صدمه ای وارد شد. فقط سنگ روی مرقدشان
برای آنکه در بین افراد ضایع نشود بحیاط اختصاصی آرامگاه مرحمت پناه
علامه والد ماجد طاب ثراه منتقل دادیم وجنب سنگ قبر آنمرحوم نصب شده
وهر دو سنگ در یک ضریح قرار داده شده است. ووفات مرحوم جد امجد
معظم در سال ۱۲۴۹ قمری ووفات مرحوم آقای والد ماجد طاب ثراهما
در سال ۱۳۵۳ قمری ۲۶ ماه شعبان است

ونیز مرحوم آقای والد ماجد نقل فرمودند از جد بزرگوارشان

آقای حاج میرزا محمد باقر ملا باشی دیدم که روز جمعه بزیارت مرحوم جد
در تکیه حافظیه رفته بودم دیدم آقای میرزا وقار فرزند مرحوم وصال
شیرازی در آنجاست ونقل نمود که وقتی بزیارت این مزار آمده بودم و
شخص زاهدی مدتی در آنجا در حجره مشغول عبادت بود. آمد سؤال
کرد که این قبر صاحبش مرحوم جد اعلی از کیست گفتم وجه سؤال
چیست گفت شب گذشته وقت تهجد بیدار شدم وبرای وضو بیرون
آمدم دیدم روشنائی بر سر این قبر میباشد آمدم ببینم کیست نزدیک
که رسیدم مانع شدند گفتم چرا مانع میشوید گفتند حالا اجازه نیست
زیرا حضرت امام محمد باقر علیه الصلوة والسلام بزیارت فرزندش
تشریف فرما شده است برگشتم مشغول کار شدم. سپس آقای میرزا
وقار معرف آنمرحوم را که عالم ربانی است برای او نموده است.

حرره الاحقر حاج سید محمد باقر آیت اللهی
. حالیه .
تاریخ چهارشنبه بیست ودوم ربیع الثانی سال
یکهزار وسیصد ونود وچهار قمری مطابق با
بیست وچهارم بهمن ماه یکهزار وسیصد و
پنجاه وسه شمسی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله والصلوة علی رسول الله وعلی آله آل الله ولعن اعدائهم اعداء الله الی لقاء یوم الله

اما بعد : فهرستی است از کتاب مقاصد الصالحین که در این اوراق نوشته میشود من بعده تعالی رب العالمین جعله بفضله زادا للقاصدین والعابدین وذخرا لی لیوم الدین بجاه محمد وآله الطاهرین صلوات الله تعالی علیهم اجمعین .

- خطبهٔ کتاب و داعی بر تالیف و نام کتاب لغایت ص ۲

تقسیم بندی کتاب به مقدمه و چهار مقصد و خاتمه و توضیح مقالات و فصول و اقسام مربوط بهر یک لغایت ص ۳

مقدمه - قسم اول در مجملی از اصول دین - بیان توحید و صفات ثبوتیه و سلبیه و بیان عدل و نبوت و امامت و معاد و روز قیامت لغایت ص ۸

قسم دوم از مقدمه - در اقسام عبادات واجبه و مستحبه لغایت ص ۹

قسم سوم از مقدمه در فضیلت ذکر لغایت ص ۱۱

دوره : در بیان اقسام ذکر - تمجید و تحمید و تهلیل و تکبیر و دعا . در اقسام دعا استعاذه - استغفار - صلوات - طلب حاجت لغایت ص ۱۲

اما آداب و شرایط دعا : پنج فصل است . پنج اول در آنچه پیش از دعا باید بجا آورد

پنج دوم : در آنچه مقارن دعا باید باشد . لغایت ص ۱۳

پنج سوم : در آنچه متاخر است از دعا و آن چهار چیز است لغایت ص ۱۴

پنج چهارم : در سبب استجابت دعا و آن سه چیز است

پنج پنجم : در حالات داعی است لغایت ص ۱۵

مقصد اول : در اعمال شبانه روزی و در آن چهارده مقاله است مقاله اول در بیان آنچه تعلق دارد بر ماهیت طلوع فجر تا طلوع آفتاب و در آن دوازده فصل است :

فصل اول : در فضیلت اول وقت است . فصل دوم : در تحقیق صبح است لغایت ص ۱۶

فصل سوم : در آداب بیت الخلاء رفتن از واجب و مستحب و مکروه و حرام لغایت ص ۱۸

اما طهارت بر دو قسم است طهارت بآب و طهارت بخاک . طهارت بآب وضو است و غسل . اما وضو و آداب آن لغایت ص ۲۰

اما غسل و آداب آن لغایت ص ۲۲

اما طهارت بخاک و آداب تیمم و احکام آن و بیان مطهرات و نجاسات لغایت ص ۲۴

فصل چهارم : در مجملی از مقدمات نماز که واجبات و منافیات و مکروهات و مستحبات نماز است لغایت ص ۲۷

فصل پنجم : در آداب و شرایط مسنونه نمازهای است لغایت ص ۲۸

فصل ششم : در بیان آداب و شرایط فریضه صبح است

آداب رفتن به مسجد و آداب دخول و خروج و اذکار و اوراد مربوط بآن لغایت ص ۴۰

تعلیم مرحوم حضرت امام جعفر صادق نماز را بر عقاب بن حمید که از اصحاب کبار است ص ۴۲

بیان حضور قلب ، اقامه و معنی لغوی لغایت ص ۴۶

آداب شروع نمودن به نماز و ترجمه سوره فاتحة الکتاب لغایت ص ۴۸

فضیلت سوره فاتحة الکتاب لغایت ص ۵۰

بقیهٔ آداب نماز و ترجمه سوره قل هو الله احد و فضیلت آن لغایت ص ۵۴

بقیه آداب نماز از رکوع و سجود و تشهد و تسلیم لغایت ص ۵۸

در بیان سجده شکر و آداب و ادعیه آن

بیان زیارت حضرت سید الشهداء امام العالمین از شهداء میدان هر نماز فریضه و دعای سعید بن جبیر لغایت ص ۶۰

فصل هفتم : در حقیقت تعقیب و فضیلت آن لغایت ص ۶۲
فصل هشتم : در تعقیبات مشترکه هر نماز و اقسام آن چهار است اذکار، ادعیه، قرآن، شکر.
قسم اول از تعقیبات تکبیر و تهلیل و تحمید و تسبیح لغایت ص ۶۴
قسم دوم از تعقیبات : استغفار، استعاذه، فخر و بری و صلوات و سلام لغایت ص ۶۷
اما سایر ادعیه مأثوره برای تعقیب از ائمه علیهم السلام و دعای عهدنامه لغایت ص ۷۱
قسم سوم از تعقیبات مشترکه هر نماز که تلاوت قرآن مجید است و بیان آنچه برای تعقیب وارد شده است لغایت ص ۷۲
بیان فضیلت تلاوت قرآن مجید و آداب و ادعیه قبل از تلاوت و ادعیه بعد از آن لغایت ص ۷۳
قسم چهارم : از تعقیبات مشترکه که شکر معبود است لغایت ص ۷۴
فصل نهم : در تعقیبات مشترکه که مابین نماز صبح و شام یعنی نماز مغرب و ادعیه مأثوره لغایت ص ۷۶
فصل دهم : در تعقیبات مختصه نماز صبح است و آن بر چهار نوع است :
نوع اول : در آنچه مختصر و یکبار است لغایت ص ۷۷
نوع دوم : در آنچه از سه مرتبه تا ده مرتبه باید خوانده شود لغایت ص ۷۸
نوع سوم : در تعقیب نماز صبح آنچه از هفتاد تا صد مرتبه است لغایت ص ۷۹
نوع چهارم : ادعیه طولانی مختصه نماز صبح : دعای معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام لغایت ص ۸۰ دعای حریق لغایت ص ۸۲
فصل یازدهم : در ادعیه وقت صباح است . چند دعای مختصر و دعای معروف به دعای صباح لغایت ص ۸۶ دعای عهدنامه و دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ص ۹۰
فصل دوازدهم : در دعاهای مشترکه بین صباح و مساء است و بر هشت نوع است :
نوع اول : ادعیه مختصره که یکبار خوانده میشود لغایت ص ۹۴
نوع دوم : از سه بار لغایت ص ۹۶

نوع اول در اغذیه و اشربه و ادعیه آن لغایت ص ۱۲۶
اما فضیلت نان و سویق و روغن و امثال آن و گوشت و تخم مرغ و اقسام سبزیها و چیزهای دیگر لغایت ص ۱۳۱
اما و اما بعض حبوبات چون برنج و نخود و عدس و لوبیا و غیره و میوه‌جات خرما، رطب، سیب، به و غیره لغایت ص ۱۳۲
اما سبزیجات ، کاسنی، تره، بادنجان و غیرها .
فضیلت ضیافت و آداب آن لغایت ص ۱۳۶
نوع دوم : در فضیلت آب و انواع آن لغایت ص ۱۳۹
نوع سوم : در آداب و ادعیه بیرون آمدن عقب حاجت سواره یا پیاده لغایت ص ۱۴۰
دعای وقت حاجت تا اول وقت ظهر که تعلق بحضرت امام زین العابدین علیه السلام دارد لغایت ص ۱۴۲
مقاله سوم : در آنچه تعلق دارد بوقت مابین زوال شمس تا نصف شب و در آن دوازده فصل است .
فصل اول : در تحقیق وقت ظهر و فضیلت و اعمال آنست لغایت ص ۱۴۴
فصل دوم : در اعمال نافله و فریضه ظهر است لغایت ص ۱۴۵
فصل سوم : در تعقیبات مختصه نماز ظهر لغایت ص ۱۴۹
فصل چهارم : در بیان وقت عصر و فضیلت و اعمال آن لغایت ص ۱۵۰
فصل پنجم : در تعقیبات مختصه نماز عصر لغایت ص ۱۵۴
فصل ششم : در بقیه ادعیه ساعات روز است که عبارت از دوازده دعا باشد ص ۱۶۰
اما دعاهای مختصر بوقت زردی آفتاب ص ۱۶۰
فصل هفتم : در آنچه متعلق است بوقت شام از فریضه و نافله و غیر آنها ص ۱۶۲
فصل هشتم : در تعقیبات مختصه نماز شام است لغایت ص ۱۶۶

نوع سوم : آنکه ده بار باید خواند لغایت ص۹۷

نوع چهارم : آنکه از صد مرتبه تا سی و پنج مرتبه باید خواند ص۹۷

نوع پنجم : ادعیه متوسطات و حکایات ص۹۸

نوع ششم : ادعیه مطولات اول دعای مشلول لغایت ص۱۰۰ دعای عبرات است لغایت ص۱۰۲ ، دعای صحیفه کامله در صباح و مساء است لغایت ص۱۰۴

نوع هفتم : سور و آیات است لغایت ص۱۰۸

مقاله دوم از مقصد اول : در اعمال مابین طلوع شمس تا زوال و در آن چهار فصل است • فصل اول : در اعمالیکه هر روز باید بجا آورد • جامه پوشیدن و عمامه بر بستن . لغایت ص۱۱۰

انگشتر بدست نمودن تا آداب آن لغایت ص۱۱۱

اما آداب خلال نمودن و سرمه کشیدن و نظر در آینه کردن و شانه نمودن و بوی خوش استعمال کردن و روغن مالیدن بر بدن و بخور کردن و گلاب استعمال نمودن و صدقه دادن لغایت ص۱۱۶

فصل دوم : در ادعیه مختصه ساعات روز است لغایت ص۱۱۸

فصل سوم : در ادعیه هر روزه که مخصوص متعلق بشب و در آن پنج نوعست

نوع اول : آنکه یکبار خوانده میشود لغایت ص۱۱۹

نوع دوم : در ادعیه در هر روز از صبح تا عصر باید خوانده شود .

نوع سوم : آنکه صد بار خوانده میشود . نوع چهارم آنکه از صد بار متجاوز است لغایت ص۱۲۱

نوع پنجم : در دعوات ایامیکه روایت شده

فصل چهارم : در ادعیه علامت حاجتمند و [illegible] آن در بیان وقت ارتفاع و آشامیدن و امثال اینها و آداب آنها در سه نوع است :

فصل نهم : در نماز شام لغایت ص۱۶۷

اما سایر اعمال بجا آوردن نماز شام و خفتن • اول نماز غفیله است و نماز ساعت غفلت و نماز هدیه ص۱۶۹

فصل دهم : در بیان وقت نماز خفتن و فضیلت اعمال متعلقه بآن لغایت ص۱۷۱

فصل یازدهم : در تعقیبات مختصه بنماز خفتن است لغایت ص۱۷۳

فصل دوازدهم : در ادعیه متعلق بوقت خوابیدن تا نصف شب و در آن پنج نوعست

نوع اول : در اوقات خوابیدن ص۱۷۴

نوع دوم : در اماکن خوابیدن لغایت ص۱۷۳

نوع سوم : در آداب خواب و ادعیه آنست لغایت ص۱۷۹

نوع چهارم : نماز و دعا برای دیدن خوابهای نیکو لغایت ص۱۸۱

نوع پنجم : سبب خواب راست و دروغ و تعبیر خواب ص۱۸۴

مقاله چهارم : در بیان ادعیه که میشود از نصف شب تا طلوع صبح پنج فصل

فصل اول : در فضیلت این وقت و برخاستن است ص۱۸۴

فصل دوم : در ادعیه ایکه بعد از برخاستن از خواب باید عمل آورد ص۱۸۵

فصل سوم : در ادعیه متعلق به نصف شب است و قبل از نماز شب باید بجا آورد ص۱۸۸

فصل چهارم : در فضیلت و آداب و ادعیه نماز شب و شفع و وتر و در نوافل ص۱۹۳

ترتیب نماز شب و نماز شفع و وتر و دعای وتر بیان اینها لغایت ص۲۰۰

فصل پنجم : در ما بین طلوع صبح و نماز آداب آن لغایت ص۲۰۵

مقصد دوم : در اعمال ایام هفته است و در آن نه فصل است

فصل اول : در اعمال شب و روز جمعه است و اعمال آن بر چهار نوع است

نوع اول : در نمازها : فضیلت صلوات در شب جمعه است لغایت ص۲۰۸

نوع دوم : سور قرآن مجید است لغایت ص۲۱۰

نوع سوم : هدیه برای اموات ص ۲۱۰
نوع چهارم : از اعمال شب جمعه است ادعیه ای . دعای یا باسط و دعای اللهم
انت رب و دعای حجب لغایت ص ۲۱۲
دعای سلمان و دعای اویس قرنی ص ۲۱۴
دعای شب جمعه و شب عرفه لغایت ص ۲۱۸
منبه ادعیه و آداب شب جمعه . دعای مقاتل و دعای جمع الدعوات و غیره لغایت ص ۲۲۰
اما آداب روز جمعه و فضائل آن و دعا و استغفار و ادان و سوره و آیه ای ص ۲۲۴
اما حمام رفتن و آداب آن لغایت ص ۲۲۵
و اما غسل روز جمعه و آداب آن و اخذ شارب و ناخن و تراشیدن سر و استعمال
طیب لغایت ص ۲۲۷
و اما زیارت حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین صلی الله علیه و علیهم اجمعین
در روز جمعه و غیر زیارت ائمه طاهرین و حضرت شهداء و زیارت قبور مؤمنین مخصوصا
پدر و مادر و فضیلت روزه لغایت ص ۲۲۸
اما نمازهای مخصوص به روز جمعه بر سه نوع است .
اول : نماز جمعه که واجب است و شرایط و آداب آن خطبه های مأثوره از
حضرت امیرالمؤمنین (ع) ، و آداب مخصوص بعد از نماز عصر روز جمعه لغایت ص ۲۳۳
نوع دوم : از نمازهای روز جمعه نمازهای نافله است بیست رکعت به چهار
مرتبه و آداب آن لغایت ص ۲۳۶
نوع سوم : نمازهای مرغبه است که بجا آوردن آن در روز جمعه موجب ثواب است ۱.
نماز حضرت پیغمبر اکرم (ص) ۲. نماز حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۳. نماز حضرت
فاطمه علیها السلام ۴. نماز حضرت امام حسن مجتبی (ع) ۵. نماز حضرت امام
حسین و سایر ائمه علیهم السلام و نماز حضرت صاحب الزمان (ع) لغایت ص ۲۴۰

نماز جناب جعفر طیار علیه السلام و غیر نماز کامله و نماز اعرابی و نماز حاجت در روز جمعه لغایت ص ۲۴۳
و از جمله مستحبات روز جمعه دعاست : اول : دعای صحیفه علویه در روز جمعه لغایت ص ۲۴۶
دوم : دعای امام سجاد علیه السلام مطابق صحیفه سجادیه (ع) سوم : دعای
امام موسی کاظم علیه السلام چهارم : تسبیح روز جمعه است پنجم : عوذه روز جمعه
ششم : دعای عشرات لغایت ص ۲۴۶ دعای سمات لغایت ص ۲۵۲
صلوات در هر روز جمعه و هر روز ماه رمضان ص ۲۵۴
فصل دوم در اعمال شب و روز شنبه اعمال شب شنبه لغایت ص ۲۵۵
اما اعمال روز شنبه از نماز و ادعیه و غیرها لغایت ص ۲۵۸
فصل سوم : اعمال شب یکشنبه و روز آن . اما اعمال شب یکشنبه و ادعیه و
آداب آن لغایت ص ۲۶۰
اما اعمال روز یکشنبه لغایت ص ۲۶۳
فصل چهارم : در اعمال شب و روز دوشنبه و نماز و ادعیه آنها . اما شب دوشنبه
لغایت ص ۲۶۵ اما روز دوشنبه و نماز و ادعیه و آداب آن لغایت ص ۲۶۷
فصل پنجم : در اعمال شب و روز سه شنبه . اما شب آن از نماز و دعا لغایت ص ۲۷۰
و اما اعمال روز آن از نماز و دعا و تسبیح و عوذه و غیره لغایت ص ۲۷۱
فصل ششم : در اعمال و ادعیه شب و روز چهارشنبه اما شب لغایت ص ۲۷۲
اما اعمال و ادعیه و نماز روز چهارشنبه و تسبیح و عوذه لغایت ص ۲۷۶
فصل هفتم : در اعمال شب و روز پنجشنبه . اما شب لغایت ص ۲۷۸
اما اعمال روز از نماز و دعا و تسبیح و عوذه و غیره لغایت ص ۲۸۳
فصل هشتم : در طریق ختم قرآن مجید و نماز هدیه بر رسول الله صلی الله علیه و آله
و ائمه هدی علیهم السلام ص ۲۸۴
فصل نهم : در زیارات مختلفه ائمه بزرگوار علیهم الصلوة و السلام لغایت ص ۲۸۷

مقصد سوم : در نمازهایی که غیر نمازهای فریضه و نافله شب و روز است و اختصاص به جمعه و ماه و سال ندارد . فصل اول در نمازهای حاجات

قسم اول : نماز لیالی دوم : نماز یکشنبه است سوم : نماز هدیه تا ص ۲۸۹

نماز استسقاء و متفرعات آن و نماز عید فطر تا آخر ص ۲۹۳

نماز حاجات و امثال آن نماز استغاثه بحضرت فاطمه ۳۴ . نماز شکر

نماز تعقیب . نماز وسوسه نفس . نماز استغفار . نماز مظلوم . نماز مکروب . نماز استطعام . نماز گرفتگی . نماز روز اکری . نماز حمد پادشاه دنیا و آخرت ص ۲۹۶

مقصد چهارم . در حقیقت استخاره و آداب و فضیلت و انواع آن با استخاره به قرآن مجید و به تسبیح و رقاع و غیره تا آخر ص ۳۰۲

مقصد پنجم . اعمال ماهها . اول قول مشترکه هر ماه تا ص ۳۰۹

فصل دوم . در اعمال خاصه هر ماه و نظر کردن هر ماه بچیزی ص ۳۱۱

فصل سوم . در سعد و نحس ایام ماه عرب و فارسی تا آخر ص ۳۱۶

فصل چهارم . در نماز وقت نزول شمس و قمر در بروج ص ۳۱۷

فصل پنجم . در اعمالیکه برای دفع نحوست ماهها و ایام وارده شده است تا آخر ص ۳۱۸

مقصد ششم : در اعمالیکه در عرض سال بجای میآورند و در بیان معارف فضیلت

فصل اول در اعمال ماه محرم الحرام - شرح شبها و روزها و شرح شب و روز عاشورا و زیارت مخصوص روز عاشورا و زیارت عصر عاشورا ص ۳۲۰

فصل دوم : در اعمال ماه صفر المظفر و ایام و لیالی آن تا آخر ص ۳۲۳

فصل سوم : در ماه ربیع الاول است و لیالی و ایام آن مخصوص عید مولود و اعمال و زیارت و دعای روز آن تا آخر ص ۳۲۸

آداب زیارت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه طیبه و آداب آن تا آخر ص ۳۴۲

زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه افضل صلوات المصلین در روز هفدهم ربیع الاول و روز مخصوص و غیر آنها و آداب آن تا آخر ص ۳۴۵ ۳۴۷

فصل چهارم : در ماه ربیع الثانی "

فصل پنجم : در ماه جمادی الاولی "

فصل ششم : در ماه جمادی الاخره "

فصل هفتم : در ماه رجب و فضیلت و ثواب روزه و قسم اول از اعمال ماه رجب ص ۲۴۷

قسم دوم : اعمال هر شب و هر روز

قسم سوم : ادعیه مشترک است بین این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان ص ۲۴۱

قسم چهارم : ادعیه مخصوص بهر شب این ماه است

قسم پنجم : ادعیه مخصوص بهر روز این ماه است

قسم ششم : ادعیه مخصوص جمعه‌های این ماه است . لیلة الرغائب ص ۲۵۰

قسم هفتم : در ادعیه مخصوص به لیالی و ایام این ماه است . اعمال شب اول و روز اول و نماز حضرت سلمان رضی الله تعالی عنه تا آخر ص ۲۵۳

اعمال ایام البیض ماه رجب تا آخر ص ۲۵۵

اعمال استفتاح - عمل ام داود تا آخر ص ۲۵۹

اعمال عید مبعث و ادعیه آن و آخر ماه رجب تا آخر ص ۲۶۳

فصل هشتم : در فضائل ماه شعبان و اعمال آن بر سه قسم است :

اول آنکه در هر شب و هر روز ماه بی زائد بجا آورد .

دوم : ادعیه مخصوص بعض اوقات این ماه است و مناجات ائمه علیهم السلام و صلوات هر روز و شب نیمه شعبان تا آخر ص ۲۶۶

سوم : ادعیه مخصوص لیالی و ایام این ماه است تا شب چهاردهم ص ۲۶۷

اعمال شب پانزدهم شعبان شب ولادت با سعادت و ادعیه و نمازها و دعای کمیل

لغایت ص ۳۷۱
شب شانزدهم تا آخر ماه شعبان از نمازها لغایت ص ۳۹۱
و اعمال روزهای ماه شعبان و روز پانزدهم تا آخر ماه ص ۳۹۲
فصل نهم : در بیان حقیقت روزه و فضائل و آداب آن . اما بیان حقیقت و فضائل
روزه و مفطرات آن لغایت ص ۳۸۷
اما اعمال بر شش نوع است . نوع اول دعاها و تکبیر و در هر شب این ماه باید خواند
و آن بر دو قسم است . قسم اول در اعمال غیر مخصوصه است
قسم دوم : در ادعیه مخصوص بر هر شب است و نمازهای نافله و ادعیه آن ص ۳۸۹
نوع دوم : در آداب و اعمال شبهای این ماه است و آن بر سه قسم است :
قسم اول : در آداب و اعمال مشترکه هر شب است . اعمال مختصر شبها ص ۳۹۰
دعای افتتاح در هر شب لغایت ص ۳۹۳
قسم دوم : در آداب و ادعیه سحرات ص ۳۹۵
دعای ابوحمزه ثمالی رضی الله تعالی عنه و دعای دیگر ص ۴۰۵
قسم سوم : در ادعیه مشترکه دهه آخر ماه مبارک ص ۴۰۶
نوع سوم : در ادعیه و اعمال مشترکه هر روز این ماه است ص ۴۱۹
نوع چهارم : در اعمال مخصوصه وقت . قسم اول در اعمال شبها
شب اول ماه رمضان . ادعیه و غیره و دعای صحیفه کامله ص ۴۲۲
نمازهای هر شب از اول تا آخر ص ۴۲۳
قسم دوم : در اعمال روزهای مخصوصه ماه مبارک . اعمال روز اول و دعاها و آداب آن لغایت ص ۴۲۵
اعمال های مخصوص روزها لغایت ص ۴۲۷
نوع پنجم : در اعمال شب قدر است . روز نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و شبهای دیگر آخر ماه مبارک ص ۴۳۱

فهرست کتاب مقاصد الصالحین

نوع ششم : در وداع ماه مبارک و ادعیه وداع ص ۴۳۷
اعمال و دعاهای مخصوصه دهه آخر ماه صیام لغایت ص ۴۴۰
اما کیفیت اعتکاف و احکام آن لغایت ص ۴۴۳
فصل دهم در اعمال ماه شوال است و اعمال شب عید فطر تا بعد از طلوع آفتاب ص ۴۴۷
اما اعمال روز عید فطر و دعای حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در روز عید فطر
و اما نماز عید و آداب آن و اعمال دیگر روز عید فطر ص ۴۵۰
اما زکوة فطره و احکام آن ص ۴۵۲
دعای ندبه در چهار روز . جمعه . عید فطر . عید قربان و عید غدیر ص ۴۵۶
فصل یازدهم : در ماه ذی القعدة الحرام است لغایت ص ۴۵۹
فصل دوازدهم : اعمال ماه ذی الحجة الحرام . اعمال مشترکه شب و روز دهه اول لغایت ص ۴۶۱
اعمال مخصوصه شب اول و روز اول لغایت ص ۴۶۲
فضائل حج و آداب و ادعیه مقدمات آن لغایت ص ۴۶۴
اعمال حج و عمره . بیان میقاتها و آداب احرام ص ۴۶۶
محرمات احرام نسبت بمردان و نسبت بزنان و ادعیه و آداب دخول در مکه معظمه
و بیت الله الحرام ص ۴۶۸
آداب طواف و نماز طواف و ادعیه وارده لغایت ص ۴۷۰
آداب سعی بین صفا و مروه و پس از طواف و نماز آن ص ۴۷۳
آداب احرام حج و رفتن به منی و عرفات و اعمال شب عرفه در منی لغایت ص ۴۷۷
دعای حضرت امام حسین ارواحنا فداه در روز عرفه در عرفات لغایت ص ۴۸۷
آداب کوچ نمودن از عرفات و رفتن بمشعر الحرام و اعمال بین راه و وقوف در مشعر ص ۴۸۱
اعمال منی در روز عید اضحی و ادعیه و آداب رمی و غیره ص ۴۹۳
آداب اعمال از منی بمکه مکرمه برای طواف و برگشتن در ایام تشریق و خطبه بلال و رمی جمرات ص ۴۹۳

بقیه ایام ذی الحجة الحرام و اعمال عید غدیر لغایت ص ۵۰۲
اعمال روز و شب مباهله و اعمال تا آخر ماه که آخر سال عربیت لغایت ص ۵۰۹
خاتمه : در اعمال عید نوروز . اما فضیلت آن لغایت ص ۵۱۱
اما اعمال پس دو قسم است قسم اول و دوم هفت سلام و دعاها ص ۵۱۳
قسم سوم : اعمال مزبور و غسل قبل از عمل ص ۵۱۴
قسم چهارم : در تأثیر ایام هفته و روز عید نوروز در طریق کسب حیات و آداب و احوال و حاصلات لغایت ص ۵۱۶
مقصد هفتم : در زیارات فصل اول در زیارات جامعه صغیره و کبیره لغایت ص ۵۱۷
فصل دوم : در زیارت حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آداب آن تا آخر و در او قات که زیارت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در آنها مطلوب و مسنونه است لغایت ص ۵۱۹
فصل سوم : در زیارات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و اوقات آن لغایت ص ۵۲۰
فصل چهارم : در زیارت ائمه اربعه علیهم الصلوة والسلام در بقیع ص ۵۲۲
فصل پنجم : در اعمال اماکن متبرکه حوالی مدینه طیبه و زیارت حضرت حمزه علیه السلام و غیره ص ۵۲۶
فصل ششم : در زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه افضل صلوات المصلین .
فصل هفتم : زیارت امام حسین علیه السلام
فصل هشتم : زیارت امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام ص ۵۲۹
فصل نهم : زیارت حضرت امام رضا علیه السلام
فصل دهم : زیارت حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام و زیارت جلاله معظمه نرجس خاتون علیها السلام لغایت ص ۵۴۱
فصل یازدهم : زیارت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه و سهل مخرجه لغایت ص ۵۴۳
فصل دوازدهم : در زیارت جامعه زیارت اولاد ائمه هدی علیهم السلام و زیارت قبور لغایت ص ۵۴۶

مقصد هشتم : در استغاثات و توسلات و مناجات است مشتمل بر سه فصل
فصل اول : در استغاثات ص ۵۴۷
فصل دوم : در توسلات با اهل بیت اطهار علیهم السلام و نماز استغاثه بحضرت فاطمه زهرا علیها السلام و نماز هدیه به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ص ۵۵۱
فصل سوم : در مناجات است و مناجات خمسة عشر که منسوب بحضرت امام سجاد علیه السلام است لغایت ص ۵۶۰
مقصد نهم : در اعمالیکه اختصاص باوقات ماه و سال و هفته و روز ندارد و در آن یازده فصل است . فصل اول در نمازها و اعمالی چند که برای طلب حاجت موثر است ص ۵۶۱
فصل دوم : در اعمال طلب روزی ص ۵۶۳
فصل سوم : اعمال اداء قرض ص ۵۶۴
فصل چهارم : اعمالیکه برای نجات از سلطان جابر است ص ۵۶۵
فصل پنجم : اعمالیکه وسیله خلاصی از زندان میشود ص ۵۶۶
فصل ششم : در آداب ص ۵۶۷
فصل هفتم : در اعمال دفع هموم و غموم است ص ۵۷۰
فصل هشتم : اعمال و ادعیه دفع خوف ص ۵۷۱
فصل نهم : ادعیه و اعمال پناه بردن از شر سلاطین انس و جن و حرز ابودجانه ص ۵۷۳
فصل دهم : در پناه جستن از چشم زخم و سحر است ص ۵۷۵
فصل یازدهم : در داء هیر گمشده و گریخته است ص ۵۷۸
مقصد دهم : در تعویذات و احراز و حجب و هیاکل و اسم اعظم و اسماء حسنی است و در آن چند فصل است .
فصل اول : در معوذات . حرز حضرت جواد علیه السلام لغایت ص ۵۸۲
اما حجب : هفت است لغایت ص ۵۸۴

اما اسم اعظم با اسماء حسنی لغایت ص ۵۸۶
مقصد یازدهم : در ادعیه متفرقه . فصل اول در ادعیه مطوله
اول دعای جوشن کبیر . لغایت ص ۵۹۶
دعای مشلول . لغایت ص ۶۰۰
دعای صباح و دعای جامع ص ۶۰۲
دعای حرز یمانی لغایت ص ۶۰۸
فصل دوم : در ادعیه مختصره . دعای ناموس قدرت . دعای جلیل الشأن
دعای استغفار . دعای مهمات . دعای حاجت . دعای عجیب غریب ص ۶۱۰
نافله . دعای انبیاء و ائمه علیهم السلام . اول دعای انبیاء ص ۶۱۲
دعای پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله : در غار . در بدر . در احد . در احزاب و غیره ص ۶۱۳
اما ادعیه ائمه هدی علیهم السلام ص ۶۱۴
مقصد دوازدهم : در ادعیه و آداب نکاح است و در آن چند فصل است :
فصل اول : در فضیلت تزویج و آداب آن و چگونگی زنان با ادعیه و نماز کسیکه اراده
تزویج کند . لغایت ص ۶۱۶
فصل دوم : در صیغه عقد دوام و عقد منقطع . لغایت ص ۶۱۹
فصل سوم : در اعمال وقت تزویج و زفاف و اوقات آن ص ۶۲۳
فصل چهارم : در اوقات مقاربت جایز نیست
فصل پنجم : در اعمال طلب کردن فرزند شدن عقیمه شده لغایت ص ۶۲۴
فصل ششم : در اعمال طلب فرزند ص ۶۲۶
فصل هفتم : در اعمال طلب فرزند پسر و تشخیص حامله بودن زن و پسر بودن
و نیز تشخیص پسر بودن حمل و دختر بودن ص ۶۲۸
فصل هشتم : در آداب و اعمال ایام حمل . ص ۶۲۹

فصل نهم : در اعمال آسان شدن وضع حمل ص ۶۳۱
فصل دهم : در احکام وقت ولادت و بعد آن . لغایت ص ۶۳۲
فصل یازدهم : در اعمال و اوقات وقت شیر دادن و آداب از شیر باز گرفتن و آداب
تربیت اطفال تا بلوغ برسند و غیره . لغایت ص ۶۳۸
فصل دوازدهم : در آداب معاشرت با مردم و اصناف حقوق ایشان مشتمل بر نه نوع .
نوع اول : در حقوق والدین و فرزندان و حقوق فرزندان بر والدین و
مادرهای مرضعه . لغایت ص ۶۴۰
نوع دوم : حقوق زن و شوهر بر یکدیگر .
نوع سوم : در حقوق خویشان . و درجات طول عمر و کوتاهی آن
نوع چهارم : در حقوق همسایگان
نوع پنجم : در حقوق صداقت و دوستی
نوع ششم : در حقوق مؤمنان بر یکدیگر . ص ۶۴۱
نوع هفتم : در حقوق فقراء و ضعیفان و مظلومان و غیرهم . ص ۶۴۳
نوع هشتم : در فضیلت حوائج برادران و شاد کردن ایشان با طعام و اعانت و
زیارت ایشان و عیادت بیماران و سیراب نمودن آنان و هدیه رساندن با ایشان
لغایت ص ۶۴۵
نوع نهم : در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه و در بوسیدن و آداب
عطسه و نشستن و برخاستن و صحبت داشتن و مجالس ممدوحه و
مذمومه و سرگوشی کردن و راز مجلس با اکراه داشتن و مزاح کردن و خندیدن
و فضیلت ذکر خدای تعالی و حدیث و فضائل محمد و آل محمد صلی الله علیه و علیهم
اجمعین . لغایت ص ۶۵۰
مقصد سیزدهم : در اعمال و ادعیه سفر است و در آن ده فصل است :

فصل اول : در آداب سفر است و بد وجوب ایام و ساعات نیک و بد ص ۲۵۱

فصل دوم : در دفع نحوستهای سفر از تصدق و دعا . ص ۲۵۳

فصل سوم : در آداب سفر از غسل و نماز و دعا در وقت بیرون شدن . ص ۲۵۴

فصل چهارم : درباره چیزی چند که باید همراه برد . لغایت ص ۲۵۶

فصل پنجم : در آداب راه رفتن و منزل کردن و دعاهائیکه در راه و منزل باید خوانده

شود . ص ۲۵۸

فصل ششم : در آداب سفر دریا و کشتی از لجها و جزرها و نوشتن نامه ها

و آمدن از سفرها و استقبال مسافر . ص ۲۶۰

فصل هفتم : درباره نگاه داشتن بعضی از چهارپایان و سوار شدن و پیاده

رفتن و ادعیه آن و جمل اقسام و احوال . ص ۲۶۲

فصل هشتم : در اعمال پناه بردن از قطاع الطریق و شیر و سایر درندگان

و عقرب و سایر گزندگان . لغایت ص ۲۶۶

فصل نهم : در آداب تجارت و کسب . و لهذا حسن آن نقل میکرد و بیان

معیشت حسن و ترتیب بر دلخواه لغایت ص ۲۷۲

فصل دهم : در فضیلت و آداب زراعت و درخت نشاندن و درخت برداشتن و ادعیه

آن . ص ۲۷۶

اما ذکر و احکام آب و بیان مستحقین . ص ۲۷۸

مقصد چهاردهم : در اعمال و ادعیه و ادویه دفع مرضها و علتها و دردها

چند فصل است . فصل اول : در بعض حالات بدن . لغایت ص ۲۸۱

فصل دوم : در ثواب بیماری و صبر بر آن ص ۲۸۲

فصل سوم : در بیان انواع تداوی و بیان رجوع به اطباء . ص ۲۸۳

فصل چهارم : در بیان فضیلت و آداب حجامت و فصد . ص ۲۸۵

فصل پنجم : در ادعیه و اعمال عیادت کنندگان بیماران . ص ۲۸۶

فصل ششم : احتیاط بیمار خود باید بجا آورد

فصل هفتم : در خواص ادویه مفرده . لغایت ص ۲۸۸

فصل هشتم : در ادعیه و اعمال عامه جامعه و ادویه مرکبه نافعه .

اما اعمال و ادعیه . لغایت ص ۲۹۲

اما ادویه مرکبه . لغایت ص ۲۹۶

فصل نهم : در اقسام معالجه تب ها از ادعیه و ادویه . لغایت ص ۲۹۸

فصل دهم : در ادعیه و اعمالیکه باعث دفع انواع دردهاست . لغایت ص ۲۹۹

فصل یازدهم : در معالجه درد سر و شقیقه و زکام و صرع و اختلال دماغ و وسواس

از ادعیه و ادویه . اما ادعیه لغایت ص ۳۰۲ اما ادویه ص ۳۰۴

فصل دوازدهم : در معالجه امراض سر دیگر از ادعیه و ادویه لغایت ص ۳۱۱

فصل سیزدهم : در معالجه خنازیر و درد و جرب و ثآلیل و سعفه و حکه و جرب و امثال آن

از ادعیه و ادویه . لغایت ص ۳۱۶

فصل چهاردهم : در معالجه امراض ضعف و سل و سرفه و درد پشت و درد شکم و درد دل

و تنگی دل و درد دندان و دهان و درد شکم و درد جگر و درد معده و دفع قی و دفع اسهال

و زحیر و استسقاء . ص ۳۲۱

فصل پانزدهم . در ادعیه عضلات و درد و بواسیر و امراض مثانه و سایر امراض از ادعیه و ادویه ص ۳۲۲

فصل شانزدهم . در معالجه دفع و باطل کردن سحر ص ۳۲۵

خاتمه کتاب در احکام اموات و در آن چند فصل است فصل اول در آداب و احکام قبل از

وفات احتضار است ص ۳۲۰ . فصل دوم : در غسل دادن ص ۳۲۵ . فصل سوم . در کفن ص

۳۳۲ . فصل چهارم : در نماز بر میت است ص ۳۴۰ . فصل پنجم . در آداب دفن میت ص ۳۴۵

فصل ششم . در زیارت قبور و ثواب آن ص ۳۴۰ . آخر کتاب است

[illegible]

مقربانش در او نات حیرانی از فروغ اقتباس نار کرامت ربانی در منهاج الیقین
قرب بودت شوزان چون خلخال از نار حره مثل ام ما [illegible]
نادر عذار مهر و وز او روز بهار [illegible] اعیان خلیع دل دین و طایمان
[illegible]
[illegible] حسنوا از محنه و زبان [illegible] و فنکاه انعام [illegible]
[illegible]
[illegible] ی در حدایق [illegible] و منی و جانه و علیه و [illegible]
[illegible] راحت و لحاظ [illegible]
ان کز [illegible] نزانه عیب [illegible] دوستان [illegible]
[illegible] اکر با دشمنان نظر دارد از نعمات [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بود امر کبریائش نشیند کرد لکن بمقادان اکرمکم عند الله اتقکم [illegible]
[illegible]
بغیر سراط المستقیم شریعت مطهر نبوی [illegible] مشهود و ملحوظ و لولاک لما خلقت الافلاک
بود تعالی شانه و عم برهانه و درود نامعدود [illegible] سرودیست که خاصه
حسنات و وسایل و خلاصه عبادات و فضایل [illegible]
اوست و حضرت خالق البریات بر وی [illegible] با [illegible]
بعادات [illegible] قبول صلوات و موجب استجابت دعوات و استخلاص از ملکات
واستمداد از برکات فرموده [illegible] رسالت و ماه آسمان [illegible]
[illegible]
و خلاصه موجودات [illegible] ذات پاک آفرینش را سبب [illegible]
آدم [illegible] وصلوات بلا نهایات [illegible]
[illegible]
باعث ایجاد [illegible] روح قدس امام اعلام هدایت [illegible]
[illegible] شریعت و باعث [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ابواب [illegible]

را استعداد دریافت کلی اطلاع و بلیغ زندی عاطل کننده و فی المثل اگر عالم ربانی و
عارف حقانی بهم رسیدی که غواص فکر نیز در بحور حقایق ره نبردی در عرفان غور نمود
در ره به شاهوار در کوهر مانی را در نظر دارد حلیه گوش و هوش سامعان ملک و ملت
بادت من دست قلم نه ست ورودی چون طالب و جوینده را کرت منه
در در او به کلال سیدی و در مدیت شکسته بایی و بیان حالی کوهر مانی خود را
درج جواهر بیان دهان نهاده مهر خاموشی بر لب زدی و مرکاه تاملی متین متعمق
دقیق و مدتی مدید در تحقیق کتبی چون نحو اقاید استی را قاعدت و اجرای صحت
از بیان برداشتی و بهیچ وجه متوجه تحریر قواعد انشاد و تقریر دروس شرایع سداد
نکشتی بل المرحوم از ربان کمال مرمر قه و مرحرینه در سیاست کمال در راه خود
وبال تواری شد ازانیان نبرنامی باقی نماند نادر این اوان سعادت اقتران
که از رحمت ملک و ملت نشان و رحمت که باده بدیع جهان نسیم مرحمت جان
شقشقه تحلی خورشید وجود میمنت نمود ان بنا جهان صاحبقران و شاه
شاه با ذات کثیر الخیر و البرکات مدار نیاه مقتدا جهان و دارای دیوان فرمان
در دهان ده من اعظم سلاطین زمان و افخم خواقین ایران و تودان برازنده مسند جهانگیری
و شهریاری طرازنده اورنگ سلطنت و جهان داری عنایل مرتبه الثانی
جامع فضایل شیمه شاهی سپهر مرتبه شاهی که تابش آفتاب جمال آب افسر خورشید
آفتاب امان برکات را تابان و دل باده شاهنشاهی که تابش بهر سپهر جهان جون
مه بیان رعانه به عیاما یان قمر تابی که در وقت حسام ضرب جون بحسام برق آتش
و معرکه عزم عام مرتبه چون تمام عزم مبارک جوادی که عطای جودش جون جود
بکن صاحب احسانی که بیان احسانش چون احسان بیان بحد ابان باران
رحمتش رحمه باران سحاب نیسان بر ظلمات جهان دی منی که اکر امشداد دهر
است هر که مثنی بیاد خود کرداند و جسم ضعیف مولد خود هر فرمان دمنیت
حمه حود دستر انعام وجود که بدان و معدومات سر انجام مرتبه تمام امکان
هذلک کشتی که در عقیده خالص بندان باشان بهر نشان دولتش کرکان نشان
در ایام د دو و ضاعت جرعه کرداپار بر بط اوبی کهد و عبر از باد کرد انوا ناکر ان

که مرا که قبل زمین در روی ربانی بر نهد که سر کلاه و یسون ارسلان جمن ساز
در عرب و شرق سبر بر عاید در فتح و دیباچه و امعانی نکرده عزا انبکه در ا
حسن بی بدل و عبر از سرو کرد بخستین دو کسل و کسری مرتبه که عبر عدم
در ماند رکه حصت رد داعتبار دست عصمه اد یا لخواص بی پایان منشا
حمت رد محالک دامان حکمش زیر پنجاه کرمنه اعز السلاطین السلطان و
الخاقان متحد جحه مصطفی بتیه الاسلام و الایمان ما حی سنته لکفر و الطغیان
ما العلوک الاقطار و الامصار المؤید بتایدات الملک الجبار ابو النصر و الفتح
فتحعلی شاه قاجار لا زالت اعلام دولته مرفوعه کالشمس فی وسط النهار و جبال
خیام حشمته مشدود تا ان دا خاود و نقر روطال بعون عنصر بد و در علی مدرف
الصغار و الکبار بحق محمد و اله الاطهار الاخیار در سلک افراد بی ادی ابی کردید تصدی
بتیهها و احسان تام از حسر و کردون غلام بعرض کرد و مرتبه تقبل استعداد
و قابلیت و شعور پایه و منزلت خویش قیاس از ان کام بی واستغنا احوال هر
باب و اجدی نمود علی الخصوص سلسله جلیله سادات عالی درجات و طبقه علیه
علماء بهیه صفات کردیده ارباب صفات سخنور شعر کیمیا اثر جا و مشمول
عواطف بحد و عدخسروانه کردید پس ربه جاه و مکنه از اهل ایران که در ظل
حمایت ان شهنشه جهان بهدد سرور سرعت بفراغ بال تندرست حالی و عیش و
مست و شاد حسبت باده است که در حرمه مدارم سند کی خسرو و سیمان اسلامی
حد متکردی تحدیدی جهان امکان اشد و بای زن خود سد کی و خدمت
بر زبان نهد و مسرور بار او درج رسد که وو باستان والم و روی سنتی جلیه
بید و ل ذری و معارف عشرت را موجب بهای مشفعه و بمالش را اعتصم
باری نانند عشب و مرغد دستکه عابده بکشاد و یکتا افرشته امداد این دولت
حد ادوار دیار مراتب بیند در دو کوب بیتی علام بکت بحالعان بی بدوست نفوذ به
دانره شکاه الجواد در ترتب جهاد مسلک تمائید سیما این داعی دوام دولت قاهره خدا
دادی اعنی اعنی تحقیر تحنیر الحاج الی رحمه ربه الغنی . . . محمد باقر ب السید محمد مرتضی
الاد م و معصم است که بناده ار سایر دعاکو یان دوره عاکو بی و ثناکستری بذل نقد جان نماید

وبحمد الله تعالی خود داری وکوتاهی نکرده و بشغل دیگر نپرداخته و شکر چون ادای حق
[illegible]
که کتابی تالیف نماید مشتمل بر برخی از آداب و شرایط و سنن و فرایض و نوافل و حقیقت و
از تعقیبات مشترکه و مختصه و بعضی از زیارات و تبرک و اوراد و ادعیه و خلاصه
دعوات ساعات روز و هفته و زیارات و توسلات و استخاره و تعویذات و اعمال السنه
والسنه و خاصة شهور و ایام و ما یحتاج الیه الناس و سایر ادعیه متفرقه و کل ذلک
[illegible]
و نفیسه و مهم و مکارم و جنه و اقبال و جمال و وسایل و جامع و زاد و مصباح و
[illegible]
از آن منتفع گردیده فواید و برکات آن عاید روزگار مجسته آثار اعلیحضرت شاهنشاهی
[illegible]
بمقدمه و چهار مقصد و خاتمه مرتب گردانید مأمول از کرام ارباب صلاح
اگر سهو و نسیان و خطا و اما که لا ینفک جبلت انسانیت سیما این بی بضاعت
[illegible]
جزیل و ثواب جمیل قرار گرفتند و مرا از دعا و ادعیه اعمال را اعلیحضرت شاهنشاهی
[illegible]
بر سه قسم است قسم اول در بیان مطالبی از اصول دین که بر عوام فرض باشد قسم دوم
[illegible]
اقسام و آداب و شرایط دعا و حالات داعی است مقصد اول در اعمال شبانه روزی
و در آن چهار مقاله است مقاله اول در بیان تعقیب متعلق بما بین طلوع فجر و طلوع آفتاب
[illegible]
در تحقیق صبح و تقسیم و آداب نماز و فضیلت فصل سوم در آداب خلا و بیان
طهارت و مطهرات و نجاسات فصل چهارم در بیان مطالبی از نماز و حروف و
[illegible]
مرتبه است فصل پنجم در آداب و شرایط نماز صبح است فصل هفتم در تعقیبات

[illegible]
[illegible]
[illegible]
قسم چهارم تعقیبات است فصل نهم در بیان انجام مشترک بیان نماز صبح
تمام است فصل دهم در تعقیبات مختصه بنماز صبح است مشتمل بر چهار نوع نوع
اول انچه مختصر و کبار است نوع دوم انچه از سه تا یازده بار باید خواند نوع سوم
انچه مرتبه تا صد بار است نوع چهارم انچه مطول است فصل یازدهم در ادعیه
مختصه وقت صباح است فصل دوازدهم در دعاهای مشترکه صباح و مساء است
مشتمل بر هفت نوع نوع اول انچه مختصر و کبار است نوع دوم انچه از سه تا
ده بار باید خواند نوع سوم انچه ده مرتبه باید خواند نوع چهارم انچه از صد تا سی صد
بار باید خواند نوع پنجم انچه متوسط و کبار است نوع ششم انچه مطول است نوع هفتم
سوره ها است مقاله دوم در بیان انچه متعلق است بما بین طلوع شمس و زوال
مشتمل بر چهار فصل فصل اول در اعمالیکه مرد در بامداد باید بجا اورد از جامه پوشیدن
و عمامه بر سر بستن و انگشتری بدست کردن و سرمه کشیدن و دندان مسواک
کردن و شانه نمودن و بوی خوش استعمال کردن و روغن مالیدن و بخور کردن
و گلاب بر رو زدن و انواع کسب و تجارت و صدقه دادن و احکام و ادعیه متعلقه
بانها و فضایل آن و ادعیه مختصه است فصل دوم در ادعیه
[illegible]
[illegible]
صد بار خوانده میشود نوع چهارم انچه از یکصد تا هزار است نوع پنجم قرائت
[illegible]
واتست در بیان سفر و حالت از خانه بیرون رفتن سواره یا پیاده و انچه در اثنای راه
اتفاق افتد و برگشتن بخانه با احکام و آداب و شرایط و ادعیه انها شرعا و طبا مشتمل بر
نوع نوع اول در آداب و اقسام اغذیه و ادویه مفرده و مرکبه و مزاج و خواص
شرعا و طبا و اوقات و ظروف طعام خوردن و علت و حرمت و فضیلت ضیافت

[illegible] تعقیبات نوع
[illegible]
[illegible]
دارد بما بین زوال شمس و نصف شب مشتمل بر دوازده فصل فصل اول در تعقیبات
ظهر و فضیلت و اعمال آنست فصل دوم در اعمال نافله و فریضه ظهر است
فصل سیم در تعقیبات مختصه [illegible] وقت عصر و فضیلت
[illegible] در تعقیبات مختصه نماز عصر است فصل پنجم در [illegible]
[illegible] روز و ادعیه مختصه نزدیک غروب آفتاب و وقت شام است فصل ششم در آنچه
متعلق است بوقت شام از فریضه مغرب و نافله آن و تعقیب و وقت آنها فصل هفتم
در تعقیبات مختصه نماز شام است فصل هشتم در نافله نماز شام و سایر اعمال ما بین
شام و خفتن است فصل نهم در بیان وقت خفتن و فضیلت و اعمال متعلقه بآنست
فصل یازدهم در تعقیبات مختصه نماز خفتن است فصل دوازدهم در [illegible] متعلق بوقت
خوابست باب سیم مشتمل بر پنج نوع نوع اول در بیان اوقات خوابست نوع
[illegible] نوع چهارم
نماز و دعاهای برای دیدن خوابهای نیکوست نوع پنجم سبب خواب بد است و دفع
تعبیر خواب [illegible]
[illegible] فصل دوم در
آنچه بعد از بیدار شدن از خواب باید بعمل آورد فصل سیم در آنچه متعلق بنماز شب است
[illegible] از نماز شب باید بجا آورد فصل چهارم در فضیلت و آداب و ادعیه [illegible] رکعت
[illegible] در رکعت شفع و مفرده وتر است فصل پنجم در بیان نافله نماز صبح و [illegible]
[illegible]
[illegible] شب و روز جمعه است اما شب اعمال آن بر چهار نوع است
اول نمازهاست دوم سوره قرآنیست سیم صلوات فرستادن بر محمد و آل است چهارم
ادعیه است اما روز اعمال آن نیز بر چهار نوع است اول فضیلت و شرافت [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فصل ششم در [illegible] شب و روز چهارشنبه باید بعمل آورد فصل هفتم در بیان
اعمال شب و روز پنجشنبه است نماز و روزه و احکام و ادعیه فصل هشتم در طریق ختم
قرآن [illegible] ائمه علیهم السلام است در هر هفته فصل نهم در زیارات
متعلقه بایام هفته است مقصد سیم در نمازهائی که غیر نمازهای فریضه و نافله شبانه
روزیست و اختصاص بشب و ماه و سال ندارد و منسوبست بسببهای مخصوصه که هر
یکی از اسباب بهم رسد قیام بیکی از آن نمازها واجب یا مستحب میگردد مشتمل بر دو فصل
فصل اول [illegible]
نمازهائی چند است که واجب میشود بسبب کسوف آفتاب و خسوف ماه و وقوع زلزله
[illegible] که نشانهای آسمانی حادث شود که موجب خوف عامه خلق گردد [illegible]
[illegible]
عادی [illegible] دوم نمازی که بسبب
[illegible]
[illegible] کردن نماز [illegible] سیم نمازهائیست که در [illegible] مذکور [illegible]
ان شاء الله تعالی فصل دوم در نمازهای مستحبه است که کدام است مانند نماز استسقاء
و شرایط و آداب [illegible] نماز حاجت و نماز شکر و نماز [illegible]
[illegible]
[illegible] و نماز [illegible] مقصد چهارم در استخارات و انواع
[illegible] مشتمل بر چهار فصل فصل اول در بیان [illegible] استخاره است فصل دوم در فضیلت
[illegible] فصل [illegible] انواع استخاره است مقصد [illegible]

در اعمال این ماه است و در آن پنج فصل است فصل اول در اعمال مشترکه این ماه است فصل دوم
در اعمال مختصه به روزهای این ماه است فصل سیم در بیان سعد و نحس ایام عرب و فارسی این ماه
فصل چهارم در بیان دانستن قاعده نزول شمس و قمر است در بروج و بعضی اختیارات
فصل پنجم در اعمال ماه و نوروز و نحوست هاست مقصد سیم در اعمالی که در عرض سال باید
بجا آورد مشتمل بر دوازده فصل و خاتمه فصل اول در اعمال ماه محرم فصل دوم در اعمال ماه صفر
[illegible] فصل
در اعمالی که متعلق است به ماه جمادی الاولی فصل ششم در اعمال ماه جمادی الاخری فصل هفتم در
فضایل و اعمال ماه رجب است مشتمل بر هفت قسم قسم اول آنچه در تمام ماه باید بجا آورد
[illegible] قسم سیم آنچه
[illegible] مخصوص هر
[illegible] هفتم آنچه مخصوص بر روز از این ماه است ششم در اعمال جمعهای این ماه است
[illegible] فصل هشتم در فضایل و اعمال ماه شعبان است
و آن سه قسم است اول آنچه در همه این ماه باید بجا آورد در هر وقت که باشد دوم در آنچه
[illegible] فصل
[illegible] در بیان فضایل و حقیقت روزه و اعمال ماه مبارک رمضان است مشتمل بر شش نوع است
[illegible] و آن در اعمال غیر
مخصوصه روزی قسم دوم در اعمال مختصه به بعضی اوقات نوع دوم در اعمال شبهای این
ماه است و آن سه قسم است قسم اول در آداب و ادعیه مشترکه هر شب است قسم دوم
آداب و ادعیه سحر است قسم سیم ادعیه مشترکه در همه اوقات است نوع سیم ادعیه مشترکه
هر روز از این ماه است نوع چهارم در اعمال مختصه به اوقات معینه این ماه است مشتمل بر دو
قسم اول در اعمال مختصه شبهای معینه این ماه است قسم دوم اعمال مختصه روزهای
معینه این ماه است نوع پنجم در بیان اعمال شبهای قدر است و آن پنج است پنج اول در آنچه
مشترک است میان شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سیم است پنج دوم در اعمال مختصه
به هر شب است نوع ششم در بیان دعاهای وداع ماه مبارک و ادعیه مختصه شبهای آخر و کیفیت
اعتکاف است فصل نهم در اعمال ماه شوال است فصل دهم در اعمال ماه ذیقعده است فصل

فصل دوازدهم در اعمال ماه ذی حجه است و آن سه قسم است اول اعمالی که در دهه اول
باید بجا آورد دوم اعمالی که مشترک است میان مرتبه دهه اول و مشترک است میان همه روزها
روز عرفه سیم اعمال مختصه باین ماه است و اعمال حج و عمره و سبیل اختصار و آن دو قسم است
قسم اول در آداب سفر قسم دوم در بیان اعمال حج و عمره است خاتمه در اعمال روزه
روزها و طریق گرفتن آب به بیان را حجرات است مشتمل بر چهار قسم قسم اول در نجوم و متعلق روز
[illegible] قسم دوم [illegible]
[illegible] قسم سیم [illegible]
روزها باید بجا آورد مقصد هفتم در زیارات است مشتمل بر دوازده فصل فصل اول در زیارت حضرت
رسالت پناه و ائمه معصومین که زیارت ایشان توان کرد فصل دوم در بیان ولادت حضرت امیر و وفات
آنست فصل سیم در زیارت حضرت فاطمه و ولادت و وفات آنست فصل چهارم در زیارت ائمه اربعه
[illegible] فصل
در زیارت حضرت علی بن ابیطالب و ولادت و وفات آنست فصل هفتم در زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام و ولادت و وفات آنست فصل هشتم در زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام محمد تقی
علیهما السلام است و ولادت و وفات آن فصل نهم در زیارت حضرت امام رضا و ولادت و وفات آنست فصل
دهم در زیارت حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام است فصل یازدهم در زیارت
حضرت صاحب الامر و ولادت و وفات آنست فصل دوازدهم در زیارت نیابت و زیارت اولاد ائمه
و ثواب زیارت مؤمنین است مقصد هشتم در استغاثات و توسلات بائمه هدات و مناجات
با قاضی الحاجات است مشتمل بر سه فصل مقصد نهم در اعمال و ادعیه مخصوصه اوقات
سال که مخصوصه [illegible] مشتمل بر یازده فصل فصل اول در اعمال و ادعیه حاجات است
فصل دوم در اعمال طلب رزق است فصل سیم در اعمال ادای قرض است فصل چهارم در اعمال ایمنی
از سلطان جابر است فصل پنجم در اعمال خلاصی از زندان است فصل ششم در [illegible]
[illegible] فصل
در ادعیه پناه جستن از شر شیاطین و جن و انس است فصل [illegible] در ادعیه و اعمال پناه جستن
[illegible]
و اسم اعظم و اسماء حسنی است و در آن چند فصل است مقصد یازدهم در ادعیه منثوره متفرقه است مشتمل

[illegible] فصل [illegible] مقصد [illegible]
[illegible] فصل [illegible] مشتمل [illegible]
[illegible] خوف [illegible] مشتمل [illegible]
فصل اول در فضیلت تزویج و [illegible] و اصناف [illegible]
فصل [illegible] فصل [illegible] وقت [illegible]
[illegible]
[illegible] فصل [illegible]
[illegible] فصل [illegible] وقت ولادت [illegible] فصل [illegible]
در اعمال وقت شیر دادن و زینت کردن مولود و [illegible] فصل [illegible] در آداب
معاشرت با مردم و اصناف حقوق ایشان مشتمل بر نه نوع نوع اول در حقوق [illegible] و فرزند و
حقوق فرزند بر ایشان نوع دوم در حق زن و شوهر بر یکدیگر است نوع سیم در حقوق خویشان
[illegible] نوع [illegible] حقوق [illegible] نوع پنجم
در حقوق [illegible] نوع ششم در حقوق مؤمنان بر یکدیگر نوع هفتم در حقوق
[illegible] مسلمانان [illegible] نوع هشتم در قضای حوائج اخوان و شاد کردن [illegible] و
[illegible] نوع نهم در آداب مجالس از سلام و مصافحه و معانقه [illegible]
[illegible] و [illegible] داشتن [illegible] فصل [illegible]
[illegible] و ادعیه سفر کردن است مشتمل بر [illegible] فصل فصل اول در [illegible]
[illegible] فصل دوم در [illegible] است از [illegible]
[illegible] فصل سیم در آداب [illegible] فصل چهارم [illegible] فصل پنجم
[illegible] آداب [illegible] فصل [illegible] در آداب سفر
[illegible] فصل [illegible] در بیان [illegible] داشتن
[illegible] و بیان [illegible] احوال [illegible]
[illegible] فصل [illegible] در آداب
تجارت و کسب و بیان حرام و اقسام آن است فصل دهم در آداب و ادعیه [illegible]
[illegible]
[illegible] فصل اول در بیان [illegible] انسانی

[illegible] و مختلف شدن [illegible] فصل [illegible] و صبر کردن [illegible]
و بیان [illegible] مؤمنان فصل [illegible] در بیان انواع [illegible] و بیان [illegible] فصل [illegible]
[illegible]
فصل ششم [illegible] فصل [illegible] در بیان خواص [illegible]
[illegible] فصل [illegible]
[illegible] و ادعیه [illegible] فصل [illegible] در ادعیه و اعمالی که باعث دفع انواع دردها
[illegible] فصل [illegible] در معالجه [illegible] و صرع و [illegible] از ادعیه و
[illegible] فصل [illegible] در معالجه [illegible]
[illegible] از ادعیه و ادویه [illegible] فصل [illegible] در معالجه امراض [illegible]
و درد کمر و درد شکم و [illegible] و درد دل و [illegible] و درد [illegible]
و دفع [illegible] و درد سینه از ادعیه و [illegible] فصل [illegible]
در معالجه [illegible] و فالج و [illegible] و سایر امراض از ادعیه و ادویه [illegible]
فصل [illegible] در معالجه [illegible] در احکام [illegible] مشتمل [illegible] فصل [illegible]
[illegible] فصل [illegible] فصل [illegible]
[illegible] فصل [illegible] در بیان [illegible] فصل [illegible] در آداب [illegible]
فصل [illegible] در زیارت [illegible]
[illegible] میان علمای امامیه [illegible] معرفت [illegible]
[illegible]
[illegible] میان علما [illegible]
[illegible]
مشکل است و [illegible] مشهور است و [illegible] دلیل [illegible]
[illegible]
کافیست در حصول ایمان [illegible] تصدیق و اذعان [illegible]
یعنی تصدیق [illegible] محمد مصطفی [illegible] امیر
المؤمنین علی بن ابی طالب بعد از [illegible] فصل [illegible] حضرت [illegible]

و بعد از او باشد [illegible] دلیل بهم رسیده باشد
یا محض تقلید باشد یا بحسب اتفاق و عادت [illegible] واقع شده باشد
[illegible] و حقیقت جمیع [illegible]
[illegible] خبر داده [illegible] حضرت
[illegible] اسلام [illegible] اظهار کلمتین شهادتین
[illegible] دلیل [illegible] بلکه [illegible] عوام [illegible]
[illegible] لازم می‌آید [illegible] موقوف [illegible]
[illegible] مشهور است [illegible]
[illegible] عوام [illegible] است
[illegible] اصول دین [illegible] توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد [illegible]
[illegible] موجود است و وجود او واجب است به دلیل آنکه
[illegible]
[illegible]
[illegible] به دلیل آنکه هر چه هست خدا او را خلق کرده [illegible] موجود [illegible]
[illegible] خلق کرده [illegible] خدا است [illegible]
[illegible] متکلمین [illegible]
[illegible] دلیل حکما اینست که اگر [illegible] واجب باشد لازم می‌آید [illegible]
[illegible] باطل است پس [illegible] واجب باشد [illegible]
[illegible] خالی از این نخواهد بود
[illegible]
[illegible]
[illegible] موقوف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لازم می‌آید [illegible] فساد [illegible] باطل [illegible]

[illegible]
آن جسم از برای دیگری ممکن است [illegible]
[illegible] اراده [illegible] واقع می‌شود [illegible]
[illegible] امتناع [illegible] حرکت و سکون [illegible]
[illegible] لازم می‌آید [illegible] جسم [illegible] حرکت و سکون
[illegible]
[illegible] دیگر [illegible] ممکن نباشد [illegible] سکون آن جسم [illegible]
[illegible] ترجیح بلا مرجح [illegible] باطل است [illegible] لازم می‌آید [illegible]
[illegible] باطل است پس [illegible] عالم [illegible] بلکه [illegible]
که مقام مقتضی ذکر [illegible] صفات خدای تعالی [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] به دلیل آنکه هر چیز که بذات خود موجود باشد [illegible] محتاج نباشد [illegible]
[illegible] مستقل باشد [illegible] وجودش باید که فنا و عدم [illegible] ذات [illegible]
[illegible] ماضی و مستقبل [illegible] لا یزال [illegible]
[illegible] ثابت [illegible] عام است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] موجودات [illegible] مخصوصه [illegible]
[illegible]
[illegible] و معنی اراده [illegible] خدای تعالی [illegible]
که [illegible] موجودات است [illegible] مخصوص [illegible]
[illegible] موجود [illegible]
[illegible] به دلیل آنکه خدای تعالی عالم است به همه چیز [illegible]

[illegible] آنکه متکلم است [illegible]
[illegible] حضرت موسی علی نبینا و آله السلام حرف
[illegible] کلام است و کلام است مگر
الفاظ مسموعه مفرزه هفتم و هشتم آنکه سمیع و بصیر است یعنی شنوا است و بیند
[illegible] است هر چیز را [illegible]
[illegible]
زمین و در آن [illegible] خدای تعالی عالم مسموعات و مبصرات [illegible]
[illegible]
ذات داشته باشد بدلیل آنکه خدای تعالی عالم است به همه چیز و از جمله [illegible]
[illegible]
بدانکه بعضی از فضلا اختلاف در صفات حق تعالی کرده که این مختصر جای ذکر آن نیست
و اما سلبیه یعنی صفاتی که حق تعالی از آنها منزه و مبرا است بسیار است از آنجمله هشت
را در مجموعه مسطور کردیم اول آنکه خدای تعالی جسم نیست یعنی طول و عرض و عمق
ندارد بدلیل آنکه هر چیز که طول و عرض و عمق دارد صاحب اجزا است و صاحب اجزا محتاج
باجزاست و احتیاج نشان نقصان است و نقصان بر خدای تعالی روا نیست دوم آنکه مرکب نیست
[illegible] سیم آنکه جوهر و عرض نیست بدلیل آنکه جوهر و عرض از اقسام ممکن است
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
نیست [illegible] چهارم آنکه در مکان و جهت نیست بدلیل آنکه هر چیز که در مکان
[illegible]
[illegible]
شود بدلیل آنکه جواز حلول مستلزم نقص است زیرا که لازم دارد احتیاج حال را بر محل [illegible]

و به عکس و نقص بر خدای تعالی روا نیست هفتم آنکه صفات خدای تعالی زاید بر ذات او
نیست [illegible]
[illegible]
دیگر از [illegible] الهی منزه میگردد [illegible] صفت زاید بر ذات بدلیل آنکه [illegible]
[illegible]
شریک ندارد بدلیل آنکه تعدد [illegible] مستلزم فساد است چنانکه مذکور شد
دوم از اصول دین عدل است و معنی این آنست که خدا عادل است و ظالم نیست و [illegible]
میکند [illegible] بدلیل آنکه ظلم نقص است و بر خدا روا نیست و باید اعتقاد
این باشد که عباد در افعال خود از طاعات و معاصی مجبور نیستند [illegible]
[illegible]
بل امر بین امرین [illegible] سیم از اصول دین نبوت است و معنی این آنست که محمد بن
عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف پیغمبر و فرستاده خدا است بسوی خلق
و هر چه از خدا بخلق رسانیده همه حق است بدلیل آنکه دعوای نبوت کرد و بر طبق دعوی
خود معجزه آورد و [illegible] خاتم جمیع پیغمبران است [illegible] بعد از
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و خطا موجب رفع وثوق و اعتماد است بر قول ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت علی بن الحسین و بعد از آن فرزند آن حضرت امام محمد باقر و بعد از آن فرزند [illegible]

حضرت [illegible] جعفر صادق [illegible] و بعد از او فرزندش حضرت امام موسی کاظم و بعد از او
فرزندش حضرت امام علی بن موسی الرضا و بعد از او فرزندش حضرت [illegible] محمد تقی و بعد
[illegible] حضرت امام علی نقی و بعد از او فرزندش حضرت امام حسن عسکری
و بعد از او فرزندش حضرت صاحب الزمان محمد مهدی است که مؤمنان انتظار فرج او
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] بود از رسیدن فیض وجود آنحضرت بمردم و این ائمه اثنی عشر علیهم صلوات الله
[illegible] و امامت [illegible] و ائمه [illegible]
خلق و هر که در امور شرع از ایشان بعد [illegible] روایات و احادیثی که از ایشان بتواتر
رسیده عمل کرد نجات یافت و هر که بعنوان [illegible] و هر که در یکی از امور شرعیه
[illegible]
و غوایت فرو رفت و دلیل بر امامت این دوازده امام آنکه [illegible] امامت [illegible]
[illegible]
و واجبست تصدیق و عمل بآن [illegible] از اصول دین معاد است یعنی [illegible] خبر داده که
موت یعنی مفارقت روح از بدن حق است و سؤال منکر و نکیر و صراط و میزان و حساب
[illegible]
[illegible] در قرآن مجید مذکور است و زنده کردن مردگان در روز قیامت از برای حساب حق است
[illegible]
[illegible]
و سایر ائمه هدی علیهم السلام که در مقام شفاعت که در [illegible] محمد مقام محمود از آن
[illegible]
داشته باشد شفاعت خواهد بود و حضرت امیر [illegible] کوثر با حضرت رسالت
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کتب سماویه بر حق است تصدیق و واجبست اعتقاد کردن بجمیع آنچه پیغمبر از آن
خبر داده [illegible] و کتب سماویه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
های یکانه دویم آنچه مکرر میشود در هر سال مانند زکوة و روزه سیم آنچه لازم میشود
[illegible]
[illegible] دیگر یکی واجب دیگری
مستحب و واجب بر دو قسم است اول واجب باصل شرع از غیر سببی مانند نماز
یکانه و روزه ماه رمضان و زکوة اموال و حج اسلام دویم واجب بسببی مثل نذر
[illegible]
ایام [illegible] و غیر ذلک دویم مستحب [illegible] الترغیب [illegible] مثل نمازهای مرغبه [illegible]
نماز تسبیح و غیر ذلک و مثل ترغیب در روزه نماز و صدقه و غیره [illegible]
و کراهت [illegible] اسنادیکه بسبب [illegible]
[illegible]
[illegible]
بطریق [illegible] مناسب [illegible]
[illegible]
[illegible] باقی عبادات مثل روزه کمیساقط میشود [illegible]
و عطش [illegible] که بجای روزه آن [illegible] قسم سیم از مقدمه در فضیلت ذکر
[illegible]
در فضیلت [illegible] ذکر [illegible]

[illegible] قوله عز من قائل واذکر ربک اذا نسیت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] او دو برابر [illegible] انما نه خدمت آنحضرت عرض کردند
[illegible] فضل است فرمود اینکه موت ترا دریابد در حالتیکه زبان تو گویا
[illegible]
[illegible] حسرت [illegible]
و از حضرت صادق مرویست که خدای تعالی میفرماید کسی که ذکر کند مرا در خفیه
[illegible]
[illegible] که حد و نهایتی ندارد و خدای تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible] ولعب [illegible]
[illegible] که خدای تعالی راضی [illegible]
[illegible] بعد از آن [illegible] یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible] بود در آن قرائت قرآن

قرآن و ذکر خدا بسیار میشود خیر و برکت در آن [illegible] میشود و ملائکه [illegible]
[illegible] و روشنی [illegible]
[illegible] که در آن قرائت قرآن و ذکر نمیشود کم میشود برکت [illegible]
[illegible]
شما را بهترین اعمال شما و ارفع اعمال شما [illegible]
[illegible]
[illegible] ملاقات کنید
اعدای خود را [illegible] عرض کردند بلی یا رسول الله فرمود ذکر کنید
خدا را [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر و دعا [illegible] زیاد کردن [illegible]
[illegible]
خدا [illegible] از حضرت رسول منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
زیرا که [illegible] حضرت رسول [illegible]

هو همد بود که حمد خدا کرده باشد و دانکار و پنهان دیگر تهلیل است و مراد از ان نفی
معبودست و اثبات معبود بحق چنانکه بگوید لا اله الا الله از حضرت رسول روایت
[illegible] عبادات بهتر [illegible] باشد که این کلمه چسبیده بزبان [illegible] اگر
[illegible] در وقت [illegible] روز قدوس [illegible] دیگر
[illegible] خداست از همه اشیا چنانکه بگوید الله اکبر روایت
[illegible] ست آزاد کردن بنده مرکا [illegible] بجای [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روایت [illegible] که
مرجه [illegible] دعا سلاح مؤمن است و ستون دین و نور آسمان و زمین
[illegible] الکم [illegible] که از دشمنان [illegible] و دوزخ [illegible]
[illegible] لله فرمود شب و روز دعا کنید که دعا سلاح
[illegible] ست که از دعا عاجز باشد و بخیل ترین مردم کسی است
[illegible] روایت شده [illegible] دعای [illegible]
[illegible] رفته است قسم اول استعاذه یعنی پناه
[illegible] أعوذ بالله من الشیطان الرجیم قسم دوم
[illegible] ست و جناب قدس الهی چنانکه بگوید استغفر
[illegible] الله از حضرت رسول منقول که هر چیزی را دوائیست و دوای گناه
استغفارست و نیز آنحضرت فرمود که هر که بسیار استغفار کند خدای تعالی او را از
[illegible] قسم سیم
[illegible] آنست و آن عبارت از درود و ثناست چنانچه بگوید اللهم صل
[illegible] قسم چهارم طلب حاجت است مثلا از امام جعفر صادق روایت که
فرمود حضرت عزت جلت عظمته حاجات شما را میداند و لیکن دوست میدارد که
حاجات خود را عرض کنید و حق تعالی مکروه میدارد که کسی حاجت خود را از خلق
کند و اما آداب و شرایط آن بر چند نوع است نوع اول در اینچه پیش از دعا بعمل باید آورد

[illegible]
[illegible] حسن
طریقه او در اجابت دعا قسم سؤال نکردن از خدا امری محال [illegible]
[illegible] باشد مثل خواهش کردن منازل و درجات انبیا و ائمه صلوات الله علیهم السلام
قسم اجتناب از حرام در ماکول و مشروب و ملبوس و مکسب و [illegible] و اسد
[illegible] و رکوع و دوم [illegible] اقل [illegible] بخدای درود [illegible]
اول الحاح و جد کردن و ملول نشدن در [illegible] اجابت دوم نام بردن
حاجت سیم آهسته و پنهان دعا کردن که از احتمال [illegible] دور تر است چهارم
[illegible]
خشوع و خضوع [illegible] تمجید [illegible]
و کفتن یا من هو اقرب الی من حبل [illegible]
و درود بحضرت [illegible] گفتن [illegible]
[illegible]
از برای برادران مؤمن و التماس دعا از ایشان کردن سیزدهم مقدم داشتن دعای
[illegible] امام جعفر صادق علیه السلام
که شخصی سؤال کرد از آنحضرت که من دو آیه در کلام الله دیده ام که انچه از ایشان
[illegible] آنحضرت فرمود کدام است آن دو آیه عرض کرد یکی ادعونی استجب لکم یعنی
[illegible]
[illegible]
حضرت فرمود که من ترا آگاه میسازم [illegible] که دعا مشروط است با آنکه اول
تمجید و تحمید و تسبیح حق تعالی [illegible] یاد کرده شکر آنها ادا کرده بعد صلوات
بر رسول [illegible] بعد از آن گناهان خود را اعتراف کرده از آنها استغفار کند
[illegible]
فرمود آیه دیگر کدام است گفت و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه یعنی انچه شما صدقه میدهید
حق تعالی عوض میدهد و حال آنکه صدقه میدهیم و عوض نمی یابیم حضرت فرمود اگر

از مال حلال و کسب حلال صادقه بهیداند خدای تعالی عوض بدهد نوع سیم بجهة
ملاحظات از دعا و ان چهار چیز است اول مکرر ساختن و عالم امتحان مشود و بخواه
[illegible] ما شاء الله لا حول
[illegible] لله المانع بقدرته خلقه و انا الیه بها سلطانه
[illegible] راحمه و راحبك
[illegible]
[illegible] علی محمد و
[illegible] و ان غنی
[illegible]
اجابت دعا است و از اجع میشود به چیز اول وقت دعا مانند شب و روز جمعه
و وقتی که امام فارغ شود از خطبه و وقتی که نصف قرص آفتاب غروب کرده در روز
[illegible]
[illegible] و اخر شبهای جمادی کہ شب غره رجب و نصف شعبان و شب عید
[illegible] ماه رجب و ماه رمضان
[illegible]
هفتم از هر شب و نزد دمیدن و نزد آمدن باران و نزد طلوع فجر تا طلوع آفتاب
[illegible] یا ایها الکافرون در وقت طلوع شمس روز جمعه و [illegible]
[illegible] و در وقت ختم قرآن خواندن
دوم آنکه بعض جاهای با فضیلت عرفات و مشعر الحرام و حرم و مروه و صفا و خانه کعبه
و مقاوم و مساجد خصوصا مسجد الاقصی و مشهد حضرت رسول و مرقد مقدس حضرت و
مقام انبیا و مشاهد ائمه خصوصا مشهد شهید کربلا ابی عبد الله الحسین بسند
صحیح روایت که خدای تعالی عوض شهادت سید الشهدا چهار چیز با وی عطا فرموده شفا در
تربت و اجابت دعا تحت قبه [illegible]
که زائران بقصد زیارت او [illegible]
[illegible]

[illegible] و عقب تلاوت قرآن خصوصا ختم آن
[illegible]
[illegible] عبادت [illegible]
[illegible] روایت که دعای [illegible]
[illegible]
و در دل او هیچ خطور نکند از امور دنیا و کسی که بار نخلد
وکسی که طهارت کند و در جای خود نشسته انتظار نماز کند و مظلوم و مسافر و
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مقصد [illegible] شبانروزی و در آن چهار مقاله است مقاله اولی در بیان
که [illegible] طلوع آفتاب [illegible] فضل است فضل اول
در [illegible] وقت از آیات و روایات اما آیات قول
[illegible]
[illegible]
از آنجمله از حضرت امام جعفر صادق روایت که فرمود خدای تعالی دعا را
بندگان دوست میدارد [illegible] دعا کنید از صبح تا طلوع آفتاب بدرستی که
حضرت عزت جل و علا در این ساعت درهای آسمان را میگشاید و روزی خلقان قسمت
میکند و حاجتهای عظیم را بر می آرد پس هر کس که این وقت شریف را عبادت و
دعوت در یابد هر حاجتی که داشته باشد بر آید و نصیب از روزی یابد و هر که در آن
غفلت کند باید از حصول ما مول و رزق مقسوم محروم ماند و این خواب شوم است
[illegible]
از امیر المومنین منقولست که طلب کنید روزی را در ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب
[illegible]
قسمت میکند روزی را در میان بندگان خود و از حضرت رسول مرویست که در باب

وبعد از ذکر خدا کردن بهتر است از شمشیر زدن در راه خدا ایضا از آنحضرت [illegible]
[illegible] آفتاب و بعد از غروب آن ساعت اجابت دعا است و از حضرت امام
[illegible] مروی است که [illegible] شکر [illegible] وقت [illegible]
[illegible]
[illegible] فصل دوم در تحقیق صبح است و تقسیم و تحدید صادق و آن
موقوف [illegible] است و آن اینست که [illegible] بخار عبارت از هوا آمیخته است
شده از اجزای ارضیه و مائیه که بسبب حرارت مرتفع شود و این کره بخار محیط است بکره
آب که بمنزله یک کره اند از جهت جواب و بعد سطح محدب او از سطح ارض [illegible] فرسخ است
تقریبا چنانکه صاحب [illegible] در مباحث معاد و اجرام بیان کرده و چون زمین جسم کثیفی است
[illegible]
[illegible] این ظل بشکل مخروطی مستدیر باشد و رأس این مخروط در فلک زهره بود [illegible]
این مخروط دائما در سطح منطقه البروج و اجزای سطح این مخروط داخل کره بخار شده [illegible]
[illegible]
[illegible] چون آفتاب تحت الارض بود این مخروط فوق الارض بود و شب عبارت از آن
ظلمت و بعد از تقدیم این مقدمه میگوئیم در نصف اللیل رأس مخروط ظل در دایره نصف النهار
[illegible] چون آفتاب قریب تر شود
مخروط با افق غربی [illegible] سطح مخروط که ملاصق کره بخار است از جانب مشرق
شود فوق دائره افق [illegible] مستطیل گویند [illegible]
[illegible]
آن دم کاذب مستطیل می نامند [illegible] و بلندی که دارد [illegible]
نامیده اند باعتبار [illegible]
[illegible]
و آن دم را صبح صادق نامیده اند [illegible]
[illegible]
فصل سیم در آداب خلا رفتن و بیان طهارة و مطهرات و نجاسات است اما آداب

آداب خلا رفتن از واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات اما واجبات اول
پوشیدن عورتین است یعنی قبل و دبر از ناظر محترم یعنی جز شوهر و زن [illegible]
از کسی که وطی او توان کرد و نه از اطفال که تمیز نداشته باشند و نیز از [illegible]
[illegible]
[illegible] بکلوخ چنانکه مذهب [illegible]
[illegible]
بکلوخ و لته و پنبه و امثال آن ظاهر می توان کرد هر چند آب [illegible] باشد و کافی نیست
کمتر از سه سنگ هر چند زوال [illegible] شود [illegible]
نیست یک سنگ سه گوشه [illegible] و اگر به سه زوال [illegible]
زیاده تا زوال [illegible] باید و مستحب است طاق بودن آن و اگر [illegible] آلوده شده باشد
واجب است شستن با آب [illegible]
[illegible] اما محرمات
اول مخرج را بسرگین پاک کردن هر چند حلال گوشت باشد دوم بخوردنی پاک
[illegible]
و کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر یا ائمه هدی علیهم السلام در آن
[illegible]
باشند و خوف آن باشد که نجس شود [illegible] مستعمل [illegible]
هر چند پاک باشد و هر گاه استعمال نماید [illegible]
بود با آنکه اشکال است [illegible] اما مستحبات [illegible]
آنکه تمام بدن را بپوشاند یا آنکه پنهان شود در خانه یا گودی و اگر در صحرا باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم
[illegible]
[illegible]
[illegible] و طریق استبرا آنست که انگشت میان دست [illegible]

[illegible] مرتبه و یکبت شهادت را ورد و کرد [illegible] یکبت
[illegible] سه مرتبه [illegible]
سه مرتبه بنشاند و این مستندی ندارد و لکن عمل بر مشهور است بجهت آنکه اول
[illegible] طهارت [illegible] و بعد از آن [illegible] اما مکروهات هشت چیز است اول رو
[illegible] یاد کردن دوم استنجا بدست راست کردن و [illegible]
[illegible] انگشتری باشد که اسم خدا در آن باشد و الحاق کرده اند
[illegible] بیان کند باشند و الاحوط [illegible]
[illegible] که در حال استنجا رو بقبله و پشت بقبله نکند و اینها
[illegible] و ستر عورت و حرمتی [illegible]
[illegible] دو دست [illegible]
[illegible] ترک [illegible]
بول کردن در حمام بول کردن در شارع یعنی راهها و در جایی که از آنجا مردم آب بردارند
[illegible] که [illegible]
دشنام دهند و لعنت کنند پنجم بول کردن در سوراخ جانوران مثل موش و مار
[illegible] داشته باشد که ملائکه در آن وقت با آن درخت
[illegible] سوم مکروهست هفتم در آب جاری
[illegible] ایستاده چنانچه در احادیث وارد شده که در آب ایستاده باعث تسلط
شیاطین میشود و مورث دیوانگی و غلبهٔ فراموشی میگردد و بهتر آنست که غایط
[illegible] مگر [illegible] کردن [illegible]
چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که ایستاده بول کند بیم آنست که دیوانه شود
[illegible]
[illegible]
رد سلام و صلوات بر پیغمبر اگر اسم آن حضرت مذکور گردد و اگر امر ضروری باشد
که اگر حرف نزند فوت شود دوم خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجا
[illegible]
[illegible] که [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] طهارت [illegible]
یکی وضو و دیگری غسل [illegible] وضو [illegible]
[illegible] غسل [illegible]
جون یا میوتی وامثال اینها ششم جنابت هفتم حیض هشتم استحاضه نهم نفاس
دهم مس میت آدمی بعد از سرد شدن و پیش از طهارت و چون [illegible] وضو نماز [illegible]
[illegible]
حضرت [illegible] فرمود اگر [illegible]
میکردانیدم بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک کنند و در حدیث دیگر فرمود که دو رکعت
نماز با مسواک بهتر است [illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
الدین عاملی در مفتاح الفلاح گفته که سزاوار است در حالت وضو استقبال قبله
[illegible] ذکر کرده [illegible]
کما انه علیهم السلام روایت شده که بهترین مجلس آنست که رو بقبله باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
باشد [illegible] اگر از غایط باشد و شیخ طوسی در مصباح گفته که اگر از
[illegible] سه مرتبه [illegible]
اول بسم الله بگوید و بعد از آن [illegible] بسم الله و بالله

اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين [illegible]
[illegible]
[illegible] سنت است که سه مرتبه مضمضه کند یعنی [illegible]
[illegible]
[illegible] ملفوظ از تلفظ است [illegible]
[illegible] در روزی که ملاقات میکنم ترا [illegible]
[illegible] مرتبه استنشاق کند یعنی سه بار آب در بینی کند
[illegible]
[illegible] از [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] ولا تسود وجهي يوم تبيض فيه الوجوه [illegible]
[illegible] که سیاه میشود در آن روز [illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible] کردن و بعد از آن جانب راست را بشوید پس جانب چپ را تا تمام [illegible]
[illegible]
چپ را بر جانب راست مقدم دارد [illegible]
است که در آب فرو برد بیک دفعه [illegible] که آب [illegible]
[illegible]
و موضعی از بدن نماند که شسته نشود و سنت است [illegible] کردن پیش از غسل
استبرا نمودن بطریقی که گذشت [illegible] سنت است شستن دستها [illegible]
[illegible] و مضمضه و استنشاق [illegible] در وضو کند
[illegible]
خواندن سورهای عزائم است یعنی سوره‌ای که در آن سجده [illegible]

[illegible]

[illegible]

دو بلیات ... قم جوان مرده که خون چند داشته باشد و در زندگی خواه کشته آن
خلاف نا شد دو خواه حرام و تفصیل اینها موجب تطویل است و این مختصر گنجایش ذکر آنها
[illegible] حروف و لحنات و ... و ...
سهویات نماز است بدانکه چون دانستن مخارج حروف ضرور است و قرا در این باب
رساله نوشته اند مناسب دانست که پیش از اشتغال بنماز عملی از اینها را بیان نماید
تا مصلی اینها را بداند و قرائت خود را درست کند پس باید دانست که جمله دندانها ...
[illegible] ... پیش است دو از
بالا و دو از پایین ... دوم رباعیات و آن نیز چهار است از چهار جانب ثنایا
دو از زیر و دو از بالا سیم انیاب که آن نیز چهار است از چهار جانب رباعیات چهارم
ضواحک که آن نیز چهار است از چهار جانب انیاب پنجم طواحن و آن دوازده است از
[illegible] ششم نواجذ است و آن چهار است از چهار جانب طواحن اما
[illegible] ... اول حلق است و اگر الف ساکن است از جوف دهن
ب از زیر لب ... از حنک ... و دو ... از سر زبان تا بیخ ثنایای بالا ث و ذ
[illegible]
[illegible]
ز ... سر زبان تا بیخ طواحن ... زبان تا بیخ طواحن بالا ... سر ثنایای بالا ...
[illegible]
ل کناره زبان تا بیخ ضواحک و انیاب ن سر زبان تا بیخ انیاب و رباعیات بالا
و اگر ... [illegible]
هم ... اگر ساکن ما قبل مکسور است ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
و تشهد و سلام است و ... سوای قرائت و تشهد و سلام ...
[illegible]
[illegible]

[illegible]
اول ... [illegible]
بیان حروف الله و اکبر ... تعلیم الله ... اکبر ... [illegible]
[illegible]
پنج است اول انتصاب دوم استقلال سیم استقرار چهارم اعتماد ...
[illegible]
[illegible] ... در هر رکعت ... دوم ... اعراب و ...
... سیم مراعات ترتیب کلمات ... چهارم موالات ...
[illegible]
وقت باشد ... عدم ... سوره بسوره دیگر اگر تجاوز از نصف کرده باشد ...
[illegible]
در باقی ... حمد و سوره ... بسمله ... اول حمد و سوره ...
هر کدام از سوره ... بسمله ... سوره ... چهارم اخراج حروف از مخارج
[illegible]
[illegible] ... زانوی او رسد دوم ذکر سبحان ربی العظیم
[illegible]
[illegible]
که از نماز خارج شود ... واجبات نماز ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... نماز ... دوم ... واجبات نماز ...
[illegible]
خواند چهارم صلوات ... صلوات ... ترتیب

هشتم و [illegible] قسم مراعات منقول هشتم اند لحیات نماز تسلیم است و واجبات ان
[illegible] است اول جلوس برای سلام [illegible] سیم السلام علیکم و رحمة الله و
برکاته [illegible] السلام [illegible] چهارم ترتیب کلمات [illegible]
[illegible] هشتم [illegible] اسماء [illegible]
عربیت [illegible] اول
[illegible] نماز [illegible] در جامع [illegible] است [illegible] اول
حدث کردن در اثنای نماز [illegible] کردن [illegible] اعراض [illegible] قبله
[illegible] شک در رکعت [illegible] دوم کردن [illegible]
[illegible] کردن [illegible] فعل کثیر [illegible]
سکوت [illegible] دوم [illegible] یک رکعت [illegible] بعد از [illegible] اری مکرر [illegible] دهم
در نماز چهار رکعتی یک رکعت زیاد کردن سهوا بشرطی که بعد از چهارم بقدر تشهد نشسته
[illegible] سیزدهم عمدا در مکان غصبی
[illegible] سهوا [illegible] کردن [illegible] دهم
[illegible] در اثنای نماز چیزی خوردن [illegible] عمدا [illegible] کرد
[illegible] کردن [illegible] عمدا [illegible]
[illegible] کردن [illegible]
قبل از قبله [illegible] کشف عورت [illegible] کردن و اما حکم [illegible]
[illegible] سوره [illegible] نیت [illegible] عمدا یا سهوا
[illegible] بعد [illegible] نماز [illegible] حکم ان باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]
شک در نماز صبح و شام و در دو رکعت اول چهار رکعتی مطلقا مبطل نماز است و در [illegible]
احکام [illegible] سوره [illegible]
[illegible] رکوع [illegible]
رکوع [illegible] سجود [illegible] نشسته [illegible]
[illegible] رکعت [illegible] دو رکعت نشسته [illegible] دوم [illegible]

مثل اول [illegible] چهار گذاشته تشهد بخواند و سلام بدهد و دو رکعت ایستاده احتیاط
سیم [illegible] جمیع صور [illegible] یک رکعت ایستاده [illegible]
[illegible] نشسته [illegible] صورت [illegible]
و سلام داده دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته [illegible] مطلقا
[illegible] رکوع [illegible] صور [illegible]
[illegible] دو رکعت نشسته [illegible]
پنج در جمیع صور باطل [illegible] پنج پیش از رکوع و بعد از سجود [illegible]
صورت [illegible]
یا دو رکعت نشسته [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] دو رکعت [illegible]
پیش از رکوع و بعد از سجود [illegible] باطل پیش از رکوع [illegible] قیام [illegible]
[illegible] سلام [illegible] رکعت [illegible] نشسته [illegible]
و سلام داده یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بگذارد و سجده سهو کند [illegible]
[illegible]
[illegible] دو رکعت [illegible] دو رکعت نشسته [illegible]
دو و شش در جمیع صور باطل است [illegible] حکم [illegible] مثل حکم شک
[illegible]
[illegible]
مثل طهارت [illegible] و استقبال قبله و ستر عورت و نیت [illegible] تشهد
و تسلیم [illegible] رکعت
[illegible] است [illegible]
فاتحه [illegible] و تسبیحات اربع [illegible] دو رکعت
[illegible]
[illegible] سهو [illegible] که در نماز ظهر [illegible]

در وقت لازم نیست و نیت نماز شب نماید سجود و بگوید در آن اللّهم صلّ علی محمّد و
محمّد [illegible] بطریق که اشهد ان لا اله
[illegible]
سلام دهد [illegible] که السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته [illegible]
هر نماز بیست [illegible] بوی خوش مالیدن و استعمال عطر نمودن چنانچه
حضرت صادق منقولست که نمازی که با بوی خوش باشد بهتر است از هفتاد نماز
که بی بوی خوش باشد [illegible] قبل از نماز [illegible]
چنانچه در حدیث [illegible] حضرت امام موسی علیه السّلام منقولست که در تفسیر این آیه کریمه
[illegible]
[illegible] شانه کردن [illegible] در حدیث دیگر [illegible]
و در حدیث معتبر منقولست که در جای نماز حضرت امام جعفر صادق شانه بود که هرگاه
[illegible] شانه می کردند و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که شانه
[illegible] شانه کردن [illegible] در حدیث دیگر [illegible] که شانه کند با خواندن [illegible]
[illegible] منقولست که [illegible] شانه کردن [illegible]
[illegible] که حضرت [illegible] شانه می کرد و در حدیث
[illegible] شانه کردن [illegible] شانه [illegible]
[illegible] شانه کند و بگوید اللّهم [illegible]
[illegible]
[illegible] علی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] در روایت دیگر وارد شده که [illegible] شانه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]

امام رضا علیه السّلام منقولست که هر که هفت مرتبه شانه [illegible] و سینه بکشد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
تا روشن شدن تمام و عزیز بودن تا طلوع آفتاب [illegible] مشغول نماز شود
[illegible]
که کسی که به مسجد برود [illegible] و بر خشکی [illegible] تسبیح میکند از [illegible]
تا طبقه هفتم زمین و روایت شده که یک نماز در مسجد الحرام برابر صد هزار نماز است [illegible]
نبی صلّی الله علیه و آله برابر ده هزار نماز و در مسجد کوفه برابر هزار نماز و در مسجد جامع
صد نماز و در مسجد قبیله برابر بیست و پنج نماز و در مسجد بازار برابر دوازده نماز است و در
خانه [illegible] نماز [illegible] و در حدیث [illegible] از حضرت [illegible] روایت شده که چون [illegible]
[illegible]
[illegible] علیه السّلام [illegible] از آن حضرت [illegible] که هر که [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] از خانه بگوید [illegible] الّذی خلقنی فهو یهدین [illegible]
[illegible]
[illegible] بهشت [illegible] بهشت و هرگاه بگوید [illegible]
[illegible]
[illegible] سعد [illegible] و هرگاه بگوید [illegible]
[illegible]
بگوید رب هب لی حکما و الحقنی بالصّالحین [illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] گذشته [illegible] و هرگاه بگوید و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] كلماتك وتكلّمت على الله ولا حول ولا قوة الا بالله [illegible]
[illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اكر [illegible] ست نكويد لا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مجملا ذكر [illegible]
تفصيل [illegible] لازم [illegible] در عبادات افضل از نماز نمی باشد محمد بن يعقوب كلينى
بسند صحيح از حماد بن عيسى جهنى كه از اهل بصره است و منسوبست بقبيلهٔ جهينه [illegible]
جليل القدر است و از جملهٔ ثقات راويان شيعهٔ اثنی عشريه [illegible] امام جعفر صادق و امام
موسى كاظم و امام رضا عليهم السلام رسيده و از هر سهٔ ايشان صلوات الله عليهم احاديث [illegible]
كرده [illegible] روايت [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق عليه السلام رسيدم فرمود [illegible]
[illegible] كتاب حريز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الله اكبر كفتند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
زانو [illegible] انكشتان [illegible] بعد از ان سر از سجده برداشتند [illegible]
راست نشستند [illegible] الله اكبر بعد از ان [illegible]
[illegible]
[illegible] الاعلى وبحمده و سر از سجده برداشتند و بعد از فراغ
[illegible] انكشتان [illegible]
[illegible] لا اله الا الله وحده لا شريك له [illegible]
[illegible] آل محمد [illegible] تشهد فارغ شدند سلام
[illegible] ابن حبيب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] مالکست که زنار سنت است که ... [illegible] عادتی که عبادت از کلام
[illegible] اعضاء عضوی دیگر که ذرات از آن سنت استعمال ...
[illegible] وبال کند ... قرار دادن که سنت است زن ... [illegible]
[illegible]
[illegible] سنن دستها و سر زانو که نماز ... [illegible]
[illegible]
[illegible] رسید مرسلت این بود که ذات نماز را دانسته ... [illegible]
[illegible] خود را اعاده بکن بلکه ... [illegible]
[illegible] ونکی نیست که کمال صورت ... است وچنانچه ...
[illegible] ... خضوع وخشوع ... لی بدارد ومثل
[illegible] ... باشند ... این قول امام است که
[illegible] لی که از شارع ... بر پای داشتند ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ودر مرتبه معنی ... آنست که خداوند عالم
[illegible] ... کرده شود ودر ذهن وخیال ... ورده
[illegible] ... مسئله که ... عز او تعالی مخلوق ... او است
[illegible] ... ست نه خالق ... پس صحیح است که خدا
[illegible]
[illegible] ... در ذهن وخیال ...
[illegible] ... حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود کلما
[illegible]
[illegible] ... مخلوقیت ومصنوعیت مثل نماز ... سوی نماز ...
له دو قسم است یکی ... که دست ... ویکی ... چنانی کردن

له ذهن ... واز آن ... ومع ... نیست میان دو ... بودن بلکه ...
... شود مثلا که ... بخلاف ... [illegible]
[illegible]
بدرستی که خدای ... پنهانست از نظر دانش عقول هم چنانکه پنهانست از دیده ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... منافی ... جانب ... شاعر ... آنچه ... از آن ...
... نیست ودیگری ... چیزی که ... باشد ...
... استعمال صفات پس صفات ثبوتی وسلبی که ... صفات ...
[illegible]
[illegible]
... نیست چنانکه افضل الدین کاشی ... ملخص ...
[illegible]
[illegible]
پس ... است این است که ... عناد ... که جناب ... لیس کمثله ...
ذات وصفات ... ومع ... مثل وخالی ... ذات ...
[illegible]
[illegible]
... ویا اشاره است بسوی ... که ... مردم ...
... بلند میکند ... بلند کردن دست ...
... ویار ... دستگیر ... دستگیر ویا ...
... چنانچه حدیث است که در ... مردم دستهای
... میکند که ... اشهد ان لا اله الا الله ...
شهادت میدهم بانکه نیست خدائی مستحق پرستش ...
... معنی ... واله تعالی است معنی
معقول ... باشد ... مذهب

اما ... است واما ... صاحب کشاف است که او اسم لای نفی جنس است و این
منونست ... کرده با آنکه او موصوف میشود و وصف واقع میشود چنانچه الله
میگویند ونفی اله میگویند ومبنی است بر فتح زیرا که اسم لای نفی جنس واقع شده
[illegible]
[illegible]
که دفع است ... زیرا که عمل لا بواسطه معنی نفی است و ...
[illegible]
... که آن خبر محذوف ... کلمه دلالت بر وجود الله تعالی ...
[illegible]
... وجود ... که ... باشد و اگر کوئی ...
... است که ... میگویند ... الا ...
[illegible]
[illegible]
... این مقام و امثال آن احتیاج ...
... است ... است که الله
... واو ... خواسته که ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... کلمه کریمه ... است که حروف آن از
[illegible]
... که ذکر خفی که ارباب حال را مقصود است در ان
... فان شعری که محتاج بحرکت لبها نیست ...
... تمام شود که ... حاصل شود ... بحرف الف که

الف که اشرف حروف ... است و ... حروف ... چنانچه مولای ... کرده
[illegible]
... است و ... عذاب ناری چنانچه ... لا اله الا الله حصنی فمن
دخل حصنی امن من عذابی ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بعد از ان ... اصوات ... مخصوص کردد این
مرتبه ... است ... وجود علمی ... مرتبه ...
... حروف ... است ...
است ... صورت صوتی ... کردند حروف ... در این مرتبه حروف
[illegible]
[illegible]
[illegible]
که آن الف است ... که اشاره ... است پس الف
... است ... اشاره است تمام دایره کون پس در این کلمه طیبه
[illegible]
... که الف است ... که لام است ... تمام دایره ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... محمد رسول الله است ... فرستاده شده است ... سوی خلق ...
حی علی الصلوة ... که بشتاب ... بسوی ... بشتاب بسوی فلاح ...
... بشتاب ... عمل ... الله اکبر ... تکرار ... که معلوم شود
که هم چنانکه ابتدا بانها باید شود اختتام بانها باید شود ... از اذان

[illegible] کردن [illegible] کند انتر بتکم
و [illegible] است و [illegible]
[illegible] از اذان وا [illegible]
[illegible] در هر یک آن قول اذان و اقامه نماید
[illegible] ولی الله جزو اذان و اقامه نیست اگر بگوید
[illegible]
[illegible] خدا وند [illegible] ثم رسوله مستقرا و قرارا یعنی خداوند
[illegible] قرار گرفته و در ذم افزاید و بگردان از برای
[illegible] است مگر انکه
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از فعال اذان حتی انکه واجب است
[illegible] از قامه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ایستد بنماز با وقار و ارام و خضوع و خشوع
مانند غلام با اخلاص که در خدمت اقای خود بایستد از حضرت بیم و روبت که
[illegible] خشوع نه
جوارح یعنی اگر [illegible] خشوع بود دل او بخشوع بود جوارح او یعنی حرکت عبث
[illegible] اعضا اما خشوع
[illegible] که [illegible] جمیع [illegible] نماز است و اگر دل او بجای دیگر رود
و ذکر [illegible] دل خود را و جان نکرد که در خانه دل او غیر معبود حقیقی منزل گیرد
و اما خشوع بجوارح و اعضا انست که همگی اعضا متوجه نماز باشد و بهیچ جانب میل

جانب میل و التفات نکند و از فعل عبث اعضا را باز دارد و بگذارد دستها [illegible] را
[illegible]
کشاده و با یکدیگر که [illegible] باشد و اگر زن باشد [illegible]
کند بوضع [illegible] خود و بلند کند نگاه خود را بطرف [illegible] دو [illegible]
این اخر نماز است که در [illegible] و نماز دیگر نخواهد رسید پس نیت نماز
کند و ان قصد [illegible] است [illegible] و [illegible] و وجوب [illegible]
[illegible] که نماز ظهر چهار رکعتی [illegible] واجب قربة الی الله و مقارن
دارد نیت را بکی از [illegible] تکبیر که سنتست در اول نماز گفته شود و هر یک را
[illegible]
و [illegible] تکبیر اول [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]
از [illegible] باحرام نماز مثل احرام حج یعنی حرام میکند بر خود [illegible]
بر او حلال بوده از حرف زدن و چیز خوردن و [illegible] و [illegible] نماز
نیت با تکبیرة الاحرام انست که بدون فصل بعد از نیت تکبیر بگوید و نماز را بسته
و انکه بعضی [illegible] کمند اند که [illegible] الف شود [illegible] نیت
[illegible] الله اکبر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دستها [illegible] باشد [illegible]
من الشیطان الرجیم و [illegible] بگوید [illegible] که [illegible]

در نماز جهریه و خواه سریه بعد از آن شروع خواندن سوره حمد نماید با ترتیل
که [illegible] عبارت از [illegible] و بیان حروف است و تشدید کرده شده است
[illegible] وقت [illegible] که از برای او [illegible]
[illegible] و وقف حسن [illegible]
[illegible] الدین و وقف حسن [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و [illegible] فاتحه بر الحمد لله و
[illegible] است وقف بر بسم الله و وقف [illegible]
[illegible] و ملاحظه نماید ادای مخارج را که حروف بیکدیگر مشتبه نشود
[illegible]
[illegible]
[illegible] نماز را [illegible] و باید حاضر کند قلب خود را و تفکر در معنی
بسم الله الرحمن الرحیم یعنی ابتدا میکنم یا بانجام سوره نماز که حمد
[illegible] بنام خدا که الله است یعنی ذات مستجمع
[illegible] منزه از جمیع صفات [illegible] از همه موجودات و سزاوار پرستش
[illegible] رحمان است یعنی بخشاینده و بخشش همه عالمیان است از
[illegible] صفت دارد که رحیم است یعنی بخشاینده و نعمت دهنده
الحمد لله یعنی [illegible] که از ازل تا ابد موجود بوده و
[illegible] خداوند است که مستجمع جمیع صفات کمال است رب العالمین یعنی
[illegible] دارد که [illegible] کننده همه عالمیان است از ملک و فلک و جن و انس
[illegible] الرحمن الرحیم تاکید رحمن و رحیم مذکور در بسم الله است و [illegible]
[illegible] رحمت [illegible]
[illegible] صفات و یا جهت اشعار بعد از رحمت که [illegible] رحمن و رحیم است
[illegible] گذشتن از گناهان خود در آن روز [illegible] و یاد رحمن و رحیم [illegible]
[illegible] که بسم الله است [illegible] رحمت [illegible] و رحمت دنیاست [illegible] رحمت
[illegible] یعنی بخشاینده وجود است [illegible] دیگر در آخرت بعد از فنای اشیاء
و رحیم و بخشاینده است دیگر بار [illegible] و رحمت بر مؤمنان [illegible] ایشان [illegible]

در بهشت جاودان مالک یوم الدین [illegible] کسائی مالک است و باقی قراءت
بدون [illegible] خوانده اند یعنی [illegible] دو صورت [illegible]
بنابر اول که با الف باشد اینست که مالک [illegible] روز جزا حساب
[illegible] است [illegible] اوست [illegible]
[illegible]
با وجود آنکه خدای تعالی مالک و ملک همه چیزهاست در همه اوقات
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کمال است [illegible] جواب میگوئیم که ذکر اینها [illegible] است
میکند او را مردمان و عظیم می شمارند او را بعلت یکی از چهار چیزی باشد
[illegible]
و انعام میکند با ایشان و یا بجهت اینست که مردمان [illegible] بکثیر
احسان و جزیل [illegible] در زمان مستقبل و یا بجهت آنست که مردم میترسند از او
بعلت کمال قدرت و سطوت او پس گویا [illegible] حمد [illegible]
[illegible]
[illegible] صفات و کمال و اگر بجهت احسان و انعام و تربیت است پس هم رب العالمین
[illegible]
[illegible] صفات
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صادق باین [illegible] که میرسید [illegible] غش میکرد و بیهوش [illegible]
[illegible] عبادت [illegible]
مشکل است عبادت [illegible] و از اینست که [illegible] عبادت دال است [illegible]

کوبلفظ بسمه الله مصلی بکفر است یعنی من برح الخطاب احد بعد فرموده است
[illegible] که در جواب گفته الا آنست که بعض صنفه در شرع بعد خاص
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بی هم بر از تو استعانت میجوییم و بس نه از جز تو در همه امور حتی در عبادت از یکی
[illegible]
[illegible]
[illegible] دیگران متوسل نشوی و چون صدق در این قول مستلزم
[illegible] و اعلم این مرتبه دور از حقیقت شروع در دعا نموده
[illegible] باشد
تا از التفات غیر از تو را دکننده شدی کرفتار تو کردیم جز تو ندانیم و جز تو نخواهیم
[illegible]
[illegible]
و اول دست که کمال ایمان با قرار و لیقان بر ولایت انبیا و اوصیا و متابعت ایشان
[illegible]
[illegible]
[illegible] یعنی راه راست آنانکه انعام کرده بر ایشان و این مرد دل القرقه است
[illegible] چون در این آیه [illegible]
[illegible] که برای دشمنان خدا که نه رکنی همی از آن
[illegible] المغضوب علیهم و لا الضالین یعنی نه آنانکه خشم کرده
[illegible]

وار حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اول اصحاب مند و ثانی صعقا المغول
[illegible]
را حق بدرفته و مخالفت اهل بیت رسالت نموده اند مانند سلفا و علمای اهل
و دیگر یا آنکه جهل و نادانی مخالفت کرده اند مثل اکثر عوام ایشان پس اول اشاره بعلم
[illegible]
که فاتحه شفای جمیع دردهاست و بیمار بهاء ابو سلمان روایت کرده که با رسول خدا
[illegible] بودیم مردی در میان ما صرع پیدا کرده بود یکی از صحابه رسول الله فاتحه در گوش
خواند شفا یافت این خبر بحضرت رسانیدند فرمود این سوره اصل قرآن است و شفا
[illegible]
[illegible]
[illegible] انجیل و زبور و فرقان نفرستاده مثل او خدای تعالی جمیع مقصودات
[illegible] ذکر کرده الله محمد بن مسعود عیاشی از رسول خدا روایت کرده که آن
حضرت جابر بن عبد الله انصاری گفت ای جابر تو را تعلیم کنم بهترین سوره که خدا
[illegible]
شفای هر دردی و دوای همه آفات مکر مرک و از امام جعفر صادق روایت که هر که
[illegible]
صد و چهار کتاب از آسمان فرو فرستاده از جمله تورات و انجیل و زبور و فرقان بود و قرآن
و علوم جمیع کتب آنها را در آن درج کرده و ثواب و بخشات خود را در آن مدرج ساخت بعد
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خوانده باشد و هر که بعنی او را بشد مبان باشد که همه معانی آن کتابها را خوانده باشد
و ایضاً روایت که شیطان در جمیع عمر خود چهار نوبت مضطرب و بیتاب شد و ناله
را مدد کرد یکی که طوق لعنت کردن او در امر درگاه الهی رانده شد دوم [illegible]
[illegible]

ما تحفة الكتاب [illegible] مسلم بن حجاج در صحیح خود روایت کرده است [illegible] که
[illegible] ایشان خود [illegible]
[illegible] الرحمن الرحیم حق تعالی [illegible]
[illegible] تمام کرد [illegible] ثنا و ستایش من مشغول شد و چون گوید
[illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] حق تعالی [illegible]
[illegible] و این سخنهای مذکوره [illegible]
[illegible] از صفات [illegible]
[illegible]
روایت [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] حسنات ایشان [illegible] سیئات ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible] اسمای الهی که [illegible]
[illegible]
[illegible] که عبارت [illegible]
[illegible] روایت کرده که [illegible] معلم کودکی
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم حق تعالی [illegible] برای [illegible] دوزخ برای او و پدر و مادر
[illegible] از آن حضرت روایت که [illegible]
[illegible]
[illegible] بکشند [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible]
دعوی خدائی کرد [illegible]

[illegible] که [illegible]
[illegible] عذاب [illegible] عذاب [illegible]
جزو هر سوره میشود که مصلی [illegible] میخواند مثلا اگر [illegible]
ان [illegible] انا انزلناه [illegible] هر سوره که [illegible]
[illegible] بسم الله [illegible] اهل سنت که [illegible] بسم الله
[illegible]
جمع سوره [illegible] قرآن که در اوائل سوره [illegible]
[illegible]
[illegible]
روایت [illegible]
در اوائل سوره [illegible] اهل سنت احادیث بسیار نقل کرده اند
[illegible]
[illegible] الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] احادیث بسیار است که اهل سنت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بزرگی که قصد کرده میشود [illegible] بزرگی که [illegible]
[illegible] کتاب [illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible] روایت [illegible]

شده یعنی میان زوبان یعنی کنایه از نفی ماهیت و عینیت وجود و مرتبه
غیر است واجب الوجود است پس صمدیت بمعانی وجوب وجود است مثل
[illegible]
زاد و عزاد و سلبت که متولد شده است از غیر او یعنی او ست موجد ما سوا این
[illegible]
[illegible] باشد و مثل باشد به در ذات نه در صفات و نه در افعال پس نفی
وجود چیزی که مشابه باشد او را در قوه وجود پس از اول سوره تا آخر قول الله
[illegible]
مباشد [illegible] تا ولم یکن له کفوا احد بیان است که تاکید و موازی [illegible] در
زبان او نیست ذکر احادیث در فضیلت سوره قل هو الله احد بسیار است که این
[illegible] کتاب گنجایش ایراد آنها ندارد [illegible] شیخ طبرسی در تفسیر خود از ابو درداء
[illegible] روایت کرده که آنحضرت فرمود ایعجز احدکم ان یقرء ثلث القرآن فی
[illegible] قال رسول الله اقرؤا قل هو الله احد [illegible]
[illegible]
ان تواند فرمود بخوانید سوره قل هو الله احد را که خواندن آن برابری بخواندن ثلث
[illegible]
معرفت خدای تعالی و طریق پی بردن بشناختن او و معرفت سعادت و شقاوت
معنوی و علم بآنکه در آن نشاه بچه عمل و کدام اعتقاد بمرتبه سعادت فائز می توان
و بچه عمل و کدام اعتقاد بمرتبه شقاوت رسید و این سوره متضمن معنی اول است که
معرفة الله است توحید و تنزیه [illegible] بمنزله ثلث قرآن است [illegible]
حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرمود کسیکه بگذرد بر او روزی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
والله اکبر گوید و بعد از تکبیر تمام شود خم شود برای رکوع بآن روش که بدستها [illegible]

زانوها را و پشت را هموار کند [illegible] و گردن را بکشد [illegible]
[illegible]
شود و بر هم نهد چشمهای خود را یا نگاه میان قدمهای خود کند و اگر زن باشد [illegible]
[illegible] سنت است که دستهای خود را بالای زانوها گذارد و بعد از آن ذکر
سبحان ربی العظیم و بحمده بگوید [illegible] سه مرتبه یا هفت مرتبه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
نیست [illegible] و اگر خواهی [illegible] سبحان مقدر است مثل غفران
[illegible]
مقدر است [illegible] معاذ الله [illegible]
[illegible]
مصدر [illegible] از قبیل اضافه مصدر بفاعل [illegible]
[illegible] سبح الله سبحان ربی [illegible]
و جمله حال باشد [illegible] مقدر [illegible]
معطوف باشد بر فعل مقدر و تقدیر کلام چنین باشد که انزه تنزیها و اشتغل بحمده
[illegible]
صادق علیه السلام روایت کرده که سنت است [illegible] سبحان ربی العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible] خشع لک سمعی و بصری و شعری و بشری و لحمی و دمی
[illegible]
[illegible]
[illegible] ایمان [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] بالله نیت نماز ... و هر گاه هر دو را بخواند در قنوت اول
[illegible] اللهم اهدنا را و بعد از قنوت الله اکبر گوید و برکوع رود
[illegible] از ان ... تشهد بخواند
[illegible]
[illegible] تشهد
[illegible]
[illegible] الرسول
[illegible] واجب
[illegible] لا اله الا الله
[illegible] اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و زیاده
[illegible] سلام
[illegible] النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی عباد الله
[illegible] السلام علیکم و رحمة الله و برکاته اول سنت است و در سلام دیگر
که اند ... واجب است ... نماز ... یکی از این دو سلام ...
[illegible]
باشد بعد از انکه تشهد را بخواند بگوید بحول الله ... [illegible]
برخیزد و در رکعت سیم و رکعت ... در رکعت ... از چهار رکعتی ...
... تسبیح ... تسبیح ... بخواند که سبحان الله و الحمد لله و لا
[illegible]
رکوع و سجود و تشهد و سلام ... افعال در رکعت سیم و چهارم بروش مذکور
بجا آورد ... نماز صبح و دو رکعت ... نماز شام و ... بخواند و نماز ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
نماز ... از امام محمد باقر روایت شده است که امام زین العابدین

العابدین علیه السلام هیچ نعمتی از خدا یاد نکرد مگر آنکه شکران سجده کرد و هیچ آیه
[illegible] مگر ... سجده کرد ... مگر ...
مگر ... [illegible]
توفیق مییافت که میان دو کس اصلاح کند البته برای شکران سجده میکرد و در جمیع
[illegible]
امام رضا علیه السلام منقول است که سجده بعد از نماز واجب شکر خداست برای آنکه توفیق
داد بنده خود را بانکه ادا کرد فرض او را ... اینچه در این سجده گوید ... کمتر مرتبه
بگوید شکرا لله ... پرسید چه معنی دارد شکرا ... حضرت فرمود که معنیش آن است که
این سجده از من شکر خداست بر آنکه مرا توفیق داده که خدمت او قیام نمودم و فرض او را ادا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و چیزی گذارد که در نماز زمان میگذارد و افضل است که بجای سجده نماز دستها را
بر زمین بخواند و سینه و شکم را بر زمین ... سنت است که اول پیشانی بر زمین گذا
پس طرف راست رو را ... طرف چپ رو را ... بار دیگر پیشانی بر زمین گذارد و ... بعد
سجده شکر میگوید ... سنت است که ذکری بکند ...
[illegible]
[illegible]
تا وقت زوال و بعد از عصر تا شام ... منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام ...
[illegible]
سجده ... افضل است که سجده شکر بعد از جمیع تعقیبات ... بود
مگر در نماز مغرب ... سنت است ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] لا یموت [illegible] روایت است
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در سجود این دعا را میخواندند ناجیک یا سیدی
[illegible] من یعلم انک تعطی ولا ینقص[illegible]
[illegible] من یعلم انه لا یغفر الذنوب الا انت [illegible]
[illegible] حضرت صادق [illegible]
[illegible] بگریست [illegible]
[illegible] یا رب [illegible]
[illegible] فناجینی للمهتدین هذا لک یوم تبعث [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] علیه السلام و حضرت
[illegible] والفوز بالجنان [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] روایت است [illegible]
[illegible] حضرت صادق [illegible] فرموده [illegible]
[illegible]
[illegible] لا الله الا هو [illegible]
[illegible]
[illegible] دست [illegible]
[illegible] لا الله الا انت
[illegible] والیقین [illegible]
[illegible] از امام حضرت منقولست که هر گاه دردی و بیماری و آزاری
[illegible] بر موضع درد بمال و هفت مرتبه بگو [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اراده [illegible]
[illegible] علیه السلام است [illegible]
و زیارت حضرت در این مجموعه در ضمن اعمال هفته و عمل [illegible] از زیارات نوشته میشود

[illegible] روایت [illegible]
معتبر از سدیر صیرفی منقولست که گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود که
مانع است ترا از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] زیارات [illegible]
که تا بام روی بام خانه خود پس بلند شوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را
بسوی آسمان بلند کنی و رو بجانب قبر آنحضرت بگردانی و بگوئی السلام علیک
[illegible] السلام علیک [illegible] السلام علیک و رحمة الله و برکاته
تا نوشته شود برای تو ثواب حج و عمره سدیر گفت که بسا باشد که در روزی زیاده
از یکمرتبه چنین زیارت بکنم نقل معتبر و حقیقت فضیلت و شرایط آداب
است [illegible]
و ملا محسن کاشی در [illegible] زیاد نموده و گفته علت اینکه اصحاب تعقیب را در تعقیب ذکر
[illegible] تعقیب [illegible]
ذکر وارد نشده بلکه هر تعقیب عام است [illegible] چنانچه از آیات قرآنیه
[illegible]
چنانچه بعضی از اکابر ذکر کرده اند اما فضیلت پس فضایل آن بسیار و نوادر
بیشمار و از برای فضل آن همین بس است که حق تعالی در قرآن خطاب بحضرت رسالت
فرموده فاذا فرغت فانصب و الی ربک فارغب و بتفسیر آن حضرت امام جعفر صادق
فرموده چون فارغ شوی از نماز خود را تعب بده در دعا و بسوی پروردگار خود
رغبت کن و حاجات خود را از او طلب کن و امید خود را از غیر او قطع کن و از حضرت
امام محمد باقر [illegible] روایت است که [illegible]
[illegible]
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر یک از شما که از نماز فارغ گردد دستها
بلند کند بسوی آسمان و خود را تعب بکند در دعا از حضرت صادق علیه السلام
که حق تعالی نمازها را در بهترین ساعتها بر شما واجب گردانیده است پس بر شما
[illegible]

بوده مهمان خدای خالی میباشد و بر خدا لازم است که اکرام و احترام میهمان خود کند و مرد
[illegible] ذکر خدا کوید تا آفتاب برآید او را
بهر کوی باشد که بهشت [illegible]
در جای نماز خود تا آنکه بکذرد ساعتی که صلح باشد در آن نماز بعد از آن دو رکعت با
[illegible] باشد که مرد
[illegible]
[illegible] منقولست که
[illegible]
متکی بودن بمنبر در روی زمین و از حضرت [illegible] منقولست که هر کاه بعد از نماز فارغ
[illegible]
نماز مرا ادا کرد و معاملت خود مرا از من سؤال کرد کویا اودی بنیاد است از من بکیرید نماز او را
زیاد و روزی او [illegible] منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان چون نماز
صبح ادا میکردند تا طلوع آفتاب در مصلای خود می نشستند و مشغول تعقیب میکردید [illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که [illegible]
[illegible] تعقیب [illegible] نوشته شود و اما [illegible] آداب
[illegible]
در انسان [illegible] خصوصا در تعقیب نماز شام و [illegible] که از جمیع شرایط نماز است در تعقیب [illegible]
و ظاهر آنست که اکر بعد از نماز بلا فاصله مشغول تعقیب کرد و خواه نشسته
نقل باشد و خواه برخاسته [illegible] بسند صحیح از حضرت امام [illegible] علیه السلام مرویست که فرمود
پیوسته مؤمن در نماز و ثواب نماز است مادام که بذکر خدا مشغولست خواه نشسته
[illegible] که با وضوی نماز دارد ثواب تعقیب
[illegible]
[illegible]
قسم اول از تکبیرات یا تهلیل و تحمید یا تسبیح تکبیرات است که بعد از سلام [illegible]

رفعهای زمینه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی [illegible] کردن
[illegible]
مرویست که [illegible] از آنحضرت رسید علت [illegible] که بعد از سلام سه مرتبه تکبیر
میکوید و دست برمیدارد فرمود برای آنکه چون حضرت رسالت [illegible] فتح مکه نمود [illegible]
[illegible] نماز ظهر را با اصحاب خود ادا کرد [illegible] سه نوبت تکبیر کفت و در هر نوبت دست [illegible]
[illegible]
[illegible]
ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده [illegible]
[illegible]
[illegible]
و نماز بعد از [illegible] زیرا که هر که بعد از سلام چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را
[illegible] سلام [illegible] بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
[illegible]
جمله [illegible] باشد که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت منقولست [illegible]
[illegible]
از حضرت [illegible] تسبیح [illegible] سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
[illegible]
[illegible] منقولست [illegible]
بعد از نماز نکوید پیش از آنکه [illegible] نماز [illegible] شود و بهشت [illegible]
[illegible]
سبحان الله است [illegible] که بعد از تمام کردن تسبیح لا اله الا الله کوید و بهتر آن
که ترتیب [illegible] حضرت [illegible] رعایت [illegible] جمیع ارکان [illegible]

[illegible] المودة [illegible] مستجابست در زمان [illegible] و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و مردم [illegible]

و چون سید الشهدا الحسین بن علی علیه السلام شهید شد [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] لا اله الا الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مرا [illegible] دوزی [illegible] کفت که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و كما ينبغي لكرم وجهه وعز جلاله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دعا [illegible]

[illegible]

صلوات [illegible]

[illegible]

[illegible] مرتبه بگوید استغفر الله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] اعوذ بوجهك
[illegible] لا يتبع [illegible] من شر الدنيا و
[illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام مرویست
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لا اكراه في الدين قد تبين
[illegible]
[illegible]
[illegible] الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك اصحاب
النار هم فيها خالدون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] ایمان من کامل گردد و زایل شود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] چهار مرد و چهار زن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
پس بفرمایند که سلام بر آنحضرت چگونه باید کرد حضرت فرمود چنین گوید السلام
علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و بمقدار طاقت و استعداد خود ابتدا از ابجد در مقام قرآت مبین است و بذکر مجیی از انها
اکتفا می نمائیم و از جمله آداب قرآت آنست که بابد طاهر و با وضو باشد و رو بقبله آرام
[illegible]
[illegible] قرآت [illegible]
مکر آنکه بکرده بصفت آنرا بعنی از رای و بحسب ذهنی خالی و وجهی بهم رسد پس هر وقت
[illegible]
[illegible] رحمت [illegible]
شود که کویا می میرد از خوف و شاید بخلاف زبان و دل و در ذکر خدا و اسما آنهو
[illegible]
تا با استبشار و استیحا و اشتوان بر اعضا و جوارح شل بیکر ز خوف و حزن [illegible]
که بر کند و زجا بیشانی عرق نماید و تردیست رجلال از زیان وار و هم در [illegible]
[illegible]
حرالد بعلت آنکه تدبر کردن در از م عبادت است و باید مقصود در سوره تمام کردن وقت
خواندن نباشد بجز قلیل بالمد تر و تنکر بهتر از کثیری بدون تدبر و تفکر است و باید
کمتر از بجاه ابر تلاوت نکند بجا بجز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] و من حنث
[illegible] یعلم بعبادتهم و من یستکبر [illegible]
[illegible] یا ایها ملک الملک تؤتی الملک
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
چشمهای خود را حضور را از جهاد عرض کرد بجز سحفان از جهاد فرمود که
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و لا
[illegible] بجذام مبرم [illegible]
و لا عمل یجری فیه عثلر و لا مرای مقدرا انک انت الرئوف الرحیم ایضا [illegible]
[illegible] قرآت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خدای تعالی در قرآن فرموده و رتل القرآن ترتیلا و ترتیل بجز [illegible]
[illegible]
تبرکرده شده است ازل تو صنا و حسن و تانی ما و ردن نصاب معتبره از هم [illegible]

[illegible] ولنصلّ ايناني قبري وانّا في حشري [illegible] من [illegible]
[illegible] است كه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ماد رسالة [illegible]
[illegible] جناب مقدس
[illegible]
[illegible]
حضرت باري جلت كبريائه تا زياده شود معرفتش بقدرت و [illegible]
[illegible] بسيار شود خوفش چه معرفت بقدرت سبب خوف و خشيت است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] معرفت حاصل مي شود و ديگر زياد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عبادت [illegible]
[illegible] عبادت وطاعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

هر چند شئ باشد ايضاً بسند صحيح از آنحضرت مرويست كه هر كه بعد از نماز صبح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
كما جنبنا فانه لا يغفر الذنوب كما منعنا الا انتحوتم فلا تذكره [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
وعلي وبن فاطمة عليها السلام و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ششته بماز ... است وآن بر چهار نوع است نوع اول در آنچه مخصر و یکبار است
حضرت ... علیه السلام مرویست که هر که وارد کند داخل شده ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
... و اشهد ان محمداً عبده ورسوله ...
[illegible]

رسول صلى الله علیه و ... [illegible]
[illegible]
[illegible]
... اللهم انی اعوذ بك من الهم ... [illegible]
... وغلبة الرجال ... [illegible]
[illegible]
... ما نع لما اعطیت و لا معطی لما منعت ولا ینفع ذا الجد منك الجد ... [illegible]
... اللهم لك الحمد نوع اول ... [illegible]
... و منتهی الرضا و زنة العرش والله اكبر ملا المیزان و منتهی الرضا ... [illegible]

و [illegible] و تشتی لی الحوائج فی الدنیا و الآخرة فی یسر منک
و عافیة [illegible] معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که حضرت
رسول [illegible] در عقب نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم
و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم حق تعالی از او [illegible]
از کوری و [illegible] و پیسی و [illegible] و خانه [illegible] و دیوانگی و جذام
[illegible] و دیگران گفته اند که بعد از نماز صبح ده مرتبه
[illegible] فی قلوب العباد محبتی و [illegible] السموات و الارض
[illegible] و [illegible] لی و [illegible]
[illegible]
[illegible] ده مرتبه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ده مرتبه بگوید [illegible] فیما اعطیتنی و
[illegible]
[illegible] ده مرتبه در عقب نماز صبح
[illegible] دو هزار [illegible] که [illegible] ثواب [illegible]
و دیگر بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که هر که بعد از
نماز صبح یازده مرتبه سوره قل هو الله احد را بخواند در آن روز گناهی بر او نوشته نشود
[illegible]
از حضرت خیر البشر و آله [illegible] سلام الله [illegible] مرویست که هر که
در عقب نماز صبح [illegible] قیام [illegible] نماید بلا شک [illegible]
[illegible]
گناهان [illegible] شود و [illegible] حرام گردد [illegible]

و [illegible] از حضرت [illegible] حضرت
[illegible]
[illegible] و ذکر استغفار [illegible]
[illegible] لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] سبحان الله و بحمده و لا اله الا الله و الله اکبر [illegible]
[illegible] استغفر [illegible]
[illegible]
[illegible] استغفر الله و اسأله [illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد
[illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و [illegible]
[illegible] الابرار الذین اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا
و [illegible] و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و من یتوکل علی الله فهو
حسبه [illegible] قد جعل الله لکل شیء قدرا ما شاء الله کان حسبنا الله
و نعم [illegible]
[illegible] و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان
محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین
کله و لو کره المشرکون و ان [illegible] و ان [illegible] و القول [illegible]

[illegible]

کە از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده اند که فرمود [illegible]

[illegible]

[illegible] که مردی [illegible] گفت [illegible]

[illegible] سوخت [illegible] فرمود [illegible] از مرد رفت و زود به مراجعت کرد [illegible]

[illegible] که سوخت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت رسالت [illegible] دوست [illegible]

از دنیا [illegible] بجواهر و [illegible] لشکر و حریر و [illegible]

جبرئیل برای حضرت رسول آورده و آن حضرت بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت [illegible]

[illegible]

موکل کرده اند [illegible] که حفظ نمایند جان و اهل و فرزندان و مال او [illegible]

و هر چه [illegible] از [illegible] سوختن و غرق شدن [illegible]

و [illegible] ایمن گرداند خدا او را از شر شیطان و [illegible]

[illegible] و در امان و ضمان خدا باشد و اگر با اخلاص و یقین بخواند [illegible]

ثواب صد صدیق باو کرامت فرماید و اگر در آن روز بمیرد داخل بهشت شود [illegible]

[illegible]

[illegible] أستغفر الله وأتوب إليه ما شاء الله [illegible] له الملك وله الحمد [illegible] وهو على كل شيء قدير [illegible] لا إله إلا الله والله أكبر أستغفر الله [illegible] لا قوة إلا بالله الحليم الكريم العلي العظيم [illegible] عدد خلقه وزنة عرشه ومداد كلماته [illegible]

[illegible] يا أرحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible]

[illegible]

... وعدد قطر الأمطار وورق الأشجار وعدد الحجر والمدر ... والبحر والمدر وعدد ذلك كله وعدد ما بين السماوات والأرض وما بينهن وما تحتهن وما بين ذلك وما فوقهن ... [illegible]

... والإكرام وأهل ... [illegible]

ومن شر ما في قعر البحر ومن شر ... ومن شر ... [illegible]

... ومن شر ما يحدث في الليل والنهار ... ومن شر ما في ... الأرض ... والأنهار ومن شر ... [illegible]

... والجان والنجار والحساد ... والأشرار وما يلج في الأرض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ومن شر كل ذي شر ومن شر كل ... [illegible]

... المرسلين والأئمة المطهرين ... أن تصلي على محمد وآل محمد وأن ... [illegible]

... وأسألك اللهم من الخير كله عاجله وآجله ما علمت منه وما لم أعلم ... [illegible]

... الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم اللهم صل على محمد وصل على جميع ... [illegible]

... اللهم صل على محمد وآل محمد ... [illegible]

[illegible] بالهم صل على محمد [illegible]
[illegible] في الدنيا والآخرة [illegible]
[illegible] وتحييهم
وعلى اولياءهم وعلى جميع المؤمنين والمؤمنات [illegible] على كل شيء قدير [illegible]
[illegible] ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبي [illegible]
[illegible] ولا اله الا الله [illegible]
[illegible] لا اله الا الله وحده [illegible]
[illegible] از حضرت صاحب [illegible]
[illegible]

[illegible] حضرت صادق علیه السلام فرمود [illegible]
[illegible] از حضرت صادق [illegible]
[illegible]
[illegible] الحمد لله [illegible]
[illegible] في هذا اليوم [illegible]
[illegible] في هذا اليوم [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] والآثام [illegible] رب العالمين وصلى الله على محمد وآله [illegible]
[illegible] حضرت صادق عليه السلام روايت كرده كه هر كه چهل صباح اين
دعا را بخواند از ياوران قائم [illegible] باشد و اگر پيش
از ظهور آن حضرت بميرد خدا او را [illegible] آن حضرت رساند و حق تعالى
به هر كلمه هزار حسنه به او [illegible] و هزار گناه [illegible] اللهم رب النور
العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل التوراة والإنجيل والزبور
ورب الظل والحرور ومنزل الفرقان العظيم ورب الملائكة المقربين و
الأنبياء والمرسلين اللهم إني أسألك باسمك الكريم وبنور وجهك المنير
وملكك القديم يا حي يا قيوم أسألك باسمك الذي أشرقت به السماوات والأرضون
وباسمك [illegible] يا حيا [illegible] يا حيا [illegible] لا إله إلا أنت
اللهم بلّغ مولانا الإمام الهادي [illegible] القائم بأمرك صلى الله عليه وعلى
آبائه الطاهرين عن جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الأرض ومغاربها
سهلها وجبلها وبرها وبحرها وعني وعن والديّ [illegible] من
الصلوات زنة عرش الله ومداد كلماته وما أحصاه كتابه وأحاط به علمه
اللهم إني أجدد له في صبيحة يومي هذا وما عشت به في أيامي عهداً وعقداً
وبيعة له في عنقي لا أحول عنها ولا أزول أبداً اللهم اجعلني من أنصاره
وأعوانه والذابين عنه والمسارعين إليه في قضاء حوائجه والممتثلين لأوامره

[illegible] منه والمستشهدين بين يديه
[illegible] الموت التي جعلته على عبادك حتما مقضيا
[illegible] دعوة الداعي
[illegible] تجديده والحلول [illegible]
[illegible] محنته وابعد امره و
[illegible] عبادك [illegible] و
[illegible] في البر والبحر مما كسبت ايدي الناس وظهر للناس وليك
وابن وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك صلواتك عليه و آله و [illegible]
[illegible] ويحق الله به الحق ويحققه
[illegible] من عبادك [illegible] لمن لا يجد له ناصرا غيرك و
[illegible] من اعلام دينك وسنن
[illegible]
[illegible] على دعوته واجمعنا
[illegible] حضوره وعجل [illegible]
[illegible]
[illegible] صاحب الزمان دیگر از جمله
دعاهای ساعات [illegible] طلوع آفتاب که حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام [illegible] والقمر والنجم والشفق
[illegible] خلق الانسان من علق ظهرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خاتم النبيين [illegible]
[illegible] بلسان عربي مبين [illegible]
[illegible] الكريمة [illegible]

[illegible] فاجعلهم سبیلی
[illegible]
[illegible] غایة املی [illegible]
[illegible] فصل دوازدهم [illegible] صاحب [illegible]
و دیگر بسیار از رسول و ائمه اطهار علیهم السلام ماثور گردیده و غریب [illegible]
[illegible] روایات و اخبار وارد شده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روایات در این باب بسیار است [illegible] اخبار [illegible]
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطان [illegible]
[illegible] آفتاب [illegible] لشکرهای خود را [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول [illegible] روایت است که [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible]
که رسول خدا [illegible]
[illegible]
[illegible] در کتب معتبره [illegible]
صحیح و معتبر است [illegible]
اکتفا کنند [illegible] از حضرت صادق علیه السلام
روایت که مردی از اصحاب [illegible] بخدمت رسول [illegible] رسید آن حضرت از او
پرسید که [illegible]
فرمود [illegible]
فرمود [illegible] لا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الحی الذی
لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی

[illegible]

... وَشَاهِدٍ بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ... [illegible]

[illegible]

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِ ... [illegible]

[illegible]

... وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ...

[illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible] کرد [illegible] در [illegible] صالح [illegible] آنچه خواهد
[illegible] کند [illegible] وطرا السموات و
الأرض [illegible] شهد [illegible] أبي [illegible] أن لا إله إلا
وحده لا شريك له [illegible] ورسوله [illegible] حبي في مغنمي
[illegible] من [illegible] رحمتك [illegible] عندك
[illegible] سه مرتبه [illegible]
[illegible] مروي است که [illegible] سه مرتبه بگوید این دعا را
[illegible] در [illegible] عرق [illegible] در آن
[illegible] لا قوة إلا بالله ما شاء الله كل نعمة من الله
[illegible] ما شاء الله لا يصرف السوء إلا الله و حضرت
[illegible] مروي است که هر که [illegible] خوف شود از [illegible] در آن
[illegible] دفع شود [illegible] بأنك [illegible]
[illegible] وعيننا [illegible]
[illegible] روایت [illegible] حضرت
[illegible] حق تعالى [illegible]
[illegible] که [illegible] کرد و
[illegible] أنزل [illegible] شيئا
[illegible] حضرت صادق عليه السلام
[illegible] فرمود که میخواهی ترا دعائی تعلیم کنم که اگر صبح و شام
[illegible] کند از [illegible] علي بن رسول الله فرمود که
[illegible] بحمد الله [illegible]
[illegible] و [illegible] عليه السلام [illegible] 3
[illegible] من [illegible]
[illegible] حضرت
[illegible] که هر که [illegible] و شام [illegible] نصیب [illegible]

[illegible] دنيا و آخرت [illegible] صلى الله عليه وآله [illegible] و [illegible]
[illegible] لازم است که در [illegible] کرد [illegible] بسند معتبر از حضرت صادق
مروی است که هر که بگوید این کلمات را سه مرتبه در حین خواب محفوظ شود [illegible]
[illegible] که در صبح سه مرتبه بگوید تا شام محفوظ شود أستودع الله العلي
الأعلى الجليل العظيم ديني ونفسي و أهلي و مالي وولدي وإخواني المؤمنين و
جميع ما رزقني ربي وجميع من يعنيني أمره أستودع الله المرهوب المخوف المتضعضع
[illegible] كل شيء ديني ونفسي وأهلي ومالي وولدي وإخواني المؤمنين وجميع
ما رزقني ربي وجميع من يعنيني أمره بسند معتبر از حضرت [illegible]
هر که در صبح و شام سه مرتبه بگوید سبحان الله ملأ الميزان ومنتهى الحلم ومبلغ
الرضا وزنة العرش [illegible] الحمد لله ملأ الميزان ومنتهى العلم ومبلغ
الرضا و [illegible] لا إله إلا الله والله أكبر ملأ الميزان ومنتهى [illegible]
[illegible] وزنة العرش [illegible] الكرسي [illegible]
[illegible]
که در صبح و شام سه مرتبه [illegible] حضرت
[illegible] دعا که حضرت امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] أمسيت [illegible] لا [illegible]
ولا يحاول ومن شر كل غاشم وطارق من سائر ما خلقت وما خلقت من
خلقك الصامت والناطق في جنة من كل مخوف بلباس سابغة حصينة
ولاء أهل بيت نبيك [illegible] محتجبا من كل قاصد لي إلى أذية بجدار حصين
الإخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا أن الحق لهم ومعهم
وفيهم و [illegible] أعادي من عادوا [illegible] فصل على محمد
وآل محمد وأعذني [illegible] من شر كل ما أتقيه يا عظيم حجزت الأعادي عني ببديع
السموات والأرض [illegible] الأذقان فهم مقمحون
وجعلنا من بين أيديهم سدا ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون
[illegible] بگوید اللهم إني [illegible] هذه [illegible]

[illegible] ویحیی [illegible] ویحیی [illegible] ونحیی [illegible] ونحو
[illegible] من کل [illegible] من کل خوف وحفظا
من کل سوء پس تسبیح را به بنانی و دو جانب بنانی خود بگذارد اگر ده جهار
[illegible] کرده چنان که تا صبح در امان حق باشد دیگر
بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که در صبح و شام چهار مرتبه بگوید الحمد لله رب
العالمین شکر نعمتهای آن روز را ادا کرده است [illegible]
[illegible] و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که
[illegible] بعد از غروب ده مرتبه
[illegible] وحده لا شریک له [illegible] له الحمد یحیی و یمیت و یمیت
[illegible] و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر [illegible]
[illegible] که اگر [illegible] قضا نماید ایشان را و روایات معتبره بسیار از آن حضرت
[illegible] بالله السمیع العلیم من
[illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده که پرسیدم از حضرت رسول
[illegible] کلمهای [illegible] فرمود که ده مرتبه در صبح و ده مرتبه
در شام [illegible] که هر کس بخواند خدای تعالی شش خصلت با او عطا فرماید اول آنکه
[illegible] نباشد دوم آنکه قنطاری از ثواب او عطا کند که در میزان عمل او از
[illegible] که میزان نیکوکاران [illegible] رسند
[illegible] آنکه دوازده ملک در وقت خواندن
دعا حاضر شوند و در نامه عمل او بنویسند و در روز قیامت از برای او شهادت دهند پنجم
چنان باشد که تورات و انجیل [illegible] تلاوت کرده باشد و چنان باشد که [illegible]
مقبول کرده باشد و اگر در آن شب [illegible]
لا اله الا الله والله اکبر سبحان الله والحمد لله استغفر الله لا حول ولا قوة
الا بالله [illegible] له الملک وله الحمد یحیی و یمیت
حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر ایضا حضرت امام زین العابدین

[illegible] مرویست که هر صبح [illegible] ده مرتبه [illegible]
[illegible] و یحیی [illegible] شیء [illegible] ده مرتبه [illegible]
[illegible] و اگر در شام [illegible] بگوید [illegible]
حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول فرمود در بهشت [illegible]
[illegible] که از اندرون [illegible] بیرون [illegible] است [illegible]
[illegible] که [illegible] بگوید و طعام مردم [illegible] کند و [illegible]
کند در هنگامی که مردم در خواب باشند پرسیدند [illegible] کلام [illegible] است که در صبح و شام ده مرتبه
بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر دیگر بسند معتبر از حضرت
امام [illegible] علیه السلام روایت شده است که هر که در هنگام صلوة صبح [illegible]
[illegible] و هر که در شام بخواند [illegible]
[illegible] لا اله الا الله [illegible] علی کل شیء قدیر ده مرتبه که مذکور شد [illegible]
[illegible] ده مرتبه [illegible] لا اله الا الله [illegible]
[illegible] و بسند [illegible]
[illegible] علیه السلام منقولست که هر که صد مرتبه [illegible]
[illegible] اکبر بگوید [illegible] ثواب صد [illegible] دیگر
[illegible] از آن حضرت علیه السلام مرویست که حضرت رسول فرمود که در [illegible]
[illegible] رکعت صلاة [illegible] متحرک [illegible] ساکن [illegible] متحرک
ساکن [illegible]
[illegible] بگوید [illegible]
[illegible] متوسط [illegible] از حضرت صادق علیه السلام مرویست
که [illegible] بخواند [illegible] والملک والحمد والعظمة والکبریاء
والجبروت [illegible] والجلال والجمال والکمال والبهاء والقدرة والتقدیس
والتعظیم والتسبیح والتکبیر والتهلیل والتحمید [illegible] والکرم والمجد
[illegible] والحول والسلطان والقوة والعزة والقدرة [illegible]
[illegible] والاخرة [illegible] لا [illegible]

وما يؤمنون [illegible] وما عملت منه وما [illegible] وما هو كائن به رب
العالمين الحمد لله الذي ذهب بالليل وجاء بالنهار [illegible] برحمته وعافيته
وفضل عظيم الحمد لله الذي له ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم [illegible]
[illegible] يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل ويخرج الحي من الميت ويخرج
الميت من الحي وهو عليم بذات الصدور اللهم بك أمسي وبك أصبح وبك أحيى و
بك أموت وإليك المصير وأعوذ بك من أن أذل أو أذل وأضل أو أضل أو
أظلم أو أظلم أو أجهل أو يجهل علي يا مفرج [illegible] قلبي على [illegible]
[illegible] لا [illegible] من لدنك رحمة
إنك أنت الوهاب [illegible] والنهار [illegible] من خيفة فلا
[illegible] ولا ركوب المحارم و [illegible] فيها خيرا [illegible]
[illegible] در مهج الدعوات حضرت رسول
[illegible] توكل كرد
كه هر [illegible] از زمين [illegible] حفظ كنند [illegible]
خدا باشد [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
[illegible] الله رب الأرض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه
شيء ولا [illegible] وعلى [illegible] بسم الله على قلبي ونفسي بسم الله
على ديني وعقلي بسم الله على أهلي ومالي بسم الله على ما أعطاني ربي
بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء وهو السميع العليم
الله ربي لا أشرك به شيئا الله أكبر الله أكبر الله أعز وأجل مما أخاف
وأحذر عز جارك وجل ثناؤك ولا إله غيرك اللهم إني أعوذ بك من شر
نفسي ومن شر كل سلطان شديد ومن شر كل شيطان مريد ومن شر كل
جبار عنيد ومن شر قضاء السوء ومن شر كل دابة أنت آخذ بناصيتها إن
ربي على صراط مستقيم وأنت على كل شيء حفيظ إن وليي الله الذي نزل الكتاب
وهو يتولى الصالحين فإن تولوا فقل حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم [illegible] حضرت امير المؤمنين عليه

[illegible] سلام مرويست كه هر كه [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي لا إله إلا هو الملك الحق
المبين [illegible] الدائم [illegible] لشيء أزل
[illegible] موصوف [illegible]
[illegible]
[illegible] في السماوات العلى الرحمن على العرش استوى له ما في
السماوات وما في الأرض وما بينهما وما تحت الثرى [illegible] أنت الله
لا دافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت ولا [illegible] لما أذللت ولا مذل
لمن أعززت ولا مانع لما أعطيت ولا معطي لما منعت وأنت الله لا إله إلا
أنت كنت إذ لم تكن سماء مبنية ولا أرض مدحية ولا شمس مضيئة ولا
ليل مظلم ولا نهار مضيء ولا بحر لجي ولا جبل راس ولا نجم سار ولا قمر
منير ولا ريح تهب ولا سحاب يسكب ولا برق يلمع ولا رعد يسبح ولا
روح تتنفس ولا طائر يطير ولا نار تتوقد ولا ماء يطرد كنت قبل كل شيء
وكونت كل شيء وقدرت على كل شيء وابتدعت كل شيء وأغنيت وأفقرت وأمت وأحييت
وأضحكت وأبكيت وعلى العرش استويت فتباركت يا الله وتعاليت أنت
الله الذي لا إله إلا أنت الخلاق العليم أمرك غالب وعلمك نافذ وكيدك
غريب ووعدك صادق وقولك حق وحكمك عدل وكلامك هدى ووحيك
نور ورحمتك واسعة وعفوك عظيم وفضلك كثير وعطاؤك جزيل و
حبلك متين وإمكانك عتيد وجارك عزيز وبأسك شديد ومكرك مكيد
أنت يا رب موضع كل شكوى وشاهد كل نجوى وحاضر كل ملأ ومنتهى
كل حاجة وفرج كل حزين وغنى كل فقير وحصن كل هارب وأمان كل
خائف حرز الضعفاء كنز الفقراء مفرج الغماء معين الصالحين ذلك الله
ربنا لا إله إلا هو تكفيني من عبادك من توكل عليك وأنت جار من لاذ بك
وتضرع إليك عصمة من اعتصم بك من عبادك ناصر من انتصر بك تغفر
الذنوب لمن استغفرك جبار الجبابرة عظيم العظماء كبير الكبراء سيد السادات

[illegible] دعوة المصطفى
[illegible] الحكم [illegible] أرحم
[illegible] المؤمنين [illegible] الصالحين [illegible]
[illegible] لما [illegible]
[illegible] وأنت [illegible] السائل
[illegible] وأنت [illegible] الدليل
[illegible] وأنت [illegible] المنى والغاية
[illegible] وأنت [illegible]
[illegible] فرد [illegible]
[illegible]
[illegible] الراحمين [illegible]
[illegible] إلا بالله العلي العظيم
[illegible]
[illegible]
[illegible] ولا قوة إلا
[illegible] سبحان [illegible]
[illegible] ولله
[illegible] من [illegible]
[illegible] سبحان [illegible]
[illegible] سبحان [illegible]
[illegible] سبحان ذي [illegible]
[illegible] لا يموت [illegible]
[illegible] سبحان الدائم [illegible] سبحان [illegible]
سبحان [illegible] سبحان العلي الأعلى سبحانه وتعالى
سبوح قدوس ربنا ورب الملائكة والروح سبحان الدائم غير [illegible] سبحان

سبحان الله [illegible] سبحان الذي يرى ما يُرى وما لا يُرى سبحان الذي يدرك
الأبصار ولا تدركه الأبصار وهو اللطيف الخبير اللهم إني أصبحت منك
في نعمة وخير وبركة وعافية فصل على محمد وآله وأتمم علي نعمتك وخيرك و
بركاتك وعافيتك ونجاة من النار وارزقني شكرك وعافيتك وفضلك
وكرامتك أبداً ما أبقيتني اللهم بنورك اهتديت وبفضلك استغنيت وبك
أصبحت وأمسيت اللهم إني أشهدك وكفى بك شهيداً وأشهد ملائكتك
وأنبياءك ورسلك وحملة عرشك وسكان سماواتك وأرضك وجميع
خلقك بأنك أنت الله [illegible] لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك وأن محمد
عبدك ورسولك وأنك على كل شيء قدير تحيي وتميت وتميت وتحيي وأ
أن الجنة حق وأن النار حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث
من في القبور وأشهد أن علي بن أبي طالب أمير المؤمنين حقاً حقاً وأن الأ
من ولده هم الأئمة الهداة المهديون غير الضالين ولا المضلين وأنهم
أولياؤك المصطفون وحزبك الغالبون وصفوتك وخيرتك من خلقك
ونجباؤك الذين انتجبتهم لدينك واختصصتهم من خلقك واصطفيتهم على عبادك
وجعلتهم حجة على العالمين صلواتك عليهم أجمعين والسلام ورحمة الله وبركاته
اللهم اكتب لي هذه الشهادة عندك حتى تلقنيها وأنت عني راض إنك على
ما تشاء قدير اللهم لك الحمد حمداً يصعد أوله ولا ينفد آخره [illegible]
حمداً يضع لك السماء كنفيها وتسبح لك الأرض ومن عليها [illegible] حمد
حمداً سرمداً أبداً لا ينقطع ولا ينفد ولك [illegible] إليك [illegible] وعلي وفي
ومعي وقبلي وبعدي وأمامي وخلفي وفوقي وتحتي وإذا مت وبقيت فرداً
وحيداً ثم فنيت ولك الحمد إذا نشرت وبعثت يا مولاي اللهم ولك الحمد
ولك الشكر بجميع محامدك كلها على جميع نعمائك كلها حتى ينتهي الحمد إلى
ما تحب ربنا وترضى اللهم لك الحمد على كل [illegible] وشربة وبطشة ونهضة
[illegible] وفي كل موضع شعرة اللهم لك الحمد كله حمداً خالداً مع خلودك
ولك الحمد حمداً لا منتهى له دون علمك ولك الحمد حمداً لا أمد له دون مشيئتك

[illegible] حلمك بعد علمك ولك الحمد
[illegible] ولك الحمد [illegible] ولك
[illegible] ولك الحمد [illegible]
[illegible]
[illegible] منزل الآيات من
[illegible] من الظلمات ويخرج من في
[illegible]
[illegible] والقول [illegible]
[illegible] في النهار [illegible]
[illegible] ولك
[illegible] ولك الحمد عدد
[illegible] عدد [illegible]
[illegible] عدد [illegible]
[illegible] عدد الانس والجن والطير [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] يا بديع السموات والارض
[illegible] يا حي يا قيوم
[illegible] الا انت [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible] ما انت اهله
[illegible] ما انت اهله
[illegible] اهل الذنوب و
[illegible] يا مولاي وانت ارحم الراحمين [illegible] لا حول ولا قوة الا بالله [illegible]

[illegible] الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له
شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا [illegible]
[illegible] خلق الليل والنهار
[illegible] بعد
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] من فضله ولتبلغوا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ومبا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الحسنات [illegible] من السيئات [illegible]
[illegible] الكرام الكاتبين [illegible]
[illegible] من حسنات [illegible]

[illegible] وتصلنا من نكرت و
[illegible] تفضل على محمد وآله واخصص من
[illegible] ومن جميع نواحينا
[illegible] مستعملا [illegible]
[illegible] وفي جميع ايامنا ولياليه
[illegible] واتباع السنن وعادته
[illegible] الامر بالمعروف والنهي عن المنكر وحياطة الاسلام و
[illegible] واعزاز [illegible]
[illegible] تفضل على محمد وآله واجعله [illegible] يوم
[illegible] وخير وقت صليناه وصلنا من
[illegible] شكرها لما اولتنا
[illegible] من شرايعه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الا اليك [illegible]
[illegible] رؤف بالعباد مالك الملك رحيم
[illegible]
[illegible] تفضل على محمد وآله اكثر
[illegible] الفضل [illegible] احد من
[illegible] احد من [illegible]
[illegible] من كل خير تفضل
[illegible]
[illegible] دروقت [illegible] كثيره ومنفع
[illegible] مباركه
[illegible] وتو لحضرت بشرد

[illegible] كه هر چيز را دلى هست ودل قرآن يس است [illegible]
[illegible] منفعت [illegible]
[illegible] قرآت [illegible] كه همه آن [illegible]
[illegible] در تمام تلاوت [illegible] صلاح
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ديگر سورة انا [illegible] وسورة قل هو الله احد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آسمان وزمين [illegible]
[illegible] امير المؤمنين على عليه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قل لن يصيبنا الا ما كتب الله لنا هو مولانا و
على الله فليتوكل المؤمنون [illegible] وان يمسسك الله بضر
فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من يشاء
من عباده وهو الغفور الرحيم [illegible]
[illegible] وما من دابة في الارض الا على الله رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها
كل في كتاب مبين [illegible] اني توكلت على الله ربي
وربكم ما من دابة الا هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم [illegible]
[illegible] وكاين من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها واياكم وهو
السميع العليم [illegible] ما يفتح الله للناس من رحمة فلا
ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم [illegible]

به عقیده ... ولئن سألتهم من خلق السموات والأرض ليقولن الله قل أفرأيتم ما تدعون من دون الله إن أرادني الله بضر هل هن كاشفات ضره أو أرادني برحمة هل هن ممسكات رحمته قل حسبي الله عليه يتوكل المتوكلون بگو آیات عشر است که در مجمع البیان از حضرت امام ... علیه السلام روایت کرده که در قرآن مجید ده آیت است که هر کس آنها را بامداد بخواند تا شام در حفظ و امان باشد و در شام بخواند تا بامداد ... اول آیة الکرسی ... نام ... و آیه شهادت و آیه ملک و در نوع چهارم از عقبات مذکور مرقوم گردید ... إن ربكم الله الذي خلق السموات والأرض في ستة أيام ثم استوى على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره ألا له الخلق والأمر تبارك الله رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية إنه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الأرض بعد إصلاحها وادعوه خوفا وطمعا إن رحمة الله قريب من المحسنين بسم الله الرحمن الرحيم والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا إن إلهكم لواحد رب السموات والأرض وما بينهما ورب المشارق إنا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب وحفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون إلى الملأ الأعلى ويقذفون من كل جانب دحورا ولهم عذاب واصب إلا من خطف الخطفة فأتبعه شهاب ثاقب ... سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين ... از سوره الرحمن يا معشر الجن والإنس إن استطعتم أن تنفذوا من أقطار السموات والأرض فانفذوا لا تنفذون إلا بسلطان فبأي آلاء ربكما تكذبان يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران فبأي آلاء ربكما تكذبان ... لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله

الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم مقاله ... در آداب ... مشتمل بر چهار فصل فصل اول در ... که در هر باب ... در باب جامه پوشیدن و مندیل بر سر بستن و انگشتر در دست کردن و سرمه کشیدن و در آینه دیدن و شانه کردن و بوی خوش استعمال نمودن و روغن مالیدن و خضاب کردن و ... و انواع کفش پوشیدن و ... و احکام ... متعلق بآنها ... جامه پوشیدن بر موافق احادیث معتبره زینت کردن و جامه پاکیزه پوشیدن ... مناسب ... خوشنودی پروردگار است و اگر حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در خوراک ... و ... باید ... و ... نماید ... جامه ... بر ... پوشیدن ... حریر ... و ... مکروه ... که جامه ... باشد ... حرام است که جامه ... مخلوط ... و ... سزاوار است که ... بقدر ... باشد و اگر ... نماز ... خز ... و ... بهتر ... پوست حیوان مرده ... باشد ... پوست حیوانی بعد که قابل تذکیه نباشد ... و ... که گوشت آن حرام است ... و در ... حرکه ... معروف ... ظاهر ... که نماز در آنها جایز است ... که ... جامه که در زیر آن ... باشد بهتر است ... و حریر ... بهترین جامه ابریشم ... باشد و بعد از آن کتان ... جامه ... پوشیدن ... قناعت ... بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد

از آن سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عنابی و سرخ تند مکروه است خصوصا
در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد در همه حال مگر در سه چیز عمامه
و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد بهتر است [illegible] آداب جامه و دراز پوشیدن
[illegible]
و خاک کشیدن مذموم و مکروه است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
که حضرت [illegible] علیه السلام [illegible] جامه های خود [illegible]
[illegible]
[illegible] دست با دامان بر داشتند پیوسته جامه [illegible] بر این [illegible]
[illegible] که [illegible] جامه [illegible] است [illegible]
میکشیدند [illegible] انگشتان میگذشت می بریدند و باید جامه که از برای تجمل و زینت
[illegible] مهیا نموده اند در خانه نپوشند که زود کهنه شود بلکه در خانه جامه
[illegible] چنانچه از حضرت صادق علیه السلام [illegible] منقول است که
[illegible] که جامه از رو و پیرون یکی باشد و جامه که مخصوص زنان است
مرد را پوشیدن [illegible] و چنین حرام است
[illegible]
[illegible] از حضرت امام
[illegible] زیرا که رسول خدا صلعم لعنت کرده مردانی را
[illegible] حضرت صادق علیه السلام
[illegible]
[illegible]
[illegible] فی الناس [illegible] از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقول است که چون خدا تعالی جامه نو [illegible] دو رکعت
نماز بکند و در هر رکعت سوره حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه بخواند
[illegible]
[illegible] رجس [illegible] جامه نو [illegible]

معصیت خدا نکند و بعد در مرادی که در آن جامه است ملکی موکل گرداند که خدا را یاد کند و برای او استغفار نماید و برای او رحم کند و از رسول خدا منقول است که چون
پوشید جامه نو بسم الله [illegible] و الحمد لله [illegible] ما اواری به عورتی و اتجمل به
فی الناس بعد در [illegible] جامه گوید اللهم اجعله ثوب یمن و تقوی و برکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا بطاعتک و اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس
[illegible]
و باید بعد از [illegible] جامه ایستاده نپوشند [illegible]
[illegible] و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که زیر جامه را
نشسته بپوشند و ایستاده نپوشند که موجب [illegible] و درد [illegible] میشود و از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر گاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند
و طمع میکند در [illegible] معصیت در او [illegible] [illegible] که جامه خود را
[illegible] و [illegible] که در میان [illegible] نشسته [illegible] جامه خود را
[illegible] که اگر کوتاه [illegible]
[illegible] و از حضرت موسی کاظم علیه السلام سؤال کردند که کسی که در برابر
[illegible] رسول خدا [illegible]
[illegible] که جامه [illegible] حضرت [illegible]
جامه [illegible] جامه [illegible] پوشیدن دشمن را
مغلوب میکند و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که شستن جامه اندوه و غم را برطرف
میکند و موجب قبولی نماز میگردد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر گاه
جامه [illegible]
رنگ [illegible] کردن [illegible] و کلاه بر سر [illegible] سنت است [illegible] و بخت [illegible]
[illegible] از حضرت صادق علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] در ترغیب و تحریص [illegible]
[illegible] خلاف [illegible] حضرت
رسول روایت کرده اند که [illegible] صحاح [illegible]

بستن عمامه است بر سر پیچ کرد و ایستاد تحت الحنک و خود صلی الله علیه و آله حدیث را
ذکر کرده و مراد از تلحی گردانیدن عمامه است در تحت الحنک و جبین در طرف جانب
گویند که این سنت در زمان ما ترک شده و شاید سرش این باشد که تحت الحنک
از جمله مختصات مذهب ائمه علیهم السلام بوده و بعلت تقیه متروک شده و تا حال
[illegible] نشده ... عوام و جهال غیر متشخص و شیخ است که
محسن کاشی رحمه الله در خلاصه ذکر کرده که شنیدم بعضی از اصحاب ما در ابتدای عمر
بگردانید عمامه را در تحت حنک خود و بعد میکردند از جهت تقیه و این بدعت و
فی الجمله عمل بحدیث شد و شیخ شهید ره گفته که عمامه را ابتداء پیچیدن سنت است
و در وقت پیچیدن بگوید اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج الکرامة
و قلدنی حبل الاسلام و لا تخلع ربقة الایمان من عنقی و حضرت رسول چند
قسم کلاه داشتند بر سر میگذاشتند و در کلاه های دراز که بر طلا میگویند و ابتداء
که پوشیدند عماری یهودان است و علما گفته اند مکروه است و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که با این کلاه ها نماز کردن مکروه است و از حضرت رسول
منقول است که هر گاه کلاه های دراز در میان امت من بسیار شود زنا کردن در میان
ایشان شایع گردد اما انگشتر بسند معتبر روایت که سنت مؤکد است مردان و
زنان را انگشتر در دست راست کردن و در بعضی احادیث تجویز نموده اند که در
دست چپ کنند و گر نقش ... داشته باشد تا بدین در وی او
در دست ... و حضرت صادق ... که حضرت رسول ... را انگشتر
[illegible] ... روایت است که
[illegible] ... روایت که انگشتر را بر سر انگشتان کردن
عمل ... است ... که در وقت انگشتر بدست کردن بگو
... بسیماء الایمان و اختم لی بخیر و اجعل عاقبتی الی خیر انک انت العزیز
الکریم و مروی است که انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و
برنج مردان و زنان را مکروه است چنانچه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
که انگشتر ... بود و منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

علیه السلام چهار انگشتر در دست میکرد انگشتر یاقوت برای شرافت و فیروزه برای
برای نصرت و یاری و حدید برای قوت و عقیق برای حرز و دفع دشمنان و باسناد
معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که انگشتر
یاقوت در دست کنید که پریشانی را زایل میکند و از حضرت موسی علیه السلام منقول است
که انگشتر فیروزه در دست کردن موجب شادیست که در آن هیچ دشواری نباشد بسند
معتبر از مفضل بن عمر منقول است که گفت روزی بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم
و انگشتر در دست داشتم فرمود که ای مفضل این نگین سبز که دیده ای برای مردان
مؤمن و زنان مؤمنه است یا در گردانیده در دستهای ایشان و من دوست
میدارم برای هر مؤمن که پنج انگشتر در دست داشته باشد یاقوت فاخرترین همه است
عقیق و آن خالص تر است برای خدا و برای ما اهل بیت و فیروزه و آن چشم را قوت
میدهد و سینه را گشاده میکند و قوت دل را زیاد میکند و چون بی کاری رو داد
در دست کند پس چون بر کرد حاجتش برآورده شده باشد و حدید صینی را دوست
نمیدارم که میبینم در دست داشته باشد و لیکن بد نمیدانم در دست کردن آن را در وقتی
که بدیدن کسی رود و از او ترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن میشود و حدید صینی سحر را
دور میکند و باین سبب دوست میدارم که داشته باشد پنجم آن ذرّی که در صحف
اشرف خدا ظاهر میسازد که هر که آن را در دست کند بهر نظر کردن بآن حج و عمره
زیارتی یا عمره و ثوابش علی او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر
نمیدارم میکرد بر شیعیان ما امر نمیکنم زیرا که قیمتش بسیار میرسید و لیکن خدا ارزان
کرده است برای ایشان که توانگران و فقیران ایشان توانند درست کرد اما
خصوص نقش نگین در احادیث وارد شده که نقش باید کرد از است بر عقیق زرد مانند
الله الا هو استغفر منه و بر نقش دیگر نقش کند و علی و بر حدید دیگر در صینی
رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین و برای آنان از شر جوالات در دستها و علیه
واحد الله الملک و بر طرف دیگر نقش الملک لله الواحد القهار و بر حدید صینی این نقش را
نقش باید کرد و در نقش نگین دو سطر نقش باید کرد در سطر
اول امنت بالله و کتبه و در سطر دوم و انی ذاتی ما شاء

[illegible] تا بوده [illegible] و حد [illegible] در حدیث صحیح منقول است
که [illegible] حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جایز است که پیران
[illegible] که حضرت امام زین العابدین زنان و اطفال خود را
[illegible] در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که سر خلاف شمشیر
[illegible] از نقره بود و در آن حضرت سه حلقه نقره در پیش رو و که
[illegible] در حدیث معتبر [illegible] که [illegible] بیت کردن فرا
و شمشیر [illegible] و در روایت معتبر وارد شده است که جایز است که دندانها را طلا
[illegible] که [illegible] اخود و اولی آنست که
مردان اجتناب نمایند اگر چه در خبر و معتبر [illegible] در حدیث معتبر
از حضرت [illegible] علیه السلام منقول است که [illegible] دهن را خوشبو
میکند [illegible] و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که [illegible]
[illegible] میکند و [illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام که [illegible] کنید
[illegible] و در حدیث معتبر حضرت امیر المؤمنین
منقول است [illegible] و در حدیث
صحیح منقول است که [illegible] حضرت رسول [illegible] خواب [illegible] کشیدند چهار میل
در دیده راست و سه میل در دیده چپ و در فقه الرضا مذکور است که چون اراده
نمائی که سرمه کشی میل [illegible] و بگو بسم الله و چون
[illegible] اللهم نور بصری به [illegible]
[illegible] نوراً علی دنیای و اجر بی
و [illegible] سرمه کشیدن [illegible] وقت خواب [illegible] نظر کردن در
آینه [illegible] از حضرت صادق علیه السلام منقول است [illegible] فرمود که حمد
[illegible] کرد [illegible] بهشت [illegible]
[illegible] بگو الحمد لله که خدا او را صورت نیکو آفریده و او را معیوب نکرده است و در فقه
الرضا و غیران مذکور است که چون [illegible] آینه [illegible]

[illegible] و بگو بسم [illegible] دست [illegible] بگذار [illegible]
[illegible] نیست [illegible] بر تحقیق [illegible]
[illegible] و فضلنی علی کثیر من خلقه و من علی بالاسلام و رضینی لی دینا
[illegible] دست [illegible] لا تغیر ما بنا من نعمه و اجعلنا من
[illegible] و لانعمک من الذاکرین و در روایت دیگر منقول است که حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که [illegible] در آینه [illegible]
[illegible] خوشبو کردن [illegible] در فضل
[illegible] بوی خوش در حدیث معتبر از حضرت [illegible]
منقول است که چون آدم و حوا از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار داشت
و حضرت حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش بها گیسوی خود را
شانه کرده بود و بسته بود چون بزمین آمد گفت چه امید داشته باشم از شانه
[illegible] بهشت کرده [illegible] بر گیسوهای خود
[illegible] بوی خوش [illegible] در مشرق و مغرب [illegible]
[illegible] باین سبب [illegible] بوی خوش [illegible] و حضرت
صادق علیه السلام [illegible] که بوی خوش [illegible] و قوت [illegible]
و در حدیث [illegible] از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بوی خوش [illegible]
پیغمبران است باید که هر روز استعمال نمود و اگر قادر نباشد یک روز در میان و اگر قادر
نباشد هر جمعه و ترک آن نباید کرد و سنت مؤکد است و فضیلت بسیار دارد و از
حضرت [illegible] مرویست که [illegible] صرف [illegible] نباشد و از ابو عبد الله
منقول است که [illegible]
و حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در [illegible] بوی خوش [illegible]
[illegible] عقلش [illegible] حضرت رسول [illegible] بوی خوش زنان [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر منقول است که
حضرت رسول [illegible] بوی خوش و شیرینی را که برای آنحضرت [illegible]
[illegible] صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش [illegible] و عنبر و عود و زعفران

در حدیث صحیح منقول است که علی بن جعفر از حضرت امام موسی سؤال کرد که آیا مرد
در روغنی که بخور داده باشند داخل میتوان کرد فرمود که من میکنم [illegible]
در باب خلوق وارد شده و آن بوی خوشی بوده که از چند چیز میساختند که بیشتر جزو
زعفران است و در احادیث بسیار مذمت خلوق وارد شده و ملا محمد باقر گفته شاید
این نهیها برای آن باشد که رنگش بسیار در بدن بماند و در حدیث دیگر منقول است
که حضرت علی بن الحسین علیه السلام شبی از خانه بیرون آمدند جبه خزی و عبایی
پوشیده بودند و غالیه در ریش خود مالیده خوشبو کرده بودند پرسیدند در این شب با این
هیئت از برای چه بیرون آمده اید فرمود میخواهم عبادت الهی بکنم و حور العین از خدا خواستگاری
نمایم یعنی برای عبادت زینت و بوی خوش کردن سنت است تا روغن بنفشه
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که روغن بنفشه مغز را نرم میکند و
دماغ را قوت میدهد و مجاری بسته بدن را باز میکند و خشونت جلد را برطرف
میکند و بدحالی رنگ رو را زایل میسازد و درد [illegible] میکند و از حضرت صادق
منقول است که چون روغن بنفشه بدست گیری بگو اللهم انی اسئلک الزین والزینة
والمحبة واعوذ بک من الشین والشنائة والمقت پس که بر بالای سر بگذارد و
ابتدا کن بروغن بنفشه در چند حدیث نهی وارد شده است [illegible] روغن
بنفشه در مرتبه [illegible] که مانند [illegible] و در روایتی دیگر [illegible]
باد و مرتبه [illegible] روغن بنفشه بهشت وارد شده منقول است که شخصی [illegible]
در دماغ [illegible] رسید بود بحضرت صادق علیه السلام فرمود روغن بنفشه در
دماغ بچکان چنان کرد شفا یافت بعد از آن فرمود که ای [illegible] روغن بنفشه در زمستان
گرم است و در تابستان سرد است و برای شیعیان ما نرم است و برای دشمنان ما
خشک است اگر مردم فضیلت آن را بدانند [illegible] و قیمت آن [illegible] بشود
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو روغنی است روغن بان و در حدیث
دیگر منقول است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از زخمهایی که در دست و پایش
بهم رسیده بود فرمود که [illegible] روغن [illegible] بخود بکشد [illegible]
[illegible] آن شخص بگیرد آن کار کرد و آن آزار از او برطرف شد و [illegible]

معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش
شیطان بخوابد بقدرت الهی باو ضرر نتواند رسانید و در حدیث دیگر امان است از
هر دردی و در روایت دیگر از حضرت رسول صلعم منقول است که در روغن زیت
منافع بسیار است و در آن شفا از هفتاد درد است و منقول است که حضرت رسول
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که
[illegible] شیطان تا چهل روز نزدیک او نیاید و در بعضی احادیث وارد شده است
روغن گل خیری روغن الطیبی است و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول
[illegible] بسیار [illegible] روغن [illegible] خوردن
حضرت صادق علیه السلام منقول است [illegible]
[illegible] و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که [illegible]
[illegible] تا چهل روز [illegible] و در حدیث دیگر است که حضرت [illegible]
[illegible] و بعد از آن [illegible]
در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول [illegible]
[illegible] دیگر است که در وقت بخور کردن این دعا بخواند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ولا تنسی ما خولتنی [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت رسول منقول است که
[illegible] و در حدیث دیگر
[illegible] و چون [illegible]
[illegible] آل محمد [illegible] و در روایت دیگر
منقول است که چون [illegible]
[illegible] و چون برگشتند [illegible] گل سرخ در آن روئید

سرّ نبی که معلوم شد که حضرت بعد از استشمام میل کل نرجس را ببوید و در روایت
دیگر از طرق عامه از حضرت وارد شده است که گل سرخ از عرق من روئیده
شب معراج و گل سفید از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق و در روایت وارد شده
که ببوئید گل سرخ را و در بعضی [illegible] بیاورد و حضرت رسول [illegible] و بود که
نیکو کلیسه بنکوشد و دور عرش می روئید و ابن [illegible] جهنم است و در
دیگر است که ببوئید [illegible] که قوت شامه [illegible] از حضرت [illegible]
منقول است که گل بیست و یک نوع دارد و سید همه مورد است و در حدیث
معتبر از حضرت رسول منقول است که هر گاه گلی بشما بدهند ببوئید و بر دیده
خود بگذارید که آن از بهشت آمده است و در ضمن حدیث معتبر است که هر که گلی را
بگیرد و ببوید و بر دیده‌های خود بگذارد پس بگوید اللّٰهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد
[illegible] که [illegible] و حضرت امام علی نقی علیه السلام
منقول است که هر که گل را ببوید و بر دیده بگذارد پس صلوات بر محمّد و آل او بفرستد
حق تعالی [illegible] حسنات [illegible] که در ما بین بکر و عراق
[illegible] است [illegible] ما بین صد [illegible]
[illegible] روایت کرده که حضرت [illegible] در هر روز صد [illegible]
در [illegible] بیاورد. [illegible] صاحب کافی از حضرت
روایت کرده که هر روز صد مرتبه [illegible] و [illegible] بیت موئی که
[illegible] کند بصد مرتبه [illegible] تا آنکه دفع کند از او [illegible]
[illegible] مگر آنکه [illegible] دارد [illegible]
[illegible] مخصوصه ساعات دوازده است
[illegible] معروف ثواب دوازده ساعت
[illegible] منسوب [illegible] و دعائی در
[illegible] که مشتمل بر توسل [illegible] المقام است ساعت اول
[illegible] منسوب بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام است
[illegible] که از [illegible] طلوع آفتاب است

[illegible] که [illegible] شود [illegible] بخوانند [illegible]
[illegible] یا خالق السّموات والارض [illegible]
[illegible] الرّحیم و القیّوم [illegible] دعاء
[illegible] یا [illegible]
[illegible] یا من لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار یا من لا
[illegible] یا رزّاق [illegible]
[illegible] یا من [illegible] علی من [illegible]
[illegible] الکرب [illegible]
[illegible] یا من لا [illegible] علی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الاسباب [illegible] یا
کریم [illegible] یا [illegible] الابواب یا من [illegible]
و [illegible] یا من [illegible] یا من لا [illegible]
[illegible] یا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و [illegible] الامام [illegible]
[illegible]
[illegible] فی [illegible] اللّٰهمّ صلّ علی محمّد

وَبِهِ وَذُنُوبِي [illegible] بِحَقِّ [illegible] تَقَبَّلْ وَضَاعِفْ وَمُرِيدَاتِ [illegible]
كَانَتْ [illegible] وَاسْتَجِبْ [illegible] إِلَيْكَ وَأُذُنِي [illegible]
[illegible] مِنْ [illegible] وَالْجَنَّةَ [illegible]
[illegible] ذُلِّي مِنْ خَشْيَتِكَ وَلَا تُخْزِنِي [illegible]
[illegible] وَعَافِنِي
[illegible] بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فصل سیم در ادعیه هر روز که مخصوص بساعتی نیست بلکه در تمام روز میتوان
خواند مشتمل بر چند نوع نوع اول بهترین دعائی که خوانده شود استغفار است از حضرت صادق
روایت است که اگر مؤمنی در یک روز چهل گناه کبیره کرده باشد پس از روی ندامت
و پشیمانی این استغفار را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَاَسْئَلُهُ اَنْ
يَتُوبَ عَلَيَّ و مرویست که حضرت رسول فرمود که هر که خواهد که در نامه اعمال
در ملا اعلی ثنا گویند پس هر روز بعد از [illegible] بخواند و اگر گناهی داشته باشد آمرزیده
شود و اگر [illegible] داشته باشد [illegible] و اگر [illegible] داشته باشد [illegible]
شود و اگر همی و غمی داشته باشد زائل گردد و بعد از رفتن [illegible]
تا در لوح محفوظ برای او نوشته شود دعا اینست سُبْحَانَ اللهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَاللهُ اَكْبَرُ كَمَا يَنْبَغِي لِلّٰهِ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ وَجَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ
وَالنَّبِيِّينَ حَتّٰى يَرْضَى اللهُ و ایضا روایت شده است که سنت است که هر روز این دعا
را بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ الْحَيِّ [illegible] وَاَسْئَلُكَ
بِنُورِ وَجْهِكَ الْقُدُّوسِ الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَانْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَ
صَلَحَ عَلَيْهِ اَمْرُ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُصْلِحَ لِي شَاْنِي كُلَّهُ
و نیز از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که هر که هر روز [illegible]
[illegible] مرتبه بخواند [illegible]
[illegible]
[illegible] هر روز [illegible]
[illegible] سُبْحَانَ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ سُبْحَانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ سُبْحَانَ
[illegible] سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ
سُبْحَانَ رَبِّنَا وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْاَعْلٰى سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰى و در حدیث
وارد شده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر روز میخواندند اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا
اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَاِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا وَاَيْتُ بِهِ عَلٰى

[illegible] عندك [illegible] فاغفر لي ما [illegible] ثم الله [illegible]
[illegible] الخلائق [illegible] وسموات الجبال [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] روایت [illegible] بالله [illegible]
[illegible] واسئلك [illegible] من اعذب و
[illegible] الاعضاء والسمع [illegible] على كل
شيء قدير [illegible] تکرار نماید کرد از
[illegible] معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت که هر روز هفت مرتبه
بگوید اسئل الله الجنة واعوذ بالله من النار جهنم گوید خدایا او را از من پناه ده
[illegible] روایت که هر روز ده مرتبه بگوید الحمد لله على كل
نعمة كانت [illegible] شکر نعمت گذشته و آینده کرده باشد ایضا از
حضرت روایت که هر که هر روز [illegible] مرتبه بخواند [illegible]
حسبي الله الذي لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ایضا
[illegible] روایت [illegible] که هر که [illegible] مرتبه [illegible] جهل [illegible]
[illegible]
[illegible] شیطان و ظالمان [illegible]
[illegible] گناه کبیره و در روایت دیگر چنان باشد که دوازده مرتبه
[illegible] خدا در بهشت [illegible] دعا اینست اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شريك له الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
ایضا از حضرت رسول روایت که هر که هر روز ده مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحيم
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم از گناهان بیرون آید مانند روزی که از
[illegible]
[illegible]
[illegible] روایت [illegible]
[illegible]
شیطان و لشکرهای او محفوظ دارد و قرض او ادا شود و غم و همش زایل شود [illegible]

[illegible] لا اله الا الله [illegible] ولكل نعمة الحمد لله
[illegible] ولكل اعجوبة سبحان الله ولكل ذنب استغفر الله و
لكل مصيبة انا لله وانا اليه راجعون ولكل ضيق حسبي الله ولكل قضاء
وقدر توكلت على الله ولكل عدو اعتصمت بالله ولكل طاعة ومعصية لا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت که
[illegible] که هر که هر روز پانزده مرتبه بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله
الا الله ايمانا وتصديقا لا اله الا الله عبودية ورقا [illegible]
او نگرد تا داخل بهشت گرداند و دیگر بسند معتبر از آن حضرت روایت که هر که
هر روز [illegible] بگوید [illegible] المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات
[illegible]
[illegible] بهشت [illegible]
بسند حسن و معتبر از آن حضرت روایت که حضرت رسول هر روز هفتاد مرتبه میگفت
استغفر الله و هفتاد مرتبه اتوب الى الله [illegible] صد بار خوانده می شود از حضرت
صادق علیه السلام بسند معتبر روایت که هر که هر روز صد مرتبه بگوید لا حول ولا قوة
الا بالله حق تعالی هفتاد نوع بلا از او دفع کند که کمتر آنها هم و غم باشد و روایت دیگر
[illegible] روایت دیگر [illegible] هر که هر روز صد
مرتبه بگوید [illegible] لا اله الا الله [illegible] حق تعالی [illegible]
[illegible] بسند معتبر روایت شده که حضرت رسول [illegible] هر روز صد
مرتبه بگوید لا اله الا الله الملك الحق المبين [illegible] وحشت قبر
[illegible] بهشت [illegible]
بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول هر روز [illegible]
[illegible] الحمد لله رب العالمين كثيرا على كل حال و در روایت دیگر
از حضرت منقولست که هر که [illegible] هر روز [illegible] صد مرتبه بگوید
[illegible] استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
الرحمن الرحيم بديع السموات والارض من جميع ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي و

[illegible] نوع [illegible] باید که در کتاب [illegible] علی العلوی مروی است
[illegible] سلطان [illegible] و حلوا [illegible]
[illegible] فانهم [illegible]
[illegible] صلوات [illegible]
[illegible] من [illegible] اتکم [illegible]
[illegible] من [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و کذلک [illegible]
[illegible] الحب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الا انه و لم [illegible]
[illegible] من [illegible]
[illegible] عادت جاری
شد [illegible] در این امت موافق شریعت از خوردن و آشامیدن و بی طاعتی از خانه
[illegible] سواره [illegible] احکام
[illegible] مشتمل [illegible] نوع آداب و اقسام [illegible]
[illegible] اوقات و ظروف طعام خوردن و حلیت
[illegible]
[illegible] مکروه است و [illegible]
[illegible]
[illegible] باشد [illegible] کند و [illegible]
[illegible] بسیار گرم خوردن و باید

و باید [illegible] گرم [illegible] تا سرد شود و بعد از آن خورد و مستحب است
[illegible] دست در پیش دیگران دراز نکند و تنها در وقت [illegible]
چیز خوردن مکروه است و با خدمتکاران و غلامان و [illegible] چیز خوردن سنت است
و باید [illegible] چیز خوردن داشته باشد که دست بکشد و پیش از طعام و بعد از طعام
دست شستن سنت است و پیش از طعام که دست بشوید سنت است که [illegible]
[illegible] صاحب خانه دست بشوید تا آخر مجلس و بعد از طعام اول [illegible]
[illegible] دست بشوید [illegible] و خود [illegible] بشوید سنت است که [illegible]
[illegible] دست بشویند [illegible] در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت صادق
[illegible] روایت نموده که [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] پیش [illegible] خوردن و [illegible] خوردن [illegible]
[illegible] خوردن [illegible]
[illegible] مردم [illegible] طعام و [illegible]
[illegible] دست [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] است که [illegible]
[illegible] که [illegible] خوردن [illegible] سنت [illegible]
[illegible] گوشت خوردن [illegible]
[illegible] گوشت [illegible]
[illegible]
[illegible] است که [illegible]
[illegible] و [illegible]
اگر [illegible] که [illegible] حضرت
[illegible] که [illegible]

[illegible] میگوید عرض کردم کدام است افضل [illegible] و طول دادن در رکوع و سجود نماز و
طول دادن نشستن [illegible] فرمود [illegible] باشد [illegible] رکن اعظم در
خیری خوردن اجتناب از حرام و شبهاتست در کتاب مکارم الاخلاق از حضرت [illegible]
منقولست که فرمود [illegible] لعنت کنند [illegible] در
میان [illegible] و نظر نکند خدای تعالی جانب او بنظر رحمت و کسی
خوردن لقمه از حرام مستوجب غضب الهی بود و اگر توبه کند توبه او قبول نشود و اگر بمیرد [illegible]
[illegible] احادیث در باب اجتناب از حرام و شبهه بسیار است که [illegible]
[illegible] در کتاب [illegible] از حضرت [illegible] محمد باقر [illegible] که
حضرت [illegible] عبادت [illegible] افضل از طلب حلال است [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر
از حضرت ابی عبد الله علیه السلام منقولست که چون [illegible] بگوید بسم الله
و در حدیث است که [illegible] میگوید [illegible]
[illegible] ما [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] الحمد لله
[illegible]
[illegible]
[illegible] و حضرت
[illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت [illegible]
[illegible] از حضرت [illegible]

حضرت [illegible] منقولست که [illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام فرمود [illegible]
[illegible] دست [illegible]
[illegible] فرمود که [illegible] دست [illegible]
[illegible] الحمد لله [illegible]
[illegible] فرمود [illegible] دست [illegible]
[illegible] از حضرت امام رضا [illegible]
منقولست که [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر [illegible] خوردن [illegible] و در حدیث دیگر
خوردن [illegible] و حضرت رسول فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت صادق علیه السلام منقولست که [illegible]
[illegible] حضرت رسول [illegible] فرمود که [illegible]
[illegible] و حضرت [illegible] موسی علیه السلام فرمود که
[illegible]
صادق علیه السلام فرمود که [illegible]
و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که خلال کردن [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible]
[illegible]
[illegible] علیهم السلام [illegible]
خوردن [illegible]
[illegible] خلال [illegible]
[illegible] و مانند [illegible] خوردن و

اما سیر نباشد مگر آنکه منظور او قوت عبادت باشد چنانکه مذکور شد
و باید معده پر نکند که سبب کسل و ضرر باشد که خدا شکم پر را دوست
نمی دارد اما ظروف اکل و شرب و سایر استعمالات و آنچه می از آن وارد شده پس
خوردن و آشامیدن در ظروف طلا و نقره جایز نیست و در استعمال غیر اکل و شرب
خلافست و احوط اجتنابست و همچنین در نگاه داشتن برای زینت احوط اجتناب
و بعضی گفته اند که هر که در ظرف طلا و نقره کند حرام میشود اگر چه طعام را
در ظرف دیگر کشد و آنچه در آن ظرف دیگر خورد خوردنش حلال است و جمعی از علما می گفتند
و مشهور آنست که در ظرف طلا یا نقره نباشند و در ما شرب [illegible] و غیر چیزی و قلیان
و قنا یلیه که هر دو طرفش کرده باشد که در مشاهده شیر هیچ او نرسد و ظرف مصحف و
دعا و آینه را نقره و طلا کردن بلکه چوب نی را نقره کردن خلافست و احوط ترک
اجتنابست اگر چه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست و در نعلبکی قلیان که از نقره و
طلا باشد خوف بیشتر [illegible] و مکروه است [illegible] نقره [illegible] کوچکی که چوب
و آشامیدن اگر بخورد بهتر آنست که دهان را به موضع نقره و طلا نرساند و استعمال
[illegible] آنست که جایز نیست استعمال پوست مگر پوست حیوانی که در حال
حیوة [illegible] باشد [illegible] مشروع کشته شده یا از دست مسلمان گرفته باشد
و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و همچنین پوستی که معلوم نشود اگر چه
گمان باشد که از دست مسلمان افتاده است مثل کفش و همچنین مسلمانان بعضی گفته اند
که جایز است استعمال آن [illegible] مشروط [illegible] باشد مثل زراعت و
[illegible] ولیکن [illegible] احوط اجتنابست و همچنین
جایز دانسته اند استعمال پوستی را که معلوم نشود که از مسلمانی گرفته اند از دست
مسلمانان افتاده است و خالی از قوتی نیست و احوط اجتنابست و پوست حیوان
طاهر که گوشت آن را نخورند و ذبح شرعی نکرده باشند استعمال می توان کرد اما بیشتر
[illegible] و ظرفی که شراب در آن کرده باشند هر چند مرچه
نجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس شستن آن کافی می شود و همچنین هرچه
که نفوذ [illegible] باشد که شراب [illegible] آنجا کند و در مثل سبو

سبو و کدو و خم سفالی و امثال اینها خلافست و مشهور آنست که آب کشیدن
پاک میشود خصوصا وقتی که مدتی در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند و اثر
شراب در آن نماند و احوط اجتنابست و در حدیث معتبر دیگر فرمود که کراهت
دارد خوردن چیزی که در سفالی که از مصر آورده باشند و حضرت امام محمد باقر
که [illegible] بودند در [illegible] کاسه سیاهی که در میان آن [illegible] سوره
قل هو الله احد نقش کرده بودند اما [illegible] و گوشت و روغن و سایر
چیزها از حیوانات حاصل میشود و شیرینیها بعضی حبوب و میوه ها و سبزیها و لا یمکن
[illegible] آنها که [illegible] بعد [illegible] و [illegible]
شدن غذا بر مغتذی که بدن انسانی است که طبیعت در آن تصرف
[illegible] و تفریق و عقد و تغذیه و تشبیه و [illegible]
[illegible] نیست [illegible] نقل کیفیت تفریق و [illegible] تفریق
[illegible] محتاج [illegible] و [illegible] محتاج باید نقل است
که تشبیه و [illegible] باشد [illegible] گوشت مقدم است و همچنین [illegible]
و [illegible] از حضرت صادق علیه السلام مرویست که [illegible]
[illegible] داد [illegible] که [illegible] است و [illegible]
[illegible] و حضرت صادق علیه السلام [illegible]
که [illegible] در [illegible] حضرت امام رضا علیه السلام [illegible]
که حضرت رسول فرمود که گردهای نان گرامی کنید که خدا گرامی کرده [illegible]
و در چند حدیث معتبر منقول است که نان را زیر ظرف [illegible] و [illegible]
نکنید و در حدیث صحیح معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که [illegible]
[illegible] اهل بیت [illegible] و [illegible] مگر آنکه
[illegible] و [illegible] داخل
[illegible] مگر آنکه [illegible] که در [illegible]
و [illegible] قوت [illegible] مگر [illegible]
و [illegible] صلحه [illegible] و در روایت دیگر

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوای صاحب ایمان برنج و گوشت
و هم چنین دوای صاحب سل و درد ها را زایل میکند در مکارم الاخلاق از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام منقولست که بیست درکاو زمین بقلی و کاو دس باشیرین و
[illegible] و در حدیث صحیح حضرت امام رضا فرمود نیکو خوردنی است
سویق یعنی آرد بو داده گرسنه را سیر میکند و طعام را هضم میکند و حضرت صادق
فرمود که سویق هفتاد نوع بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد کتفین او پر شود
از قوه و صفرا را و بلغم را زایل میکند و شفای هفتاد درد است و مجاری
خون و حرارت را برطرف میکند و در ضمن حدیث دیگر فرمود که اگر سه کف سویق خشک
ناشتا خورده شود [illegible] صفرا [illegible] برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر
منقولست که بهترین نان خورشها در دنیا و در آخرت گوشت است مگر نشنیده که حق تعالی
در وصف بهشت میفرماید و لحم طیر مما یشتهون و در حدیث از حضرت امیر المومنین
منع از [illegible] خوردن گوشت [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که گوشت خوردن در
گوشت [illegible] چهل روز گوشت نخورد بد خلق میشود و هر که [illegible]
[illegible] در حدیث [illegible] منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا
عرض کرد که اهل بیت ما گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند سودا را حرکت میدهد و درد
ازان درد سر و دردهای دیگر هم میرسد حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل گوشتی بهتر
از گوشت گوسفند میدانست فدای اسمعیل گوسفند قرار نمیکرد و حضرت امام محمد باقر
فرمود که بنی اسرائیل بحضرت موسی شکایت کردند [illegible]
شدند پس حق تعالی وحی نمود بحضرت موسی که امر کن ایشان را که گوشت گاو را با چغندر
بخورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرق گوشت گاو بیاضی را زایل میکند و از حضرت
امیر المومنین علیه السلام منقولست که [illegible] درد است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گوشت [illegible]
[illegible]
[illegible] گوشت [illegible] و از حضرت امام موسی علیه

السلام منقولست که گوشت گوشت میرویاند [illegible]
و در حدیث معتبر است که حضرت رسول نهی فرمود از خوردن گوشت خام و فرمود که
این خوراک حیوانات درنده است بلکه بپزید و بخورید تا آنکه آتش یا آفتاب آن را تغییر دهد
در احادیث بسیار منع وارد شده است از گوشت قدید که در سایه خشک کرده باشند که
[illegible] حرکت میدهد [illegible]
وارد شده است و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که باکی نیست در خوردن گوشت
[illegible] و در چندین حدیث منقولست که هر که چهل روز گوشت نخورد بد خلق
[illegible] و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که کم
یاد بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی نیست و اگر با نان بخورید گوارا است و حضرت امیر
المومنین علیه السلام فرمود که مداومت منمایید بر خوردن ماهی که بدن را می کاهد و در
روایتی ماهی تازه [illegible] و حضرت رسول صلعم چون ماهی تناول میکرد
میفرمود اللهم بارک لنا فیه و ابدلنا خیرا منه و در احادیث بسیار مدح مرق گوشت
که نان در آن ترید میکرده اند وارد شده و احادیث معتبره در مدح کباب منقولست که ضعف را
[illegible]
[illegible] و حضرت امیر المومنین
فرمود که بر شما باد بخوردن [illegible] که [illegible] عبادت میدهد و از جمله مائده
که خدا [illegible] بر حضرت رسول نازل کرد [illegible] گوشت
[illegible] گوشت [illegible] حضرت امام رضا علیه السلام
[illegible] حضرت فرمود که [illegible]
با گوشت [illegible] و حضرت صادق علیه السلام فرمود که [illegible]
[illegible] و حضرت امام [illegible] علیه السلام فرمود که بسیار خوردن [illegible] زیاده میکند
و احادیث معتبره در مدح سرکه بسیار وارد شده است و منقولست که بهترین نان خورشها سرکه است و حضرت
رسول سرکه [illegible] فرمودند که خانه که سرکه در آن باشد خالی از نان خورش نیست و حضرت
امیر المومنین علیه السلام فرمود [illegible] سرکه [illegible]
میکند و حضرت صادق فرمود که سرکه که از شراب بهم رسیده باشد کرم معده را میکشد

دفع درد زانو میکند و [illegible] قوی میکند و شهوت زنان را قطع میکند و منقول است
که خوردن عسل و تلاوت قرآن و خاییدن کندر بلغم را میبرد [illegible]
[illegible] و هر چه کهنه شود [illegible]
احادیث بسیار وارد شده است و مراد از آن [illegible] یا قند یا از قبیل حلوا چیزی از
شکر ساخته [illegible]
و هر چه کهنه شود خشکی در او غلبه میکند و منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام
در وقت خواب تناول میفرمود و منقول است که [illegible] نفع بلغم میکند و [illegible]
[illegible] درهم داشته باشد و غیر از چیزی نداشته باشد و هر [illegible]
[illegible]
[illegible] و چون شیر تناول میکرد
[illegible] از آنحضرت منقول است که
[illegible] شیر گاو [illegible] و حضرت امیر
مؤمنین علیه السلام فرمود که شیر گاو دواست و حضرت امام [illegible] علیه السلام فرمود که شیر
[illegible] شیر گاو [illegible] از شیر [illegible]
[illegible]
[illegible] باشد در
[illegible] و خنازیر و فساد و امثال آن کرده باشند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] باشد و در ایام خوردن [illegible]

[illegible]
[illegible] حضرت صادق [illegible]
از ضعف بدن فرمود که شیر بخورد که گوشت را میرویاند و [illegible]
و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که هر که را [illegible]
[illegible] شیر [illegible]
[illegible]
[illegible] و حق تعالی شفاء شیر قرار داده است
[illegible]
[illegible] که روز اول ربع
رطل بات [illegible] درهم اضافه نمایند تا دو رطل [illegible] مزاج قوی باشد و [illegible]
[illegible]
[illegible]
داخل کند و دستور خوردن شیر [illegible] این است که روز اول نبات [illegible] مثقال شیر [illegible] مثقال
نبات سفید داخل نموده بنوشند و روز پنجم [illegible] مثقال شیر و [illegible] مثقال نبات زیاد
[illegible]
تا مثل اول شود و باید بحسب [illegible] زیاد و کم نمایند تا نفع از آن شود و [illegible]
[illegible]
منقول است که هر که [illegible] بار [illegible] و حضرت [illegible] علیه السلام
فرمود که دوست میدارم پنیر را و در روایتی وارد شده است که [illegible]
مضر است و [illegible] نافع است و موجب تولد فرزند میشود و حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود که خوردن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] میکند و [illegible] قطع میکند و [illegible]

که حضرت امام رضا علیه السلام خود بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام نان لیک
میفرمودند و در روایت معتبر بسیار وارد شده است که خوردن عدس دل را نرم میکند
و آب دیده را جاری میکند و در روایت معتبر منقول است که خوردن باقلا ساق را
بمغز میکند و دماغ را زیاده میکند و تولید خون زیاده میکند و در روایتی باقلا را
[illegible]
[illegible] منقولست که شخصی بخدمت امام موسی علیه السلام شکایت کرد
از مغز و بود که نان و طعام خود را حل کن آن را بو ماده حدیث معتبر است که اگر چه
[illegible]
[illegible] دن خرمای بود که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام دوست میداشت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
واز ماهی و مسلمانان خوردن چنین مکن و بلکه از نیکه بخورد و در حدیث دیگر فرمود
[illegible]
[illegible] است که از بهشت آمده است انار ملس و سبب
[illegible] حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که سیب
[illegible] در حدیث معتبر مکرر است که اگر
[illegible]
[illegible] علیه السلام منقولست که سیب و بکلام مؤثر است
خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض مرگ و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که میوه صاحب نعمت است و بعد از هم انار است فرمود که انار
نار که گرسنه را سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت رسول
محبوب تر از انار نبود [illegible]
[illegible] باشد و فرمود که انار را با پیه خورید که دباغی معده میکند

مشو و برای افزاید و فرمود که انار ترش شیرین شایسته تر است [illegible]
و دو جوب درخت خرما حشرات و کرمهای زمین را ببرد و [illegible] از حضرت
[illegible] علیه السلام منقولست که [illegible]
فرمود که خوردن سیب نافع است برای زهر و سحر و استیلای جنه و غلبه بلغم و هیچ
[illegible]
[illegible]
خوردن به دل ضعیف را قوی میکند و معده را پاکیزه میکند و [illegible] میکند
[illegible]
[illegible]
[illegible]
انجیر که دهان را زایل میکند و استخوان را سخت میکند و موی را رویاند و [illegible]
[illegible]
از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که بخورید امرود که جلای دل
[illegible]
[illegible]
[illegible] خوردن و در حدیث دیگر حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که
[illegible] حرارت را فرو می نشاند و صفرا را ساکن میگرداند و دوای خلط خون را ساکن میکند
[illegible]
[illegible]
و میوه است که لطیف و اشتها آورنده که دهان را پاک میکند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام منقولست
که خیر نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میوه تازه ای در [illegible] و بر مردم

بکذارند و میکفتند اللهم کما ابتدأت اولها فی عافیة فاختم آخرها فی طاعة بعونی
[illegible]
سبزیها از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکز خوانی نزد امیر المؤمنین علیه السلام
نمی آوردند مکر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان سبزاست و مایل است
بسبزی و فرمود که هرکه شب بخوابد و هفت برک کاسنی در معده او باشد در آن شب از
قولنج ایمن کردد و فرمود که کسی که خواهد مال و فرزندش زیاد شود بسیار بخورد
برک کاسنی را و در حدیث دیکر فرمود که هیچ سبزی نیست که [illegible] برکی از آن نیست
مکر آنکه قطرهای از بهشت بر روی او [illegible] پس وقت خوردن حرکت مدهید
که قطرهٔ آن بریزد و فرمود که کاسنی بهترین سبزیهاست و فربه را بسیار نیکو میکند
و [illegible] شب عارض شود و صداع داشت حضرت امام رضا علیه السلام
فرمود که کاسنی را بکوبند و بر روی کاغذی پهن کنند و روغن بنفشه بر آن بریزند
و بر پیشانی بنهند که تب و صداع را برطرف میکند اما دستور آشامیدن آب
کاسنی موافق دستور طبی آنست که برک او را شسته کوفته [illegible]
کرم کنند و شب کذاشته روز دیکر صاف نموده از [illegible] مثقال تا هشتاد مثقال
[illegible]
سکنجبین [illegible] و هرکاه اخراج صفرا مراد بود [illegible] و [illegible]
[illegible] آب کاسنی [illegible] و هرکاه برک کاسنی [illegible]
[illegible]
[illegible] مثقال [illegible]
[illegible] مذکوره بنوشند که [illegible] دستور آشامیدن
[illegible] کاسنی است و اکر خواهند اجرای مسهل [illegible]
[illegible] صاف نموده بنوشند و [illegible] آب
[illegible]
[illegible]
مرویست و اکر [illegible] خوانده باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] زخوره و خون [illegible]
[illegible]

موسی علیه السلام منقولست که شخصی را علت [illegible] عارض شده بود فرمود که [illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام [illegible]
[illegible]
بواسیر را قطع میکند و هرکه مداومت کند بر آن از خوره ایمن است و حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام [illegible] حضرت صادق علیه السلام
[illegible]
[illegible]
[illegible] و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست [illegible]
[illegible] علیها السلام و در حدیث دیکر فرمود که بر شما باد بخوردن [illegible]
[illegible] از حضرت صادق علیه السلام منقولست [illegible]
[illegible]
[illegible] و بیرون [illegible]
[illegible] علیه و آله منقولست که [illegible]
[illegible] از بهشت [illegible]
[illegible] منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دوست
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و رفع عطش
[illegible]
[illegible] از چهل و پنج مثقال تا نود مثقال [illegible]
[illegible] و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible] میکند و در روایت دیکر فرمود که [illegible] و در روایت دیکر

... را دفع میکند و در حدیث معتبر از امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقول است
که خوردن شلغم قوت جماع را زیاد میکند و امان میدهد از فالج و دفع بواسیر میکند و
در چهار حدیث معتبر وارد شده است که ... شلغم ... که هیچ کس
نیست مگر آنکه در او رگ ... هست و شلغم آن رگ را میگدازد و در حدیث معتبر منقول است
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... با نمک می خوردند و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که ... که باعث زیادتی برکت می گردد
[illegible]
دیگر از آن حضرت منقول است که ... بادنجان را که ... در ...
... بسیار است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است ...
[illegible]
[illegible] ... میکند ... را ... میکند
[illegible]
[illegible]
... که طاعون آن شهر را از شما دور گرداند و فرمود که هر که ... خورد ...
... اما اگر کسی که به مسجد رود ... و از حضرت صادق
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ... اگر قبول کند ... اگر ...
[illegible]
[illegible] ... حضرت منقول است که ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
طعام ... و بعد از ... دست ... و حضرت
رسول فرمود که ... حاضران و غایبان ...

قبول کند ... باشد که این از امور ... که در دین لازم است و
... حضرت ... فرمود که ...
[illegible]
[illegible] ... است در
احادیث معتبر وارد شده است که بهترین آشامیدنیهای دنیا و آخرت آب است
و در آب زمزم دواست از برای هر دردی که برای آن بخورند و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که آب زمزم شفاست از هر دردی و در روایت دیگر از برای هر
[illegible]
... که بدن را پاک میکند و بیماریها و دردها را از بدن دفع میکند و از حضرت
صادق علیه السلام ... وارد شده است ... خوردن ... و در روایت دیگر وارد
[illegible]
... زیاد ... مگر ... تا آنکه ... افتاد بخدمت حضرت
صادق علیه السلام ... که ...
... کعبه ... طلب کردم ... از مردم ...
[illegible]
[illegible]
صادق علیه السلام منقول است که ...
[illegible] ... در احادیث ... وارد شده
... حضرت رسول ...
[illegible]
حضرت صادق علیه السلام ...
[illegible]
[illegible] ... و حضرت
موسی علیه السلام فرمود که خوردن آب سرد ... و حضرت امام
رضا علیه السلام فرمود که ...

بکر بکرد انداخت عزرائیل میکند و قوت میدهد ساق و قدم را و سنت است
آشامیدن آب مضا یعنی بمکیدن و بدفعات نه چنانکه یکبار فرو برد مانند
کوتر و از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که فرمودند آشامیدن آب عبا مورث
درد جگر میشود و سنت است که بسه نفس خورده شود و حمد خدا بعد از هر
نفس کند و بدست خود بیاشامد از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند
[illegible]
[illegible] دو سه مرتبه [illegible]
[illegible] الفرات [illegible] مشهور میان
[illegible] حساب کردن
[illegible]
چنانچه از حضرت صادق علیه السلام روایتست که [illegible] خوردن آب
که ماده مرض [illegible] است و از آنحضرت علیه السلام منقولست که هر بنده که آب
بخورد و حضرت امام حسین و اهل بیت او را یاد کند و لعنت کند کشندگان
[illegible]
[illegible] علی الحسین علیه السلام و لعن الله علی قاتل الحسین علیه السلام
[illegible]
آب خوردن [illegible]
[illegible]

از حضرت منقولست که حضرت رسول صلعم چون آب میخوردند میخواندند
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مغرب و جنوب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و آنچه در اثنای راه رو داده میشود تا برگشتن بخانه در حدیث صحیح از حضرت امام
منقولست [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که چون حضرت [illegible]

[illegible] خرجت وعلى الله توكلت لا حول ولا قوة إلا بالله [illegible]

[illegible]

[illegible] اللهم إني أسألك خير أموري كلها وأعوذ بك [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دون تا نصف شب ... دوازده فصل ... [illegible]

و اعوان ... که سایه شاخص بعد از ... [illegible]

سدید بعد از عدم شروع در ... نماید زیرا که ... [illegible]

... بعضی دو وقت ... در طرف جنوب ... [illegible]

... بمعنی در طرف شمال ... بمعنی ... [illegible]

وضع ... [illegible] ... در آن وقت ... [illegible]

... شده است ... [illegible]

... و در موضع ثالث بطرف ... [illegible]

... شخص ... زوال ... [illegible]

... بمعنی ... سایه بعد از زوال ... میگردد ... [illegible]

... زوال ... بحضور وقت ظهر است

[illegible]

... وقت ... تا آن زمان که ... مقدار ادای چهار رکعت ...

[illegible]

... فضیلت بدانکه وقت زوال و بعین وقت شریف و با میمنت است چنانچه

از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که فرمود که هرگاه زوال شد گشاده میشود درهای آسمان

... میگردد ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

و بعض از آن تصدق بمستحقین دادی تا ملائک حاجت روا کنی و از حضرت ...

مرویست ... رکعت ... [illegible]

... از اعدای ... و مالش ... [illegible]

... نماز ... روایت شده که ... [illegible]

... وقت نماز را ... بلال یعنی داخل کن ... [illegible]

بلال با علام کردن داخل شدن وقت نماز و چنانچه فرموده است ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... تمام نکرده ... [illegible]

[illegible]

... هفت رکعت دیگر ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... روز جمعه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

ودر سفر [illegible] خفی [illegible] دو رکعت
که در فقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام [illegible] محمد بن
مسلم را گفته باید محافظت کنی [illegible] مرد و جه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از فاتحه چنانچه در حدیث وارد شده
و در اعمال وقت نماز [illegible] نوشته خواهد شد [illegible]
[illegible] و فریضه [illegible] باشد برای [illegible]
[illegible] چنین کند که دو رکعت از
[illegible]
[illegible]
[illegible] از سوره‌های قصار که از والضحی تا سوره الناس است
خواند مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله بخواند و در رکعت دوم
[illegible] وسند حسن روایت کرده و در
[illegible] هر سوره که خواهد در رکوع و سجود چنانکه گذشت [illegible]
قنوت و تشهد و تسلیم بگوید بعد از سلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رکعت [illegible]
[illegible] نوشته شد [illegible]
[illegible] نماز [illegible] مگر در چهار از آنها اول نافله
[illegible] که در ابتدای شروع هشت رکعت تکبیرات ستة و ادعیه ثلاثه را باید
[illegible] در اول نافله مغرب [illegible] و در اول وتر [illegible] در اول [illegible]
[illegible] ساعت [illegible]

بجز از دعیه دوازده ساعت روز که در فصل بعد ذکر خواهد شد پس دو رکعت دیگر
از آن هشت رکعت بگذارد بدون تکبیرات سبعه و ادعیه ثلاثه و آن تعقیب و دعا
[illegible]
[illegible]
نماز ظهر و فصل کند میان اذان و اقامت بدو رکعت باقی هشت رکعت چنانکه
گذشت و این هشت رکعت نافله در سفر ساقط است و نیز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
[illegible]
[illegible] تکبیر گوید و باید [illegible] لا اله الا الله الها واحدا تا آخر [illegible]
[illegible] تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگوید [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

کفعمی از آنحضرت روایت کرده که بعد از نماز صبح و نماز ظهر [illegible] بگوید اللهم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible] که قبل از بن مذکور شد بخواند و اختیار کند از انها الحمد را بیرون [illegible]
خواندن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که مداومت [illegible]
سوره کند در فریضه و در نماز حق تعالی روز قیامت [illegible] عملش [illegible]
[illegible] از حضرت [illegible] که بسیار کند [illegible]
[illegible]
[illegible]
و از فضل حق تعالی [illegible] مرسلین دارد و بعد از فراغ از دو رکعت اول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] محمد و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و [illegible] محمد [illegible]
[illegible] اسألك باسمك الاعظم الذی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
پس دو رکعت دیگر بگذارد و [illegible] اللهم انی ادعوک بما دعاک [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علی محمد و [illegible]
[illegible] بما دعاک به عبدک [illegible] و انت ارحم الراحمین [illegible]

[illegible] من [illegible] اهل [illegible] دعاک [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و انا ادعوک [illegible] عبدک [illegible]
[illegible] ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفرج [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
تفرج همی و تصلح شأنی فی دینی و دنیای و ان تدخلنی الجنة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صادق مرویست که هر که بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار کند حق تعالی [illegible]
کند او را [illegible] و در روایتی دیگر هفتاد سال و پنجاه سال [illegible] احادیث [illegible]

[illegible]

[illegible] کند باد ابی که گذشت در فصل اول و بعد بگوید [illegible]

[illegible] از حضرت امام رضا علیه السلام روایت که در سجده [illegible]

[illegible] مرتبه میفرمودند [illegible] و نیز [illegible] از حضرت منقولست که در [illegible]

[illegible]

[illegible] ساعت نهم ودهم ویازدهم که در فصل ششم ذکر خواهند [illegible]

[illegible]

[illegible] ساعات روز وادعیه مخصوصه [illegible] وقت [illegible]

[illegible]

[illegible] اثنی عشر سلام الله علیهم ودعاهای [illegible] ساعت [illegible] که منسوبست [illegible]

[illegible]

[illegible] وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نماز عصر حضرت امام رضا علیه السلام منسوب است و دعایش اینست [illegible]

[illegible]

[illegible] علي بن ابيطالب الذي اخرنه [illegible]

[illegible]

[illegible] امام صادق عليه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] ايضا بسند هاي معتبر
انحضرت وحضرت كاظم عليهما السلام منقولست كه چون نزديك بغروب افتاب
شود ايد بخوان تا ايمن كردي از شر دنده واز شر شيطان لعين ورزند [illegible]

[illegible]

[illegible] شر [illegible]
من شر ما كان في الليل والنهار ومن شر ابي مرة وما ولد ومن شر
الرجيم ومن شر ما وصفت وما لم اصف والحمد لله رب العالمين وديكر
مناسبست خواندن دعاي دوازدهم روز كه كذشت وما ادعيه مختصه بنا از اكثم
[illegible] از حضرت صادق عليه السلام روايت كه در هنگام غروب ميفرمود امسينا
[illegible] والواحد القهار والحمد لله رب العالمين الذي قضى بالنهار

[illegible]

[illegible] فما انعمت به علي [illegible] از حضرت امير
[illegible]
[illegible] فيه حامدين لله الحمد كما امسينا لك مسلمين سالمين وديگر چراغ [illegible]
[illegible]
[illegible] از غروب افتاب وبيتار ابر طرف ميكند وروزي را زياد ميكرداند
وايضا از انحضرت منقولست كه چون چراغ را بيفروزند [illegible]

[illegible]

در برطرف شدن سرخی طرف مشرق سنت خواندن دعا و اذکار موجب [illegible]
و اخبار اهل بیت اطهار وسیلهٔ جلب منافع و دفع مضار است چنانچه بعضی از آنها
مذکور گردید و در این وقت ذمهٔ مکلف مشغول است به [illegible] رکعت فریضه و چهار
رکعت نافله و این نافله را بعد از فریضه باید بجا آورد به دو سلام و در سفر ساقط نمی‌گردد
و بعضی هم تصریح نموده‌اند اول وقت این فریضه را ابتدای برطرف شدن سرخی مذکور است
تا آن مقدار که ادای آن شود و بعد از آن وقت نماز عشا درآید و در هر دو مشترک
[illegible]
[illegible]
در مفتاح الفلاح گفته که مستفاد از روایات معتبره از اهل بیت عصمت [illegible]
[illegible]
کافی به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود
[illegible] دو وقت یکی وقت فضیلت
و دیگری وقت اجزا غیر نماز مغرب که وقت آن یک وقت و چون [illegible]
[illegible] در مجلس شصت و دوم از کتاب امالی از ابی اسامه روایت
[illegible] علیه السلام [illegible] بود کسی که
[illegible] می‌دارد نماز مغرب را تا مشتبک شود ستاره‌ها پس من از او بیزارم و چنانچه
[illegible]
[illegible] نماز مغرب [illegible]
[illegible] آن حضرت من بیزارم بسوی خدا از کسی که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دو وقت مگر مغرب پس به درستی که گردانید از برای آن وقت واحد
و تجویز وارد شده است در روایات معتبره بیرون رفتن وقت مغرب به زایل شدن
شفق و جماعتی از علمای ما رضوان الله علیهم به آن عمل کرده‌اند و قرار داده‌اند
ما بین غروب و رفتن شفق را وقت از برای شخص مختار و ما بعد آن را وقت از برای

از برای مضطر و اظهر مذاهب مشترک است که مضیق وقت فضیلت آن است [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible]
تاخیر کند اشتباک نجوم و هر کسی که اعتقاد داشته باشد و چون که تاخیر [illegible]
[illegible]
ندارد و واقع شده است یا بعلت انکار اعتبار اخبار کرده طرح کرده است یا معاذ
[illegible]
[illegible] است که تاخیر شود از برطرف شدن شفق و الله اعلم و چون غروب آفتاب
محقق شود اذان و اقامت بگوید و شروع در نماز کند و باید ترک نکند اذان و اقامت
[illegible]
قائل بوجوب اذان و اقامه در نماز شام شده‌اند بعضی قائل به بطلان نماز اند در ترک آنها
[illegible]
باشند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بنشیند ما بین اذان
[illegible]
[illegible]
[illegible] و حضور صلواتک و اصوات دعاتک و تسبیح ملائکتک ان تصلی علی
[illegible]
اقامت بجز آنکه گذشت از دعا بخواند و شروع در نماز نماید با آداب و شرایطی که پیش
[illegible]
رکعت و بعد که قل یا ایها الکافرون باشد و امثال آنها و در رکعت ثانیه سورهٔ توحید
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
شدن سرخی جانب مغرب است بیرون رود و بعضی گفته‌اند تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها

بخواند و باقی را بعد و ملا محمد باقر رحمه الله در مقابس گفته کمان من اینست که اجزاء [illegible]
[illegible] از نوافل خواند افضل است بشرط خواندن خصوصاً تعقیباتی که وارد شده [illegible]
[illegible] حرکت دادن پاها باید خواند و چون خوف بیرون رفتن نوافل هم رساند
[illegible] در حدیث معتبر وارد شده که فضیلت تعقیب [illegible]
[illegible] ماند و قول ملا محمد باقر رحمه الله در نزد حقیر ظاهر [illegible]
[illegible] حضرت صادق علیه السلام رویت که هر که بعد از نماز مغرب [illegible]
[illegible] یفعل ما یشاء ولا یفعل ما یشاء غیره حق تعالی [illegible]
[illegible] و سنت است که بعد از نماز مغرب [illegible] مرتبه بگوید ما شاء الله لا حول
[illegible] استغفر الله و بگوید اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک و
[illegible] و السلامة من کل اثم و الغنیمة من کل بر [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم انّی اتقرّب الیک بوجهک ولتغفر لی وارحمنی [illegible]
[illegible] هر گاه وقت وه نکند دعاهای مشترک
[illegible] اول تعقیبات نماز صبح مذکور شد اکتفا می توان
[illegible] نماز شام خلافست واحادیث نیز اختلافی دارد و
[illegible] آنکه نظر را مقدم داشتن بر نوافل افضل باشد و اگر
[illegible] شد و در سجده و بعد از
[illegible] نافله نماز شام و سایر
[illegible] نماز شام چهار رکعتست بدو سلام و تاکید در
[illegible] در حضر و سفر احادیث بسیار وارد شده است از انجمله از حضرت صادق
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که گفت
زنود بدرستیکه خدای تعالی مباهات میکند بر بنده که قضا کند نماز شب را در روز
ویفرماید ای ملائکه من نظر کنید سوی بنده من که قضا میکند امری را واجب نکرده ام
[illegible] مستحب است مبالغه نمودن در گفت
[illegible] پس قرائت کردن بعد از سوره حمد توحید را

سه مرتبه و در ثانیه انا انزلناه و اگر خواهد در رکعت اول جحد کفعل یا ایها
باشد و در ثانیه توحید بخواند و در حالت تمامیز اکتفا میتوان نمود مثل سایر نوافل
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] والدی وولدی وجمیع اخوانی المؤمنین فی
[illegible] برحمتک یا ارحم الراحمین پس دو رکعت دیگر بگذارد و بخواند
[illegible] السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک
[illegible]
[illegible] استوی علی العرش
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علی محمد [illegible]

[illegible] نات مشترکه وا بين خمس مختص بمغرب و بعضا دعيه مشترکه صباح و مسا که
[illegible] گو بار اجتناب طار و بعده شکر را بکند چنانکه گذشت و اما سایر آنها
[illegible] عمل است وان دو رکعت در رکعت اول بعد از حمد این و ذا النون
[illegible] عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت
[illegible] الآية [illegible] المؤمنين و در
[illegible]
[illegible] ن المسالين [illegible] دعا او سوال کند حاجت را انشاء الله تعالى
[illegible] دیگر بعد از ساعت غفلت دو رکعت است که در
باب سطورات رکعت اول الحمد و سوره اذا زلزلت سیزده بار و در رکعت دویم الحمد
[illegible] مرتبه سوره توحید چنانچه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول
فرمود که هر که این نماز را [illegible] بکند [illegible] بهشت و ثواب
[illegible] الله تعالی دیگر و این ساعت دو رکعت نماز [illegible]
[illegible] باشد [illegible] احکام اوقات نوشته خواهد شد فصل دویم
[illegible] و فضیلت [illegible] اول وقت عشا [illegible]
[illegible] از نماز مغربست و نماز غیر [illegible] زوال حمره مغربیه است چنانچه [illegible]
[illegible] وقت عشا آخر [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] این وقتیست با برکت و [illegible] و طلب حاجت در [illegible] اجابت دارد
چنانچه از حضرت رسالت صلعم روایت که هر که حاجتی داشته باشد در این وقت سؤال
نماید که دو فیض است که حضرت [illegible] و بعد از نماز [illegible]

[illegible] در این وقت ماثورات [illegible] رکعت [illegible] و دو رکعت [illegible]
بعد از اذان و اقامت با آداب [illegible] وقت فضیلتش [illegible]
و وقت ادائش تا [illegible] نصف شب [illegible] و این نماز چهار رکعتست در حضر
و دو رکعت در سفر و چون وقت این نماز وسیع است سنت است سورهای
طوال خواند در رکعت اول مثل سوره سبح اسم ربک و الشمس که بسند صحیح روایت شده
است یا مانند آن و در دویم سوره توحید و نیز سنت است طول دادن در قنوت و
[illegible]
[illegible] بر محمد و آله بر هر دعائی که خواهی بکن دیگر خواندن این دعا است اللهم
[illegible]

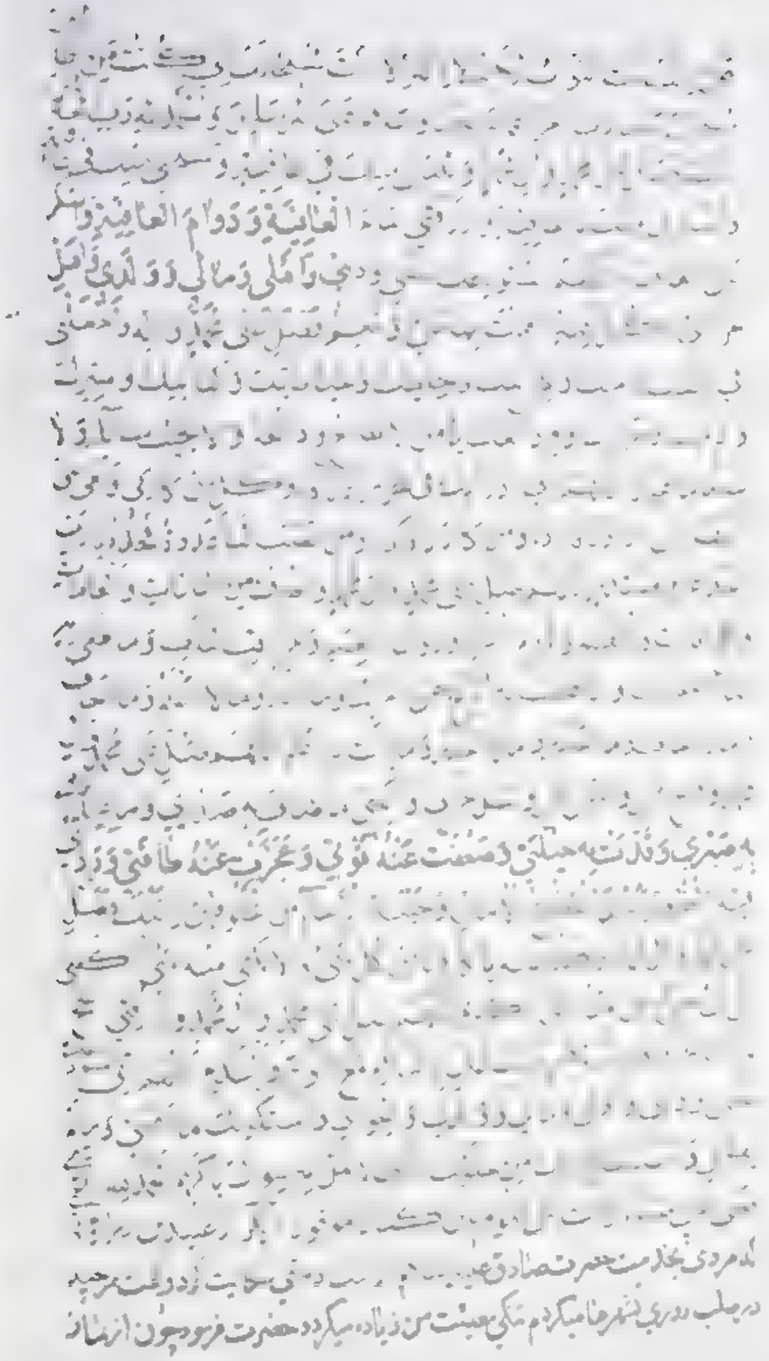

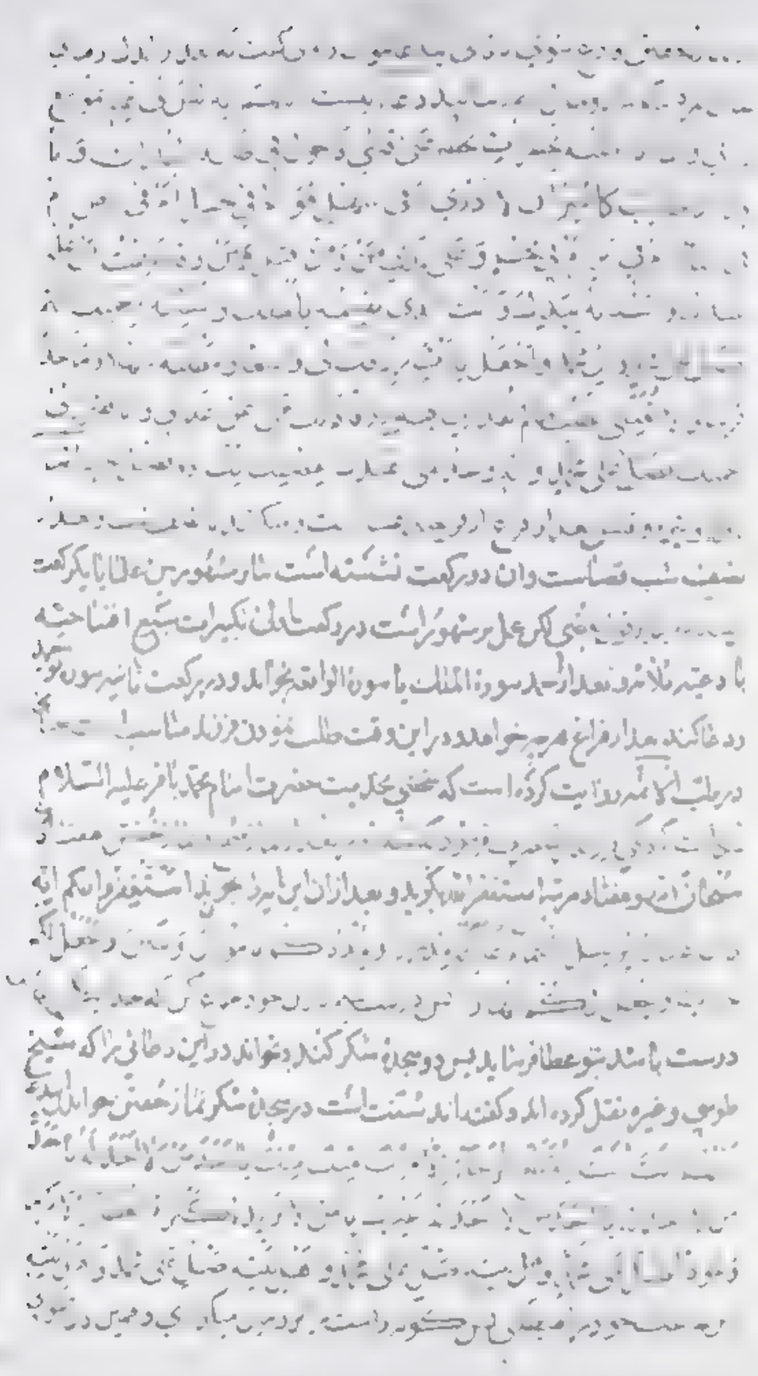

[illegible]

العالية ودوام العافية [illegible]

[illegible]

[illegible] ذنبي وأملي [illegible]

[illegible]

[illegible] عنه ما [illegible]

[illegible]

لمردی بخدمت حضرت صادق علیه السلام [illegible] حاجت [illegible]

در طلب روزی [illegible] میکردم [illegible] زیاده میکرد حضرت فرمود چون از نماز

[illegible]

شب [illegible] است وان دو رکعت نشسته است [illegible]

[illegible] در رکعت اولی تکبیرات [illegible]

با [illegible] بعد از حمد سورهٔ الملک یا سورهٔ الواقعه بخواند و در رکعت ثانیه سورهٔ [illegible]

[illegible] بعد از فراغ [illegible] خواهد در این وقت طلب نمودن [illegible]

در طلب [illegible] روایت کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام

[illegible]

[illegible] استغفار [illegible] بعد از آن [illegible] استغفروا ربکم انه

[illegible]

[illegible]

درست باشد [illegible] سجده شکر کند و بخواند در این دعائی را که شیخ

طوسی و غیره نقل کرده اند و گفته اند سنت است در سجده شکر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] جمله واستثنا

[illegible] گفته

[illegible] وقت خواب

نصف شب مشتمل بر پنج نوع نوع اول در بیان اوقات خوابست بدانکه خواب کرد

[illegible]

[illegible]

[illegible] از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت

[illegible] مناست وخواب قبلهٔ نعمتست و

[illegible]

[illegible] المؤمنین علیه السلام مرویست که بخوابد مسلمان در حالتی

[illegible] مگر با وضو واگر آب نیابد برای وضو تیمم بکند [illegible]

[illegible] منقولست که خواب [illegible] غفلت و

[illegible]

بجهت وخواب حسرت خواب غفلت در مجلس ذکر است وخواب متفاوت

[illegible]

[illegible]

در بیان خوابست مشهور میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروهست

وظاهر احادیث آنست که مکروه نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول صلعم و در

[illegible] بسیار است که رسول خدا صلعم [illegible]

[illegible]

[illegible]

نداشته باشد از امان خدا بدر بوده و در احادیث از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که مکروهست کسی تنها بخوابد و فرموده مرد و زن مرد و در این حکم مساویند

مساویند پرسیدند اگر سه طرف دیوار داشته باشد چون است فرمودند هر چهار

طرف باید دیوار داشته باشد و در بعضی از روایات حد بلندی دیوار در

[illegible]

[illegible] از خواب مرتبهٔ اول رود بعد از آن بخوابد نوع سیم در

[illegible]

چنانچه در فقیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که وضو بسازد و

[illegible]

[illegible] خواب را تجویز کرده اند بدل وضو [illegible]

[illegible]

[illegible]

با دیوانه شود ملامت نکند مگر خود را [illegible] اطفال خود را در وقت خواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خواب نماید چهار میل از چشم راست و [illegible] میل در چشم چپ و بیرا از حضرت [illegible]

که سرمه کشیدن نزد خواب امانست از بی که نازل شود در چشم و در حدیث دیگر

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که سرمه سنگ چشم را جلا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نقل کرده که چون اراده نمائی که سرمه بکشی میل را بدست [illegible]

[illegible]

[illegible] وَامْدِنِي إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ وَارْشِدْنِي [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] یس و سورهٔ اذا وقعت [illegible]

[illegible] از حضرت صادق علیه السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که هر که سوره [illegible]

[illegible] روی او مانند ماه شب چهارده [illegible]

[illegible] حضرت امام محمد باقر علیه [illegible]

[illegible] است در وقت [illegible]

نمیرد تا خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام برسد و اگر بمیرد در همسایگی حضرت [illegible]

[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که خانهٔ خود [illegible]

[illegible] خانه خود را بر وقت خواب بکند که اگر خانه [illegible] داخل شده باشد

[illegible] و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بعضی دیگر در حدیث دیگر وارد شده که چون وقت خواب برسد تسبیح حضرت فاطمه

علیها السلام بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و ده آیه

از اول سورهٔ صافات بخواند و در حدیث دیگر آیة الکرسی سه مرتبه است و دیگر [illegible]

[illegible] از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل کرده که هر که سورهٔ الهکم

[illegible] علت فقر ایمن کرده و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق

[illegible] است که هر که یازده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهانش [illegible]

شود و او و همسایگانش از بلاها محفوظ باشند و اگر صد مرتبه بخواند گناهان پنجاه سال [illegible]

[illegible] در حدیث صحیح [illegible] سورهٔ قل هو الله احد و قل یا ایها

الکافرون را پیش از خواب بخواند که قل یا ایها الکافرون بیزاری از شرک است و قل هو الله

احد نسبت پروردگار است و در روایت معتبر دیگر وارد شده که هر که در وقت خواب یازده [illegible]

ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند حق تعالی یک فرشته را موکل گرداند که او را [illegible]

[illegible] و ایضا منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وقت خواب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از دزد ایمن [illegible]

[illegible] ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها [illegible]

[illegible] الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له

[illegible] و کبره تکبیرا و ایضا از برای دفع ضرر و بیناییده [illegible]

از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که هر که در وقت خواب بخواند ضرر و

بینایی او [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... دو دست چپ خوابیدن و در خوابیدن ... [illegible]

[illegible]

... فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده ...
در حدیث دیگر وارد شده است که ... [illegible]

[illegible]

... که اینها را بخواند در وقت خواب محفوظ ماند از ... [illegible]

مرویست که فرمود هر که بخواند این کلمات را پس من ضامنم که نرسد باو نیش عقرب ...

[illegible]

... استغفار پیش از خواب وارد شده و در حدیث صحیح از حضرت ... منقولست که هر که بعد از خوابیدن در رختخواب سه مرتبه بگوید الحمد ...

[illegible]

... النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا ... بگوید عذت بما عاذت به ملائکة الله ... [illegible] ... ومن شر الشیطان الرجیم و در اثنای خواب چون ... از حضرت منقولست که هر وقت از پهلوی به پهلوی دیگر گردد ... [illegible] ... ایمن باشد ... وصلی الله علی محمد و آله ... [illegible]

... انحضرت فاطمه علیها السلام ...

[illegible]

وانا اول المؤمنين ايضاً از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام منقول است كه حاجت
نافع است براي تاريخ جنم و ديدن خواب نوع جمله بنماز و دعا براي ديدن
[illegible]
حضرت رسول صلعم را در خواب ببيند بعد از نماز خفتن غسل نيكو بجا آورد
و چهار ركعت نماز بگذارد و در هر ركعت بعد از حمد صد مرتبه آية الكرسي بخواند و بعد از
[illegible] صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و جامه پاكيزه بپوشد كه [illegible]
[illegible] و دست راست در زير رخسار [illegible]
[illegible]
ملك ذات الجمال ديدم كه روح [illegible] روايت كرده است
كه فرزندان خود را وصيت كرد و گفت كه هر گاه [illegible] از شما رو دهد با حادثه

[illegible]
ودعا بايد در شب اول [illegible] و گمان دارم كه [illegible] بگويد كه روح
از اين غم و دلگيري [illegible] و در مكارم الاخلاق شيخ طبرسي [illegible]
نوشته و دعا را بياورده ايضاً بسند معتبر از حضرت امام موسي عليه السلام روايت
كرده است كه هر گاه بسوي خدا حاجتي باشد و خواهد كه آن را در خواب ببيند
جاي خود را [illegible] در سه شب با غسل بخوابد و با خداي تعالي مناجات كند
[illegible]
خود برسد نوع [illegible] خواب [illegible] و تعبير خواب در حديث معتبر
[illegible]
و هوامي بيند خواب [illegible] راوي پرسيد [illegible]
[illegible] كه اگر چنين باشد خواهد [illegible]
[illegible] چنين [illegible]
[illegible]
[illegible] و چون [illegible] ملائكه ملاقات ميكند [illegible]
[illegible] و از حضرت امام محمد باقر عليه السلام منقول است كه حضرت رسول
[illegible]
تا آنكه خود از براي خود تعبير كند [illegible] كه تعبير كرد [illegible] خواب خود را نقل
[illegible] در حديث معتبر منقول است كه شخصي
خدمت حضرت صادق عليه السلام آمد و گفت خواب ديدم كه آفتاب بر سرم تابيده بود
[illegible]

دردین عرصه [illegible] بحضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] کرت [illegible]

شد و دختنای بود که به بهشت پوشید بانی پاره پاره خواهد کرد زیرا که [illegible]

[illegible]

[illegible] دور کردم و در خانه نشستم دختری گذشت و او را [illegible]

[illegible] کردم [illegible] شد و آمد و سر او ان دختر گفت و من [illegible]

خانه مادرم و دختنای بود پاره پاره کرد و منقولست که شخصی دیگر با ان حضرت عرض [illegible]

[illegible] بسیار مترحم و ما ادری که [illegible] است خواب دیدم که [illegible]

[illegible] حضرت فرمود که [illegible] لیکن مرضی و [illegible] داد

[illegible] انا معاشر [illegible] طول عمر است [illegible]

[illegible] حسین فرمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام [illegible]

[illegible] ان حضرت در خواب [illegible] توفیق زیارت آن حضرت [illegible]

[illegible] آن حضرت منقولست که شخصی گفت در خواب دیدم [illegible]

[illegible] فرمود که [illegible] فرمود که اگر [illegible] خدا [illegible]

[illegible] چون [illegible] خدا او را دختری خواهد داد [illegible]

[illegible] گفت دوازده [illegible] فرمود که دوازده دختر [illegible]

[illegible] که من این حدیث [illegible] نقل کردم او گفت که من [illegible]

[illegible] و یازده [illegible] دارم و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا [illegible]

فرمود که من [illegible]

[illegible]

که یاسر خادم [illegible] امام رضا علیه السلام عرض کرد که در خواب دیدم که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

از [illegible] بدندان [illegible] دیدم [illegible] بیرون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] چون دیدم که [illegible] دیگر غیر از من ندارد در خواطر [illegible]

[illegible] کردم که بقیمت بسیار ارزانی از او بخرم [illegible]

از نصف شب تا طلوع صبح و در این [illegible] فضل اول در فضیلت این وقت [illegible]

برخواستن است [illegible] دنی است که [illegible] خدای تعالی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اول شب [illegible] اول شب [illegible] و لکن [illegible]

وسط شب تا خلوت کنی من [illegible] خلوت کنم [illegible] خود را [illegible]

[illegible]

یستغفرون و بعد [illegible] وقت طلوع فجر است [illegible]

[illegible]

و بجو ستن شب و فضیلت آن وارد شده است از آنجمله در کافی بسند صحیح از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده که شرف مؤمن در خواستن او است در شب و عزت
او استغنای از مردم ایضا در کافی از حضرت ابی عبدالله روایت کرده که فرمود بدرستیکه
که غیر مؤمن و زینت وست در دنیا و آخرت نماز در آخر شب و یاس او از آنچه بیش
[illegible]
[illegible] کند مگر آنکه [illegible]
[illegible]
فرمود ساعتی است که از شب نصفی گذشته باشد و باقی مانده باشد ثلث آن
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از سر برداشتن از آن الحمد لله
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و در حدیث دیگر منقولست که چون از خواب بیدار شوی
[illegible] لا اله الا انت

لا انت ظلمت نفسی و عملت سوءا [illegible] انک انت التواب الرحیم الغفور و در حدیث
دیگر است که چون حضرت صادق در آخر شب [illegible]
میگفت اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع علی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] چون خواهد مشغول عبادت
[illegible] محتاج غسل باشد و اذا بسواد غسل [illegible] در فصل
ستیم در مقاله اولی گذشت و بعد از آن سواک کند که سنت است و وضو
[illegible] که در فصل [illegible] مذکور گذشت [illegible] استغفار نماید و دو
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و در عین [illegible] کمترای معبود سزاوار پرستش از جمیع [illegible]

وجامهٔ پاکیزه بپوشد و بسوی قبله برگردد و ده بار سورهٔ انا انزلناه
را بخواند پس آب را کرد اگر خدا که نماز خواهد کند باشد پس دو رکعت
[illegible]
[illegible] حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده که هرگاه [illegible]
[illegible] بشست مسکین هر مسکینی نصف صاع صاع حضرت
[illegible] پس هرگاه شب شود غسل کن در ثلث آخر شب
[illegible] بپوشند و [illegible] ببند و بعد از آن دو رکعت نماز
[illegible] در رکعت [illegible]
[illegible]
یاد کن خدای تعالی را و بعد از آن یاد کن گناهان خود را و اقرار کن بگناهان خود [illegible]
[illegible] بسجده رود چون سر از سجده بردارد پنجصد بار بگو اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خود را رحمت شود هر [illegible]
[illegible] بدرستی که هرگاه چنین کنی امید دارم که [illegible]
[illegible] سلام
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] در رکعت اول بخواند بعد از سوره حمد توحید
[illegible] پس [illegible] تکبیر
[illegible] قنوت و گفته که هرگاه بگذاری ثواب دو رکعت نماز را
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible] ولا [illegible]
[illegible]
[illegible]
در فضیلت و آداب و ادعیه هشت رکعت نافله شب و دو رکعت شفع و
[illegible] اول وقت نماز شب [illegible]
فجر ثانی که طلوع صبح صادق است شود افضل است پس اگر چهار رکعت
[illegible] صبح طلوع کند تمام کند [illegible]
مشهور آنست که جایز است مقدم داشتن نماز شب [illegible]
مر صاحب عذر را و قضا کردنش در روز افضل است از تقدیم [illegible]
[illegible]
کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که نماز زوال روز را میدانیم [illegible]
[illegible] آفتاب پس چگونه بدانیم زوال شب را پس حضرت فرمود از برای [illegible]
[illegible] مانند زوال آفتاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
و باین آمده از وسط السماء و این نماز شب از جملهٔ سنتهای مؤکده است
که فضیلت تمام و منزلتی [illegible] دارد و در وی اجر و ثواب بسیار وارد
و اخبار بسیار است و فضایل و حسنات و ارتفاع درجات و اطلاع [illegible]
و فیض و فتوحی که از نماز شب حاصل میشود [illegible]
[illegible] که این مختصر گنجایش ذکر آنها داشته باشد [illegible]
[illegible] در این وقت دعائی ذکر کرده که فواید و نتایج کثیره دارد [illegible]
[illegible]
وان لم يتمعه اذني فقد سمعه عقلي المصدق بالاخبار [illegible]

دَبَّنَا فَوْلًا مَرْحَبًا بِكَ أَيُّهَا الْمَلِكُ لَوْ رَدَّ عَلَيْنَا مِنْ مَالِكِنَا الْحَلِيمِ الْأَكْرَمِ الْأَوْدِ
[illegible] بِنَا قَدْ سَمِعْنَا بِلِسَانِ حَالِ عُقُولِنَا نُزُولَكَ عَنْ بُعْدٍ بِنَجَاحٍ
[illegible] لِمَا قُلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيهِ سُؤْلَهُ وَأَنَا سَائِلٌ لِكُلِّ مَا أَحْتَاجُ
[illegible] إِلَّا إِقْبَالٌ عَلَيْهِ وَتَمَامُ
[illegible] عَلَيَّ كَمَا أَحْسَنَ
[illegible] مِنْ أَمْثَلِ بُلُوغِ مَأْمُولِنَا فَلَا بُدَّ
[illegible] وَاضْطِرَارًا إِلَّا أَنِّي ضَعِيفٌ عَاجِزٌ
[illegible]

ومستحب است که در هر رکعتی از دو رکعت قل الحمد یکبار و قل هو الله احد بیست و پنج بار
چنانچه در ذکری مذکور است که هر که در این دو رکعت قرائت بدین طریق نماید
[illegible] نماید و هر که امر زیده شود و اگر نتواند در هر رکعت اول الحمد و قل هو الله
[illegible] بخواند و در رکعت دویم الحمد و قل یا ایها الکافرون یکبار بخواند اگر
[illegible] باشد اکتفا بحمد تنها جایز است چنانچه در سایر نوافل هم جایز است و در
[illegible]
رکعت و ابتدا [illegible] و آنچه [illegible] باشد در طول هم جایز است
[illegible] قرآن اگر از حفظ نداشته باشد بخلاف فریضه که در آن جایز نیست
[illegible] قرائت و قنوت [illegible] دو رکعت [illegible]
[illegible]

[illegible]

... بگذارد و بخواند در آن هر سوره که خواهد و اگر سوره المزمل
... پس تمام کند مثل دو رکعت اول و بعد از سلام بخواند
... [illegible] ... پس دو رکعت
دل ذکر شد پس دو رکعت دیگر کند هر سوره که خواهد لیکن مستحب است که در
اول سوره یس یا سوره اذا وقعه و در دوم سوره حم دخان یا سوره مدثر بخواند و
بعد از سلام دعا و سجده بطریق گذشته بعمل آورد پس برخیزد و دو رکعت دیگر
... [illegible] ... که در اول سوره ... و در دوم
هل اتی علی الانسان بخواند و برای طلب روزی در سجده این دو رکعت بگوید

... بگوید یا خیر مدعو یا خیر مسئول یا اوسع من اعطی یا خیر مرتجی
... [illegible] ... فضلک وسبب لی رزقا واسعا من فضلک
[illegible]
... صل علی محمد وآل محمد وارحمنی ...
[illegible]

... سنت است بعد از هر دو رکعت از نمازهای سنتی ...
[illegible]

[illegible] بخواند در قنوت
هرچند در سوره قل هو الله احد باشد و سزاوار است طول دادن آن خصوصاً در نماز
شب زیرا که وقت در آن وسیع است و جایز است خواندن قنوت را
در نمازهای سنتی از روی کتاب و مانند کتاب و منع مخصوص نماز وتر
واجبست که از حفظ باید خواند و بعضی از قنوتات در قنوت نماز صبح مذکور
[illegible]

[illegible]

[illegible] بعد از فراغ از هشت رکعت
نافله شب شروع در دو رکعت شفع و یک رکعت وتر نماید و افضل اوقات آن
میانه صبح کاذب و صادق است و در یک از دو رکعت نماز شفع بعد از حمد سوره

سوره قل هو الله احد بخواند و روایت کرده‌اند که اگر در رکعت اول بعد از حمد سوره
قل اعوذ برب الفلق و در رکعت دویم قل اعوذ برب الناس بخواند مجزیست و در
[illegible] و قنوت [illegible]
و چون سلام دهد باید بخواند الٰهی تعرّض لک فی هذا اللیل [illegible]
[illegible] القاصدون و أمّل فضلک و معروفک الطالبون [illegible]

[illegible]

الی ادعونی کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی [illegible]
از آن شروع در رکعت وتر نماید [illegible]
[illegible]
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند چه روایت است که هر کرا در وتر
این سوره‌ها بخواند بشارت دهند او را که ای بنده خدای تعالی وترت قبول
کرد و چون قل هو الله احد سه بار بخواند مثل آنست که قرآن را خوانده باشد و چون
قنوت دست بردارد و باید که در قنوت [illegible]
[illegible]
[illegible] العلی العظیم سبحان الله رب السموات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ثواب بدهد تا روز قیامت وعطا کند او را ثواب صد حج و عمره و بعدد سورهای قرآن [illegible]

[illegible]

[illegible] تا برآمدن صبح از جانب مشرق و چون صبح برآمده باشد

[illegible] قل یا ایها الکافرون بخواند [illegible] قل هو الله احد [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت زهرا علیها السلام بگرداند و صد بار صلوات [illegible]

[illegible] استغفر [illegible]

بخواند خدای تعالی او را بیامرزد و بگوید اللهم [illegible]

[illegible]

[illegible] اگر کسی را از نماز شب فوت شود پیش از صبح [illegible] برخیزد و دو رکعت نماز شفع
و یک رکعت نماز وتر [illegible] بکند از برای آنکس نماز شب نویسند و از رسول [illegible]
روایت که [illegible] آنکس که [illegible]
بکند در هر رکعت [illegible]
از آنکه سلام دهد دوازده بار بگوید استغفر الله که عوض قیام لیالی شود و بنویسد
خدای تعالی از برای او ثواب چهار صد هزار شهید و بنویسد از برای او هر یکی حج و صد
[illegible] هر یکی که [illegible] چهار صد شهر در بهشت و بعد هر یکی بنویسد

بنویسد عبادت صد هزار ساله که روزها روزه داشته و شبها قائم بوده باشد
حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعد از [illegible] رکعت نماز شب که عادت
[illegible] نماز شب و دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و دو رکعت نافله صبح
[illegible]
[illegible] وَالسُّلْطَانِ الْمَنِيعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا أَعْوَانٍ وَالْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ [illegible]
[illegible] الْأَعْوَامِ وَمَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
كَذَلِكَ [illegible] الْأَوَّلِ [illegible] أُولَئِكَ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الْأَعْمَالِ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] الیك فی ان تسهّل لی الی رزقی سبیلا فلك الحمد علی ما ابتدأتنی به من النعم [illegible]

[illegible]

[illegible] وآخرتی منها بفضل رحمتك وأعلی عزائم [illegible]

[illegible]

[illegible]

نه فصل است فصل اول در اعمال شب و روز جمعه است اما شب [illegible]

از شبهای تمام هفته واطیب شبهای شریفست [illegible]

وحسنات [illegible] وموجب روایات واخبار حسنات [illegible]

[illegible] دعا اجابت نمایند و درجات بلند گردانند وحاجات روا کنند

[illegible] حضرت [illegible] شد که حق
تعالی فرشته [illegible] در هر شب جمعه امر میفرماید که ندا میکند از اول شب تا آخر شب
[illegible]
که بخواند از برای دین و دنیای خود پیش از طلوع فجر اجابت کنم او را [illegible]
[illegible] قبول کنم [illegible]
[illegible] باشد و طلب وسعت کند تا من رزق او را گشاده گردانم
[illegible] که مهموم و مغموم باشد و از من رهائی خواهد تا او را از [illegible]
[illegible] که سؤال کند از من پیش از طلوع فجر [illegible]
[illegible]
[illegible] و از دیگری [illegible] و پیوسته آن فرشته این ندا میکند [illegible]
[illegible] شب شاغل شود و بعمل صالح مشغول باشد و از [illegible]
[illegible]
[illegible] است در این شب در رکعت اول نماز شام
[illegible] رکعت دوم اذا جاء [illegible] سبح اسم ربک الاعلی و [illegible]
[illegible] از نمازهایی که منتخب است در این شب نماز اعرابی [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] در هر رکعت نماز [illegible]
و بخواند در هر رکعت حمد و قل هو الله احد [illegible] مرتبه [illegible] کفایت میکنم او را
در حساب و میزان و ایضا از آنحضرت مرویست که هر که در شب جمعه دو رکعت نماز
بکند [illegible] رکعت [illegible] و آخر [illegible]
[illegible] اللهم صل علی محمد النبی العربی [illegible] نزد خدای تعالی گناهان متقدم
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible] و او را از هر غم و خوف و پناه داده او را [illegible]
[illegible]
[illegible] در این شب [illegible]

[illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مرویست که گفت [illegible]
خدا فرموده هر که در شب جمعه چهار رکعت نماز بگذارد بیک سلام در هر رکعتی
[illegible]
الکافرون هر یک یکبار و در هر رکعت هفتاد بار استغفار خواهد از خدای تعالی
[illegible]
لا اله الا الله والله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
حضرت [illegible]
او را از حوائج دنیا هفتاد حاجت او را از حاجتهای آخرت و نبوید خدای
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و در هر رکعت اول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] استغفر الله ربی و اتوب الیه [illegible] باشد که خدای
[illegible]
[illegible] ایضا نماز دیگر در مکارم الاخلاق از حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام
مرویست که گفت آن کسی که او را حاجتی باشد بخدای تعالی باید که غسل کند در
[illegible] رکعت نماز بکند و در هر رکعت
[illegible]
[illegible]
[illegible] پنج کند و در رکعت [illegible]
[illegible] خدای تعالی حاجت او را [illegible]

[illegible] ان [illegible] فالحمد لك وان [illegible] فالحمد لك
[illegible] سبحانك [illegible] وغفر [illegible]
قد عصيتك [illegible] احب الاشياء اليك وهو الايمان بك [illegible]
[illegible] منك به على لا منا به عليك وقد عصيتك
[illegible] ولا الجحود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الايمان [illegible]
[illegible] على محمد وآل محمد
[illegible] على محمد وآل [illegible]
[illegible]
[illegible] على محمد وآل محمد [illegible]
[illegible]
[illegible]
که این نماز را بگذارد و بعد از آن بخواند [illegible] گناه [illegible] درهای آسمان
اجابت دعای او و دعای او مستجاب شود و در همان وقت یا در شب [illegible]
این اجابت دعا از فضل خدا [illegible] که اهل [illegible]
در این شب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و محو کند [illegible] گناه او می کنند

[illegible] سوره [illegible]
[illegible]
[illegible] جعفر [illegible] روایت که هر که سوره [illegible]
جمعه بخواند [illegible] عمل [illegible]
هر کس سوره [illegible] در این شب [illegible]
[illegible] کفاره گناهان [illegible] باشد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت شده که هر که سوره [illegible] در شب جمعه [illegible]
[illegible]
[illegible] روایت که [illegible] در شب جمعه سوره [illegible]
خدای تعالی او را در دنیا محافظت نماید و در آخرت عطا کند او را بهشت [illegible]
که [illegible] هر که [illegible] شب جمعه بخواند الله تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible] روایت که هر که [illegible]
سوره ص والقرآن بخواند از خیر دنیا و آخرت او را [illegible]
باشند مگر [illegible] یا فرشته مقربی یا خدای تعالی او را و هر که [illegible]
[illegible] بهشت [illegible]
[illegible] روایت [illegible]
[illegible]
[illegible] روایت است که حضرت [illegible]
[illegible] که هر که سوره [illegible]
گذشته او را عفو فرماید [illegible] که هر که این سوره را شب جمعه بخواند
[illegible] حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام [illegible] که هر که شب جمعه سوره [illegible]
دوست دارد و دوست گرداند [illegible] در دنیا [illegible]
[illegible] روایت که هر که شب جمعه سوره انا انزلنا بخواند بعدد هر چیزی که خدا

[illegible] ذکر کرده که هرکه در ماه رجب [illegible]
[illegible] هر چه از خدا خواهد حاجت کند صاحب [illegible]
[illegible] در شب جمعه [illegible] بخوانند و بعد از آن صلوات
[illegible] و صدقات کامل بجا آورد حضرت پیغمبر از خواب [illegible]
و از حضرت صادق علیه السلام روایت که [illegible] کرد در شب جمعه
[illegible] مستحب است [illegible]
[illegible] و در آن [illegible] تصدقات [illegible]
[illegible] از حضرت پیغمبر روایت که [illegible]
در هر شب جمعه [illegible] می کند [illegible]
ای والی ولا والی لی [illegible] با مهربانی کنید با او رحم [illegible] غریبی و جای تنگ و
تاریک [illegible] حضرت [illegible] تعالی [illegible] یاد کنید [illegible]
[illegible] وقت [illegible] که چون اجل
[illegible] هفتاد هزار فرشته که
در دست [illegible] بیاید و می گوید سلام
[illegible]
[illegible] کرامات [illegible]
[illegible] هفتاد هزار [illegible]
[illegible] در کتاب [illegible] حضرت [illegible]
روایت کرده که هرکه [illegible] یا ذا الفضل
علی البریة یا باسط الیدین بالعطیة یا صاحب المواهب السنیة صل علی
محمد و آله خیر الوری سجیة واغفر لنا یا ذا العلی فی هذه اللیلة بنویسد
خدای تعالی از برای او صد هزار حسنه و محو نماید از او صد هزار سیئه و بلند
[illegible] و چون قیامت شود [illegible] حضرت [illegible]
در بهشت بود و سنت است در شب [illegible] هفت مرتبه بخواند اللهم
انت ربی لا اله الا انت خلقتنی و انا عبدک و ابن امتک فی قبضتک

و ناصیتی بیدک امسیت علی عهدک و وعدک ما استطعت
اعوذ برضاک من شر ما صنعت ابوء بذنوبی فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر
الذنوب الا انت دیگر خواندن دعای مجیب است که در جمع الدعوات [illegible]
بسیار نقل شده از جمله آنها اینست که هرکس بخواند این دعا را جمیع شب [illegible]
[illegible] خدای تعالی هرکه [illegible] خلاصت [illegible]
اللهم انی اسئلک یا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه یا من تسربل
بالجلال والعظمة واشتهر بالتجبر فی قدسه یا من تعالی بالجلال والکبریاء
فی تفرد مجده یا من انقادت الامور بازمتها طوعا لامره یا من [illegible]
السموات والارضون مجیبات لدعوته یا من [illegible]
[illegible] لخلقه یا من انار القمر المنیر فی سواد اللیل المظلم بلطفه
یا من [illegible] الشمس [illegible] وجعلها [illegible] لخلقه وجعلها مفرقة [illegible]
[illegible] بعظمته یا من [illegible] الشکر بنشر [illegible]
[illegible] رحمته [illegible] هو [illegible]
[illegible] فی ذنوب [illegible] غریب [illegible]
[illegible] فی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اسئلک [illegible] محمد و [illegible]
[illegible] و الاعراض و الامراض والخطایا
والذنوب [illegible]
[illegible]

[illegible] وتستر [illegible] انك [illegible] لطيف لما تشاء و
[illegible] يا ارحم الراحمين [illegible] است كه [illegible]
[illegible] وتجمع بها امري [illegible]
[illegible] ذكري [illegible] عملي وتلهمني
[illegible] من كل سوء [illegible] بها ما اصابني
[illegible] في الدنيا والآخرة [illegible] اللهم اني اسئلك
[illegible] على اعدائي اللهم اني
[illegible] وان ضعف عملي [illegible] الى رحمتك فاسئلك
[illegible] الخير [illegible] وان تجيرني من
[illegible] ومن فتنة القبور [illegible]
[illegible]
[illegible] الرشيد اسئلك
[illegible] يوم [illegible] مع المقربين الشهود [illegible]
[illegible]
[illegible] وحزب الاعداء [illegible]
[illegible]
[illegible] نورا في قلبي ونورا في قبري ونورا
[illegible] ونورا في سمعي ونورا في بصري ونورا في شعري و
[illegible] ونورا في دمي ونورا في عظامي اللهم اعظم لي نورا
سبحان الذي [illegible] بالعز [illegible] سبحان الذي لبس المجد وتكرم به
[illegible] سبحان ذي الفضل والنعم سبحان ذي المجد والكرم
سبحان ذي الجلال والاكرام وايضا ايد دعا كه در مهج از سلمان از حضرت امير
[illegible] روايت كرده [illegible]
كه [illegible]
[illegible] اللهم [illegible] لا [illegible]

[illegible] وقريب لا يبعد [illegible]
[illegible] وصمد لا يطعم وقيوم لا ينام ومجيب لا يسأم [illegible]
لا يرام [illegible] وقوي لا يضعف وحليم لا يجهل وجليل لا [illegible]
لا يخلف وغالب لا يغلب وعادل لا يحيف وغني لا يفتقر وكبير لا [illegible]
وحكيم لا يجور ووكيل لا يخيب وفرد لا يستشير ووهاب لا يمل وعزيز
لا يستذل وسميع لا يذهل وجواد لا يبخل [illegible] لا يغفل [illegible]
[illegible] لا يفنى ومحتجب لا يرى [illegible] لا يبلى وواحد لا يشبه ومقتدر لا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم اني اسئلك [illegible] بامان الخائفين
[illegible]
الحسنات رافع الدرجات اسئلك [illegible]
[illegible] يا الله يا رحمن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دعائه [illegible]
[illegible] لا اله [illegible]
[illegible]

وصد ولا من حيث رجوت [illegible] وزاغ بصري وتعوذت بك والمتوقعة
[illegible] عند [illegible] أو خيل أو غول دعاء
من شدة [illegible] وعظم جرمه وأشرف على الهلكة وضعفت قوته ومن لا
يثق بشيء من عمله ولا بذنبه [illegible] ولا ينفعه [illegible] فرضيت
إليك غير مستكبر ولا مستنكف عن عبادتك يا أنس كل مستوحش أسألك
بأنك أنت الله لا إله إلا أنت الحنان المنان بديع السماوات والأرض ذو الجلال
والإكرام عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم أنت الرب وأنا العبد وأنت المالك
وأنا المملوك وأنت العزيز وأنا الذليل وأنت الغني وأنا الفقير وأنت الحي وأنا الميت
وأنت الباقي وأنا الفاني وأنت المحسن وأنا المسيء وأنت الغفور وأنا المذنب وأنت
الرحيم وأنا الخاطئ وأنت الخالق وأنا المخلوق وأنت القوي وأنا الضعيف وأنت
المعطي وأنا السائل وأنت الآمن وأنا الخائف وأنت الرازق وأنا المرزوق وأنت
أحق من شكوت إليه واستغثت به ورجوته لأنك كم من مذنب قد غفرت
له وكم من مسيء قد تجاوزت عنه فاغفر لي وتجاوز عني وارحمني وعافني مما نزل بي ولا
تفضحني بما اطلعت عليه مني وخذ بيدي وبيد والدي وولدي وارحمنا برحمتك
يا ذا الجلال والإكرام [illegible]
[illegible] واستعدلوه [illegible] إلى مخوف رحمتك [illegible]
[illegible] يا رب نفسي [illegible] واستعيذ
[illegible] دعائي [illegible] لا يخيب
سائل ولا [illegible] بجميل صنائعك [illegible]
[illegible] بالإساءة [illegible] فإن لا تخيب ولا
[illegible] الذي [illegible] فلم يبعث [illegible]
عظيم [illegible] رحمة [illegible] من رحمتك واسعة وعفوك عظيم
يا عظيم يا عظيم [illegible] إلا حلمك ولا ينجي من نقمتك إلا التضرع إليك
فهب لي يا إلهي فرجا بالقدرة التي تحيي بها ميت البلاد ولا تهلكني غما حتى
تستجيب لي وتعرفني الإجابة في دعائي وأذقني طعم العافية إلى منتهى

[illegible] عني ولا تشمت بي عدوي ولا تسلطه علي ولا تمكنه من عنقي إلهي
إن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وإن رفعتني فمن ذا الذي يضعني وإن
أهلكتني فمن ذا الذي يعرض لك في عبدك أو يسألك عن أمره وقد
علمت أنه ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة وإنما يعجل من يخاف الفوت
وإنما يحتاج إلى الظلم الضعيف وقد تعاليت يا إلهي عن ذلك علوا كبيرا
اللهم إني أعوذ بك فأعذني وأستجير بك فأجرني وأسترزقك فارزقني
وأتوكل عليك فاكفني وأستنصرك على عدوي فانصرني وأستعين بك
فأعني وأستغفرك يا إلهي فاغفر لي آمين آمين [illegible]
حضرت صادق عليه السلام [illegible] بخواند [illegible]
حق تعالى [illegible]
[illegible] كل حسنة [illegible]
اللهم يا [illegible]
سماء ذات أبراج [illegible]
[illegible] الذي تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا [illegible]
الذي [illegible] به [illegible] الأرض على وجه الماء [illegible]
المخزون المكنون المكتوب [illegible] الذي إذا دعيت به أجبت وإذا سئلت به
أعطيت وباسمك السبوح القدوس البرهان الذي هو نور على كل نور ونور
من نور يضيء منه كل نور إذا بلغ الأرض انشقت وإذا بلغ [illegible]
الذي [illegible] وأسألك بحق جبرئيل وميكائيل وإسرافيل
وبحق محمد المصطفى صلى الله عليه وآله وعلى جميع الأنبياء وجميع الملائكة
وبالاسم الذي مشى به الخضر على ظلل الماء كما مشى به على جدد الأرض وبحق
الاسم الذي فلقت به البحر لموسى وأغرقت فرعون وقومه وأنجيت به موسى ومن معه
وباسمك الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الأيمن فاستجبت له
وألقيت عليه محبة منك وباسمك الذي أحيا به عيسى بن مريم الموتى وتكلم
في المهد صبيا وأبرأ الأكمه والأبرص بإذنك وباسمك الذي دعاك به حملة عرشك

وجبرئيل وميكائيل واسرافيل وحبيبك محمد صلى الله عليه وآله وملائكتك
المقربين وانبيائك المرسلين وعبادك الصالحين من اهل السموات والارضين
وباسمك الذي دعاك به ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه
فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت
له ونجيته من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وباسمك العظيم الذي دعاك به داود
وخر لك ساجدا فغفرت له ذنبه وباسمك الذي دعتك به آسية امرأة فرعون
اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من
القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها وباسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به
البلاء فعافيته وآتيته اهله ومثلهم معهم رحمة من عندك وذكرى للعابدين
وباسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره وقرة عينه يوسف و
جمعت شمله وباسمك الذي دعاك به سليمان فوهبت له ملكا لا ينبغي لاحد
من بعده انك انت الوهاب وباسمك الذي سخرت به البراق لمحمد صلى الله
عليه وآله وسلم اذ قال تعالى سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام
الى المسجد الاقصى وقوله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا
الى ربنا لمنقلبون وباسمك الذي تنزل به جبرئيل على محمد صلى الله عليه وآله
وباسمك الذي دعاك به آدم فغفرت له ذنبه واسكنته جنتك واسألك
بحق القرآن العظيم وبحق محمد خاتم النبيين وبحق ابراهيم وبحق فصلك يوم القضاء
وبحق الموازين اذا نصبت والصحف اذا نشرت وبحق القلم وما جرى واللوح
وما احصى وبحق الاسم الذي كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق و
الدنيا والشمس والقمر بألفي عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
وان محمدا عبده ورسوله واسألك باسمك المخزون في خزائنك الذي استأثرت
به في علم الغيب عندك لم يطلع عليه احد من خلقك لا ملك مقرب ولا نبي مرسل
ولا عبد مصطفى واسألك باسمك الذي شققت به البحار وقامت به الجبال
واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني والقرآن العظيم وبحق الكرام الكاتبين
وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق وبحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود

وفرقان محمد صلى الله عليه وآله وعلى جميع الرسل وباهيا شراهيا اللهم اني
اسألك بحق تلك المناجاة التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق
جبل طور سيناء واسألك باسمك الذي علمته ملك الموت لقبض الارواح
واسألك باسمك الذي كتب على ورق الزيتون فخضعت النيران لتلك
الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما واسألك باسمك الذي كتبته
على سرادق المجد والكرامة يا من لا يحفيه سائل ولا ينقصه نائل
يا من به يستغاث واليه يلجأ اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة
من كتابك وباسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات العلى
اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت و
الشياطين وما اضلت وبحق كل حق هو عليك حق وبحق الملائكة
المقربين والروحانيين والكروبيين والمسبحين لك بالليل والنهار
لا يفترون وبحق كل نبي دعاك بين الصفا والمروة فاستجبت دعاءه
يا مجيب اسألك بحق هذه الاسماء وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا
وما اخرنا وما اسررنا وما اعلنا وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم
به منا انك على كل شيء قدير وبرحمتك يا حافظ كل غريب يا مونس
كل وحيد يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس
كل مستوحش يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب
وخطيئة يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب
المكروبين يا فارج هم المهمومين يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية
الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان
يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر
الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي
الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر
لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر
لي الذنوب التي تحبس قطر السماء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء

وعندي ذنوب [illegible] واغفر لي الذنوب التي [illegible]
[illegible] الذنوب التي [illegible] واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها
غيرك [illegible] لا أحد من خلقك [illegible]
[illegible] في صدري [illegible] في نفسي [illegible]
[illegible] وارحمني [illegible]
[illegible] ومن خلفي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقي ومن تحتي
[illegible] ولا تخذلني في [illegible]
[illegible] إلى [illegible] في الأمور [illegible]
[illegible] واجعل لي [illegible] على [illegible]
[illegible] من صفات رزقك واستعملني [illegible]
[illegible] يا [illegible] إن حسبت رحمتك
[illegible] من [illegible] ومن [illegible] ومن [illegible]
[illegible] ومن [illegible] من [illegible]
[illegible] من [illegible] ما [illegible] ومن [illegible]
[illegible] من الأسقام ولا من [illegible] ولا
[illegible] وخير [illegible] وما [illegible] وللحقني
[illegible] عند [illegible]
[illegible] على الأبرار والنبيين [illegible] وعلمهم
[illegible] وصعبت علي
[illegible] حسنت خلقي وعلمني [illegible] وهديتني
[illegible] على [illegible] وكم من كرب
[illegible] وكم من غم [illegible] وكم من عيب [illegible]
[illegible] وعلى هذا
[illegible] في هذا اليوم ومن خير
[illegible] وخير [illegible]

ورحمته [illegible] وسعت كل شيء وأنت [illegible] خزائن
السماوات والأرض وأنت الجواد الكريم المعطي الذي لا يرد سائله ولا يخيب
آمله ولا ينقص نائله ولا ينفد ما عنده بل يزداد كثرة وطيبا وعطاء
وجودا وارزقني من خزائنك التي لا تفنى ومن رحمتك الواسعة إن عطاءك
لم يكن محظورا وأنت على كل شيء قدير برحمتك يا أرحم الراحمين
[illegible] روایت کرده که هر که شب [illegible] کلمات [illegible]
که داشته باشد [illegible]
لم يزل سبحان العالم الذي لم [illegible] سبحان [illegible] الذي لم يجعل [illegible]
الذي لم يجعل [illegible] يا أرحم الراحمين [illegible] دراين
شب خواندن دعای جوشن کبیر که [illegible] و دعای [illegible]
که در شب نیمه شعبان مذکور خواهد شد [illegible] دراین شب بدعا
خواند اللهم صل على محمد وآل محمد وهب لي [illegible]
[illegible] حتى [illegible]
صل على محمد وآله [illegible]
[illegible]
[illegible] صل على محمد وآله [illegible]
[illegible] لي [illegible]
[illegible] في [illegible]
الا [illegible] قد [illegible]
اللهم يا [illegible]
ما [illegible] الذنوب [illegible] على [illegible] سوى [illegible]
[illegible] من [illegible] من [illegible]
[illegible] على [illegible]
[illegible] على [illegible] ولا تجعل [illegible] على [illegible]
و [illegible] بعد از آن [illegible] سجده [illegible]

[illegible] ملائکته و [illegible] انبیائه و رسله علیهم السلام [illegible]
[illegible] علیهم السلام
[illegible]
[illegible] که در [illegible] و اذا [illegible]
[illegible] فلك شیء وانت [illegible]
[illegible] ولا ینفع [illegible]
[illegible] کل شیء وانت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کل شیء [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] السموات والارض
[illegible] کل شیء [illegible] و
[illegible] وسعت کل شیء رحمة و
[illegible]
[illegible] احد من
[illegible]
[illegible] یا ذا الجلال والاکرام [illegible]
[illegible]
[illegible] افضل [illegible] و
[illegible] خیر الدنیا والآخرة [illegible]

[illegible] یا ذا الجلال والاکرام [illegible]
[illegible] ذکر نموده که هر که [illegible] شب جمعه [illegible] سوره [illegible]
[illegible]
[illegible] است و از برای خواستگاری و نکاح خوبست و جمعه را [illegible]
این جمعه گفته اند که روز اجتماع و کثرت مردم است و روز [illegible]
[illegible] در مصباح از حضرت [illegible] روایت کرده
که حضرت فرمود که [illegible] جمعه [illegible] مضاعف میشود
در آن حسنات و [illegible] درجات و [illegible] دعوات و [illegible]
میشود [illegible] حاجات بزرگ و روز جمعه روز مزید است
[illegible] آزاد میکند [illegible] گناه [illegible] و هر که [illegible]
در این روز [illegible] حق و حرمت و قدر و منزلت [illegible] باشد خدای تعالی حق
که [illegible] آزاد از آتش جهنم و هر که بمیرد در این روز یا شب [illegible] باشد شهید و
مبعوث گردد ایمن [illegible] استخفاف کند [illegible]
[illegible]
[illegible] جمعه [illegible]
[illegible]
[illegible] روز [illegible] آسمان و زمین [illegible] و در آن روز [illegible]
[illegible]
[illegible] نصب کرد [illegible]
[illegible] قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] روز جمعه [illegible] مؤمن [illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] روز جمعه [illegible]
[illegible]

در رکعت اول نماز صبح سورهٔ جمعه و در دوم قل هو الله احد بخواند و در رکعت اول
نماز ظهر سورهٔ جمعه و در دوم منافقین و در رکعت اول نماز عصر سورهٔ جمعه و در
دوم قل هو الله احد یا سورهٔ منافقین بخواند و سفر کردن در این روز بعد از طلوع صبح
مکروه و پیش از نماز جمعه اگر فوت شود حرام و بعد از زوال [illegible] کشیدن نوره
[illegible] در چند روایت تجویز واقع شده بلکه بعضی روایات دلالت بر آن
میکند که [illegible] رفع کراهت و حنا مالیدن کند و در وقت نوره
کشیدن [illegible] نوره و از حضرت
صادق علیه السلام مرویست که هر که بگوید [illegible] ایمن شود از سوختن نوره [illegible]
[illegible] بالله در شب [illegible] نخوردن انار و برگ کاسنی فضیلت بسیار دارد
[illegible] روایت است که هر که یک انار [illegible]
جمعه [illegible] دل [illegible] نورانی کرده [illegible]
[illegible] کاسنی [illegible] داخل بهشت شود و
[illegible] روایت است که در این روز ساعتی است که اگر در آن حجامت [illegible] شود
[illegible] وارد شده که [illegible] ندارد و از موسی بن جعفر
مرویست که هر که در شب یا روز جمعه خون غلبه کند [illegible] و خون [illegible]
و مستحب است که در روز جمعه بعد از نماز صبح صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد
و صد مرتبه سورهٔ انا انزلناه و صد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه و صد مرتبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم بگوید و از حضرت ابی عبدالله
علیه السلام مرویست که هیچ عملی در روز جمعه افضل و بهتر از صلوات بر محمد و
آل او نیست و در حدیثی که هر کس بر پیغمبر صلوات [illegible] صلوات فرستد خدای
تعالی بر او هزار صلوات فرستد با هزار صف از ملائکه و هیچ مخلوقی نماند که بر او
صلوات فرستند بعلت صلوات خدا و ملائکه پس اگر کسی در این روز هزار
صلوات فرستد موجب ثواب بسیار و حسنات بیشمار باشد و اگر نتواند صد بار
کم نیست و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بگوید بعد از نماز صبح
و نماز ظهر اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم صد مرتبه نمیرد مگر

مگر آنکه ادراک کند حضرت قائم را و [illegible] از آن حضرت [illegible] که هر که صلوات فرستد
بر محمد و آل محمد میان نماز ظهر و عصر روز جمعه [illegible] برابر باشد با [illegible] رکعت
و [illegible] ثواب الاعمال از آن حضرت روایت کرده که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه
هفت مرتبه و در روایت دیگر بعد از نماز عصر ده مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد
و آل محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل
برکاتک والسلام علیه و علیهم و رحمة الله و برکاته [illegible]
[illegible] و مثل عمل ثقلین [illegible] و ایضاً از آن حضرت روایت شده که [illegible]
صلوات فرستد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین
[illegible] علی محمد و آل محمد فی الآخرین و صل علی محمد و آل محمد فی الملأ الا[illegible]
[illegible] و صل علی محمد و آل محمد فی المرسلین [illegible]
[illegible] و انت خیر [illegible]
[illegible] والفضیلة و الشرف و الرفعة و الدرجة الکبیرة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علی کل شیء قدیر [illegible]
[illegible] فی الجنان [illegible]
[illegible] استغفارات از حضرت ابی عبدالله
مرویست که هر که در روز جمعه [illegible] عصر استغفار کند [illegible] مرتبه
[illegible] استغفر الله ربی و اتوب الیه [illegible] خدای تعالی گناهان
گذشته [illegible]
[illegible] از حضرت امیر المؤمنین
[illegible] مرویست که هر که [illegible] جمعه بخواند [illegible]

و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که سوره هود را هر جمعه بخواند
حق تعالی او را [illegible] و از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست که سوره کهف سوره ایست که میان آسمان
[illegible]
روز جمعه بخواند گناهانی که میان دو جمعه کرده باشد آمرزیده شود و از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که سوره والصافات در هر جمعه
[illegible]
ظاهر میکند و بدن آدمی را میبرد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که
[illegible]
امام موسی [illegible] منقولست که حمام یکروز در میان گوشت بدن را زیاده میکند [illegible]
[illegible]
داخل حمام شود و حضرت صادق [illegible] فرمود که هر که داخل حمام
دیدهای خود را از نظر کردن بعورت دیگران بپوشاند حق تعالی او را از حمیم جهنم
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] آورده اند

[illegible] زیارت [illegible]

شده هرگاه زیارت عاشورا را زیارت کنی در این روز که ثواب بسیار دارد [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible] که هر که [illegible] زیارت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] زیارت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] که هر که زیارت قبر [illegible]

[illegible] طلب حاجت کند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که با امام جماعت [illegible] بعد از زوال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صلّ علی محمد وآل محمد [illegible]

[illegible]

[illegible] السموات والارض

[illegible]

[illegible] انت الحق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الواحد القهار الكبير المتعال ذو الجلال والاكرام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صلى الله عليه وآله

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغي يعظكم لعلكم تذكرون اذكروا الله فإنه ذاكر لمن ذكره [illegible]

[illegible]

وبشيرا ونذيرا بلغ الرسالة وأدى الأمانة ونصح الأمة [illegible] وصلى الله عليه في الآخرين [illegible]

[illegible] بطاعته واجتناب معصيته فإنه من يطع الله ورسوله فقد رشد [illegible] ومن يعص الله ورسوله فقد ضل ضلالا بعيدا [illegible] إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما اللهم صل على محمد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سوره [illegible]
[illegible]
جمع کردن [illegible] نماز [illegible]
روایت کرده است و آن دو رکعت است در هر رکعتی [illegible]
قیام و رکوع و بعد از سر برداشتن از آن و از سجده اول و بعد از سر برداشتن از آن و سجده دوم و بعد از
سر برداشتن از آن و چون سلام دهد هر گاه که [illegible] شود هر حاجتی
[illegible]

[illegible]

... بالله الملك على كل شيء قدير بعد حضرت ... كه هر ...

... كما مي بيان ... وعدا ما ذكر انكه ... شود - ديگر نماز حضرت

... در ركعت اول بعد از حمد سوره

[illegible]

... سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم سبحان ذي الملك الفاخر ...

... سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان من يرى ...

... سبحان من هو هكذا لا هكذا غيره ...

... حضرت ... و بعد از ان صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد

... نماز حضرت امام حسن مجتبى ع در روز جمعه ...

... چهار ركعت است در هر ركعت ... مرتبه سوره توحيد بطريق نماز حضرت امير المؤمنين عليه

عليه السلام نماز ديگر ان حضرت در روز جمعه چهار ركعت است در هر ركعت بعد از سوره حمد ...
مرتبه سوره توحيد و از جمله نماز حضرت امام حسين ع نيز چهار ركعت است در هر ركعت سوره حمد پنجاه
مرتبه و سوره توحيد پنجاه مرتبه و در ركوع ... مرتبه و چون سر از ركوع ...

[illegible]

[illegible]

[illegible] روایت سید ... هر رکعت

در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه صد مرتبه سورهٔ توحید [illegible] دیگر نماز حضرت امام محمد باقر به روایت
سید دو رکعت است در هر رکعت سورهٔ فاتحه یک مرتبه و بعد از آن صد مرتبه سبحان الله والحمد لله و
[illegible] دیگر نماز حضرت [illegible] به روایت سید دو رکعت است
رکعت فاتحه یک مرتبه و آیهٔ شهد الله صد مرتبه دیگر نماز حضرت [illegible] به روایت سید
دو رکعت است در هر رکعت فاتحه یک بار و سورهٔ توحید دوازده بار دیگر نماز حضرت امام رضا
شش رکعت است در هر رکعت فاتحه یک بار و هل اتی ده بار دیگر نماز حضرت جواد [illegible] دو رکعت
در هر رکعت فاتحه یک بار و سورهٔ توحید هفتاد بار دیگر نماز حضرت علی نقی [illegible] دو رکعت است رکعت
اول بعد از فاتحه سورهٔ یس و در رکعت دوم سورهٔ الرحمن دیگر نماز حضرت امام حسن عسکری [illegible]
[illegible] در رکعت اول بعد از حمد پانزده بار اذا زلزلت و در رکعت دوم بعد از حمد پانزده
[illegible] دیگر نماز حضرت صاحب الامر [illegible] دو رکعت است در هر رکعت فاتحه را
[illegible] صد مرتبه [illegible] آخر سوره را تمام بکند پس سورهٔ توحید یک بار [illegible]
چون از نماز فارغ شود باید این دعا بخواند اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء و
ضاقت الارض بما وسعت السماء و [illegible]
[illegible]
[illegible] یا محمد یا علی یا علی یا محمد [illegible]

یا مولای یا محمد یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیانی ... سه مرتبه بگوید یا مولای یا صاحب
الزمان الغوث الغوث الغوث ادرکنی ادرکنی ادرکنی الامان الامان الامان
دیگر نماز جعفر طیار است فضایل این نماز بسیار و ثواب بیشمار دارد این نماز سنت موکد است
و در هر روز می‌توان کرد لکن افضل روز جمعه است و این نماز چهار رکعت است به دو تشهد و دو سلام
در رکعت اول حمد و اذا زلزلت و در رکعت دوم حمد و العادیات و در سوم حمد و اذا جاء نصر الله
و در چهارم حمد و قل هو الله [illegible] که در هر رکعت حمد و اخلاص بخواند و در روایت دیگر [illegible]
اخلاص و قل یا ایها الکافرون [illegible] چون از قرائت فارغ شود در هر رکعت سبحان الله و
الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر [illegible] مرتبه بگوید [illegible]
بخواند و در رکوع ده بار و [illegible] از رکوع ده بار [illegible] از دو سجده ده بار و در
[illegible]
من لبس العز و [illegible] سبحان من تعطف بالمجد و تکرم به سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان
من احصی کل شیء علمه سبحان ذی المن و النعم [illegible]
بمعاقد العز من عرشک و منتهی الرحمة من کتابک و اسمک الاعظم و کلماتک التامة التی
تمت صدقا و عدلا صل علی محمد و اهل بیته [illegible]
[illegible] روایت کرده اند [illegible]
امام جعفر صادق [illegible] یا رب یا رب [illegible]
یا رباه [illegible] یا الله [illegible] یا رحیم [illegible]
[illegible] یا رحمن [illegible] یا ارحم الراحمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دعا بخوان و حوایج خود را بعد طلب [illegible]
شیخ و سید رحمهما الله که ملا محمد باقر طاب ثراه در زاد المعاد ایراد نموده سبحان من لبس العز و

[illegible] سبحان من [illegible] سبحان من لا ينبغي التسبيح الا له [illegible]
جلاله سبحان من [illegible] سبحان ذي المنّ والنعم سبحان
ذي القدرة والكرم [illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] الكرم [illegible] المجد ولك الحمد
[illegible]
[illegible] يا ارحم الراحمين [illegible]
[illegible] يا كريم [illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم صل على محمد وآل محمد [illegible]
[illegible] من النار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] يا ارحم الراحمين [illegible]
[illegible]
[illegible] من النار صل على محمد وآل
محمد [illegible]
[illegible]
[illegible] يا ارحم الراحمين
[illegible]
[illegible]
[illegible] من النار [illegible] اللهم صل
على محمد [illegible] يا ارحم الراحمين [illegible]

[illegible] امیرالمؤمنین
[illegible] صلی الله علیه وآله [illegible] هر رکعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] استغفار کند [illegible]
[illegible] سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم [illegible] صلوات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روایتست که
[illegible] حضرت [illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت رسول [illegible]
[illegible] دو رکعت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] وصنعته على السموات
[illegible] وعلى المعالي ما استعرت و
[illegible] وعند الائمة
[illegible] على محمد وآل محمد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بين الحروب [illegible]
[illegible] بحق محمد وآل محمد عليك [illegible]
[illegible]
[illegible] رحمن رحيم [illegible] لا من شيء كان ولا من شيء كوّن
[illegible] من الصر على [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وعلى عوائق نايات الفكر كيفية
[illegible]
[illegible]
[illegible] الاحاطة به سوابح العقول
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الاذهان في لجج امواج [illegible]
[illegible]
[illegible] نواصي الاسباب

[illegible] على ربوبيته و[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
تمّح [illegible] لا اله الا الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اليوم افضل الوسائل واشرف العطا [illegible]
[illegible] صل على محمد وآل محمد الذين امرت [illegible]
[illegible] صل على محمد وآل محمد الذين [illegible]
[illegible] صل على محمد وآل محمد [illegible]
[illegible] من الاولين والاخرين [illegible]
[illegible] الذين امرت [illegible]
[illegible]
[illegible] فصل على [illegible]

كان تستقي الذنوب وحالت مني وبينك لأنك بحار الصيد ورصد المريض لا تفضل
مواهبك ولا يعجبك ما لك قلت أنت فجعلوا ولم تعم الحمام بأمن لا تفوض مرآته
ولا بيد ملكه ولا تراه العيون ولا مغرب شمسه تركه ولا سكون لم تزل ولا تزال
لا إله إلا أنت سبوح في كبر ولا تمام ولا أحول بكلمات إلا وزراني بأزراني وتفردت
عن صفات الصفات وغريت أن تخطر بك خواطر ما تفاوت ولم يكن مستحدثا
فوجد فسقط عن حالي ما لك أنت الأول لا بأول والآخر لا بآخر والقاهر لا بحيل
ما يتعاطى عنك من خلقك وتعالى عن صاحبة وأساء بطل لما يلد كما لم يحدث في
قدمك شيء فيكون محدثا ولم يحلك أمام فيكون أزليا كل ما ذكرت فقد أثبتك
وحكمها بالعيب فتعاليت في ارتفاع سايب عن أن يتعداك حكم فتعبد أو تحال
من حال فتحتاج به الحاجة إلى تبديل أو توجد في إبداء والفعال ساع في إخلاء
صور ولم تمس بحالات الإحاطة بك في خواطر الأحلام ونسبل لك بما جعل عن
صدور الأنام لا يعدم ملكك مولا بل تعد فعل مستحيل ولا مقدر تؤتيه وتعتز من تشاء
بما يعوزه شحت ما تعلم سبب وتعلن ما لك وأعلق بالحيذ في نزعاتك و
أعد مرتبة وحسن عبادتك لمن وعدته وتحملت الأرض فترسما وأخرجت
بساطا حاطها وسار وخوفه فسخلت بالحاها وجرت بأمرك بياضها وما ناجى المستقر
فيه ما أمرها فيا من تعزز بالبقاء وقهر عباده بالفناء أكرم مطوي دليل خبر متقع
لا تنبت ثمرا من قوله في كل سنة وتمنحني بحظ نصيبك أنزل نوء حاجتي و
رب اشمل ملا تزدني حاشا ما رجوت ولا تحفظ دعائي فإذا فحصه لي مدخوت و
من لي غيرك ولا تدرني من فضلك الواسع بزلة واسعا لما لا أحصيه حتى
مرتبط في ما فيه لمستحق خيرك نوء مدى وأعد لي الحظ الذي فقدا وتحسبني و
تحدث عن رضوان فتاه وتحيني ما لست حبت منك رغبة ودعاء ظاهر رحيم كرم
وهب يا رب يا رب حسن خاتمتي لكم فرضت على نفسك الآلاء والأنعام حتى
تعصيني وأنت من حبك الأوراد وحفظها وأذن لعبدك عن عبده وصلى من تحتي إليها
وأنعم بما أنت أهله كل موجود مع الموجودات والأحوال والأحوال وأجمعين أنعم
الأرواح لنا وهم خيالك مع الحجاب الأخيار إنك سميع الدعاء وصلى الله على النبي محمد

[illegible] وعزيزه وشفيعنا [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الأول قبل الأشياء والآخر بعد الفناء
[illegible] الذي لا يبلغه وهم ولا يناله غوص فطنة ولا يحيط به بصر ولا يحويه مكان ولا يعجزه شيء
[illegible] الذي لا يشغله شأن عن شأن ولا يحيط به زمان ولا يصفه لسان أشهد يا إلهي
[illegible] أشهدك وكفى بك شهيدا وأشهد جميع ملائكتك وسكان سمواتك وحملة
عرشك ومن خلقت من أنبيائك ورسلك وأنبياء من أصفيائك أني أشهد
أنك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك ولا عديل ولا أحد يتولاك ولا يتخذ
من دونك ولي فقلته وله عدلت وتفضلت أن ما حاجته إلى شيء وجاهد في
[illegible] من الجهاد وله استوى ما موجود من نور وأنذر بما موجد من الغياب اللهم
[illegible] على وليك ما اختيرني له من دينك وعدتني وعدت لي من نفسك رحمة أنك
[illegible] أنوصات صل على محمد وآل محمد واجعلني من أنصاره وأعوانه وشيعته وممن
في زمرته ووفقني لما ترضى من الطاعات وما احتبيت به من الحاجات وجعلت
من نعماك في يوم الحرة إليك أنت العزيز الحكيم مولاي هو الذي وعدت
شهداء معركة الطف أمام موسى كاظم عليه السلام مرضاة لحق الله الحديد وتكاثين
شاهدين كنا رحيما أنه فبهم أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد
أن محمدا عبده ورسوله وأن الإسلام كما وصف وأن [illegible] كما أنزل
والعدل كما حدثت وأن الله هو الحق المبين وصلوات الله وبركاته وسلامه عليه وعلى
علي وإليه اصطفيت في أمان الله الذي لا يستخفر ولا يضيع ودائع الله
والله الذي لا يضام وكنيفه الذي لا يرام وجاره الله من مخوف ما ساء الله وكل نعمة
من الله لا بأس بالجبر لا الله ما شاء الله ما شاء الله يعم الله ما شاء الله ما قوة إلا بالله على الله توكلت
لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده
الخير وهو على كل شيء قدير أستغفر الله ربي من كل ذنب أذنبته ربي وأتوب إليه
عن كل مساءة [illegible] اللهم اغفر لي ذنوبي وارزقني وارحمني واهدني وعافني واعف عني
واغفر لي وارضني واقبلني وانصرني واتقني في مقامي هذا وأشكر يا ما يا أهل التقوى وأهل
المغفرة أنت أهل أن يذكر فيذكر وأن يشكر فيشكر يا ذا القوة المتين يا ذا الرحمة
والرأفة يا ذا العفو والمغفرة يا ذا الطول والإنعام يا ذا الآلاء والكرام يا سامع
كل صوت يا سابق الفوت يا محيي العظام البالية والرميم بعد ما صارت رفاتا
[illegible] أسألك بأسمائك الحسنى وصفاتك العليا وكلماتك التامة أن تصلي على محمد
وآل محمد وأن تجعلني ممن [illegible] وما كنت تجلي من [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

على ابراهيم قال ابراهيم انك حميد مجيد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] در اعمال شب و روز شنبه است و در شب و روز آن نماز وادعیه
بسیار وارد شده است الاول اعمال شب را جمله نمازیست که از حضرت پیغمبر
روایت شده و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد انا انزلناه [illegible] بخواند و در رکعت دوم
بعد از حمد اذا زلزلت [illegible] و چون فارغ شود صد بار استغفار [illegible] فرستد و آنحضرت
فرموده هر که [illegible] در کتاب مصباح کبیر روایت از حضرت

[illegible]

[illegible]

وانا ادعوک ولا [illegible] ولا تعذبنی وانا مستغفر یا ارحم الراحمین [illegible]
[illegible] دیگر [illegible]
[illegible] حضرت رسول [illegible] حضرت امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق [illegible] منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت رسالت [illegible]

هرکس اراده سفر نماید روز شنبه را اختیار کند که اگر در این روز سنگی از کوه در گردد خدای تعالی او را بمکان خود باز گرداند... [illegible] ... روز شنبه را اختیار کرده‌اند که مبدء این روز حق تعالی از خلق اشیا فارغ شد ... [illegible] ... خلاف آن کرده‌اند ... [illegible] ... از حضرت رسول منقولست که هرکه در روز شنبه ... [illegible] ... بعد از زوال تا عصر ... [illegible] ... حدیث معتبر است که باعث ... [illegible] ... چهارشنبه و پنجشنبه ... [illegible] ... از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که خدا مبارک گردانیده است برای امت من ایام شنبه و پنجشنبه ... [illegible] ... وارد شده است که حجامت کردن در روز شنبه ... [illegible] ... روز شنبه چهار رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه یکبار و سوره قل یا ایها الکافرون ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

وَ قَالَ ... [illegible] ... تَوْبَةً لَا أَعُودُ ... [illegible] ... وَأَنْتَ الَّذِي ... [illegible]

[illegible]

... [illegible] ... وَالْمُؤْمِنَاتِ ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... النبات الذي تجيء به المقادير ... [illegible]

... والاحوال [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

والى الذين من قبلك [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

خدای تعالی ثواب شهدا — دیگر روایت که هرکه در این شب چهار رکعت نماز [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] كه اشد از روز جمعه نمايد و هشت ركعت نماز كذارد و چهار ركعت [illegible]

[illegible] عليها السلام هر دو ركعت بيك سلام و نيت چنين كند اصلي

[illegible] زوج فاطمه عليها السلام لندبها قربة الى الله و روز شنبه

[illegible] امام حسن ع و روز دوشنبه [illegible]

[illegible]

[illegible] امام همه است سنت [illegible]

[illegible]

[illegible] صاحب [illegible] صاحب [illegible] و دعا [illegible] و حوايج [illegible]

[illegible] كه در ركعت و با اجابت مقرون كرده جانب روز شنبه متعلق بحضرت [illegible]

[illegible] متعلق [illegible] و روز دوشنبه با امام حسن ع و امام حسين ع و

[illegible]

[illegible] جمعه با امام حسن عسكرى

[illegible] طلوع آفتاب كه [illegible]

[illegible] رسول [illegible] و رو بقبله ايستاده نيت زيارت كند [illegible] كه [illegible]

فلان بن فلان لندبها قربة الى الله يعني زيارت ميكنم [illegible] فلان بن فلان را [illegible]

[illegible] بعد از آن شروع در زيارت نمايد [illegible]

[illegible] الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا [illegible]

[illegible]

[illegible] محمد النبي [illegible] والصلاة [illegible] صل على محمد

[illegible] و اجعل صلواتك و صلوات ملائكتك و انبيائك المرسلين و عبادك الصالحين

[illegible] السموات و الارضين و من سبح لك يا رب العالمين من الاولين و الآخرين

[illegible] و صلوات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دوروقتی که آفتاب بجانب مشرق آید مرادش نماز عصر در محلی که بجانب مغرب میل باشد

بیع داود فت منش کعت نماز هر دو رکعت خواهد بکند پس روبقبله دستها را برداردو

اللهم انا الیابه من حیث یشت وکیف یشت وان یشت [illegible]

پس بجوبی که اشتعال ان دو را اشارکند [illegible] نماز که در مصباح کفعمی از امام

جعفر صادق روایت شده که هرکرا حقی رو دهد بایدکه غسل کند و دو رکعت نماز کند و در هلو

غزالیه در طرف نماز روی خودرا بدست راست خود بگذارد و بگوید [illegible]

[illegible] ازامام این معنی را بر وجه کسی این عبارت و مستوی از او

اتحفی [illegible] نماز که در حواشی مصباح کفعمی از امام جعفر صادق روایت شده که هرکه

[illegible]

نام خود را بداند و دو رکعت نماز کند و چون تمام شد سجده رود و حاجت خود را [illegible]

[illegible] یا جبرئیل یا محمد انتما کافیای فاکفیانی واحفظانی [illegible]

[illegible]

نمازی که در کافی شیخ کلینی از امام محمد باقر روایت [illegible]

وضو بسازد و دو رکعت نماز کند و در [illegible]

[illegible]

یکبار و حسبنا الله ونعم الوکیل هفت بار و در رکعت [illegible]

الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین هفت بار و در رکعت سیم الحمد [illegible]

[illegible] بعد در رکعت چهارم الحمد یکبار و افوض امری [illegible]

[illegible] بالعباد هفت بار پس حاجت خود را طلب کند [illegible]

[illegible]

[illegible] نماز استغاثه است بحضرت فاطمه علیها السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] و حاجت خود را [illegible]

[illegible] نماز شکر است [illegible]

[illegible] دو رکعت نماز شکر [illegible]

[illegible] الحمد لله الذی استجاب دعائی [illegible]

[illegible] نماز شکر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رکوع کن [illegible] دو رکعت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نماز [illegible] از حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] در رکعت [illegible]

[illegible] رکوع کن [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] دو رکعت نماز [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] زیرا که

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] على خلقك [illegible]

[illegible] دو رکعت نماز [illegible]

[illegible] اللهم انّ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دو رکعت نماز [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دو رکعت نماز [illegible]

[illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] امیر المؤمنین [illegible] دو رکعت نماز [illegible]

[illegible] من الصلاة [illegible]

[illegible]
این کم شد از روزی باید [illegible] از معاصرات است روایت میکند جابر انصاری که حضرت رسول
نظر کرد بجانب حضرت فاطمه علیها السلام را دید و گفت اگر ترا مصیبتی و سختی رسد یا ترسید از جور
سلطانی دو رکعت نماز بکند و دعا را باحسان برداید و گوید [illegible]
[illegible]
[illegible] علی [illegible]
[illegible] اهل حاجت خود را که لطف شود [illegible]
[illegible] دو رکعت [illegible] در هر رکعت فاتحه و یازده مرتبه سوره
[illegible] صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد پس از آن دعا کند و گوید [illegible] اللهم
[illegible]
[illegible] از امام محمد باقر و جعفر صادق علیه السلام
[illegible] و اما وقت و سوره [illegible]
[illegible] بوی [illegible] آب زمزم یا آب باران یا آب [illegible]
[illegible]
[illegible] از کم بودن است و روزی که اول روز زندگی باشد [illegible]
[illegible] که برانست نقصانی روزی او و کرچه [illegible]
[illegible] چند دارد که هر که [illegible]
[illegible]

اگر از او منزلتی باشد [illegible] اگر باو دوست و بر او باشد [illegible] اگر او تمام سجود مطلع
گرداند که جانب خود حاجات آن امر را بی [illegible] اما پنهان دارد و کسی [illegible] کند زیرا که
اگر غافل است [illegible] و اگر [illegible] حاجت میکند در حضیر
حرامی شود اگر با او دوست دار [illegible] خود را [illegible] حضرت رسول
فرمود که [illegible] با خاصان [illegible] میکند و [illegible] بالبخل که
مانع [illegible] بیت [illegible] با کسی که [illegible] باشد که
[illegible] که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که با کسی که طلب حاجت میکند
[illegible] کسی که [illegible] پنهان [illegible] و مقصود [illegible] در این مقام
از جانب [illegible] است و [illegible] معلوم است [illegible] که مانع [illegible]
دنیا و [illegible] است [illegible] و اللطف [illegible] از جمیع [illegible]
بر جمیع امور [illegible] صلاح [illegible] و [illegible]
خود را [illegible] صلاح خود را طلب [illegible] باید که بنده [illegible] در جمیع امور
طلب [illegible] معلوم است که [illegible]
است که [illegible] اراده [illegible]
از [illegible] خود [illegible] مقدم دارد [illegible]
[illegible] توکل علی الله فهو حسبه
[illegible] در فضیلت [illegible]
روایات و اخبار کثیره از حضرات ائمه علیهم السلام وارد شده [illegible]
[illegible] که از جمله [illegible] که کار [illegible]
[illegible] روایت شده که هر که [illegible]
و [illegible] بلا [illegible] حضرت [illegible] روایت شده است [illegible]
که هر [illegible] طلب [illegible] که حاجت [illegible] بلا و فرمود که [illegible]
[illegible] روایت شده
که [illegible] طلب [illegible] اگر [illegible] است [illegible]
[illegible] روایت شده است که [illegible]

[illegible] که ... از ... و بعد از آن امری که واقع شود ... ناشد

[illegible]

[illegible] ... متوسل شود و ... از

[illegible] ... از ... ان زیرا که

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... عمل خورکرده اند و ... در کتب ... انواع ... ذکر کرده اند

... و ... رحمة الله علیه ... در ... زده اند

[illegible]

انواع استخارات ...

... از حضرت صادق ... در ... کیفیت

... و صلوات ...

اسئلك بانك عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم وانت علام الغیوب استخیر الله برحمته

... باشد که ...

[illegible]

... لا اله الا الله

... العلی العظیم و بعد از آن ... باشد ...

... که حضرت امام زین العابدین ... اراده امری ...

... وضو ... دو رکعت نماز ...

... سورهٔ حشر و سورهٔ رحمن ... قل اعوذ برب الفلق و قل

اعوذ برب الناس و قل هو الله احد ... اللهم ان کان الامر الذی

اریده خیرا لی فی دینی و دنیای و آخرتی و عاجل امری و آجله فیسره علی احسن الوجوه و

[illegible]

کردی توکل کن برخدا و حضرت بولیة ستوقت که هرکه الم سوره کند الله مدابت ... [illegible]
اجر جبر ... وارث ... که سوره ... [illegible]
واران ... سوره ... ذکر ... [illegible]
... از حضرت صادق روایت شده است که چون ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دیگر در هر شب اول ماه سوره انا فتحنا در نماز مغرب بخواند و [illegible] در زاد المعاد ایضه نقل شده که از حضرت
دو رکعت نماز است در شب اول هر ماه الحمد و سوره انعام یکبار و در روز اول هم دو رکعت [illegible]
وارد شده که دو رکعت نماز با یکدیگر رکعت اول بعد الحمد [illegible] و توحید و دوم الحمد [illegible]
[illegible]

و رفته روز نشست مراد روز ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه و سبب تسمیه
ایام البیض است که اول شب تا آخر شب ماه هست یا جهت آنچه از بعضی روایت شده که حضرت
آدم چون از بهشت بیرون آمد و رویش سیاه شد بعد از آن امر شد که این سه روز را روزه دارد و روز اول
از این سه روز ثلث رویش سفید شد پس این سه روز را ایام البیض گفتند

[illegible]

[illegible]

و الاسلام و الیقین و الایمان ... و التوفیق لما تحب و ترضی و منقولست
که چون ماه را در وقت دیدن ...
و شمعه رفت ... چون ماه شوال ...
ببیند ... هفت بار سوره ... چون ماه ...
...
اقوال ...
عربی و فارسی ...

[illegible]

شایسته ... ماه ... نیک برای ... [illegible]

[illegible]

... و فرزندی که در این روز متولد شود ... [illegible]

... هرکه ... باشد ... [illegible]

[illegible]

... کارها اختیار کن ... [illegible]

... و هرکه در این روز ... شود حالش نکو ... [illegible]

... که در این روز ... ماه ... [illegible]

... در این روز خواستن ... کردن و هرکه ... در این روز ... [illegible]

[illegible]

... که در این روز ... شود ... و هرکه بیمار شود در این روز ... باید و هر طفلی که در این ... [illegible]

... متولد شود نیکو ... [illegible]

[illegible]

... ماه برای همه کارها شایسته ... [illegible]

... و هرکه ... و هر طفلی که در این روز متولد شود ... نیکو ... [illegible]

... شایسته است برای ... کردن ... [illegible]

... ماه ... است برای ... [illegible]

... و هر طفلی که متولد شود ... [illegible]

... شایسته باشد و هرکه بگریزد ... [illegible]

... شایسته است برای هر کاری ... [illegible]

... که ... هر کاری شایسته است ... ماه ... [illegible]

[illegible]

... هرکه ... و هرکه در این روز ... [illegible]

در این روز بگریزد نجات یابد و هرکه بیمار شود بیماریش سبکتر شود و هرکه گم شود زود می یافت شود و زن ... که متولد شود شایسته باشد و در همه حال توفیق یابد و در روایت دیگر فرزند فراخ روزی باشد و در روایت سلمان خواب که در این روز دیده شود اثرش ... ظاهر گردد ... ماه نوح در این روز متولد شده است فرزندی که در این روز متولد شود بسیار عمر و فراخ روزی باشد و نیک رای ... خرید و فروخت و سفر کردن ... [illegible]

[illegible]

... کردن ... شاهان و هرکه بگریزد در این روز زود پیدا شود و در حدیث دیگر ... [illegible]

[illegible]

دیده شود ... ماه حضرت شیث در این روز متولد شده است و شایسته است برای ... کارها و خرید و فروخت و سفر کردن ... در این روز ... [illegible]

... و هرکه در این روز بگریزد ... [illegible]

... و هرکه بیمار شود ... و هر طفلی که متولد شود ... [illegible]

[illegible]

... که ... در این روز ... ماه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... و در روایت دیگر ... است که این روز ... [illegible]

... در این روز ... [illegible]

... ماه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... و در روایت دیگر ... [illegible]

[illegible]

... برای ... و هر فرزندی که متولد شود ... [illegible]

و خوابی که دیده شود ... ماه ... برای ... [illegible]

باد و کرفتن و کسی که درین روز بیمار شود زود بصحت یابد و کسی که بگریزد زود بدست آید و
فرزندیکه متولد شود لال باشد یا دیر زبان شود و بروایت سلمان بخواب که ببیند بعد از سه
[illegible] ظاهر شود [illegible] ماه روز عجیب است برای هیچ کار خوب نیست مگر عبادت کردن
[illegible] و هرکه سفر کند در این روز هلاک شود و هرکه بگریزد بزودی بگردد و هرکه را گم کند تمام
بماند و هرکه بیمار شود زود بمیرد و فرزندیکه متولد شود جز از زوال دیوانه باشد و اگر بعد از
[illegible] متولد شود عاقبتش نیکو باشد بروایت سلمان خوابی که در این روز بیند بعد از دو روز ازمش
[illegible] ماه میانه است هر چیز در آن روز از نماز عمر کردن و قرض دادن و قرض گرفتن
[illegible] قرض بقدر اول دیگر کرده و هرکه بگریزد بعد و فرزندیکه متولد شود عاقبتش نیکو باشد و بروایت
[illegible] نیست و از روز جامع خوب نیکی در روایت دیگر وارد شده است که حجامت در او هم
شفاعت و روایت دیگر روز بیست و چهار و رکردن [illegible]
[illegible] پادشاه رفتن و طلب حوائج خود پس بدرستیکه از
[illegible]
[illegible]
[illegible] ماه روز [illegible] و در آن روز حضرت [illegible] متولد شده است و شایسته است
[illegible] طلب روزی و سعی در کارها و خرید و فروش و [illegible]
[illegible] باشد و کسیکه بعد از یازده روز [illegible] و فرزندیکه متولد شود در این روز [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ماه روز [illegible] است و بسیار دلالت دارد بر [illegible] و هر چیز را باید شناخت
[illegible] کسی که سفر کند [illegible] و فرزندیکه [illegible] باشد و روایت
بر روز [illegible] است [illegible] است برای [illegible]
[illegible] در آن روز [illegible] و سایر [illegible] کرده و
[illegible] ماه در این روز حضرت [illegible] متولد شده است و نیکست برای طلب
[illegible] روز [illegible] و کسی که در این روز سفر کند [illegible] باید و [illegible]

یابد و خیر بسیار بیند و فرزندیکه متولد شود نیکو زیست یابد [illegible] ماه بسیار نحس است و حرون
در این روز [illegible] است پس هیچ کاری در این روز نکن و فرزندیکه متولد شود در روز
[illegible] و [illegible] باید و بعد لشکر کشته شود یا غرق شود و هرکه بیمار شود بیمار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible] و فرزند مبارک و فراخ روزی و نیکو کاری باشد
[illegible] و اخراجات یابد و در روایت دیگر هرکه در این روز بیمار شود [illegible]
[illegible] سلمان [illegible] بنا بعد از بیماد [illegible] ماه روز
[illegible] برای سفر [illegible] و هرکه در این روز [illegible]
[illegible] زیرا که در این روز [illegible] حضرت [illegible] و اگر از سفر
بر کرده در این روز [illegible] داخل شود [illegible] در این روز [illegible] باشد و فرزندیکه [illegible]
در [illegible] و هرکاری [illegible] و فرزندیکه در این روز متولد شود [illegible]
[illegible] فراوان [illegible] باشد و بروایت دیگر برای سفر بسیار نیکست
[illegible] ماه خوبست برای هرکاری و در این روز حضرت یعقوب متولد شده است
بر هر فرزندیکه متولد شود [illegible] باشد [illegible] و در روایت
خواب [illegible] ماه برای هیچ کار خوب نیست [illegible]
[illegible] در آن روز و فرزندیکه در این روز [illegible] و هرکه بیمار شود زود شفا یابد و
در این روز [illegible] است [illegible] و در روایت دیگر است
برای [illegible] کارها خصوصاً ملاقات پادشاه [illegible] و [illegible] کردن و [illegible]
بروایت سلمان خوابی که در این روز [illegible] شود [illegible] ماه نیکست برای [illegible]
و [illegible] و فرزندیکه در این روز [illegible] باشد [illegible]
بعضی [illegible] که [illegible]
[illegible] در آن روز [illegible]
[illegible] و هرکه بگریزد بدست آید و هرکه چیزی گم کند [illegible] و هرکه
مالی قرض کند زودی باز [illegible] حضرت امیرالمؤمنین [illegible]

حضرت صادق که بگذر خیر است جامعه از این قدر معلوم است و [illegible] ماهها

ودر [illegible] منزل [illegible] است و دو دانه است [illegible]

[illegible]

[illegible] عقرب [illegible]

[illegible]

[illegible] کوبند که [illegible]

[illegible]

[illegible] خیارات [illegible] و [illegible] تمام شده از سفر کردن و تزویج نمودن و دیگر

[illegible] عقرب باشد مناسب [illegible] که [illegible] که [illegible] در [illegible] شود و قاطع

[illegible] است که هرچه از [illegible] غروب گذشته [illegible] و دیگر [illegible] پس هرچه

[illegible] از مراتب [illegible] که در [illegible] که [illegible] در آن [illegible]

[illegible] در [illegible] اسباب [illegible] و [illegible]

[illegible] گذشته [illegible] و چندان که [illegible]

[illegible] و تا [illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible] است [illegible]

فصل [illegible] نوشته [illegible] ترتیب [illegible] سرطان [illegible] میزان عقرب

[illegible] و چون [illegible] از این زوج که [illegible] و [illegible] بعضی کارها مناسب [illegible]

[illegible] کرده اند [illegible] از این زوج مناسب [illegible] است در این رساله بطریقی که

[illegible]

[illegible] و [illegible] کردن و [illegible] نمودن و [illegible] کردن و ملاقات

پادشاهان نمودن و [illegible] است از برای [illegible] و زراعت [illegible] برای [illegible]

دوستان و کتابت [illegible] و [illegible] استعمال [illegible] و [illegible] انواع [illegible]

[illegible] و شرکت و [illegible] و [illegible] است از برای [illegible]

[illegible] است از برای [illegible] فروختن [illegible] و [illegible] ابتدای کتابت و ملاقات [illegible]

[illegible] برای [illegible]

[illegible] جیدست از برای سفر کردن و [illegible] خوردن و [illegible]

[illegible] و نیست برای تزویج [illegible] جیدست از برای [illegible]

[illegible] اشتغال [illegible] و طلب حاجات [illegible]

[illegible] نیست از برای [illegible]

[illegible] و تعلیم [illegible] زراعت و فروختن [illegible] و [illegible] نیست از برای زوج

و علاج امراض [illegible] مساحت و [illegible] جیدست از برای [illegible]

[illegible] که [illegible] شایسته [illegible]

و هر که [illegible] قبل از [illegible] جیدست از برای [illegible]

[illegible] کردن [illegible] و جراحت کردن و [illegible]

[illegible] گرفتن [illegible] نیست برای [illegible] جیدست از برای [illegible]

[illegible] کردن و [illegible] نیست از برای [illegible] و حیوانات [illegible] و [illegible] خوردن و [illegible]

[illegible] پوشیدن [illegible] جیدست از برای ساختن [illegible] پوشیدن [illegible] کردن و [illegible]

[illegible] نیست از برای [illegible]

[illegible] جیدست از برای [illegible] و [illegible]

[illegible] نیست از برای [illegible] جیدست از برای [illegible]

[illegible] و پوشیدن [illegible] و [illegible] پوشیدن [illegible]

[illegible] برای [illegible]

[illegible] نمودن در جمیع امور و استمداد از حضرات معصومین علیهم السلام [illegible] توسل [illegible]

[illegible] از مفضل بن یعقوب که بحضرت امام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] روز دهم [illegible] قتل سید الشهداء [illegible]

[illegible] سید شهدا شهید کربلا [illegible]

[illegible] مصیبت [illegible] آل محمد و شیعیان [illegible]

... که دیگران بسته‌های خود ... از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده‌اند که هر که یاد آورد
مصیبت ما را و بگرید و بگریاند برای آنچه مرتکب شده‌اند دشمنان ما بر ما باشد در درجه ما در روز
قیامت و کسی که یاد دیگران آورد مصیبت ما را پس بگرید و بگریاند گریان نگردد دیده او در روزی
که دیده‌ها گریان باشد و کسی که بنشیند در مجلسی که در آن احیای امر ما نمایند ...
... در روزی که دلها ... بمیرد ... باشد ...
... که هر که مهموم و مغموم باشد برای ... است ...
... در نامه عمل نوشته شود ... عبادت باشد ...
... ثواب ... از حضرت صادق ... روایت ...
... شود و شیخ طوسی ... از حضرت صادق روایت کرده است که هر که ...
... اشک ... برای خوبی که از ما ... که ...

[illegible]

... هر کس ... که در هر رکعت ... در هر رکعت سوره ... و سوره
... چون فارغ شود ... رکعت ... تسبیحات اربع ...
... این عمل ثواب عظیم است ...
... از حضرت ... که هر که ... در هر رکعت ...

... و در هر رکعت ... و بعد از سلام ...
... ایشان ... سید ابن طاوس و شیخ ...
... اعمال روز ... که روز عاشورا ...

[illegible]

... در این روز ... ذخیره کند ... برکت ...
... روز عاشورا را روز ... و روز ... در خانه ...
... که ... در این روز ...
... در ماتم عزیزترین اولاد ... مستحب است ...
... باید و از طعام ... و ...

[illegible]

... اندوهناک باشد ... این روز را ...
مؤمنان یکدیگر را تعزیه گویند به مصیبت امام حسین ... حضرت امام جعفر صادق ... اصحاب خود را ...

[illegible]

... السلام ... چنین کرد که خدا ... ثواب عظیم ...

[illegible]

... از حضرت امام جعفر صادق ... روایت که هر که ... شود ...
مصیبت آل رسول ... که مذکور شد ...
... هزار ... ثواب ...
... شهید شده باشد ... زیارت ...

[illegible]

زیارت [illegible] و صلوات [illegible]
[illegible] آن حضرت [illegible] روایت کند که [illegible] زیارت کند در روز عاشورا
[illegible] باشد که زیارت [illegible] کرده باشد [illegible]
[illegible] زیارت [illegible]
[illegible] که هر که زیارت کند حسین را در روز عاشورا [illegible] روایت شده که
هر که [illegible] رسول خدا و [illegible] علیهم السلام کرده باشد [illegible] امام حسین را زیارت
کند در روز عاشورا [illegible] حضرت صادق [illegible] که هر که در شب عاشورا [illegible] حضرت
امام حسین [illegible] زیارت کند [illegible]
هر که در [illegible] حضرت [illegible] باشد که [illegible] حضرت شهید شده باشد
[illegible] روایت کرده [illegible] که حضرت امام
محمد باقر فرمود که هر که [illegible] حضرت امام حسین [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] در [illegible] هزار [illegible] و دو هزار [illegible] هزار [illegible]
[illegible]
[illegible] زیارت [illegible] حضرت [illegible] روز عاشورا [illegible]
[illegible] امام [illegible]
حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز گذارد [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] که شهید شدند با حضرت امام حسین در کربلا [illegible]

[illegible]

یا بن رسول الله ... به مناجات خدا ... اگر باد حضرت فرمود که ...
و بدان که در مثل این روز حضرت امام حسین شهید شده است کم ای ...
در رو خواهش فرمود که روزه بدار ... که ... روز یکی ... نمازت و
... تمام روز ... باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد ... ساعتی ... زیرا که
... در طرف ... در زمین ... اهل بیت ... ایشان ... که ...
... در این حضرت ... حضرت در ... بود ... حضرت ...
[illegible]
... کار ... که در این روز یکی است که جامه‌ای پاکیزه بپوشی ...
با ... بیرون ... بپوشی ... که ...
... ازرای ... ازمخالفان ... پس چهار رکعت نماز بگذاری ...
... رکوع ... و بعد از ... رکعت سلام بگویی ... رکعت ... بعد از سوره حمد سوره قل یا ایها الکافرون
... رکعت دوم سوره قل هو الله احد ... رکعت دیگر ... بعد از سوره حمد
سوره احزاب ... رکعت دوم اذا جاءک المنافقون ... که ...
پس بگردان روی خود ... جانب روضه مقدسه آنحضرت ...
و ... صلوات ... ایشان ... روایت دیگر ...
... آنحضرت که ... هزار ...
درجه در بهشت ... هزار ... اللهم العن قتلة الحسین ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] صلوات نور رکانه وحنانه [illegible]
[illegible] رب الثلاثة ملك [illegible]

[illegible]

مشهور نیست و دو وجه میتواند داشت یکی وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این ماه دیگر
چنانچه مذکور شد در این سه ماه ثواب فال نیکو کرده در این ماه ابتدا بفال نیکو کرده
باز جهة عزم سفر دادند از حضرت رسول روایت که چون ماه صفر در آید ...

[illegible]

چراست نماز حاجت و برکت از فریضه و نافله در شب و روز کردن و زیارت از بعید ...
و درست راست کردن و جبین را در سجده شکر بر خاک مالیدن ... بسم الله الرحمن الرحیم ...

[illegible]

و هنگامی که در روز بلند شده بود زیارت اربعین کن ...

[illegible]

علیه من عترته الذین ... باع حظه بالادنی ... وشری آخرته بالثمن الاوکس ...

[illegible]

... ایشان از نزدیک ودر بامنیت ... روایت ...

... است ودرچهار شنبه اخران ...

[illegible]

در این روز ... [illegible]

نحوست چهار شنبه اخر ماه صفر شهرت تمام دارد ودر کتب معتبره عامه وخاصه چیزی که
دلالت براین کند بنظر نرسیده است واحادیث در بیان چهار شنبه مخصوص بچهار شنبه
اخر ماه وارد نشده ... فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهار شنبه اخران از سایر چهار
شنبه ها ... [illegible]

[illegible]

... بود ودر این شب ... امیر المؤمنین ... در
جای آن حضرت خوابید وایه ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله در شان او نازل
شد وان حضرت ... ورده چهارم از غار بیرون امد ...

[illegible]

... حضرت صاحب الامر ... امامت ... زیارت این دو روز
در این روز ... وکلینی وغیر ... وفات حضرت در روز ...
بود ... زیارت ان دو امام علیهما السلام اشتغال نمایند ...
ایشان ... بحار ... در زاد المعاد ...
علمای خاصه وعامه اختلاف ... است که ... بیستم ماه

وجه واقع شده و بعضی جهت و بعضی برکت اند و مستند این در قول نقل تو در خانه است و از
کتب معتبر چنین معلوم میشود که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم
ماه ربیع الاول واقع شده و منافات با آنچه از محققین شیعه مشهور بوده سید بن طاوس
رحمة الله در کتاب اقبال اشاره نموده است با آنکه ابن بابویه رحمة الله روایت از حضرت امام
حسن عسکری نقل کرده اند که در روز نهم واقع شده از نقل و جانی مشهور بود که صدوق چنین
اعتقاد داشته است [illegible]
نوبت داده است و روایت معتبری در این باب ایراد نموده موافقت کرده که بسیار طول روایت
این مختصر را ایراد نموده و در آن روایت است که حضرت امیر المؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible] بیوم کان
از نو شنو و حضرت فرمود که این روز است که مومنان از شر آن منافق لعین
[illegible]
[illegible] و بر ایشان و زنان مومن در [illegible]
[illegible] و پوشیدن جامهای نو و شکر نماید
[illegible] روزه داشتن نیست [illegible]
[illegible] واصل شد و اگر چنین باشد نزد شرافت این روز خواهد
[illegible]
[illegible] ربیع شد
[illegible] ربیع روز ولادت با سعادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله واقع شده و این روز بسیار
عظیم البرکة همیشه صالحان از ائمه تعظیم و تکریم آن نموده اند و سنت است این روز را
روزه داشتن و روزه این روز معادل روزه یک سال است [illegible] مروی است که هر که
[illegible] روزه یک سال [illegible] مستحب است غسل کردن و
[illegible] حضرت امیر المؤمنین کردن و زیارت [illegible]
[illegible] دو رکعت نماز در هر رکعت بعد از الحمد سوره [illegible]
[illegible] سلام کوید [illegible]
[illegible] حتی لا یموت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وخیرا لی وان [illegible] اذا کانت الوفاة خیرا لی واسئلک الخشیة فی
[illegible]
واسئلک الرضا بعد القضاء واسئلک برد العیش بعد الموت واسئلک لذة النظر الی
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

وَنَقْلَتْهُ مِنْهَا إِلَى أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَطَافَتِكَ لَهُ وَتَحَنُّنَاتِكَ عَلَيْهِ إِذْ كَلَأْتَ لَيْلَهُ
وَنَهَارَهُ وَحِفْظَهُ وَجِيئَتَهُ مِنْ [illegible] عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ
وَبَعَثْتَ بِهِ إِلَى الْخَلْقِ مِنْ رَحْمَتِهِ بِهِمْ وَإِرَادَتِكَ هِدَايَتَهُمْ بِهِ مَنَنْتَ عَلَيْهِ بِأَنْ
[illegible] وَبَلَّغَهُ مَا أَرْسَلْتَهُ بِهِ وَأَدَّاهُ عَنْكَ [illegible] وَسَنَنْتَ بِهِ
كَمَا أَمَرْتَ [illegible] وَعَلَى هَذِهِ الْمُعْجِزَةِ صَلَّى
كَمَا أَمَرْتَ [illegible] وَعَلَى مُحَمَّدٍ عَلَى [illegible] وَتَبِعَ رَحِيمَ الْكَفِّ
[illegible] وَمَنْ [illegible] وَأَوْحَيْتَ [illegible] عَادَتْ وَأَوْحَيْتَ [illegible]
[illegible] وَبَيْنَ [illegible] إِلَى جَانِبِ [illegible] [illegible]
[illegible] وَقَالَ [illegible]
[illegible] وَبَيْتَ [illegible] وَفِي [illegible] وَخَلَعَ [illegible]
وَبَيْتَ [illegible] وَفِي [illegible] وَبَعَثَهُ [illegible]
وَسَلَامِهِ [illegible] وَأَنْ [illegible] وَنِسَاءِ وَرَحْمَةُ وَغَيْرِهِ [illegible] وَوَصِيلِ
[illegible] مِنْ حَضَرَتْ [illegible] بِكُلِّ بَلَدٍ سَلَامٌ يَا مَرْسُولَ كَهْ خَرَامِي وَجُونَ فَارِغْ شُوْنَ [illegible]
[illegible] وَمَنْ [illegible] وَقُلْتَ لَيْلَكَ مُحَمَّدٌ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ
[illegible] وَبَعْدَهُ [illegible] وَبَعْدَهُمْ [illegible] وَحَاجَتَهُ [illegible] وَحَضَرَ [illegible] وَسُؤَالِكَ
[illegible] وَلَهُ [illegible] وَإِلَى [illegible] مِنْ [illegible] وَمُسْتَغْفِرِكَ [illegible] مِنْ ذُنُوبِ
[illegible] وَمَغْفِرَتِكَ [illegible] وَمَنْ [illegible] وَمَنْ [illegible] وَمَنْ

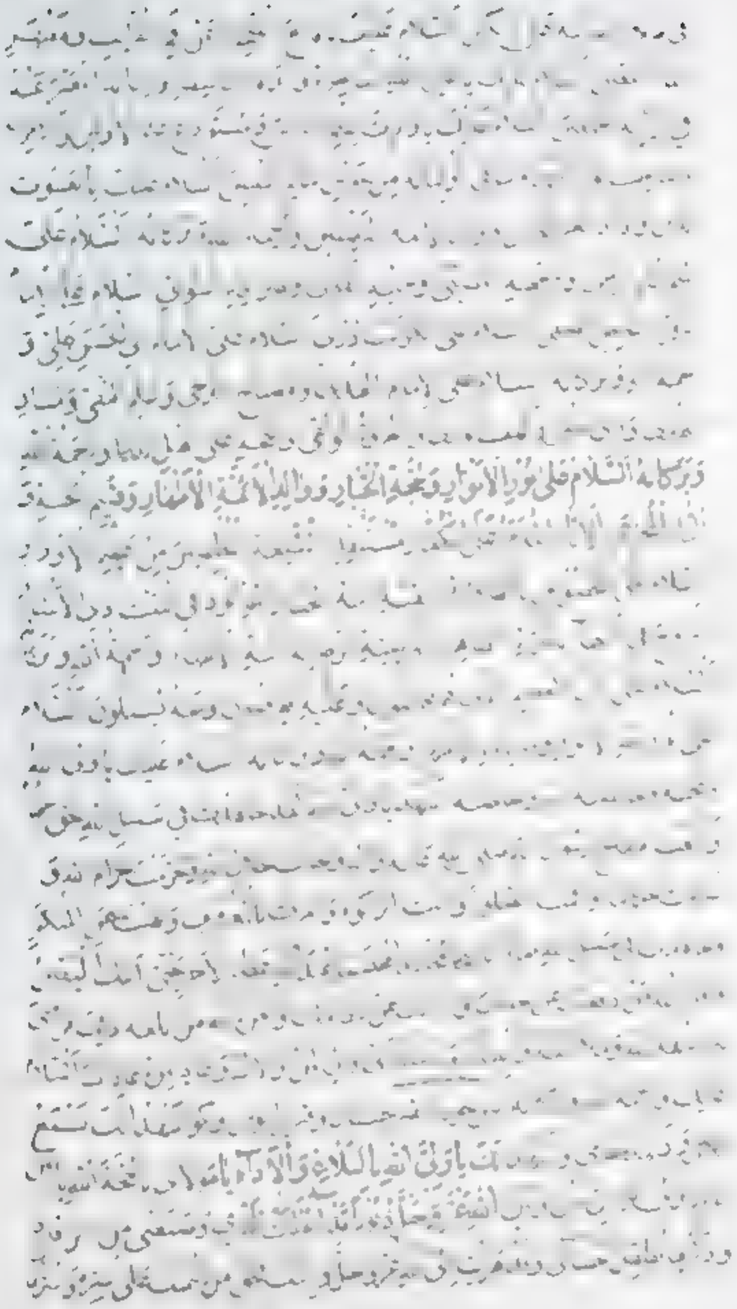

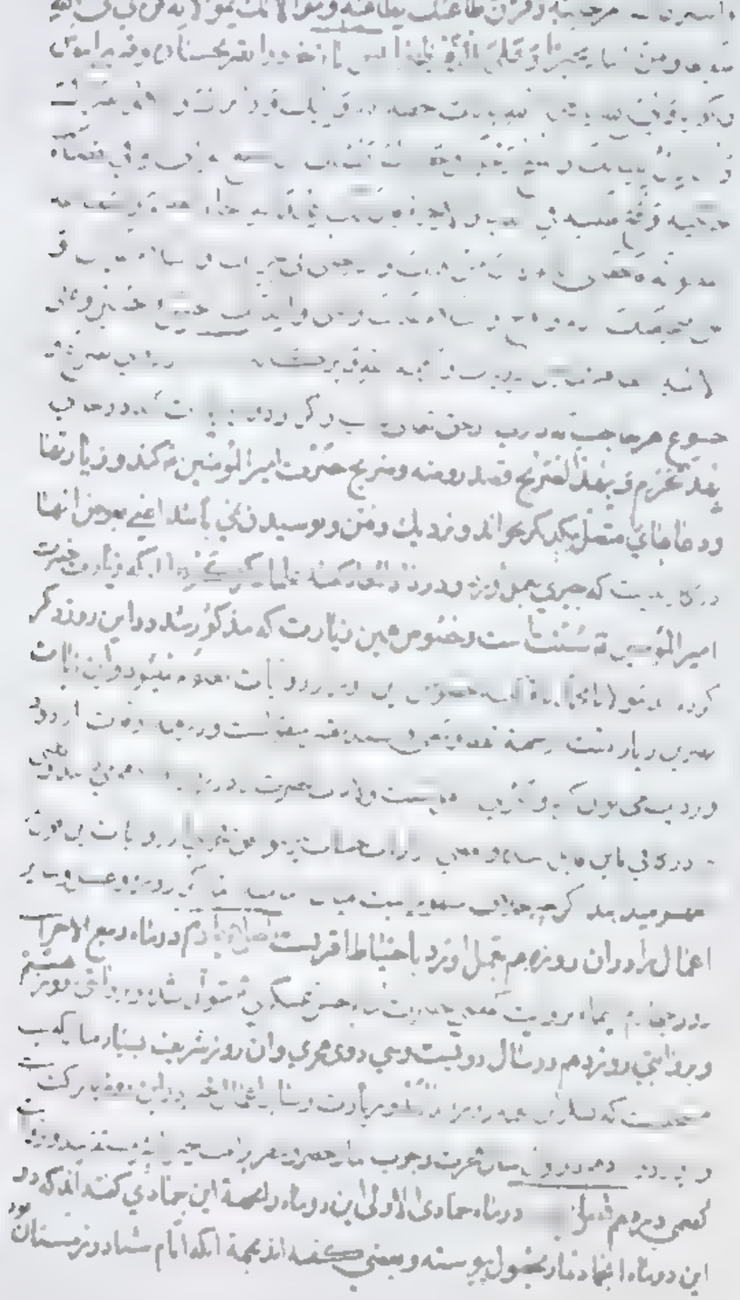

[illegible] و مجلسی رحمه الله در
زاد المعاد بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده که حضرت فاطمه هفتاد و پنج روز بعد
[illegible]
ماه صفر بوده و وفات حضرت فاطمه در سیزدهم [illegible] یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد
[illegible] آن حضرت مناسب است خصوصاً [illegible] که ظاهرست و در شب [illegible]
[illegible] و هفت هجری حضرت امام زین [illegible] متولد شد بحسب
[illegible]
[illegible] پس زیارت هر دو امام علیهما السلام مناسبست و
زیارت [illegible] در زمان این مفاتیح خواند [illegible] و در روایت شد که غسل کند
[illegible] هر رکعت [illegible] فاتحه یکبار و انا انزلناه ده بار و در رکعت دوم
[illegible] بعد از فاتحه قل هو الله ده بار و در هر رکعت [illegible]
[illegible] شکر کوید [illegible]
[illegible]
در ماه جمادی الآخرست و در بیستم
[illegible] و دیگران
[illegible] زیارت حضرت [illegible]
[illegible] ماه ولادت با سعادت حضرت فاطمه بوده بعد از بعثت به پنج سال [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت [illegible] فضایل و اعمال
ماه رجب [illegible] حرام است و ماهی عظیم و شریف و مبارک [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

از حضرت پیغمبر روایت است که رجب ماه بزرگ خداست [illegible]
فضیلت [illegible] رمضان [illegible]
ماه امت منست [illegible] روزه [illegible] مستوجب خشنودی بزرگ [illegible]
[illegible]
[illegible] علیهما السلام منقولست که هر که یک روز از ماه رجب روزه دارد آتش جهنم یک ساله
راه [illegible] روزه دارد بهشت [illegible]
[illegible] از حضرت صادق منقولست که هر که سه روز از ماه رجب را روزه دارد
روز [illegible] ماه را روزه بدارد
جهنم [illegible] درهای [illegible]
گناه [illegible] حساب [illegible] آسان کند و هر که
[illegible] خدای تعالی از او خشنود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] مستوجب دوزخ باشند
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الا الله وحده لا شریک له و اتوب الیه [illegible]
[illegible]
از [illegible] این ماه در هر رکعت بعد از حمد سه قل هو الله و سه قل یا ایها الکافرون [illegible]

... در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه قل هو الله دیگری نیز چهار رکعت نماز است
بدو سلام در رکعت اول بعد از حمد صد بار آیة الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ... والآخرة فانه
[illegible] ... حضرت ... خود ... است
جبر ... و ... شاه ... بر ... رکعت ... دو ...
یا ذا الجلال والإکرام یا ذا النعماء والجود یا ذا المن والطول حرم شیبتی علی النار و روایت
[illegible]
استغفر الله و اتوب الیه بعد از آن دست ... بگوید اللهم اغفر ... علی ...
بجهت ... بیان ... ماه شعبان و ماه رمضان از حضرت رسول
روایت که هر که در این سه ماه در هر شبانه روز ... از این سوره و آیات که سوره حمد
و آیة الکرسی ... و سوره قل یا ایها الکافرون و قل هو الله و قل اعوذ برب الناس
و قل اعوذ برب الفلق ... سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و صلوات و استغفار باید بخواند و بعد از
سه بار بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله
[illegible] ... بگوید اللهم صل علی محمد ...
[illegible]
[illegible] ... جمیع ...
[illegible] ... و اتوب الیه ... که ...
[illegible] ... که این عمل ... اگر ... و بعد ...
[illegible] ... رکعت ... الحدیث
بجهت خصوص

ابجد خصوص ... است ... که در هر شب دو رکعت نماز باید کرد و در
[illegible] ... و بعد از سلام ...
... لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد ...
[illegible]
[illegible]
[illegible] ... لا اله الا الله ...
[illegible]
و اگر خواند ... در هر ... و اگر خواند ...
و اگر خواند صد بار بگوید سبحان الله الجلیل سبحان من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان
[illegible]
دیگر ... بعد ... که حضرت ... در ... رجب ...
[illegible]
[illegible] ... مواعیدک الصادقة و ایادیک الفاضلة
و رحمتک الواسعة فاسئلک ان تصلی علی محمد و آله و ان تقضی حوائجی للدنیا والآخرة
دیگر این دعا که ... اللهم ...
[illegible]
المجید و انا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد ...
علی ... یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد و آله الاوصیاء ...
[illegible] ... حضرت ...
[illegible] ... ذلک و ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
علی المتقین اللهم ... و ...
[illegible]

[illegible] الیک خیر الغرب
[illegible] مذنب [illegible]
[illegible] بالحضور [illegible]
[illegible]
[illegible] الشریفة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دو ثواب بسیار مثل اعمال شب لیلة الرغائب کنند و ابن انس
که در روز پنجشنبه اول رجب روزه گیرد و چون شب شود ما بین نماز شام و خفتن دوازده
[illegible]
[illegible] محمد و آله [illegible]
[illegible] رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انک انت العلی [illegible]
[illegible] که بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دوازده رکعت نماز بگذارد که در مصباح و سفینة النجاة نقل شده در هر رکعت حمد و آیة الکرسی
[illegible]
اللهم یا اهل [illegible]
[illegible]
[illegible] یا ذا الجلال والاکرام [illegible]
لیالی و ایام این ماه است شب اول [illegible] این ماه [illegible] که در فضل [illegible]
[illegible] این ماه و این شب از جمله [illegible] است که احیای [illegible] است [illegible]

[illegible] و شب
عید قربان و شب نیمه شعبان و شب اول رجب و شب اول محرم و شب عاشورا و شب قدر که
شب بیست و سیم ماه رمضان باشد پس سنت است احیا داشتن چنانچه از حضرت امیر علیه
روایت که فرمود عجب دارم از کسی که نفس خود را فارغ دارد در چهار شب از سال شب اول رجب
و شب نیمه شعبان و شب عید رمضان و شب عید قربان و غسل کردن بعد از غروب
آفتاب و زیارت حضرت امام حسین [illegible] نمودن و از جمله زیارات مخصوصه از حضرت
زیارتیست که آخوند ملا محمد باقر مجلسی در زاد المعاد ذکر کرده و گفته این زیارت را
در شب اول و پانزدهم ماه رجب و در نیمه ماه شعبان و در شبهای ماه مبارک
[illegible] زیارت [illegible] است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] شرایع دینی [illegible]
[illegible]
[illegible] زیارت [illegible]

[illegible] سلام علیک یا [illegible]

[illegible]

[illegible] السلام علیکم یا انصار ابی محمد

[illegible] بابی انتم و امی طبتم و طابت [illegible]

[illegible] وارد شده که در شب نماز شام و خفتن

[illegible]

مدار عشا مفهوم می‌گردد زیرا که بعد از [illegible]

[illegible]

[illegible] بر حاجت بطلبد روز اول سنت است روزه داشتن

[illegible] کردن و زیارت حضرت امام محمد باقر یکی از زیارات جامعه

[illegible]

از جمله دو رکعت از سی رکعت نماز سلمان رضی الله عنه [illegible] حضرت جبرئیل روایت

کند در ضمن حدیث با سلمان خطاب نموده که ای سلمان جبرئیل مرا [illegible] این نماز سلمان [illegible]

[illegible]

نماز را چگونه گذارم و در کدام وقت نقل از آن حضرت فرموده در اول ماه رجب ده رکعت بگذارد در هر

[illegible] در هر رکعت فاتحه یکبار و توحید و قل یا ایها الکافرون هر یک سه بار و بعد

هر دو رکعت سلام بدهد [illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له [illegible]

[illegible]

لا مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد [illegible]

و ده رکعت در وسط ماه [illegible] بگذارد و بعد از [illegible]

[illegible]

و ده رکعت در آخر [illegible]

الا الله وحده لا شریک له [illegible]

[illegible]

و دستها را رو بگشن و حاجت خود را طلب [illegible] خدای تعالی حاجت تو را [illegible]

میانه تو و دوزخ خندقی که میانه هر خندقی از آن چنان باشد که میانه آسمان و زمین [illegible]

[illegible]

ذکر کرده در هر رکعت الحمد یکبار و سوره توحید ده بار و در هر رکعت دوم بعد از حمد قل هو الله

[illegible]

فرموده که با خلق از انبیای گذشته نداده است ماه رجب ماه شعبان و ماه رمضان و [illegible]

[illegible]

امت داده است که مثل آنها انبیای پیش نداده است [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... غسل و زیارت حضرت

امام حسین و هزار مرتبه استغفار نمودن و نماز گذاردن از آن جمله شش رکعت است

[illegible] ... و در حدیث گذشت و این نماز ... [illegible]

[illegible] ... رجب و شعبان و رمضان ... [illegible]

[illegible] ... رجب ... ده رکعت نماز

[illegible] ... به سلام بالحمد و هر سوره که خواهی و چون فارغ شوی هر یک از سوره قل اعوذ

[illegible] ... آیة الکرسی را چهار مرتبه بخوانی پس چهار

[illegible] ... والله اکبر پس بگوئی ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... هفت مرتبه

[illegible]

[illegible] ... اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان

[illegible] ... ذکرک الاعلی الا ...

[illegible] ... محمد و اسئلک ما کان اوفی

[illegible] ... فی المعاد ... [illegible]

[illegible] ... از دهم رجب که از ایام البیض است روز ولادت

[illegible] ... حضرت علی بن ابیطالب واقع شد و بقولی اول ذی الحجه و بعضی

[illegible] ... السلام در آن وقت سیزده ساله بود و در روایتی ده ساله و در روایتی نه ساله بوده و

[illegible] ... و در سال دوم هجرت تغییر قبله از بیت المقدس بکعبه واقع شد و مردم در نماز عصر بودند که از

بیت المقدس گردیدند و رو به بیت الحرام کردند و در این روز ثواب بسیار دارد چنانچه از حضرت رسول

روایت کرده که هر که در نیمه ماه رجب روزه بگیرد ... کفاره گناهان ... سال او شود ... [illegible]

غسل کردن و زیارت حضرت امام حسین ... [illegible]

... رضا سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین در کدام وقت بهتر است فرمود در نیمه رجب

و نیمه شعبان و زیارت حضرت صادق کردن یکی از زیارات جامعه ... [illegible]

روایتی روز وفات آن حضرت نیمه رجب است ... دوازده رکعت نماز ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... رجب و ... حضرت ... [illegible]

داود بن الحسن ... حسن ... که دایه حضرت امام جعفر صادق بوده ... [illegible]

آن حضرت را شیر داده بود تعلیم فرموده ... [illegible]

[illegible] ... بعد ... [illegible]

... خواندن ... که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم که ایام البیض است روزه بدارد

[illegible] ... زوال شود

[illegible]

... و در رکوع و سجود ... پس نماز ظهر را ... [illegible]

[illegible] ... حمد ... [illegible]

... بعد از سلام صد مرتبه بگوید یا ... الطالبین ... [illegible]

داب و شرایط ... ورد بروایت دوم رکعت اول نماز عشر بعد از حمد شش مرتبه سوره قل ...
دیگر سه سوره انا اعطیناک الکوثر بخواند بس نماز عشر را بخضوع و خشوع تمام ادا ...
ورد و بروایتی روی حصیر پاک ... سوره حمد ... مرتبه سوره قل هو الله
و ده مرتبه ... بخواند ... سوره ... انعام و بنی اسرائیل
و کهف و لقمان ... والظلمات ... جمعه و حم عسق
و حم دخان ... تبارک الذی بیده الملک ... و اذا السماء انشقت تا آخر
... فل هو الله احد ...
... روایت دیگر وارد شده که ... مرتبه

[illegible]

[illegible]

... رَبِّ یا مُهَیمِنُ یا عَزیزُ یا جَبّارُ یا مُتَکَبِّرُ یا سَلامُ یا مُؤمِنُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا نُورُ یا مُدَبِّرُ

[illegible] یا مُؤمِنُ یا باعِثُ یا وارِثُ یا عالِمُ یا حاکِمُ یا بادی یا هادی

[illegible]

یا صَبورُ یا مُتَوَکِّلُ [illegible] یا اَوّابُ [illegible]

[illegible]

السلام یا مَن وَهَبَ لِآدَمَ شیثاً و لِاِبراهیمَ اِسمعیلَ و اِسحٰقَ و یا مَن رَدَّ یوسُفَ علی یعقوبَ

و یا مَن کَشَفَ بَعدَ البَلاءِ ضُرَّ اَیّوبَ یا رادَّ موسیٰ علی اُمِّهِ و یا زائِدَ الخِضرِ فی عِلمِهِ

[illegible]

شصت ساله می نویسند سنت است در این شب غسل کردن و زیارت حضرت امیر المؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لا اله الا الله [illegible]
[illegible] الله العلی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
در این شب غسل باید کرد و چون نماز خفتن کرده باشی و خفته باشی هر وقت که بیدار شوی [illegible] که مراد نصف شب است دوازده رکعت نماز بکن [illegible]
[illegible]
[illegible] و آیة الکرسی هر یک را هفت بار و بعد از آن الحمد [illegible] ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان تصلی علی محمد و آله وان تفعل بی ما [illegible]
[illegible] روز بعثت است که در این روز حضرت جبرئیل را حق تعالی فرستاد بعد از [illegible]
[illegible] سنت است در این روز غسل کردن و روزه داشتن که ثواب آن برابری
میکند با شصت ماه روزه [illegible] برای او ثواب روزه شصت ساله و این روز
از جمله چهار روز سال است که روزه او [illegible] است چهار روز [illegible]
روز مولد که [illegible] ربیع الاول است و روز دحو الارض که بیست و پنجم ذی قعده است
و روز غدیر که هیجدهم ذی الحجه است [illegible] صلوات فرستادن و
زیارت حضرت امیر المؤمنین کردن و زیارت حضرت رسول نمودن که بعد از این مذکور خواهد
شد دیگر از جمله اعمال این روز زیارت است [illegible]

[illegible]
[illegible] ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

... در شب ... وصلی الله علی سید ... [illegible]
... [illegible] کفارهٔ نود ساله گناه کرده ... حضرت امام
... [illegible] که روزه بیست و نهم کفارهٔ صد ساله گناه ... اگر
... [illegible]
... گناهان گذشته ... [illegible]
... [illegible] عمل ... [illegible]
... [illegible] روایت ... [illegible]
... [illegible] ماه ... تعلیم کند
... [illegible] که در آن بهشت ... روزهای ... [illegible]
... [illegible] شعبان ... ماه رجب ... [illegible]
[illegible]
... و در این ماه ... و فضیلت تمام دارد چنانچه از حضرت
صادق منقول است که روزه شعبان ذخیره ایست از برای روز قیامت و هر بنده که
... [illegible] کفایت کند ... [illegible]
[illegible]
... از حضرت ... منقولست که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است و
رمضان ماه خداست پس هرکه یک روز از ماه من روزه دارد من شفیع او باشم در قیامت و هرکه دو

و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر که سه روز از ماه
من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناهی نداری ... [illegible]
کرده است که ... تمام ... رسیدند ... [illegible]
... فضل است ... [illegible] از حضرت ... که فرمود شعبان
ماه من است هر که یک روز از ماه من روزه بدارد بهشت او را واجب شود و هر که دو روز روزه
بدارد در قیامت از رفیقان ... و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و وصل کند
[illegible]
... از حضرت صادق روایت شده که هر که ... از ماه شعبان روزه دارد بهشت
او را واجب ... و رسول خدا او را شفیع باشد در قیامت و هر سال که در ماه شعبان ...
... مردم از شر پادشاه سالم باشند ... [illegible]
... در این ماه ... پادشاه
شود ... پادشاه شود ... مردم ... [illegible]
اعمال ... قیامت ... [illegible]
... روایت که هر که در این ماه ... [illegible]
بدن او را بر آتش دوزخ حرام گرداند ... از حضرت ... منقولست که حضرت
رسول فرمود شعبان ماه من است ... [illegible]
[illegible]
از حضرت رسول ... روایت که هر که ... [illegible]
ساله در نامه عمل ... بنویسند و گناهان هر ساله او ... [illegible]
[illegible]
... خدای تعالی روح ... [illegible]
[illegible]

[illegible]

مُتّبِعاً وطریقاً إلیک مَهیعاً واجعلنی له مُصاحباً [illegible] یوم القیامة [illegible]
ذنوب [illegible]
الأحبار [illegible]
دعاهای [illegible] گذشت ومخصوص این شب [illegible]
نمازهاست از جمله دو رکعت است در هر رکعت حمد و توحید یکبار و چون سلام داد [illegible]
[illegible]
[illegible] سوره حمد [illegible] چهار رکعت است با حمد و توحید [illegible]
[illegible] دو رکعت است [illegible]
[illegible] دو رکعت است [illegible]
مرتبه توحید و بعد از سلام [illegible] چهار رکعت است در هر رکعت حمد و
توحید [illegible] دو رکعت است در هر رکعت اول [illegible]
[illegible] دو رکعت است در رکعت اول بعد از فاتحه [illegible]
[illegible] توحید [illegible] بار و در رکعت دوم بعد از فاتحه [illegible]
[illegible] چهار رکعت است در هر رکعت فاتحه یکبار و اذا جاء نصر الله [illegible]
[illegible]
[illegible] هشت رکعت است در هر رکعت فاتحه یکبار و قل یا ایها الکافرون [illegible]
دو رکعت است در هر رکعت فاتحه [illegible]
[illegible] در هر رکعت الحمد [illegible] و تبارک الذی بیده [illegible]
توحید یکبار [illegible] دو رکعت است در هر رکعت حمد
[illegible] چهار رکعت است [illegible]
[illegible]
[illegible] ولادت با سعادت حضرت صاحب الزمان [illegible] در این شب
[illegible] معجزات [illegible]
[illegible] زیاده از آن است که در این مختصر ذکر توان کرد [illegible]
[illegible] زیرا که [illegible] در این شب [illegible]

[illegible] روایت کرده است و یحیی [illegible]
[illegible] سلام که [illegible] شعبان [illegible] و مرا [illegible] مگر
شب قدر چون خدا در این شب با بندگان خود تفضل کند و ایشان را بیامرزد و رحمت خود بر همه کند
و [illegible] که [illegible]
شب زنده بدارد ملائکه از خدا طلب بهشتی کنند تا نوحه [illegible] و از حضرت امیر المؤمنین
منقول است که حضرت رسول فرمود چون شب نیمه شعبان شود شب را بعبادت بایستید
و روز آن را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر [illegible] خدا [illegible] که آیا
استغفار کننده هست که [illegible] و [illegible] آیا کسی هست
که از ما طلب روزی کند که ما روزی او را فراخ گردانیم [illegible] که شهید روی
[illegible] جمع می کرد و شب
[illegible] و در رکعت اول [illegible] و در رکعت دوم [illegible] و ثلث سیم را
[illegible] است در این
[illegible]
خواب [illegible] شب [illegible] ماه رمضان و شب عید فطر و شب نیمه شعبان و [illegible]
و روایت کرده سبحان الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و ذکر خدا و استغفار و طلب آمرزش
کردن و قرآن خواندن و زیارت حضرت امام حسین که در شب اول رجب گذشت کردن جنانچه
[illegible]
مصافحه کنند زیارت حضرت امام حسین در شب نیمه شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در این
شب از خدا رخصت می طلبند که بزیارت آن حضرت بیایند خوشا حال کسی که این بزرگواران با او
مصافحه کنند و جمله ایشان پنج پیغمبر اولو العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد اجمعین که
[illegible] حضرت صاحب الامر
بوده که در زیارات [illegible] گذشت و از جمله اعمال این شب نماز است [illegible] چهار رکعت
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible]

من [illegible] و اعوذ [illegible] من [illegible] و اعوذ بک منک جل ثناؤک انت کما اثنیت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و دیگر از حضرت باقر روایت کرده دو رکعت بعد از نماز خفتن در رکعت اول بعد
حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد و بعد از سلام [illegible]
[illegible]

خدا مآبي دو در شب جمعه يا در هر ماهي يا در سالي يكبار بخوان تا كفايت شر دشمنان از تو شود
و ياري كرده شوي و روزي داده شوي و آمرزيده شوي و كميل طول صحبت و خدمت
موجب آن شد كه تو را بچنين تحفه و نعمتي و كرامتي سزاوار كردم بركت نوشيد و دعا اين است

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم اني اسألك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك التي قهرت بها كل شيء وخضع
لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم لها شيء و
بعظمتك التي ملأت كل شيء وبسلطانك الذي علا كل شيء وبوجهك الباقي بعد فناء
كل شيء وباسمائك التي ملأت اركان كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك
الذي اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا آخر الآخرين اللهم اغفر لي
الذنوب التي تهتك العصم اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللهم اغفر لي الذنوب
التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي
تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته
وكل خطيئة اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك و
اسألك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم اني
اسألك سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا

وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسألك سؤال من اشتدت فاقته وانزل
بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك
وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك
اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا
غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك
لي ومنك علي اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من
عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم
بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد املي
وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسألك بعزتك ان لا يحجب
عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني
بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واساءتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة
شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في كل الاحوال رؤوفا وعلي في جميع الامور عطوفا
الهي وربي من لي غيرك اسأله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما

فيه هوى نفسي ولم أحترس فيه من تزيين عدوّي فغرّني بما أهوى وأسعده على ذلك
القضاء فتجاوزت بما جرى عليّ من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض أوامرك فلك الحمد عليّ
في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى عليّ فيه قضاؤك وألزمني حكمك وبلاؤك وقد أتيتك
يا إلهي بعد تقصيري وإسرافي على نفسي معتذراً نادماً منكسراً مستقيلاً مستغفراً منيباً مقرّاً مذعناً
معترفاً لا أجد مفرّاً مما كان مني ولا مفزعاً أتوجه إليه في أمري غير قبولك عذري وإدخالك
إياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي
يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي
وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا إلهي وسيدي وربي أتراك
معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني
من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعاً لربوبيتك
هيهات أنت أكرم من أن تضيع من ربيته أو تبعد من أدنيته أو تشرد من آويته
أو تسلم إلى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي وإلهي ومولاي أتسلط
النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى ألسن نطقت بتوحيدك صادقة

وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بإلهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من
العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح سعت إلى أوطان تعبدك طائعة و
أشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا الظن بك ولا أخبرنا بفضلك عنك يا كريم
يا رب وأنت تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره
على أهلها على أن ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي
لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا
يخفف عن أهله لأنه لا يكون إلا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم
له السماوات والأرض يا سيدي فكيف بي وأنا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين
المستكين يا إلهي وربي وسيدي ومولاي لأي الأمور إليك أشكو ولما منها أضج
وأبكي لأليم العذاب وشدته أم لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع
أعدائك وجمعت بيني وبين أهل بلائك وفرقت بيني وبين أحبائك وأوليائك فهبني
يا إلهي وسيدي ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف أصبر على فراقك وهبني
صبرت على حر نارك فكيف أصبر عن النظر إلى كرامتك أم كيف أسكن في النار ورجائي عفوك

فبعزتك يا سيدي ومولاي اقسم صادقاً لئن تركتني ناطقاً لاضجن اليك بين اهلها
ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين
ولانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين يا
حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين افتراك سبحانك يا الهي وبحمدك تسمع فيها
صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها
بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيدك
ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك
ورأفتك ورحمتك ام كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه لهيبها
وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف
يتقلقل بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف
يرجو فضل في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك
ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت به
من تعذيب جاحديك وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها برداً وسلاماً

[illegible]

جابجا از حضرت صادق [illegible] منقولست که هر که روز اول [illegible]

[illegible]

[illegible] از حضرت امیر المؤمنین منقولست که رسول خدا [illegible] در روز چهارشنبه [illegible]

[illegible]

امام حسین [illegible] و روز [illegible] ثواب عظیم دارد و ابتدا [illegible] بخواند اللهم انی اسئلک [illegible]

[illegible]

[illegible]

... بسند معتبر از حضرت صادق ... روایت ...

[illegible]

... روزه ماه شعبان ...

[illegible]

که در جمیع ماه شعبان دعا و استغفار از گناهان و تلاوت قرآن ثواب بی پایان دارد ...

[illegible]

و در آن ثواب ... و خواب ثواب عبادت دارد و علمای ما از ... منقولست و دعای ...

و در آن مستجابست ... سؤال کنید ... از روزه ... دعای ...

... که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت قرآن ...

[illegible]

خود را از آنچه نشاید ... و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی

و باز دارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا

مهربانی کنید بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی
[illegible] خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتهاست
[illegible] هر گاه
[illegible] اجابت کرده [illegible]
تنهای کرده مردمان [illegible] که جانهای شما در گرو کردهای شماست پس آزاد کنید [illegible] طلب
[illegible] شما را طول
سجدهای خود بدانید که حق تعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازگزارندگان
و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را با آتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار دهد
روزه داری مؤمن را در این ماه ثواب او نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان
گذشته [illegible] پس بعضی از صحابه گفتند که یا رسول الله همه ما را [illegible] پس فرمود که بپرهیزید از
آتش جهنم با افطار فرمودن روزه دار [illegible]
[illegible] بنمایند [illegible]
[illegible] هر روزی که [illegible]
[illegible] در قیامت حساب او را آسان گرداند و هر که در این ماه
[illegible] حق تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد و هر که در این ماه یتیم
[illegible] گرامی بدارد [illegible] در قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] در این ماه نماز سنتی بکند حق تعالی برای او برات
بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند او را ثواب هفتاد نماز
واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هر که [illegible] بر من صلوات بفرستد خدا
سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزی که [illegible]
[illegible]
درهای بهشت در این ماه گشاده است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد و در
های جهنم در این ماه بسته است از خدا سؤال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را در این ماه غل
می کنند پس سؤال کنید از خدا که مگر بر شما او را مسلط نگرداند اما حقیقت روزه و آنچه در آن

[illegible]

[illegible]

و اوقات دیگر مره … [illegible] … بحاجت … [illegible]

ع … در اعمال مختصه با وقات معینه این ماهست مشتمل بر دو قسم

سمهای معینه این ماه است شب اول … [illegible] … بود و بعضی واجب

دانسته اند و آداب وارده غیر مشترکه مرتا … بود … و مختصه با جمله در فصل اول و دوم

[illegible]

[illegible] حضرت صادق ع
منقولست که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری [illegible]
[illegible]
[illegible] سال با ورسد و مستحبست زیارت حضرت امام حسین ع کردن
چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب اول رمضان یا شب نیمه آن یا شب آخر
زیارت حضرت بکند گناهان او بریزد مانند برگ درختان و از گناهان بیرون آید مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد و ثواب حج و عمره خدای تعالی باو عطا کند و دیگر از اعمال
این شب نماز است که در نمازهای مقرری [illegible] شب مذکور خواهند شد و دیگر خواندن
دعائیست از انجمله دعائیست که در شب اول ماه شعبان نوشته شد و دیگر در بعضی کتابها
ایراد نموده که دعای جوشن کبیر در این شب خواندن مناسب است و دیگر خواندن سوره انعام
خواندن [illegible]

[illegible]

[illegible]

... وارده شده است و هم بزرگان وارد شده است ...

... و زره داشتن محمول بر تقیه است چنانکه در میان ... [illegible]

... کراهت ... کردن در ... [illegible]

[illegible]

والمؤمنات ... [illegible]

[illegible]

... که در ... نوشته ... در زاد المعاد ... [illegible]

[illegible]

... در سفینة ... نوشته

[illegible]

... مریم ... [illegible]

زمین ... [illegible] ... زاد المعاد ... [illegible]

وَالْعَافِيَةَ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي وَاغْفِرْ لِي

الی الله و نظام این است که واجب است تمام این زمان را که از ابتدای اول زوال تا غروب وقوف کند بلکه جایز است غسل و نماز ظهر و عصر را در بیرون عرفات بکند و [illegible]

واجب را عمل آورده است ولکن احوط این است که بیشتر از زمان [illegible] و نماز ظهرین در خارج عرفات وقوف نکند و تمام آن وقت را در عرفات باشد [illegible]

بیرون رود گناه کار است و بجهت این باید قربانی بکند و حج او باطل نشود و صحیح باشد و آنچه مذکور شد در اختیارات است اما هرگاه ممکن نشود او را در العرفات [illegible]

که شب عید در عرفات توقف کند [illegible] قابل باشد [illegible]

[illegible]

[illegible]

پسران غالب [illegible] روایت کرده اند که [illegible]

از خیمه بیرون آمدند [illegible]

[illegible]

[illegible] واستر عورتي واغفر لي خطيئتي [illegible] الدرجة العليا في الآخرة [illegible]

[illegible] الدنيا وكربات الآخرة واكفني شر ما تعمل الظالمون في الأرض اللهم [illegible]

[illegible] الظلمات وصلح عليه أمر الأولين والآخرين [illegible]

[illegible]

حاصل شود و طریق ... که در اعمال روز عید مذکور شد و وقت رمی تمام روز است
... افضل است و سنت است که در این سه روز ... زده ...
[illegible]
... بخواند و ... نیست ... در وقت زدن سنگ ...
... اسلام حج ... الی ...
و سنت است که در وقت ... و سنت است که در ایام
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
... قلت ... فلت ...
[illegible]
... دو رکعت ...
[illegible]
[illegible]
... از اعمال ... گذشت و سنت است که
... خانه کعبه ... سجده ... اللهم ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
من ... فارزقنی ... لا حول و لا قوة ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
طواف وداع بعمل آورد ... که ... طواف وداع خانه کعبه ...
... و سنت است که در ایام حج ... طواف کند ...
... شوط بعمل آورد و باید ... استلام حجر الاسود و رکن
... در شوط اول و دوم استلام نماید و بعد از فراغ از
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی علیه السلام را بخلافت
[illegible]
پیشوائی نصب دران روز مجدد تجدید است بایدی عرض کرد که دران روز جبرئیل
[illegible]
فرستید و وصیت فرمود حضرت رسول امیر المؤمنین را که این روز را عید کرداند
[illegible]
بروایت دیگر روزه این روز کفاره شصت سال گناه است و ایضا از حضرت صادق
منقولست که روزه روز غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام دنیا عمر
[illegible] این روز برابرست با ثواب صد حج و صد عمره [illegible]
پیغمبری را مگر اینکه این روز را عید کرده است و حرمت آنرا دانسته اند و نام این روز در آسمان
[illegible]
[illegible] مؤمنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد [illegible]
ثواب کسی دارد که طعام [illegible] که مذکور شد از پیغمبران و صدیقان
و [illegible] و صالحان [illegible] و یک درهم که در این روز تصدق
کند برابرست با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کند پس فرمود که گمان کنی
که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر باشد [illegible]
و احادیث بسیار از طرق خاصه و عامه در فضیلت این روز و اعمالش که زیاده از حد
احصاست وارد شده که این مختصر گنجایش ذکر آنها ندارد و مستحب است در این روز
غسل کردن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کنند برادران مؤمن با یکدیگر الحمد لله الذی جعلنا
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و زیارت حضرت

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز [illegible]
و موافق روایت صفوان و غیر آن اگر از دور [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ما استحفظ و حفظ ما استودع و حلل حلاله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
شهادت بجانب قبر شریف آن حضرت [illegible]
نماز اول زیارت بکند و بعد از آن دعا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بدعائك [illegible]
[illegible] لملائكته شاكرة لفواضل [illegible]

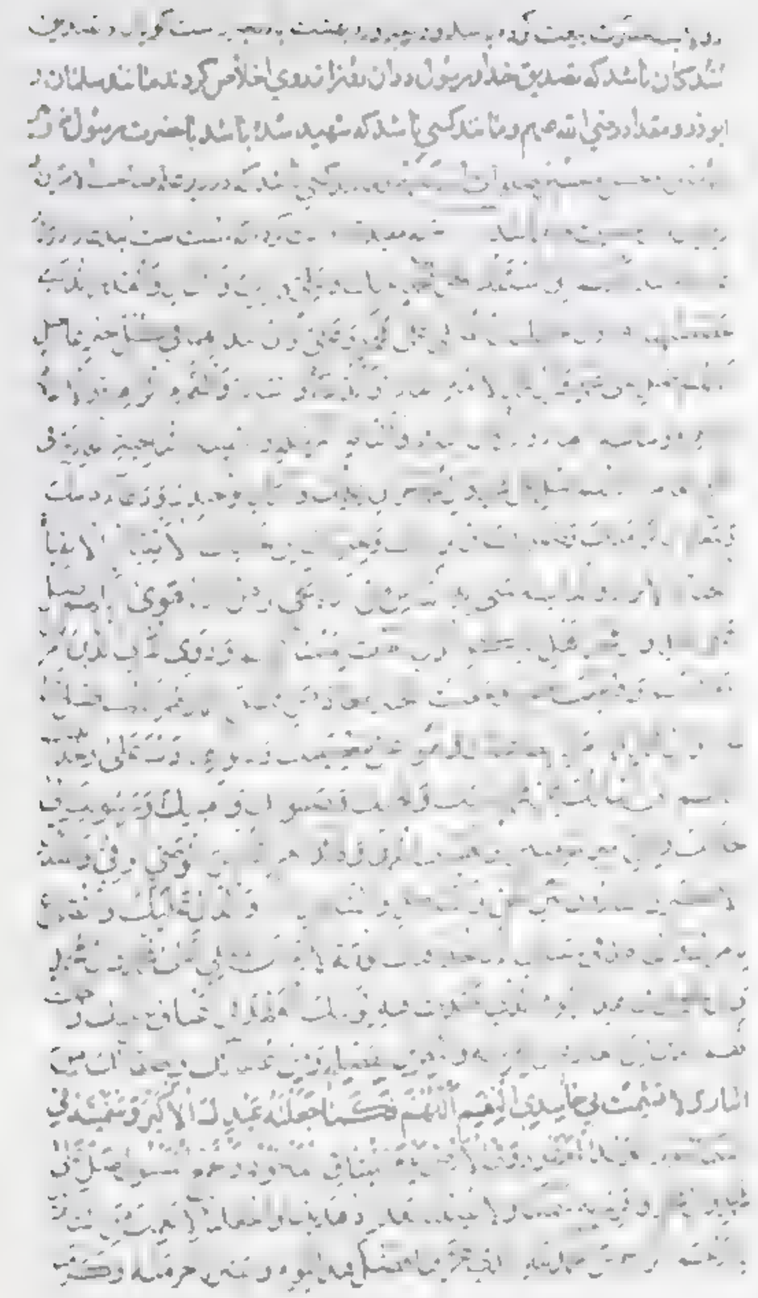

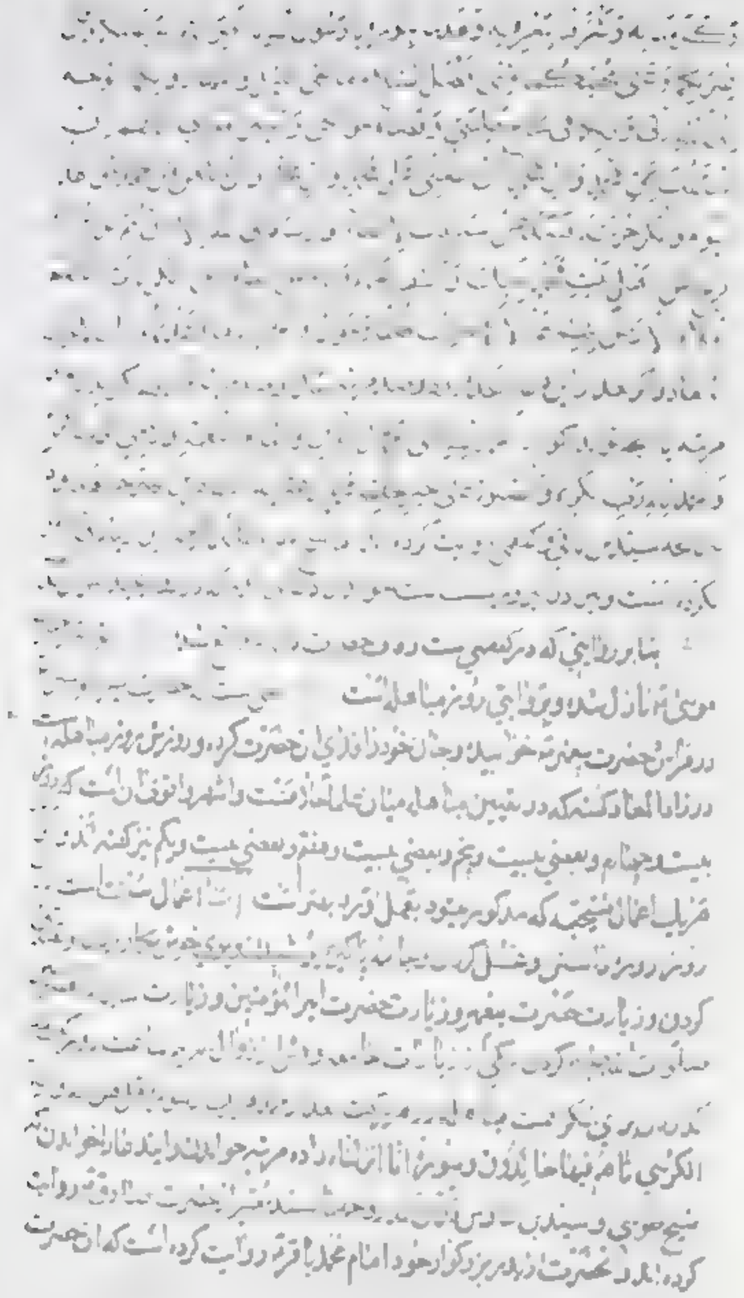

[illegible]
شده کان باشد که تصدیق خدا و رسول [illegible] اخلاص کردند مانند سلمان و
ابوذر و مقداد رضی الله عنهم و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول [illegible]
[illegible]

[illegible]

بنا بر روایتی که در کسی [illegible]
[illegible] نازل شده و بروایتی روز مباهله [illegible]
در [illegible] حضرت [illegible] خود را فدای حضرت کرد، و روز [illegible] مباهله
در زاد المعاد گفته که در تعیین مباهله میان علما خلافست و اشهر و اوثق آنست که روز
بیست و چهارم و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و یکم [illegible]
[illegible] اعمال [illegible] که مذکور میشود [illegible] اعمال [illegible]
روز [illegible] غسل [illegible]
کردن و زیارت حضرت پیغمبر و زیارت حضرت امیرالمؤمنین و زیارت [illegible]
[illegible]
[illegible]
الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه ده مرتبه [illegible] نماز خواندن
شیخ طوسی و سید [illegible] حضرت [illegible] روایت
کرده اند [illegible] حضرت [illegible] از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر روایت کرده است که آن حضرت

فرمود که اگر گویم در این دعا اسم اعظم حق تعالی است مرا به راست گفتن والا مردم
بدانند که این دعا در اجابت چگونه تأثیر می نماید هر که مقدور باشد سعی نماید
در تحصیل آن هر چند باید که فنا کنند و هر امر حاجت که حاضر می شود این دعا را
میخوانم و بعد از آن حاجت خود را می طلبم البته مستجاب میگردد و این دعائی است که
در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل برسید رسول نازل
شد و این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون رو و همراه خود علی بن ابیطالب را و
سیدة نساء فاطمه زهرا را و همراه و فرزندان برگزیده خود حسن و حسین صلوات الله علیهم
با خود ببر و این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین کن پس حضرت امام
جعفر صادق ع فرمود که هر گاه این دعا را بخوانید جهد و سعی کنید در تضرع و این دعا را
[illegible]
وایند و با ایشان تعلیم نمایند که از علمای بخرو... و هر کس قابل این گوهر گرانمایه
[illegible] من بهائک بأبهاه وکل بهائک بهی اللهم انی
[illegible] من جلالک بأجله وکل جلالک جلیل
[illegible] بأجمله وکل جمالک
[illegible]
[illegible] بأنوره وکل نورک نیر
[illegible]

[illegible]

[illegible] وَ لَقِّهِ مِنْ رَسُولِكَ [illegible] ... رَضِيتَ بِذَلِكَ يَا رَبِّ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ [illegible] فِي الْأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَى [illegible] اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [illegible]

[illegible] يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ [illegible] روایت کرده [illegible]

[illegible] مرتبه استغفار بگوید [illegible] ... فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ [illegible]

[illegible] صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [illegible]

بنان غالمعذ شت بعضي گفته اند که هم ایراست از ماههای رومی و بعضی گفته اند هم
شباط است و مشهور آنست که وقت حلول آفتاب است باول درجه حمل چنانچه در این زمانه
معمول است [illegible] فضیلت این روز از ماثورات معتبر از معلی بن خنیس که از اصحاب حضرت امام
جعفر صادق بوده منقولست که در روز نوروز بخدمت آنحضرت رفتم فرمود آیا میشناسی
این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم می کنند و در این روز بخشها دهند
[illegible] حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که [illegible]
[illegible]
های من داشتن این روز برکت [illegible] که هر که از من زنده شوند و دشمنان من بمیرند
حضرت فرمود ای معلی بدرستی که روز نوروز روزیست که حق تعالی در این روز
بندگان را [illegible] ازواج ایشان در روز نست که او [illegible] قرار
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] چون [illegible] که چگونه [illegible] پوشیده
[illegible] ارسال بسوی او که [illegible] ایشان در [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت
[illegible] بود که ایشان سی هزار بودند و فرمود که در این روز جبرئیل بر حضرت
[illegible]
[illegible] که حضرت رسالت پناه بتهای کفار قریش را در مکه شکست حضرت
[illegible] بتهای [illegible] از [illegible] شکست [illegible] باید [illegible]
طریق بسیار که شبی که حضرت رسالت پناه حضرت امیر المؤمنین را با خود بمسجد الحرام آورد

ورد حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفته بتهای کافران را [illegible]
شکست [illegible] که [illegible] بود و فرمود که [illegible] بود که حضرت رسول
[illegible] اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر المؤمنین [illegible]
روز غدیر این روز بوده یا آن روز [illegible] کفته بود [illegible]
السلام علیک یا امیر المؤمنین این روز بود و فرمود که [illegible]
[illegible] که از ایشان بیعت [illegible] کرد [illegible]
المؤمنین [illegible] بار دیگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
زیرا که این روز از روزهای [illegible] روزهای [illegible]
[illegible] اعزاز [illegible] خرج [illegible]
[illegible] و در [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

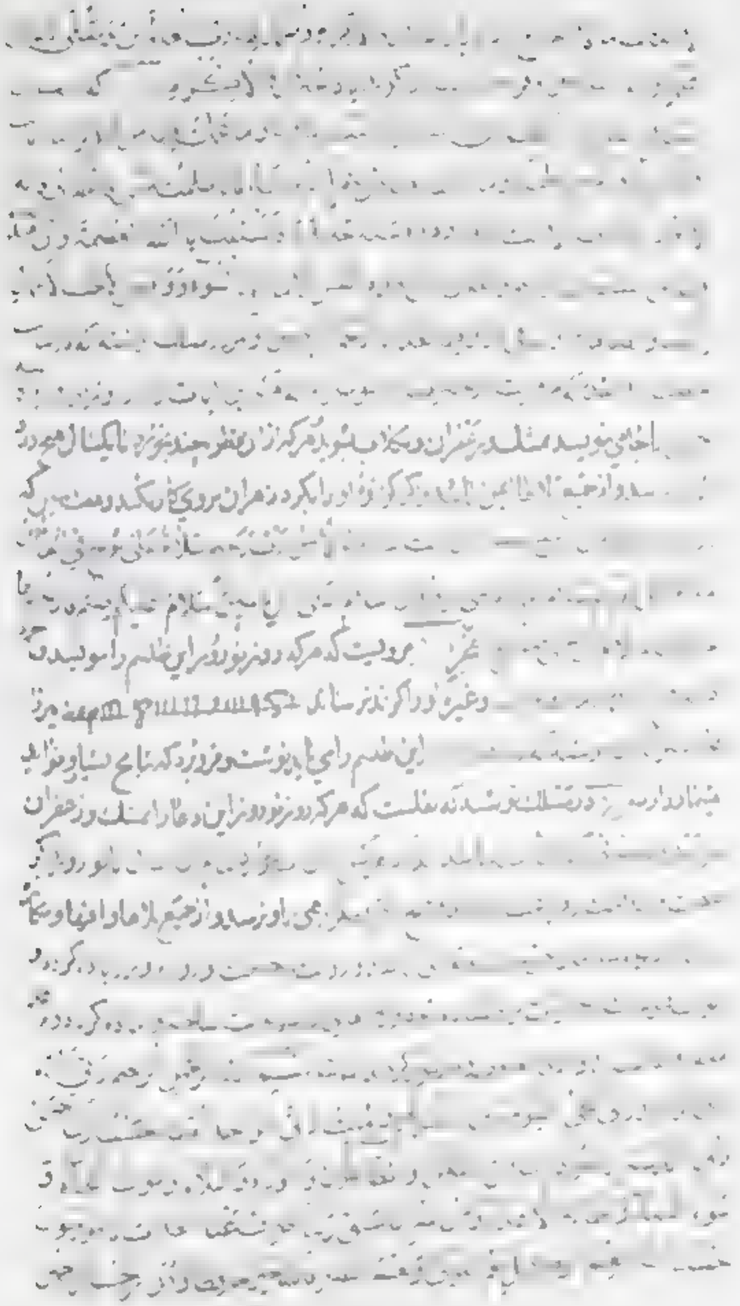

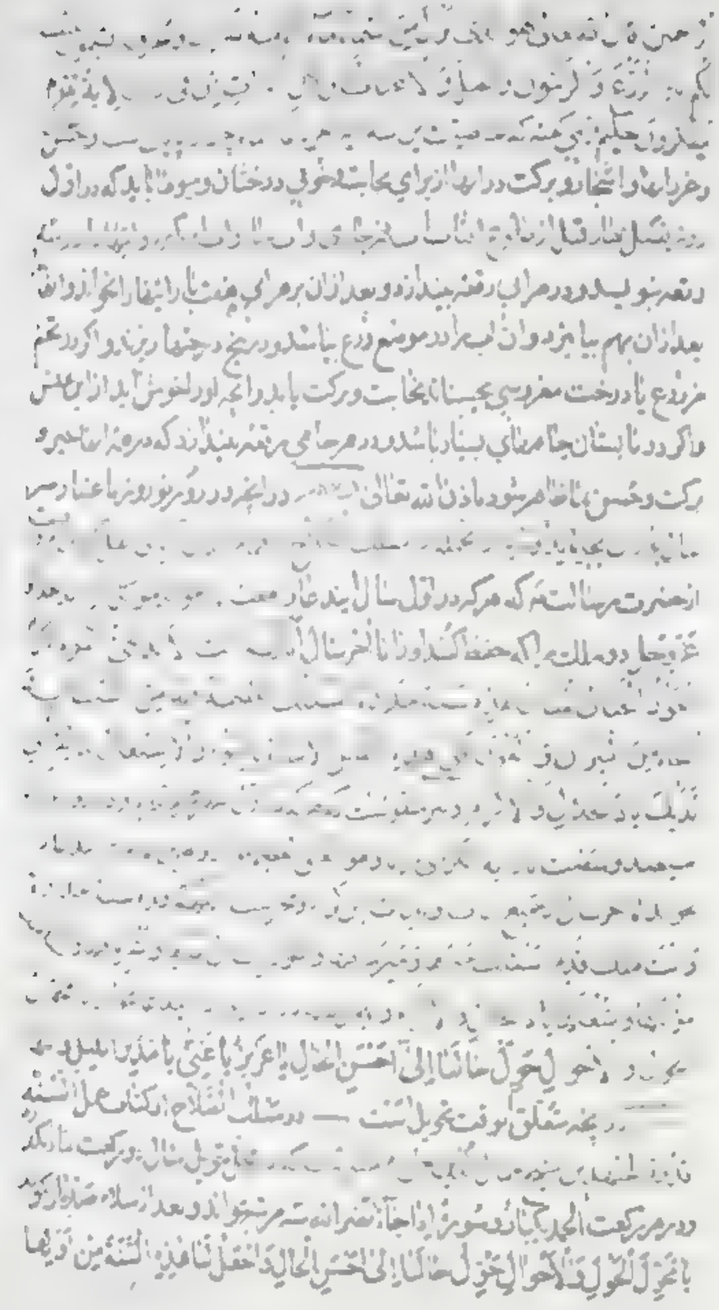

السلام عليك يا أمين الله السلام عليك يا حجة الله السلام عليك يا ديان الدين السلام عليك يا

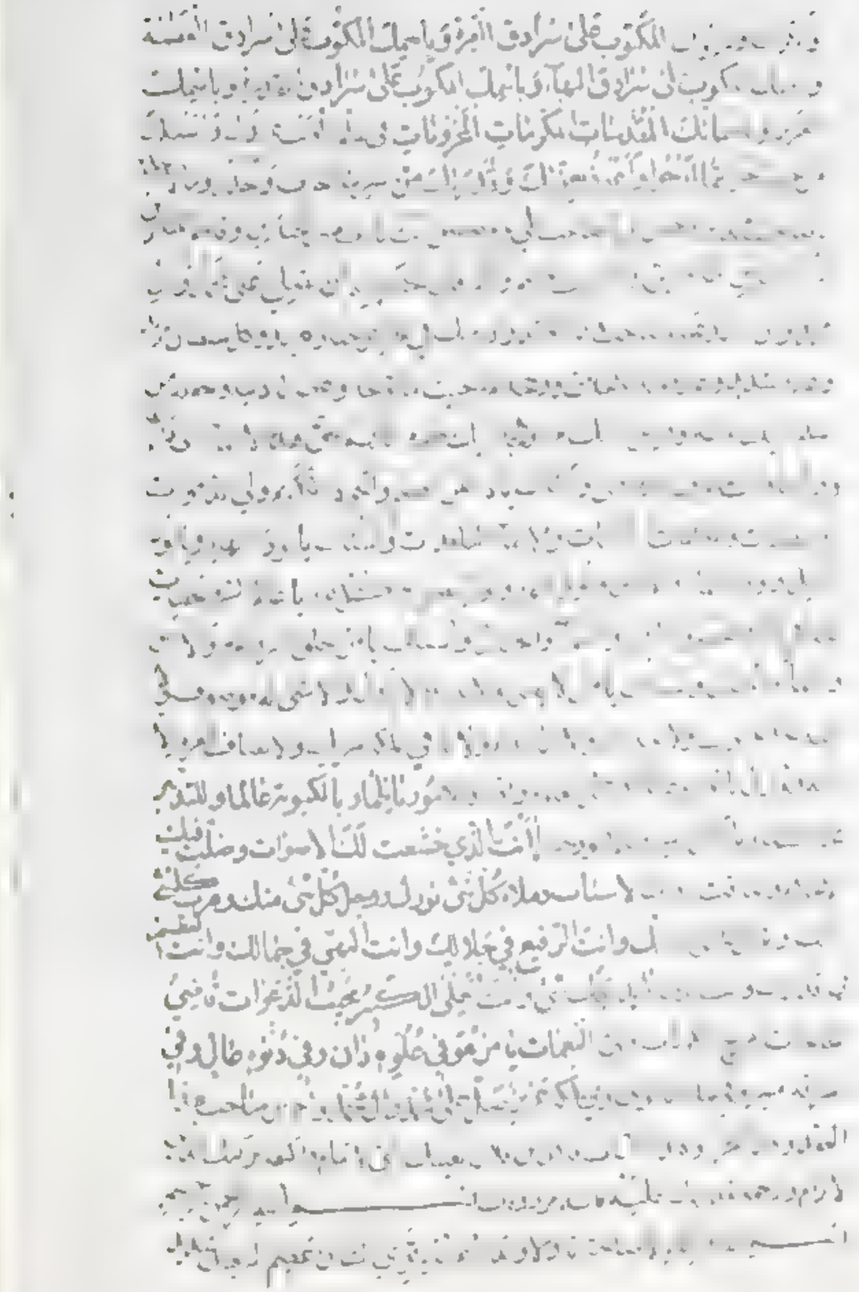

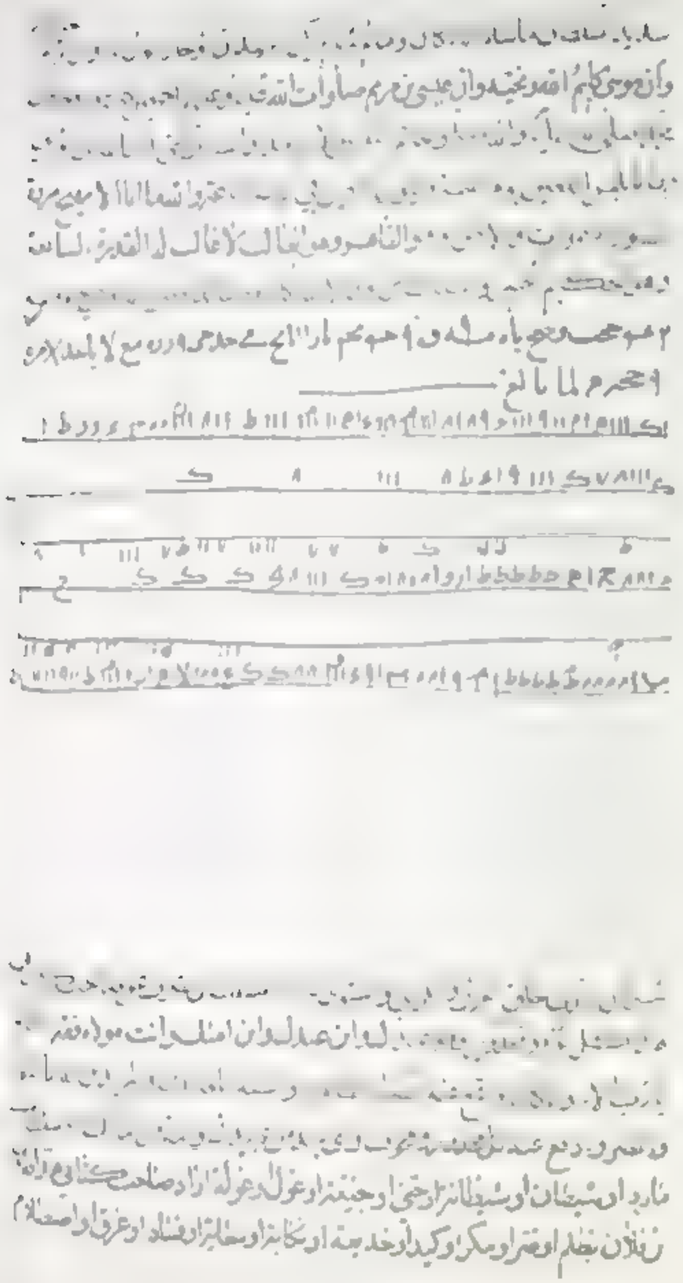

[illegible] المكتوب على سرادق العزة وباسمك المكتوب على سرادق العظمة [illegible] المكتوب على سرادق البهاء وباسمك المكتوب على سرادق [illegible] وباسمك [illegible] المقدسات المكرمات المخزونات [illegible]

[illegible]

[illegible] أنت الذي خشعت لك الأصوات وضلت فيك [illegible] كل شيء نور لك [illegible] وأنت الرفيع في جلالك وأنت البهي في جمالك وأنت [illegible] على الكرسي مجيب الدعوات [illegible] النعمات [illegible] في علوه [illegible]

[illegible]

[illegible] وان موسى كليم الله [illegible] وان عيسى [illegible] صلوات الله [illegible]

[illegible]

[illegible] وهو الغالب لا غالب له القدير [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] او شيطان او شيطانة او جني او جنية او غول او غولة [illegible] فلان [illegible] او سحر او مكر او كيد او خديعة [illegible]

ومنه في معاوي بعمايه ومن عاني ما التونه الليسنه والقول اعيلج قولي لا
تعانني على حي يبدوني وبعد عما بي ... محمة نهمات اسم لطيف يا لطيف يا لطيف يا سلام
ودود يا رحمن كهيعص ... بسم الله الرحمن الرحيم الهي انت
العفو حسن فعفوت عني انت كل غني وانا فقير فحرمت كل كبر ما منعت بي شيا يحول
بيني وبينك انزلك في سورة الواقعة انتهاء فمن اطيف مكابي دون الطائفة
والعاصمة دون الكبرياء يا يا نعوص من غير خرس ولا دلائل لا تخذل من
رجاك فعلا الا الهي ربيت فاحسنت وعصيت وزدت وانعمت واحرقت و
عمت واهلكت فانت لا اسمك اسما من خيل وكاشيف الاوراح يحيا يحيا
احاديث سبقت من فضلك وبقائك ومن غمضت فتحمل فيك مواصلة الي
وحياة ذكرك حتى بامن فيه ما هو في فيه ما هو في فيه ما هو الخير لي لعلي يجمع
لا هو من فيه في سلم وسلم لي فيه لي فيهم لك عليك فكانت ذا الي
من فيه من بيد وفيه لا يهم الشريف وما هو من الاسرار الخزينة والطائب
... يا ... حتى ضرع الي بنيان لعبد خيني مثل وقد الجبل يا لطيف اسئلك
بمربع اب في وقت السلام الله الطيف بعباده يرزق من يشاء وهو القوي العزيز
وصلى الله على سيدنا محمد والحمد لله رب العالمين شبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام
على المرسلين ... دراويه ما والمتعلقة السلام ست اين اسم
... دعاي بود ست كه در جميع ذكر بود كه كفت وبنويس قبول شد ربنا ظلمنا
... وان لم تغفر لنا لنكونن من الخاسرين ومعنى كفته اند اين كلمات الهي لا الذ الا
... حاجت منى فاغفر لي فانه لا يغفر الذنوب الا انت ما ... قول يعني اسما اصحاب كسا
دعاي بود كه چون سه بار بكويد وطلب كند حق تعالى حاجت وي روا سازد اين دعا
... كه فرمود كه لا اله الا انت كفت وتسبيح حق سبحانه وتعالى
... دعاي ازعم بلند
... ست كه در وقت حاجتها كويد هميشه دعاي مفروج كه سنجيده ودر آن
... برهمن وصف رسيده يا ذا المعروف الذي لا يزال لا يفقد ولا ينفد عن ... دعاي
... وصف كه در جميع ... مهمات يابد ودر هيچ امرى در نكيد رنجها از من بيد وبيارامي
... صيد جانور خيز عاني از رقيم مذكور است اللهم اني اسئلك بان لك الحمد لا اله الا

... انت المنان بديع السموات والارض يا ذا الجلال والاكرام ... تعالى على عبده
ان يحمد وان يحمدا في من مري ودر ... ان ... حسب ... حبب
... حبب ودر كتاب ... كه در ... ذكر كرده كه در ... ودر ... كه است
... اكلمة ... ان كانت ذنوبك ... ما حلفت ... حلفت وفي ... بوجه ... بك بوجه ... في
الصالحين ... في سبيل ... ان ... وقعت ... حضرت صادق ... رسيده ... بكه
... بايد ... فرزند ... بكه ... ان كانت ذنوبك ... ما حلفت ... حلفت وفي
... حفار ... بك ... حفار ... بك ... حسن ... حسين ... ان
... عليه السلام ... كه در ... ودر كتاب صحيح كفته در دعاء ... بلغ
... بالصريح ... استغفر الله ... وبا ... مستغفرين ... وبا مفرج كرب المكروبين فاذ ... ي
... قوي ... ضعيف ... ان ... ان ... مري ودر كتاب ... بلغ ... كه ... ان
... فوق ... ان ... ف ... ان ... ما ... ك ... ض ... ان ... ان ... ج ... ب
... دعاي ... ان ... حضرت ... بست كه ... ك ... ك ... ب ... ك
مستجاب ... شود ... ب ... ب ... ك ... ان ... ف ... ي ... ان
وغفرت لي ما ... ي ... ب ... ك ... ف ... ي ... ان ... ف ... ان
لا اله الا الله الحليم ... ك ... ي ... ت ... ف ... ان
والحمد لله رب العالمين ... ان ... ف ... ان ... ف ... ان
... ب ... ف ... ان ... ف ... ان ... ف ... ان
لا اله الا انت ... ان ... ف ... ان ... ف ... ان
... ان ... ف ... ان ... ف ... ان ... ف ... ان
... ان ... ف ... ان ... ف ... ان ... ف ... ان
... ان ... ف ... ان ... ف ... ان ... ف ... ان

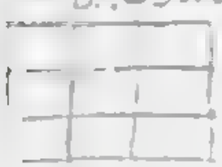

[illegible] مرویست که از برای سهولت زائیدن این آیات را در ظرف پاکیزه بمشک
و زعفران نویسند و با آب باران بشویند و بخوردن زن حامله دهند و بشکم و فرجش بمالند کانهم
[illegible] لم یلبثوا الا عشیة او ضحاها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لم یلبثوا الا عشیة او ضحاها اذ قالت امرأة عمران
رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا [illegible] در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق روایت
شده که از برای آسانی وضع حمل این [illegible] را باید نوشت که حامله با خود دارد و
آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] خلقکم
من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا اشدکم [illegible]
ان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا و صلی الله علی محمد و آله [illegible]
[illegible]
خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس خلصها [illegible] و در کتاب
جنین است که از برای آسانی وضع حمل سوره انا انزلناه را بر حامله باید خواند [illegible] در مکارم
[illegible]
حامله بخورد و بر فرجش بمالند وضع حمل بر او آسان شود [illegible] مجربست از جهة آسانی
وضع حمل که حامله باید بدست راست بگیرد با شنبلیله و باید که در نوشتن این اسم
کودکی چشمه نبیند و او بعمل آید و در مکارم الاخلاق چنین است که چون این دو
شکل را بر دو پاره سفال نو نویسند و یکی در زیر پای راست حامله گذارند و دیگر
در زیر پای چپ او گذارند وضع حمل بر او آسان شود و در زاد المعاد چنین است که این
شکل را بر سه پاره سفال باید نوشت و یکی را در زیر پای
راست حامله باید گذاشت که بشکند و یکی را در برابر

را او باید گذاشت که بر او نظر کند [illegible] و در مکارم الاخلاق چنین است که چون این شکل
بر پشت قیری عربی بر حامله و سر آن بنشیند وضع حمل بر او آسان شود شکل اینست
و باید که اول او اثنین نویسند در سطر فوق و بعد
[illegible]
و بعد از آن اربعه در آن سطر تا خامس آن را [illegible]
در خواص الاشیاء مسطور است که اگر برگ [illegible] در زیر پای حامله و در کنار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فنا [illegible] را صفت قیراط بار مرکا و حل بوده [illegible] در خلاصة التجارب گفته
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] باید و از آن رود [illegible] باید آورد که هم [illegible] بود و بعضی دو [illegible]
[illegible]
وقت ولادت و بعد از ولادت [illegible] وقت ولادت چون فرزند زائیده شد سنت
است [illegible] که غسل بدهد او را [illegible]
از [illegible] و بعد از آن [illegible]
[illegible]
[illegible]

فرزند زناست که قول مخت امیر المؤمنین ع

کنم و جواب سلام من کمتر ادا می‌کنی جواب سلام گوید باید گوید که ان سلام کنند
کرا که سلام کرده و جواب سلام می‌کنند و فرمود که چون زن بر جماعتی داخل شود گوید
سلام علیکم و چون مرد داخل شود گوید السلام علیکم حمد کنند که زنان سلام بایند
کرد چون دو گروه بر یکدیگر برسند و کسی که در میان ایشان باشد کسی که بر جوان سوار
نشسته باشد و بر شتری که زنان نشسته بخش کوید و در جماعتی که خوش
خشم مادر است و کسی که بدنیا شطرنج و سایر انواع قمار بازی کنند و کسی که طنبور
بزند و مردی که [illegible] کند و کسی که در جای بیمار باشد و کسی که خود
و سخن غلانیه فسق کند و برو املکند و حضرت صادق فرمود که کوچک بر بزرگ سلام
میکند و یک تن بر جماعت سلام میکند و فرمود که سواره باید که بر پیاده سلام کند
و [illegible] سلام بکند و ایستاده بر نشسته سلام
کند و فرمود که [illegible] سلام و چون بیان سلام کند بگویند علیکم
مصافحه و معانقه و بوسیدن در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که از تمامی تحیت
و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردنست و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد
در کردن یکدیگر دست در آوردنست و در حدیث صحیح فرمود که مصافحه آنست که در
بگردند پس از آن بار مصافحه سنت است و در حدیث دیگر فرمود که با یکدیگر مصافحه کنید که
[illegible] فرمود که مصافحه کردن [illegible] از مصافحه کردن
و از حضرت صادق منقولست که [illegible] در پیشانی مست که [illegible]
[illegible] پس یکدیگر را موضع نور را [illegible] بوسیدند و در حدیث
حسن فرمود که نباید بوسید مگر دست کسی را که رسول خدا [illegible] بوسیده و دست
حضرت [illegible] و در حدیث دیگر فرمود که سر و سینه و دست بوسیدن مگر جوی [illegible]
بهتر [illegible] و در حدیث حسن از حضرت امام موسی منقولست که کسی که خویشان خود را برای خویشی ببوسد
باو چیزی نیست و برادران دینی جلوی روی یکدیگر را ببوسند و امام را میان دو چشم ببوسند
و حضرت صادق فرمود که [illegible] بوسیدن [illegible] و فرزند و [illegible]
مجالس از حضرت رسول منقولست که وصیت فرمود [illegible] که [illegible] کنند
کما [illegible] نکنند مگر خود را کسی که حاضر شود در مجلسی که از او [illegible] باشند

است و کسی که [illegible] کند و صاحب خانه و کسی که طلب خیر کند از دشمنان خود و کسی که نفع
احسان کند از [illegible] و کسی که خود در [illegible] کسبان و کسی که [illegible]
ایشان و کسی که او مزد را [illegible] و کسی که [illegible] کسی که مغضوب [illegible]
و کسی که در مجالس [illegible] بنشیند که او سزاوار آن نباشد و کسی که [illegible]
[illegible] و حضرت امیر المؤمنین فرمود که [illegible] حسنات [illegible]
[illegible] شود [illegible] نماز [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر فرمود که [illegible] باید [illegible] صاحب خانه
[illegible] از حضرت [illegible]
فرمود [illegible] و در روایت است که حضرت [illegible]
می‌نشستند گاهی دو زانو [illegible] از زمین بر می‌داشتند و ساقها را بپایین زانو ها
می‌نهادند [illegible] دست دیگر [illegible] و در مجلسی می‌نشستند
و گاهی [illegible] و هرگز چهار زانو نمی‌نشستند و در حدیث
دیگر است که حضرت صادق [illegible] نشسته
بود و در حدیث معتبر است که [illegible] فرمود که سزاوار است که جماعتی که
با یکدیگر بنشینند [illegible] از یکدیگر [illegible] باشند و حضرت
میان خود [illegible] سلامت
با کسی [illegible] در حدیث دیگر از حضرت صادق منقولست که [illegible]
را [illegible] مکروه است [illegible]
و از حضرت رسول منقولست [illegible]
وقت [illegible] و فرمود چون کسی [illegible]
صاحب خانه حاکم است تا وقتی که از خانه بیرون رود و هر که در دی باید صاحب خانه
اطاعت کند [illegible] و اگر [illegible] باید که
[illegible] و در حدیث [illegible] فرمود که کرم
مکن کسی را [illegible] و حضرت [illegible]
منقولست که [illegible] و [illegible] که [illegible]

از فضایل او را ذکر کند از روی اقرار و اذعان گناهان کسی که شنود ایشان امرزیده شود
هر چند [illegible] باید و هر که [illegible] فضایل او را بنویسد تا علامتی
از آن کتابت باقی باشد ملائکه از برای او استغفار کنند و هر که گوش دهد بفضیلتی از فضایل
آنحضرت خدا بیامرزد گناهانی که بگوش او در کرده باشد و هر که نظر کند بنوشته [illegible]
[illegible] فضایل حضرت [illegible] بیامرزد گناهانی که بچشم کرده باشد
و در حدیث دیگر [illegible] و ملاقات کنید و حاجت [illegible]
که حاجت [illegible] دلها [illegible] که دلها [illegible] بگیرند چنانچه [illegible]
[illegible] و از حضرت [illegible] منقولست که مذکور [illegible]
منقول دارد و [illegible] کردن با برادران مؤمن و آداب آن در فصل [illegible] مذکور شد

[illegible] و ادعیه سفر است و در آن ده فصل است — در آداب سفر [illegible]

و [illegible] از حضرت صادق منقولست که در حکمت آل داود
[illegible] سه چیز [illegible] توشه آخرت [illegible]
[illegible] از برای [illegible] باشد
[illegible] و در حدیث دیگر [illegible] که سفر [illegible] صحیح شود [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر [illegible]
که سفر قطعه ایست از عذاب [illegible] در سفر [illegible] شود زود باهل خود برگردد
و در حدیث [illegible] منقولست که [illegible] از حضرت صادق پرسید که [illegible]
[illegible] مضطر است [illegible] و دیگر
[illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صادق
منقولست که [illegible] که [illegible] روز دوشنبه سفر کند که [illegible]
[illegible] و هر که [illegible]
دشوار شود دوشنبه و سه شنبه طلب کند که آن روزیست که آهن برای حضرت داود
نرم [illegible] و در حدیث معتبر منقولست [illegible] در روز پنجشنبه سفر می
[illegible] که دوست [illegible] و در حدیث [illegible]
انحضرت صادق منقولست که مکروه است سفر کردن و سعی و حوایج کردن در [illegible]

در [illegible] روز [illegible] که [illegible] از برای [illegible]
و در حدیث دیگر [illegible] سفر کردن [illegible] حضرت امام رضا [illegible]
که هر که در [illegible] سفر [illegible]
[illegible] و در روایت دیگر منقولست که روز چهارم
و بیست [illegible] در بعضی روایات وارد شده است که سفر مکن در روز سیم و
چهارم و روز پنجم و روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بیست و یکم و روز
و روز بیست [illegible] و در روایات دیگر منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible] کردن اولی است زیرا که احادیث معتبره در ایام [illegible] و در روایت معتبر دیگر
منقولست که هر که [illegible] باشد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] که در [illegible] سفر [illegible] باید [illegible]
[illegible] حضرت صادق [illegible]
که [illegible] حدیث [illegible] منقولست [illegible] حضرت
که با کراهت وارد سفر کردن در روزی از روزها [illegible]
سفر [illegible] روایت کرده
که [illegible] سفر کردن [illegible] کراهت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و [illegible] شود باید که [illegible] و قوته [illegible]
[illegible] الیک [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سیاه نود [illegible] مرد [illegible] بار کرده
[illegible]
[illegible] منقولست که حضرت [illegible]
که هر که [illegible]
[illegible] خود بر کرده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که هر که
که زمین در زیر پای [illegible] شود [illegible] باید که [illegible]
[illegible]

[illegible] در سایر ماه [illegible] دیگر [illegible]
[illegible] حضرت امام [illegible] منقولست که حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که حضرت لقمان با پسر خود گفت
که ای [illegible]
[illegible]
[illegible] دیگر منقولست [illegible]
[illegible]
دیگر [illegible] حضرت امام [illegible] منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت صادق منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible] در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام زین العابدین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که [illegible]
که [illegible] در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول [illegible] امیر المؤمنین
وصیت نمود که یا علی [illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که هر که [illegible]
ولا قوة الا بالله اللهم [illegible] على [illegible] در حدیث دیگر [illegible]

حضرت رسول خدا منقولست که بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هرگز
زیاده [illegible] که صد [illegible] بسیار باشد پس از این احادیث ظاهر شد
که [illegible] و بهتر آنست که زیاده از سه [illegible] در رفیقان کم
و هم [illegible] حضرت منقولست که سنت است که رفیقان هر روزه اول خرجی
[illegible] که این باعث خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان شود
و از حضرت صادق منقولست که مصاحبت مکن در سفر با کسی که مصاحبت تو از خود نداند
که تو از مصاحبت او خود [illegible] و از حضرت صادق منقولست که مصاحبت مکن با
کسی که تو را [illegible] با آنکه [illegible] کسب علم و کمالات
از او توانی نمود و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که مروت در سفر خواندن قرآنست
و هم [illegible] کردن و [illegible] و [illegible] عبادت کردن و [illegible]
سفر [illegible] کردن [illegible] رفیقان کردن و خدا را [illegible]
[illegible] بسیار یاد کردنست و در احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که هر که
اعانت کند مؤمن مسافری را حق تعالی از او هفتاد و سه شدت از شدتهای دنیا بردارد و او را از
غم [illegible] و هفتاد و سه شدت و غم در آخرت از او بردارد در روزی که از شدت احوال قیامت
[illegible] مردم [illegible] باشند [illegible] در آداب راه رفتن و فرود آمدن و جاهایی که در راه
[illegible] در احادیث معتبره از حضرت رسول منقولست که چون [illegible]
[illegible] در حدیث معتبر دیگر فرمود که [illegible]
[illegible] در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که
[illegible] و در روایات معتبره از حضرت رسول منقولست که [illegible] راه
رفتن [illegible] و از حضرت صادق منقولست که [illegible] در آخر شب
[illegible] که چون حضرت امیر المؤمنین سفر میکردند در آخر شب حرکت میکردند و از حضرت رسول
منقولست که چون شب [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست که [illegible]
[illegible] که مبادا [illegible] در حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که
[illegible]

باید [illegible] بیرون [illegible] باشد و گناه نداشته باشد [illegible]
اگر گناه باشد [illegible] از حضرت [illegible] منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر منقولست که چون حضرت رسول در سفرها
[illegible] اکبر میگفتند و [illegible] در حدیث
صحیح دیگر فرمود که چون در سفری [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
معتبر از حضرت صادق منقولست که [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر منقولست که چون [illegible]
[illegible] از حضرت صادق منقولست که چون [illegible]
[illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست [illegible]

الحافظين السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين ورحمة الله وبركاته و در حديث معتبر
ديگر از حضرت رسول منقولست كه هر كه در هر شب [illegible] كه [illegible]
خواند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير وهو على
كل شيء قدير [illegible] اعوذ [illegible] شر [illegible]
و [illegible] كه [illegible] در [illegible] و [illegible]
[illegible] در حديث [illegible] از حضرت امام محمد باقر و امام
صادق عليه السلام منقولست كه [illegible] و در احاديث
وارد شده است كه چون [illegible] در [illegible]
[illegible] از حضرت امام رضا منقولست كه [illegible]
[illegible]
[illegible]
لا قوة الا بالله [illegible] است كه [illegible]
[illegible] و الحمد لله [illegible]
و لا حول و لا قوة الا بالله [illegible] در وقت [illegible]
[illegible]
و از حضرت [illegible] كه [illegible] از حضرت امام حسين عليه السلام كه چون [illegible]
[illegible]
و از حضرت امير المؤمنين منقولست كه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق منقولست كه [illegible]
[illegible] كه [illegible]
و در حديث [illegible] از اين حضرت منقولست كه [illegible]
[illegible] و در حديث ديگر مذكور است كه [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]

[illegible]

ودر حدیث موثق از امام [illegible] منقولست که در نامه امثال ما اسم [illegible] که نامه ابان نجید بسیند
بمن امام [illegible] نوشت فرمود که ما کی [illegible] اگر آیت [illegible] ازامیکند ودر حدیث
دیگر منقولست که حضرت فرمود که مانم که خدای [illegible] نوشته چون دست حضرت زاده
دو فرمود که چگونه امید دارید که بخوردنامه نوشتند ملاحظه الکردد جا نابکر
[illegible] ونشناد [illegible] فرمود که مرحبا [illegible] که انشاء الله را دنبو بنید ودر حدیث
صحیح از حضرت امام رضا منقولست که چون نامه را نوشتید حال بررد نامه را بسیند
که صحت [illegible] ودر حدیث دیگر منقولست که حضرت امام علی نقی در اول
نامه مینوشتند بسم الله الرحمن الرحیم اذکر انشاء الله انما الامر بید الله وفرمودند که اگر
[illegible] که [illegible] نوشتن بسم الله در [illegible] نوشتیم اصل کی است که ما را از آن
نامه [illegible] کرده ام واز حضرت صادق منقولست که از نامه نوشتن مرکب [illegible]
[illegible] الحمد [illegible] که [illegible] بود چند
[illegible] که [illegible] نامه [illegible] که ان صلحت را بینام مید در
[illegible] تبارک [illegible] مبارکمن وان
[illegible] من [illegible] اخوانکم [illegible] و[illegible] وعن
که [illegible] باب [illegible] واستقبال نسا از
[illegible] در احادیث [illegible] کرد [illegible] مهمان [illegible] از ایمان است
واستقبال مهمان [illegible] از ایمان است که دو روز ماه مبارک رمضان [illegible] و[illegible]
[illegible] حضرت [illegible] منقولست که چون کسی [illegible] و[illegible] با و دار
[illegible] که چون کسی از سفر کرده ... ادا
[illegible] که [illegible] با [illegible] بیاید [illegible] بود [illegible]
[illegible] حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود با کسی که از سفر می آمد
قبل الله سعیک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنبک وچون جعفر طیار از حبشه آمد حضرت
رسول از [illegible] او را [illegible] و[illegible] حضرت رسول چون
[illegible] دو[illegible] دیگران دست
[illegible] بیت که [illegible] که چون از سفر کرده در [illegible]

[illegible] وقت [illegible] وشرح [illegible] بیان [illegible]
و[illegible] و[illegible] خون [illegible] بکند [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] منقولست که [illegible] کار
[illegible] حضرت [illegible] منقولست که [illegible] که [illegible]
[illegible] و[illegible] سعید [illegible] و[illegible]
منقولست که [illegible] حدیث دیگر منقولست که
صادق [illegible] که [illegible] حضرت [illegible]
راوی گفت که لا [illegible] وچون [illegible] جامع [illegible] کرده [illegible] زیاده [illegible]
دیگر منقولست که روزی حضرت امام [illegible] فرمود [illegible]
[illegible] که [illegible] که از [illegible] دشمن [illegible] آمد [illegible]
[illegible] که [illegible] وسر [illegible] وبدلت [illegible] و[illegible]
ودر حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] نوشته شود [illegible] که [illegible]
باشد [illegible] از نامه [illegible] شود [illegible] از [illegible] نوشته شود ودر
[illegible] منقولست که [illegible] اسلام [illegible] تا روز قیامت
حدیث دیگر از حضرت امام موسی بن جعفر منقولست که هر که [illegible] کند
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت رسول منقولست که [illegible] سرخ [illegible] سفید [illegible]
[illegible]
حضرت [illegible]
[illegible] حضرت رسول منقولست که [illegible] باید که [illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible] کار [illegible]

در راه خدا و زیاده از توانائی آن بار بر او نکنند و تکلیف رفتار تند بر او نکنند که طاقت داشته
باشد و از حضرت صادق منقولست که زیاده بر این بود که بر روی [illegible] داغ نکنند و
حدیث معتبر از حضرت رسول منقولست که اگر دابه کسی را [illegible] و در سر دابه [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر [illegible] بار بر روی پای [illegible] بگذارید تا که [illegible]
کنید که اشاره بر روی آن [illegible] بلکه وقتی که خواهید [illegible] و [illegible]
[illegible] سوار شود و در حدیث صحیح از حضرت صادق منقولست که هر چهارپائی که [illegible]
[illegible] در وقت [illegible] کردن [illegible] کند [illegible] اگر [illegible] ابدا
[illegible] افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون
[illegible] ولش [illegible] بشود [illegible] مکه [illegible] نور [illegible] اولش [illegible] شود [illegible]
[illegible] که در فصل [illegible] خروج [illegible] گذشت باید که
بسند معتبر از حضرت رسول منقولست که چون کسی بر چهارپا سوار شود و بسم الله
نگوید [illegible] و اگر در وقت سوار شدن [illegible]
نگوید شیطان [illegible] بگوید که ارزوهای باطل [illegible]
[illegible] معتبر منقولست که در وقت سواری بگوید بسم الله لا حول ولا
قوة الا بالله [illegible] الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله سبحان الله
[illegible] محفوظ باشد خود و چهارپایش تا فرود آید و
[illegible] منقولست که حضرت [illegible] در رکاب گذاشتند [illegible]
[illegible] الذی سخر لنا هذا [illegible]
[illegible] کثیر [illegible] سبحان الذی
سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین [illegible] الحمد لله [illegible] الله
اکبر [illegible] فانه لا یغفر الذنوب الا انت و
حضرت صادق [illegible] سوار [illegible] بسم الله لا حول ولا قوة الا
بالله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون و در حدیث
معتبر منقولست که چون چهارپای حضرت امیر المؤمنین [illegible] پا در رکاب [illegible]
[illegible] اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک ومن تحویل عافیتک ومن فجاة

٦٦٣

ومن فجاة نقمتک و در حدیث دیگر منقولست که [illegible] حضرت صادق [illegible]
[illegible] که [illegible] در [illegible] بود که [illegible]
[illegible] ثم [illegible] سبحانه [illegible] فلما [illegible] وردنا
[illegible] وتنعمتم [illegible] فیها [illegible] ثم [illegible] کردن [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم [illegible]
[illegible] ما [illegible]
[illegible] فاقضبرا فالقوا [illegible] ارحم الراحمین از برای چند [illegible] کردن
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ید [illegible]
کرده [illegible] که [illegible]
[illegible]
علی [illegible] والله [illegible] ابا شود
[illegible] علم [illegible] حلت و
[illegible] ابن [illegible] نوبد [illegible]
باسب [illegible] دفع شود [illegible]
[illegible] بنویسد بر این ترتیب در دست [illegible] راست [illegible]
با [illegible] راست [illegible] پای چپ [illegible] در [illegible] شهادت [illegible]
[illegible] در آن [illegible]
جمیع جوانات [illegible] بر [illegible] ارزد [illegible]
[illegible] باب [illegible] حدیث معتبر از حضرت [illegible] علیهما السلام
که [illegible] در حدیث [illegible] از حضرت رسول منقولست که
باید که [illegible] حدیث دیگر [illegible]
[illegible] و در حدیث معتبر

به حضرت امام [illegible] چاه هواری [illegible] که [illegible] به حضرت [illegible]
و فرمود که [illegible] و دست راست آنحضرت بر دست چپ [illegible] و در حدیث
از حضرت رسول منقولست که هرگاه [illegible] روی [illegible] بگیر و [illegible] کند
از زمین و آنچه در زیر زمین است و آنچه در بالای زمین است و در حدیث دیگر فرموده
است که [illegible]
[illegible] و فرمود که [illegible] و پیشانی را
بر طرف می کند و شیطان نزدیک او نمی آید [illegible] و در اعمال [illegible] از قطاع الطریق
و شیر و سایر درندگان و عقرب و سایر گزندگان در خواص التوحید است که چون سوره
[illegible] را بنویسی و در خانه یا صندوقی بگذاری کسی از آن خانه و صندوق چیزی
دیگر اگر سوره اعراف را با گلاب و زعفران بنویسی و بخود ببندی محفوظ شوی از [illegible]
[illegible] و در میان [illegible]
[illegible] دیگر اگر سوره سبا را بنویسی [illegible]
[illegible]
ایمن دیگر اگر سوره مطففین [illegible] دیگر محفوظ [illegible]
[illegible]
[illegible] آیة الکرسی [illegible] عزمت علیک [illegible] سلیمان بن
[illegible] علی [illegible]
[illegible]
[illegible] منقولست که هرکه [illegible]
[illegible] عقرب [illegible]
[illegible] یقول شهد ان لا اله الا الله و [illegible] محمدا رسول
[illegible] منقولست که [illegible] عقرب [illegible] سلام علی نوح
فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین و در مجمع الدعوات
[illegible]
[illegible] از امام جعفر صادق

صادق روایت شده که [illegible] دفع [illegible] عقرب [illegible]
[illegible] از امام محمد باقر روایت شده که هرکه [illegible]
که ضرر [illegible] عقرب و [illegible] مار [illegible]
[illegible]
[illegible] من شر [illegible] الشیاطین [illegible] ان ربی علی صراط مستقیم
[illegible] از امام جعفر صادق روایت شده که [illegible]
دفع ضرر مار و عقرب [illegible] بسم الله [illegible]
علی [illegible]
[illegible]
[illegible] روایت شده که [illegible] دفع [illegible] مار و عقرب [illegible]
[illegible] ان الله [illegible]
[illegible]
و چون [illegible] که مار [illegible]
[illegible] بسم الله [illegible]
دیگر [illegible] عقرب [illegible]
این کلمات [illegible] عقرب [illegible]
[illegible] از حضرت [illegible]
که هرکه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] جعفر بن [illegible]
اسلم من فی السموات والارض طوعا و کرها و الیه یرجعون و چون [illegible]

نوکات و فوو رب قرش نعمه جون جنبی کی انبیاء از مرایا مخصوص مانده و فرمود که کر
مالک ملک خود [illegible] في اسئلت [illegible] لذا ابن عبد لذ [illegible]
[illegible] ناصحی [illegible] محکمات [illegible] ما نزل [illegible] محمد علی حسن
[illegible] فوایب [illegible] عند [illegible] حسن رزقنی [illegible]
[illegible] به و [illegible] حین اصبت و اجابت [illegible] اعطیت
[illegible] لا [illegible] ولا [illegible] خلقت فی دنیاك و [illegible] الیك عالی
[illegible] لا [illegible] ودر ضمن چند
حایب منفعت رسود کردن [illegible] که [illegible] با ایشان رکنت [illegible] واجب
که مرد [illegible] مثل بمی [illegible] داشته باشد و مانو کسبه و نامرده دور که از دسا
د دان و [illegible] و در [illegible] یکی در روسقف متاع [illegible] عرض است و تم خرید
و فروخت [illegible] و ساعت [illegible] رکنت است [illegible] متاع مرتب کردن سنه
ملعون است و [illegible] و [illegible] و فروختن [illegible] دشمن کرد
و [illegible] و تحقیق [illegible] تجارت در وصل ثانی [illegible]
[illegible] حضرت صادق [illegible] پرسید از تعلیم کردن اطفال
فرمود که مزد بران منکر کشت [illegible] تعلیم [illegible] اول [illegible] مزد
تا ایشان [illegible] که [illegible] بعضی [illegible] بقضی [illegible]
در احادیث معتبره وارد شده است که [illegible] کاغذ [illegible] شد و نقد
[illegible] که [illegible] درمرد کرفتن و [illegible] قرآن
در احادیث [illegible] که هر که [illegible] مرده [illegible] ام
[illegible] حکم تجارت مذکور شد و [illegible] تجارت
[illegible] که [illegible] و [illegible] و [illegible] که
[illegible] که [illegible] دست [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] که خرج بردن [illegible]
[illegible] که [illegible] و بعضی [illegible] که [illegible]
و بازست [illegible] و بعضی [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] ولکن [illegible] الله و [illegible] از [illegible]
[illegible] که [illegible] سوم [illegible] است [illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] و [illegible]
[illegible] که [illegible] باقی از اوست [illegible] باشد [illegible]
[illegible] که موافق [illegible]
یکی از این دو مقدار [illegible] سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه
از [illegible] مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد و میباید [illegible] اگر
[illegible] میان [illegible]
[illegible] داشتن و اگر در صورت اول [illegible] باشد [illegible]
آنست که اگر در [illegible] باشد [illegible] و اگر در [illegible] باشد [illegible]
داشته باشد [illegible] داشته باشد [illegible] اگر [illegible]
در [illegible] که [illegible]
و اگر [illegible] باشد [illegible] یا [illegible] که [illegible]
ایشان [illegible] اوست و [illegible] آنست که [illegible]
[illegible] باید [illegible]
و اگر [illegible] و [illegible] است و اگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] و [illegible] دینار [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible]
[illegible] که حکم [illegible] که [illegible]
[illegible] تجارت [illegible]

و جمیع کتب‌ها مشهور است که در میراث و بخشش و مهر خمس نمی‌باشد و خرج سال اگر
که بیرون می‌کند متوسط مناسب حال او را اعتبار کرده‌اند اگر اسراف کرده
خمس آن چیز اسراف کرده است بیرون می‌کند و اگر خود تنگ گرفته باشد تمام بیرون کند
علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاده آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست
که هر چه حاصل شود خرج بکند و زیادتی را روز بروز بدهد اگر [illegible] اخراجات
منزل نموده واقع شود مثل خرج کدخدایی و حج بیت الله و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
و ائمه [illegible] بر متوسط بیرون می‌کند و همچنین تعدیات و ربا
که [illegible] جمیع را بیرون می‌کند و خمس [illegible]
که در میراث و صبوه و مهر نیز خمس واجب نیست و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر
شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی یا انتفاعی که گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی
از دشمنان دین باو برسد خمس می‌باید داد و عمل باین روایت احوط است ششم زمینی است که
یهودان و نصرانیان و مجوسیان از مسلمانی بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آن زمین را باید
از ایشان بگیرند اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان علما آنست که خمس زمین اعتبار [illegible]
و [illegible] خمس [illegible] مال حلالیست که مخلوط شده باشد
بحرام و صاحب او را ندانند و مقدار حرام را ندانند خمس را باید داد بفقرای سادات و [illegible]
و بعضی از مصرف سادات می‌دانند و بعضی گفته‌اند که بسادات نمی‌توانند داد و ظاهر آنست
توان داد و اگر [illegible] بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نداند آن
مقدار را واجب است که بصاحبش بدهد و اگر صاحب را داند و مقدار را نداند با صاحب باید
صلح کنند و بعضی گفته‌اند در این صورت خمس را بصاحب بدهد و بعضی گفته‌اند که مقداری را که علم
[illegible] صاحب [illegible] و اگر مقدار را
داند و صاحب را نداند بعضی گفته‌اند [illegible] صاحبش بهم رساند اگر صاحب بهم نرسد از برای او
تصدق بکند و این [illegible] صورت اول [illegible] و اگر [illegible] بدهد یا تصدق
کند کل را یا بعض و بعد از آن صاحب پیدا شود خلاف است که آیا باید بصاحب بدهد
یا نه و احوط آنست که [illegible] مستحق خمس مشهور میان علما آنست که شش حصه می‌شود
چنانچه ظاهر آیه کریمه است حصه خدا و رسول و ذی القربی که نصف خمس است بعد از حضرت

حضرت رسول صلی الله علیه و آله از امام زمان است و نصف دیگر که سه حصه می‌شود بر یتیمان سادات و
مسکینان سادات و ابنا السبیل [illegible] مراد از [illegible] که غریب
[illegible] ابن السبیل [illegible]
است که یتیمان باشند و ابن السبیل را [illegible] که در شهر خود [illegible] و از احادیث
ظاهر می‌شود که [illegible] جمیع خمس را بخدمت آن حضرت می‌آوردند و حضرت نصف
برمی‌داشتند و نصف دیگر را به سه فرقه سادات می‌دادند که مذکور شد و هر یک
بقدر کفایت ایشان در یک سال می‌دادند که مذکور شد و اگر زیادتی می‌ماند
برمی‌داشتند و اگر کم بود از حصه خود تتمه را می‌دادند و ایشان بمنزله عیال امام
بوده‌اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصه سادات را بعالم عادل اثنا عشری بدهد که
بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه حضرت است در زمان
غیبت [illegible] مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که برساند بمستحقات از سادات
[illegible]
[illegible]
[illegible] که در زمان غیبت امام علیه السلام
این حصه را بشیعیان [illegible] حضرت صاحب الامر
صلوات الله [illegible]
[illegible] در زمان غیبت [illegible] عمری
و پسرش محمد و حسین بن روح [illegible] حصه حضرت [illegible] جمیع خمس
شیعیان بگیرند و بنزد حضرت [illegible] ظاهر آنست که در این زمان
[illegible] حضرت که علمای [illegible] علوم ایشان [illegible] سادات بیانه
که عیال الحضرت [illegible] باید که سادات که اشرف خلقند از گرسنگی [illegible]
[illegible] حرام
و خمس را عوض [illegible] بایشان داده‌اند [illegible]
[illegible]
[illegible]

کرده باشند در پرده‌های [illegible] و خوف و تعدیات که از خدا [illegible] بدانند آنم [illegible]
خلاف کرده باشند این جماعت خود منور میکنند که عند [illegible] حیوان و [illegible]
در بستر و اضطراب به بینند و بر ایشان رحم مکنند و باز در نهایت بدرحم و [illegible]
ایشان داشته باشند حال آنکه فرموده اند که بعد از احوال مردم در روز قیامت در [illegible]
خواهد بود که صاحب خشم رحیم بود گویند [illegible] حضرت صادق
فرمودند که [illegible] زمره اهل [illegible]
نیکو و منکر [illegible] و از حقوق ما و حضرت رسول [illegible] که
مرکب [illegible] مکافات می دهم [illegible] در قیامت و اکثر علما
برآنند که اگر صاحب [illegible] بعد [illegible] الله [illegible] مگر اگر [illegible]
بعالم محدث عادل رسد [illegible] این حکم دارد [illegible] در فضیلت و آداب
و در جهت [illegible] و درخت [illegible] در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است
که حق تعالی روزی پیغمبران را در زراعت کردن و احیا نموده است که از باران
کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر منقول است که [illegible] در زراعت
جوانات [illegible] کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر
که زراعت کنید و درخت بنشانید والله که مردم کاری از این حلال تر و پاکیزه تر نکنند
والله که زراعت خواهند کرد و درخت خواهند [illegible] اهل [illegible]
معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقول است [illegible] محتاج بخوردن و [illegible]
[illegible] تعلیم [illegible]
گفت [illegible] والنبی لغایة حتی [illegible]
المعتبة و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که [illegible] زراعت [illegible]
بگیرد [illegible] وسه مرتبه بگوید أفرأیتم ما تحرثون أأنتم تزرعونه أم نحن الزارعون
پس بگو اللهم اجعله حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة پس آن دانه را که در کف
باشد [illegible] و در حدیث دیگر [illegible]
که درخت [illegible] نشستن [illegible] نیست [illegible]
که [illegible] و از حضرت صادق منقول است که هر که خواهد که درخت [illegible]

خرما خوب بار آورد و حیوانی نکو [illegible] کوچک بگیرد و در خاک کهنه
کوب کند و در [illegible] باشد و یا نفس [illegible] پاکیزه کند و در میان
درخت خرما جابجا بگذارد و در احادیث معتبر است از زبان درخت خرما در حدیثی دیگر
که در باده باشد [illegible] درختان دیگر [illegible] و از حضرت میر المؤمنین
منقولست که [illegible] که [illegible] و آب [illegible] بحکم [illegible]
[illegible] درخت اول آب باید داد و بعد از انتقال [illegible] از حضرت صادق منقول
که هرکه درخت [illegible] که [illegible] در وقت تنگی [illegible]
و [illegible] که [illegible] نکرده است [illegible] که [illegible] داشت که منقول است
خورد و [illegible] مردم [illegible] بود [illegible] درختان [illegible]
[illegible] شراب [illegible] بار چوب
[illegible] زراعت [illegible] که از [illegible] و [illegible] انما نحن
[illegible] من [illegible] الظالمین [illegible]
[illegible] کل [illegible]
[illegible] من [illegible] و [illegible] در چهار پاره [illegible]
[illegible] بنویسد در چهار گوشه زمین کذارد [illegible] حضرت [illegible]
این کلمات را مذکوره با [illegible] بنویسد در چهار [illegible]
بسم الله و بالله و بعظمة الله و جلال الله و بقدرة الله [illegible]
[illegible] الأرض [illegible] کل [illegible] من السماء والأرض [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] الکافی [illegible]
[illegible] لا [illegible] شیء فی الأرض ولا فی السماء [illegible]
[illegible] بنا کرده [illegible] بوستان [illegible]
بر درخت [illegible] و [illegible] بسیار بارکند
[illegible] بسیار گوید [illegible]
و در بعضی کتب [illegible] که [illegible] بار [illegible]
[illegible] باران این کلمات را بنویسد و بر درخت بیاویزد [illegible]

من غمام الرحمن وسحاب الكرام وانزلنا من السماء عليكم مدرارا ويمددكم باموال وبنين
[illegible] ابدا [illegible] كردن [illegible] جلد [illegible]
[illegible] وازراى جميع [illegible] حاصل [illegible] خود [illegible]
[illegible] كه ازاسرار [illegible]
بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
[illegible] لا يحطمنكم سليمان [illegible]
وهم لا يشعرون [illegible] لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون
[illegible] فسيكفيكهم الله [illegible]
[illegible] ومثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار
[illegible] يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحيها [illegible] من نهار [illegible]
تولى سعى في الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد
[illegible] اتق الله اخذته العزة [illegible] فلما قضينا عليه الموت
ما دلهم على [illegible]
[illegible] عند الله
[illegible] الى البحر [illegible]
[illegible] باسمائه الحسنى [illegible]
[illegible] واعلم من [illegible]
[illegible]
[illegible] عنهم [illegible]
[illegible] في اليم بانهم كذبوا باياتنا وكانوا
عنها غافلين وبعد از اين [illegible] بنويسند [illegible] بنويسند [illegible] و [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين
يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا
تعلوا علي واتوني مسلمين [illegible]
[illegible] باذن الله الذي يخرج الحي من الميت

ويخرج الميت من الحي ويحيي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] على كل شيء [illegible]
[illegible]
بالقمل [illegible]
[illegible]
[illegible] ثم انتم قوم احترقوا [illegible]
[illegible] العلي العظيم وصلى الله على
سيدنا محمد النبي الامي [illegible]
[illegible]
[illegible] اول [illegible]
[illegible]
[illegible] باشد [illegible]
باشد [illegible] بالعكس حاصل او [illegible] بيشتر گردد [illegible]
[illegible] ضعيف گردد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] اطراف [illegible] محفوظ [illegible]
[illegible] كند [illegible] محفوظ گردد
[illegible] محفوظ گردد [illegible]
[illegible]
[illegible] محفوظ [illegible]
[illegible]

و نیز ... شده ... بیکار نمی شود و اگر ... خون ... درد باشد
و ... بعد ... شده ... معین کرده و باید در حایض ...
دو باید که او را ... باشد و ... چون ... بند دو ...
بسیار بر بار کرده اما معرفت درخت نشانیدن باید در عقرب نباشد بلکه در عقاب
باشد یا تحت الارض خواهی که شود باغ تو چون باغ ارم   در قوس نهال کار و در جدی
و از احکام واجبه زراعت زکوة است و آیات و احادیث بر وجوب آن و عقاب و عذاب
و ترک آن بسیار است که ذکر آنها باعث تطویل است و اجمالی که زکوة در انعام و ذهب
... است ... باشد و انعام ثلثه که عبارت از شتر و گاو و گوسفند باشد و
غلات اربع که گندم و جو و خرما و مویز باشد اما ذهب پس طلا مسکوک مقدار بیست اشرفی با
سکه داشته باشد و یکسال بماند که ... چهل یک ازانها را باید داد
اما نقره مسکوک چون به دویست درم رسد و سکه داشته باشد و یکسال بماند بدون تغییر
چهل یک آنها را باید داد و اما انعام ثلثه که عبارت از شتر و گاو و گوسفند باشد اما شتر
نصاب آن دوازده است اول پنج شتر است که در آن یک گوسفند است ... بیست پنج
که در آن پنج گوسفند است چهارم بیست شتر است که در آن چهار گوسفند است دوم ده شتر
و در آن دو گوسفند است سیم پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است و گوسفند که
... است که ... باشد و کمتر نباشد و اگر ... باید یک
ساله باشد ششم بیست و شش شتر است که باید شتر ماده یکساله باشد ... اگر
نداشته باشد شتر نر دو ساله ... هفتم سی و شش شتر است که باید یک شتر ماده
دو ساله ... هشتم چهل و شش شتر است که باید یک شتر ماده ... چهار ساله ... نهم شصت
یک شتر است که باید یک شتر ماده چهار ساله ... دهم هفتاد و شش شتر است که باید
دو شتر ماده دو ساله ... یازدهم نود و یک شتر است که باید دو شتر ماده
سه ساله ... دوازدهم صد و بیست و یک شتر است که هر چه زیاده شود در
هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله ... و در هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله ... اما
گاو در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر یکساله ... و در هر چهل گاو یک گاو
ماده دو ساله ... اما گوسفند در چهل تا یک گوسفند واجب است و در صد و بیست

بیست یک دو گوسفند و در دویست و یک سه گوسفند و در سیصد و یک ...
که چهار گوسفند ... چون به چهار صد رسید ... هر صد ... یک گوسفند
... از شتر و گاو و گوسفند شرط است که در تمام سال ... باشد
تمام سال ... احوط است که اگر ... سال ...
باشد زکوة ... ... و سنتی و احتیاط ... آن
که ... که ... و ... و حیوانات هم شرط است
که سال را ... دو سال زکوة ... و چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة
واجب می شود ... شرط است که ... باشد ...
... و گوسفند ... و شتر ...
... اما غلات اربع شرط است که
نصاب ... باشد و نصاب ... دوم است ... زکوة
... رسیده باشد ... است که زکوة دهند ...
غلات ... رسیده باشد ... گندم و جو ... کردن ...
... واجب است و ...
... و زکوة ...
... زراعت ... آب باران
یا آب ... خورده باشد ... اگر ... خورده باشد
... خورده ... اعتبار کند و اگر از ... خورده باشد ...
... اکثر
... باشد ... که ارباب ...
... زکوة ... باشد
... که ... که زکوة
... و ...
... آنچه ... که ... و ...

ماديان كه در علف چرند باشد و سال در ان بگذرد زكوة سنت است پس اگر بچه و
مادر هر دو عربی باشد در سالی یک اشرفی چهار دانگ دینی می دهد و اگر یابو باشد یا
یکی از بچه و مادر عربی باشد یک اشرفی می دهد و در زکوة تجارت چنین بوده باشد
[illegible] مال [illegible] است که سنت است و آن مالی است که مالک شود از انواع معامله
و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت با آن داشته باشد و می باید که قیمت آن بیکی
از نصاب های [illegible] باشد و در تمام سال نصاب باقی باشد و تمام سال ارباب
کرانمایه بخرند یا بفروشند و هرچند سال بگذرد که [illegible] باشد سنت است که زکوة
یک سال [illegible] باقی باشد هر سال [illegible] و [illegible]
[illegible] عبارت [illegible] است که امام [illegible] سنت است که [illegible]
[illegible] باشد [illegible] که [illegible]
و اگر برکت [illegible] حساب نکند [illegible] است که [illegible]
اما [illegible] زکوة [illegible] باشد [illegible] و ساکین و [illegible] کسانی [illegible]
[illegible] باشد که [illegible] خود
[illegible] آن [illegible] است که مسائل واجبه خود را بدانند [illegible]
[illegible] باشد [illegible] است که امام [illegible] که [illegible]
زکوة [illegible] می دهد [illegible] زمان غیبت امام [illegible] جهاد [illegible]
که در این زمان غیبت امام [illegible] باشد [illegible] صرف کردن [illegible]
[illegible] است [illegible] و [illegible]
[illegible] زکوة واجبه باشد باید که [illegible] از زکوة [illegible] حساب نماید و اگر
دیگران از زکوة واجبه [illegible] که [illegible] باشد [illegible] که از دست
[illegible] باشد [illegible] زکوة [illegible] قرض دار [illegible]
کرده باشد [illegible] باشد و در [illegible] باشد [illegible] زکوة
[illegible] در [illegible] زکوة [illegible] جهاد [illegible]
[illegible] علیهم السلام [illegible]
[illegible] است که [illegible] باشد [illegible] مال خود

نداشته باشد [illegible] شیعه اثنی عشری باشد [illegible]
[illegible] مرجند [illegible]
[illegible] باشد و بهتر آن است که زکوة [illegible]
غیر [illegible] که [illegible] باشد [illegible] زکوة [illegible]
[illegible] سید [illegible] و غیر سید [illegible] غیر سید [illegible] است که [illegible]
[illegible] بهتر است که زکوة [illegible] که مصارف زکوة [illegible] که [illegible]
[illegible] در اعمال [illegible] و [illegible] است [illegible]
در بیان [illegible] حالات بدن [illegible] ان [illegible]
ان [illegible] که حضرت امام رضا [illegible] مامون نوشته مذکور است که [illegible]
[illegible] بدان که [illegible]
که [illegible] است [illegible]
[illegible] و [illegible] تمام [illegible]
و [illegible] و [illegible] قوت [illegible]
[illegible] و ایام [illegible] تا پانزده سالگی است و آن ایام [illegible]
[illegible] است که [illegible] که [illegible] سالگی است [illegible]
و آن مدت قوت و [illegible] است و [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] سالگی [illegible] سالگی [illegible]
و آن ایام قوت [illegible] است [illegible]
[illegible] است [illegible] حالت
[illegible] و ایام [illegible] سالگی است [illegible]
حالت می [illegible] روز [illegible] قوت کم می شود
[illegible] است که [illegible] حالات [illegible] حالت [illegible]
و هم چنین در چهار فصل سال در هر فصلی قوت یکی از این چهار طبیعت زیاده است
دیگر در سه ماه [illegible] در ماه اول [illegible]
[illegible] باید که [illegible] و [illegible] مرغ [illegible] است [illegible]

و آشامیده شود و در این فصل بعد از طعام شراب [illegible] و بهمان قدر که شراب [illegible]
[illegible] چیزهائیست که در این ماه باید بخورد بادرنجبویه و ترخون است و مناسبست در این ماه
خوردن مسهل و [illegible] و حجامت کردن و در ماه دوم ایام [illegible] مناسبست خوردن
بریان و چیزهای [illegible] باشد و گوشتهای شکار و حمام بسیار کردن و در حمام
روغن بر بدن مالیدن و بوئیدن ریاحین و چیزهای خوشبو و ناشتا آب نباید خورد و در ماه
سیم که آخر بهار است مناسبست اول روز طعام [illegible] و چیزهای [illegible] و گوشتهای
غلیظ مثل گوشت [illegible] و شیر نباید خورد و در این ماه ریاضت کشیدن [illegible]
خوبست و در [illegible] تابستان [illegible] و زیادتی صفراست و
مناسبست در اول [illegible] خوردن سبزیهای [illegible] مثل کاسنی و خرفه و خیار بادرنگ و [illegible]
[illegible] و چیزهای [illegible] گوشت [illegible]
[illegible] باید کرد و [illegible]
[illegible] نباید خورد [illegible] و در ماه دوم که وسط تابستانست مناسب
خوردن آب سرد ناشتا و چیزهای سرد و تر و غذاهای لطیف که زود هضم شود و چیزی که
در ماه [illegible] داخل شراب کردن و بوئیدن
شکوفه و ریاحین سرد [illegible] و در ماه سیم که آخر فصل تابستانست ایام استیلاء
بادهای گرم و سموم و [illegible] باید [illegible]
سرد خوردن چیزها [illegible] نافعست [illegible] مناسبست و اجتناب باید کرد از جماع کردن
و مسهل خوردن و حرکت سخت کردن که باعث زاری بدن شود باید کرد و مناسبست بوئیدن
کافور [illegible] در ماه اول [illegible] مناسبست خوردن مسهل
و نافعست خوردن شیر [illegible] گوشتهای معتدل مثل گوشت [illegible]
باید بود و اجتناب باید کرد از خوردن گوشت گاو و بسیار خوردن بریان و بسیار حمام
و خربزه و خیار خوردن و بوهای خوش معتدل باید بوئیدن و در ماه دوم که [illegible]
و ایام وزیدن بادهای مختلف است نافعست خوردن گوشتهای [illegible]
[illegible] بادهای گرم و حرکت [illegible]
کردن و جماع کردن و کم خوردن آب و اجتناب باید کرد از [illegible] خوردن و فصد کردن و در ماه

و در ماه سیم که آخر خریفست نافعست در هر روز [illegible] خوردن [illegible] آب گرم و [illegible]
بخوردن [illegible] و حمام [illegible] و جماع [illegible] و سبزیها [illegible] بخورد و در ماه
زمستان فصل زیادتی بلغم است در ماه اول آن ایام وزیدن بادهای تند و
سرماست [illegible] در ماه سابق مذکور شد [illegible] مأکولات و مشروبات نافع [illegible] در این ماه
نیز [illegible] اجتناب باید کرد از خوردن طعام سرد و حجامت و فصد کردن و غذا باید که
[illegible] و در ماه دوم [illegible]
خوردن آب گرم [illegible] ناشتا و خوردن کلمهای گرم و سبزیهای گرم مثل کرفس و [illegible]
و کندنا و [illegible] در اول روز [illegible] روغن گل خیری و امثال آن باید بر بدن مالید و
احتراز باید کرد از خوردن [illegible] و در ماه سیم که آخر زمستان و ایام [illegible]
شدن و وزیدن بادهاست و باران بسیار میشود و گیاهها بسیار میشود و آبها جاری
میگردد نافعست خوردن شیر و گوشت شکار [illegible] و جماع کردن و حرکت کم
ریاضت و [illegible] باید خورد و در طب الائمه علیهم السلام از حضرت
امام رضا علیه السلام مرویست که جمعی از اطبا نزد آنحضرت آمده بودند و از علم طب سخنها نقل
کردند و تجربه [illegible] آن حضرت از [illegible] ایشان ملول شد فرمودند که جهت [illegible]
[illegible]
مداومت نماید در اول تابستان [illegible]
باید کرد [illegible] چنین [illegible] مگر بیماری [illegible]
[illegible] روایت [illegible]
[illegible] زیادتی [illegible] باید کرد [illegible] در فصل
[illegible]
[illegible]
که بخورد چیزهای سرد و تر و چیزهائی که باعث [illegible] روح [illegible] شود و بسیار
حرکت کند و بسیار نظر کند بر روی [illegible] که [illegible] دوست دارد و برای اطفاء حرارت [illegible]
[illegible]
[illegible]

بکشد و چون [illegible] کفاره گناهان [illegible] دارد بسیار دوم و مرض
ما [illegible] کسی که [illegible] میکند و دمی [illegible] میگرداند و دل [illegible]
میماند [illegible] در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و بیان مدت ابتلای مؤمنان منقول
از کتاب [illegible] در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق منقولست که
رسول خدا سر بجانب آسمان بلند کرد و تبسم نمود صحابه از سبب آن سؤال کردند
فرمودند که تعجب کردم از دو ملک که بزمین فرود آمدند و مؤمن صالحی را در جای
نماز خود طلب کردند که عمل روز و شب او را بنویسند او را در جای نماز نیافتند
[illegible] در جای نماز طلب کردیم او را نیافتیم
[illegible] بیمار است حق تعالی [illegible] مثل [illegible] از
افعال خیر در شب و روز میکرده است مادام که در بند منست و در حدیث حسن
حضرت امام محمد باقر منقولست که [illegible] از بیماری و درد بهتر است از عبادت
یکساله و در حدیث معتبر دیگر فرمود که یک شب تب [illegible] با عبادت یکساله و در روایت
حضرت صادق کفاره گناهان گذشته و آینده است و در احادیث [illegible] از آنحضرت منقول
که هر که یک شب بیماری بکشد و قبول کند از آنچه [illegible] باشد [illegible]
از آنچه کشیده و چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی [illegible] ثواب عبادت شصت ساله
باو عطا کند و در حدیث دیگر فرمود که حد شکایت نه آنست که بگوید که دیشب [illegible]
نبوده [illegible] بلکه آنست که بگوید که مبتلا شدم که هیچ کس بآن مبتلا نشده [illegible]
[illegible] است و مثل اینها در احادیث معتبره از حضرت صادق
منقولست که ثواب عظیم با بلای عظیم است و هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشان
را ابتلا میکند [illegible] تا اینجا از حلیه نوشته شد از ابی [illegible] مرویست که فرمود [illegible]
[illegible] از صاحبی [illegible] که [illegible] بسیار
[illegible] آنکه گناهان مرضی [illegible] آنکه [illegible]
[illegible] آنکه اگر [illegible] از حدیث [illegible] که این [illegible]
[illegible] که شکایت [illegible] ثواب عبادت کردن در باب ذکر حقوق [illegible]
[illegible] در بیان انواع [illegible] ربیان [illegible] منقولست [illegible]

[illegible] از حضرت رسول منقولست که فرمود [illegible] است و [illegible] است [illegible]
یعنی صفرا و سودا و بلغم و خون و دوای خون [illegible] است و دوای [illegible]
بلغم حمام است و از حضرت صادق منقولست که از دواهای پیغمبران حجامت کردن
و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و حضرت باقر فرمود که طبابت عربان
همه سه چیز است حجامت و حقنه و دوا در بینی کردن و حمام [illegible]
ایشان واغ است و مرویست [illegible] که بهترین [illegible] حقنه است و دوا
در بینی چکانیدن حجامت کردن و حمام رفتن و نوره کشیدن و در [illegible] مذکور است
که میوه [illegible] دوا است و [illegible] و [illegible]
او را عادت نموده و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت تاب درد دارد
که هر گاه [illegible] طعام بخور و هر گاه [illegible] و هر گاه بول [illegible]
[illegible] و چون [illegible]
[illegible] و فرمود بیمار را [illegible] و فرمود که شفای [illegible]
و [illegible] چهارده روز است [illegible] است که چیزی بخورد [illegible] که [illegible] و
از حضرت امام جعفر صادق مرویست که موسی بن عمران [illegible] کرد که [illegible]
[illegible] فرمود [illegible] عرض کرد [illegible]
مردم [illegible] فرمود [illegible] دیگر از آنحضرت مرویست
که [illegible] که مراد [illegible] است [illegible]
[illegible] و در حدیث صحیح منقولست که [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر فرمود که [illegible]
[illegible] که این [illegible] که [illegible]
از امیرالمؤمنین منقولست که مسلمان باید دوا نکند تا غالب شود بیماری او بر صحت
از حضرت صادق منقولست که هر کس صحتش بر بیماریش غالب باشد و [illegible]
[illegible] از حضرت امام محمد باقر منقولست که [illegible]
[illegible] کرد و فرمودند پاکی نیت و [illegible] است

در فضیلت و آداب حجامت و فصد از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که حجامت کردن
بدن را صحیح میکند و عقل را محکم میکند [illegible] حجامت [illegible] و در فضیلت
که [illegible] حجامت و فصد از جماع احتراز نماید و در اخبار که حجامت
حجامت [illegible] باعث تخفیف درد باشد تا [illegible]
[illegible] که موضع حجامت خوب سرخ شود از [illegible]
[illegible] موضع حجامت و فصد را باید پیش از تیغ زدن روغن مالید
[illegible] حجامت [illegible] بعد از آن [illegible] مالند تا زرد شود
تیغ حجامت و نیشتر فصد را نیز باید که روغن بمالند و بعد از آن زخم سازند و موضع حجامت
[illegible] روغن [illegible] مالند تا [illegible] نشود و باید که
[illegible] که گوشت [illegible] کم باشد و باید که
[illegible] باشد و بموضع فصد پیش از فصد [illegible] خون [illegible]
[illegible] زیرا که پوست را نرم میکند و [illegible] فصد کردن
[illegible] باید خون گرفت تا [illegible] خون بهم رسد و [illegible] فصد یا حجامت
[illegible] باعث [illegible] بعد از حجامت و فصد
[illegible] بعد از شستن موضع حجامت
[illegible] موضع [illegible] زبان اگر [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشند و اگر
[illegible] باشند [illegible] چون [illegible] خود از
[illegible] بعد از فصد و حجامت [illegible] خوردن طعام
[illegible] بعد از [illegible] بعد از حجامت خوردن گوشت
[illegible] روغن [illegible] باید بر موضع حجامت مالید و بعد
[illegible] حجامت [illegible] بعد از حجامت خوردن
[illegible] روغن [illegible]
باید [illegible] بعد از طعام و از بسیاری حرکت و غضب و اعراض و حجامت زنان [illegible]

دران [illegible] اما [illegible] حجامت که [illegible] و [illegible]
اینست که کسی که خواهد حجامت کند در روز شنبه بکند و در روز یکشنبه حجامت کردن
[illegible]
باعث [illegible]
و دیگر آنکه [illegible] چهارشنبه [illegible] باعث عافیت شود از [illegible]
[illegible]
حجامت [illegible] چهارشنبه [illegible] باشد و در روز [illegible]
[illegible] حجامت کردن [illegible] حجامت [illegible]
هر دو کتف و در پشت گردن میکرد [illegible]
[illegible] که از [illegible]
[illegible] حجامت [illegible]
در پشت گردن بود و جبرئیل امر کرد آن حضرت را میان دو کتف و در روایتی در پشت سر
موجب [illegible] فصد
[illegible] روغن بادام شیرین [illegible] خوردن
و از ماهی و سرکه اجتناب کردن وارد شده و در روایتی [illegible]
حجامت [illegible] دو [illegible] حجامت [illegible]
[illegible] أعوذ بالله [illegible] في حجامتي
من [illegible]
[illegible]
[illegible] حجامت [illegible] الله [illegible]
[illegible] حجامتي [illegible]
خونی که از موضع حجامت بیرون آید باعث امانت از درد چشم تا حجامت دیگر
[illegible] از حضرت صادق منقولست که
[illegible] أعوذ [illegible]
[illegible] که [illegible]

٦٨٧

بهم رسانید از برگ و دانه و درخت اسفند ملکی موکلست که تا آنجاست تا آنکه دریشه‌اش
و ساحرین عمر و بعضی در علو حرف کند و در دانه اش شفای هفتاد درد و در روایت دیگر
نیز وارد شده با سقم و ... و از حضرت صادق منقولست که خانه که اسفند در آن
هست شیطان تا هفتاد خانه دوری میکنند و آن شفاست از هفتاد درد که ادنی
آن جذامست و حضرت شکایت کرد از حزن امت خود وحی رسید که امر کن
امت خود را که اسفند بخورند که باعث شجاعت میشود و فرمود که کندر برگزیده
پیغمبران است و هیچ دودی زودتر از دود آن با سمان بالا نمیرود و آن دور کننده
و دفع کننده بلاها است و از حضرت امام حسین منقولست که اگر مردم بدانند که چه منافع
در علیه زرده ... هر آینه ... و از حضرت ... منقولست که خوردن
... فرمود که ... و اسهال ... را
... و از حضرت رسول منقولست که خوردن
... و بواسیر را قطع میکند و ... رطوبت و باطن را نفع میبخشد و
... فرمود ... زیاد میکند و هیچ ... و نافع نیست و حضرت
امام ... فرمود ... از ... است و ... حضرت صادق
فرمود ... حضرت صادق ... الحمد و ...
و ... است و حضرت رسول فرمود که هر که ... در شب ... باشد ...
... و آن حضرت ... و سیاه ... را معروف میکرد
و سید البنات ... است و ... کامی با نمک ... باید
... مثل ... میشود ... نام داد این ... از خوردن
... و ... میکند و ... از ... و ...
کند ... است در ... و در آن ... است و ...
... و حضرت صادق ... فرمود که هر که ... ریزد
... میکند و ... میکند و فرمود که خوردن ... است
... میکند و ... میکند و ... و فرمود که هر که
زنان ... خود ... دفع میکند و ...

و معده را نیرو میکند و ... اکرم میکند و فرمود که ... با یکدیگر ... دفع
میکند ... میکند ... و موجب ... میشود و ...
خوش میکند و ... دفع میکند و قوت ... زیاده میکند و در حدیث
... که ... میکند والله اعلم
... و از حضرت صادق روایت شده که ... و ... که ... و
جمعه ... و در روز جمعه وقت زوال ... پاکیزه بپوشد و ... که
... و چهار رکعت نماز کند و ... کند که وقت ... دو زانو و دو کف دست
... بر زمین ... باشد ... از این نماز ...
... باشد و در هر رکعت از این نماز ده بار ... قل هو الله احد
بار ... قل هو الله احد ... و در هر ...
خود ... و ... بگوید با
... بار ...
... ما
... از ...
... حضرت ... که در ...
... که ... دعا
از حضرت صادق ... که ... لا حول و لا قوة الا بالله ...
... و ...
... حضرت ... که در ...
دست ... بگوید ...
من ... و ... و لا
... علی محمد و آل محمد ...
... لا اله الا ... دیگر ... از
... منقولست که گفت ... در ... چون ... عصر

ما ضعیف شده بود [illegible] که یا ماءع کردم مجروح [illegible] خواب [illegible]
[illegible] اللّهم انّي اسئلك باسمك الّذي اذا سئلك به المضطرّ كشفت
ما به من ضرّ ومكّنت له في الارض وجعلته خليفتك على خلقك ان تصلّي على
محمّد وعلى اهل بيته وان تعافيني من علّتي پس درست میشود و [illegible]
[illegible] و آن کدام را جدا [illegible] کرد [illegible] ضربه باز
[illegible] و در حدیث است که من چنان کردم گویا از بند رها شدم و بسیار کسان
کردند و نفع یافتند دیگر منقولست که شیخ بهاء الدین عاملی رحمه الله گفته
که [illegible] گوسفند [illegible] گوسفند را [illegible] رسانید و باید که
[illegible] گوسفند [illegible] بکند که بیمار [illegible] وقت کرد [illegible]
[illegible] انّا انزلناه في ليلة القدر [illegible] وانزل على هذا
[illegible] که بگوید [illegible] یکبار [illegible]
آن گوسفند [illegible] گوسفند را [illegible] بکرد [illegible]
[illegible] گوسفند [illegible]
[illegible] انّ هذه الشاة لك ومن فضلك ولديك وصل الى
[illegible]
[illegible]
[illegible] فذلك [illegible]
[illegible] بسم الله الرّحمن الرّحيم ويا بديع
[illegible] باشد [illegible] بکند که [illegible] که [illegible] پای [illegible]
[illegible] دست [illegible] دست [illegible]
باشد و آنچه [illegible] است [illegible] کند که [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق منقولست که [illegible] دستها
دست بر موضع درد بگذارد و سه مرتبه بگوید الله الله ربّي حقّا لا اشرك به شيئا اللّهمّ
انت لها ولكلّ عظيمة ففرّجها عنّي و در روایت دیگر وارد شده که [illegible]

[illegible] بانزل الیهما [illegible] الله انزل علی [illegible]
فرموده که دست بر موضع درد بگذارد [illegible] وننزّل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظّالمين الّا خسارا که البتّه عافیت یابد
دیگر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که [illegible] حضرت [illegible]
عارض میشد میفرمود که بگوید [illegible] شفائك وداوني بدوائك
وعافني من بلائك فانّي عبدك وابن عبدك [illegible] منقولست که [illegible]
در بیماری [illegible] حضرت [illegible] اللّهمّ [illegible]
[illegible] منقولست که [illegible]
[illegible] که [illegible] بیمار [illegible] از آن [illegible]
[illegible] از امام جعفر صادق منقولست که [illegible]
امام حسین [illegible] که [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] آن [illegible]
[illegible] و در روایت دیگر فرموده
حرام است مانند گوشت خوک و هرکه بخورد و بمیرد [illegible] مگر گل قبر حضرت
امام حسین که در آن شفای هر دردیست [illegible]
[illegible] و در حدیث دیگر فرموده که [illegible]
دیگر فرموده که [illegible] امام حسین [illegible]
دیگر [illegible] که [illegible]
از [illegible] حضرت [illegible]
ابی عبدالله منقولست که [illegible]
[illegible] و در بعضی روایات [illegible]
و در بعضی [illegible]
تربت [illegible]
[illegible] و احادیث [illegible]
خوردن [illegible]

منقول است که گفت بخدمت حضرت صادق عرض کردم که من درد و بیماری بسیار دارم
و هر دوائی که مداوا کرده‌ام نفع نداده‌ام فرمود چرا غافلی از تربت حضرت امام حسین
که در آن شفای هر دردی هست و ایمنی از هر خوفی و چون تربت را برداری این دعا را بخوان
اللهم انی اسئلک بحق هذه الطینة وبحق الملک الذی اخذها وبحق النبی الذی
قبضها وبحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا
و بجای کذا و کذا حاجتهای خود را بطلبد پس فرمود ملکی که تربت را اخذ کرد جبرئیل بود که تربت
را بحضرت نمود و گفت این تربت حسین پسر تست که بعد از تو امت تو شهید خواهند کرد و پیغمبری که
اخذ نمود محمد بود و وصی که در آن مدفون است حسین بود راوی گفت بعد عرض کردم مدتی
... شفا یافتم از آن بحکم آن امام که فرموده بود مرا و از
پادشاهی با عمران رئیس رحبه بیرون می‌رفتم که تربت حضرت با من باشد پس گفتم
ای احدکم من ذلیل وذلک فاجعله لی امانا وحرزا لما اخاف وما لا احذر
بزرگ که راوی بلای چند وارد می‌شد که خوف از آن داشتند و عادت کرده
حمایت حضرت نمود من تربت را همراه کردم و سعادت درس و امان از آن هم رسید
از حضرت منقول است که حضرت صادق فرمود که وقتی که تربت بخواهید بخورید
آن را ببوس و بر دو دیده بگذار و زیاده از یک نخود مخور و بگو بسم الله وبالله اللهم رب
هذه التربة المبارکة الطاهرة ورب النور الذی انزل فیه ورب الجسد الذی
سکن فیه ورب الملائکة الموکلین به اجعله شفاء من داء کذا وکذا و بجای کذا
نام آن آزاری که دارد بگوید پس تربت را بخورد و در حدیث دیگر است بعد از آن بخورد و بگوید
اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء وسقم چون چنین کرد
دفع می‌نماید آنچه بخورد می‌یابد از درد و بیماری و غم و اندوه و از حضرت صاحب الامر
روایت کرده‌اند که هر که ... آید عمارا در طرف چپ تربت حسین و آب زمزم
و دو بند بخورد که انشاء الله شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
والحمد لله شفاء ولا اله الا الله کفاء وهو الشافی شفاء وهو الکافی کفاء
اذهب البأس رب الناس شفاء لا یغادره سقم وصلی الله علی محمد وآله النجباء
و در روایت دیگر هست که با گلاب بنویسند و در روایت دیگر با آب نیسان املا

اما ادویه دیگر در حدیث است که شخصی بخدمت حضرت امام علی نقی عرض کرد که در منزل ما
شخصی را عقرب گزیده است و بیم است که هلاک شود فرمود بخورانید باو
دوای جامع را که از حضرت امام رضا بما رسیده است پس فرمود که سنبل و زعفران
و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفید و بنج تخم سفید هر یک جزوی و فربیون
را در عسل ... بسایند بنرمی و ... بعد از آن ... کنند و ... باشد
خبر کند و کسی را که مار یا عقرب گزیده باشد بقدر حبه‌ای از آن بخورد
که در ساعت شفا می‌یابد و از حضرت امام رضا روایت کرده است که درد پهلو
و لقوه بکشد از آب برگ مورد بینی می‌چکانند و از حضرت امام محمد تقی نقل
کرده است که درد ... بگیرند ...
...
و درد پهلوی راست ... و از حضرت
منقول است که ...
و در حدیث دیگر ... و از حضرت
رسول منقول است که اگر مردم بدانند که در سنا چه منفعت هست ...
سفال ... و دیگر ... و لقوه
... سیاه ...
... جواب ...
فواید ... و حرارت ... کرده
... و ...
عناب ... کرده‌اند
و ... و ...
و ...
در ... کنند و در وقت
در ... و در ... وقت و
شب ... دست و پا ... و حرارت ... و نهای

ان وضع را شوربا بپزند که خون در آید و قدری بخورد با روغن بادام تلخ یا روغن صنوبر
بپزند و قدری را در بینی بچکانند و با ماش بریان ... و ضم باشند و چون نوزده [illegible] بگذرد
اگر آب شیرین بر آن کرده باشد [illegible] خود از این دوا [illegible]
[illegible] سود و سودی دارد [illegible] نافع است و چون بیستم بگذرد
بگندمی از آن گرفته تا آب کند [illegible] کوبیده شود [illegible] شود و اندکی
[illegible] نافع است [illegible]
و روایت از حضرت صادق که شکایت [illegible] جبرئیل برای حضرت رسول آورد
که چهار رطل [illegible] چهار رطل شیر [illegible] بریزند و بپزند
[illegible] روغن بماند
[illegible]
[illegible] ایام زمستان [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
که [illegible] حضرت صادق [illegible] که چیزی [illegible]
حضرت فرمود که [illegible] باعث هضم طعام میشود و [illegible]
[illegible]
[illegible] زمستان [illegible]
و در تابستان [illegible]
[illegible] عسل [illegible]
که [illegible] عسل [illegible] و زعفران و قرنفل [illegible]
[illegible]
[illegible] کردم [illegible]
[illegible]
که حضرت رسول [illegible] جبرئیل [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] بسم الله [illegible] بسم الله [illegible]
بسم الله [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع

النجوم [illegible] باذن الله دیگر حضرت صادق فرمود که [illegible]
[illegible]
[illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
من القوم الظالمین [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]
[illegible]
[illegible] باذن [illegible] باذن [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق روایت [illegible]
[illegible]
[illegible] سوره [illegible] امام جعفر
صادق روایت [illegible] سوره [illegible]
[illegible]
حضرت روایت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible]
دیگر مرویست که [illegible]
مذکور است که هر که این سوره [illegible]
[illegible] امام جعفر صادق مرویست که هر که سوره [illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ
لا یبغیان [illegible]
[illegible] هم الغالبون و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون
وان جندنا لهم الغالبون دیگر مرویست [illegible]

به زنبور نیند ... و روایت دیگر برای
دفع ... بسم الله الرحمن الرحیم
ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر
جمیعا ... [illegible]
[illegible] ... مکارم الاخلاق
نوشته ... در ... اول باید نوشت طلبوا
... دیگر ... باید ... و بروایتی کلمات
... [illegible] ...
دیگر ... روایت شده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ... برای
دفع ... انهم ...
[illegible] ... من کنت ... الا
[illegible]
... [illegible] ... ان محمدا عبده و رسوله صلی الله
علیه و آله ... در احادیث بسیار وارد شده است که ...
... که مقدار ده درهم ...
... و ... وارد شده ...
دیگر است که ...
... باید نوشت و ...
کرد و ... حضرت امام محمد
باقر فرمود که علاج ...
... و روایتی دیگر
... دیگر باید خورد
و از برای ... باید خورد
که ... در ادعیه و ... در دفع ...
از حضرت امام جعفر صادق روایت شده که دست بر موضع درد باید گذاشت و ...

و سه بار بگوید ... [illegible] ... لما ... علیه
... از حضرت روایت شده که ... باید گفت بسم الله
و بالله ... [illegible]
... باید گفت و سه بار ... [illegible]
... [illegible] ... و دیگر از حضرت
روایت شده که از برای ... باید گفت و ...
... باید ...
... [illegible]
... [illegible] ...
... صلی الله علیه و آله ...
و لا قوة الا بالله العلی العظیم ...
... باید گفت بالله ...
و ... [illegible]
دیگر ... امام جعفر صادق روایت شده که از برای ...
... رسول الله صلی الله علیه و آله
... [illegible]
... از حضرت روایت شده که دست ... باید گفت ...
باید گفت ...
فی ام الکتاب ... [illegible]
و ... در ...
... حضرت امام علی ...
منقولست که از برای درد سر ... ان السموات و الارض
کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون دیگر برای درد سر
مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق روایت شده که دست بر موضع درد بگذارد
و بگوید اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر و البحر و ما فی السموات و ما فی الارض

وهو شبیع لعلم دیگر از امام جعفر عسکری منقول است که از برای دفع درد سر این کلمات
[illegible] را بخورد اولم یر الذین کفروا ان السموات
والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون دیگر این حرز را
بنویسد و [illegible] حضرت [illegible] بر سر بوده
بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله
فان الله سریع الحساب [illegible] وعزة [illegible] وسلطان [illegible]
لا اله الا الله [illegible] لا اله الا الله موسی کلیم الله لا اله الا الله
[illegible] محمد رسول الله [illegible] صلی
الله علیه وآله [illegible] له ما فی السموات وما فی الارض
[illegible] والناصبین
الا [illegible] چنین است که چون
سورة القلم را بنویسد [illegible] دیگر چون سورة التکاثر را بر سر
بخوانی درد [illegible] از حضرت امام جعفر صادق
روایت شده که دست [illegible] که درد دارد بگذارد و سه بار بگوید یا ظاهرا موجودا و یا
باطنا غیر مفقود [illegible] عبدک الضعیف [illegible] واذهب عنه
ما به من اذی [illegible] از حضرت امام جعفر
صادق روایت شده که [illegible] ولو ان قرآنا سیرت
به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات
یتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا [illegible]
[illegible] وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء
وقضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین علاج هر که
[illegible] درد سر را دفع کند [illegible]
و میان [illegible]

[illegible] بنویسد [illegible]
[illegible] عظیم [illegible]
[illegible] درد سری که باشد یا درد دندان [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت امیر المؤمنین روایت شده
[illegible] بالعزیز [illegible]
[illegible] رسول الله صلی الله علیه وآله [illegible]
[illegible] در مصباح کفعمی از حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] چنین است که چون سوره [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سورة التحریم را [illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله [illegible]
[illegible]
[illegible] در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق روایت شده که از برای دفع [illegible]
[illegible]
صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] چنین است که چون [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] باید که در شب [illegible] رکعت نماز کند در رکعت اول فاتحه
بکند و سوره یس یکبار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و سوره دخان یکبار و در رکعت سیم فاتحه
بکند و سوره لقمان یکبار و در رکعت چهارم فاتحه یکبار و سوره [illegible] یکبار و چون سلام دهد
حمد و ثنای حق تعالی [illegible] صلوات [illegible]
[illegible] و بعد از آن بگوید اللهم ارحمنی بترک المعاصی ابدا ما ابقیتنی [illegible]

مرات [illegible] ما لا يعنيني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني اللهم بديع السموات
والارض ذا الجلال والاكرام والعزة التي لا ترام اسألك يا الله يا رحمن بجلالك
ونور وجهك ان تلزم قلبي حفظ كتابك كما علمتني وارزقني ان اتلوه على النحو
الذي يرضيك عني واسألك ان تنور بكتابك بصري وتطلق به لساني وتفرج به
عن قلبي وتشرح به صدري وتستعمل به بدني وتقويني على ذلك وتعينني عليه فانه لا
يعين على الخير غيرك ولا يوفق له الا انت ايضا در كتاب [illegible] صلى الله عليه وآله
روايت [illegible] كه [illegible] بتعالى از [illegible] قرآن و [illegible] قرآن كند
بايد كه بنويسد اين دعا را [illegible] مذكور شد در ظرفي پاكيزه [illegible] بعد از ان
[illegible] باب باران پيش از انكه بزمين رسيده باشد و بياشامد [illegible] ناشتا
[illegible] كه حافظ [illegible] واين دعا بايد [illegible] مصابيح
[illegible] و در [illegible] كه از [illegible] و زعفران [illegible]
[illegible] و ايضا در ان كتاب [illegible] روايت شده كه حضرت رسول
فرموده كه تعليم [illegible] قرآن [illegible] الرحمن [illegible]
[illegible] ما لا يعنيني وارزقني حسن النظر فيما يرضيك عني
[illegible] على النحو الذي يرضيك عني
[illegible] نور بكتابك بصري وشرح به صدري وفرح به قلبي واطلق به
لساني واستعمل به بدني وقوني على ذلك واعني عليه انه لا معين عليه الا انت لا
اله الا انت ايضا در دعوات الراوندي خبر است كه حضرت [illegible] علي بن ابي طالب [illegible]
[illegible] سبحان
من لا يعتدي على اهل مملكته سبحان من لا ياخذ اهل الارض بالوان العذاب
سبحان الرؤف الرحيم اللهم اجعل في قلبي نورا وبصرا وفهما انك على كل شيء
قدير و در خواص السور چنين است كه چون سوره حشر را در جامي [illegible]
[illegible] سوره المدثر را [illegible]
[illegible] حافظ قرآن [illegible]
حافظ قرآن كند ايضا [illegible] باعث كم نسيان شود [illegible]

وآيات [illegible] ولا تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا لنفتنهم
فيه ورزق ربك خير وابقى وأمر اهلك بالصلوة واصطبر عليها لا نسئلك رزقا
نحن نرزقك والعاقبة للتقوى [illegible] اين آيات [illegible]
و [illegible] آيات
بسم الله الرحمن الرحيم الر كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور
باذن ربهم الى صراط العزيز الحميد الله الذي له ما في السموات وما في الارض
وويل للكافرين من عذاب شديد الذين يستحبون الحيوة الدنيا على الآخرة ويصدون
عن سبيل الله ويبغونها عوجا اولئك في ضلال بعيد وما ارسلنا من رسول الا بلسان
قومه ليبين لهم فيضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وهو العزيز الحكيم [illegible]
[illegible] كه [illegible] بعد [illegible] رب
[illegible] يا حي يا قيوم [illegible] فلا تنسى [illegible]
[illegible] در ان [illegible] است كه [illegible]
[illegible] ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما حملته
على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا
انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين [illegible]
سنقرئك فلا تنسى ايضا [illegible] يا حي
يا قيوم يا لا اله الا انت اسألك [illegible] اللهم صل على محمد [illegible]
از امام جعفر صادق روايت [illegible] كه [illegible]
[illegible] صلى الله على محمد وآل محمد اللهم اني اسئلك يا مدرك
[illegible] ذكر [illegible] جواهر [illegible]
[illegible] است كه چون [illegible] بايد كه چون [illegible]
بگويد بسم الله [illegible] اعوذ بالله من الشيطان الرجيم [illegible]
[illegible] كه كثرت [illegible] بايد كه [illegible]
[illegible] كه [illegible]
اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم [illegible] كه [illegible]

روزه داشتن و قرآن خواندن و سؤال کردن و آیة الکرسی خواندن است و چیزهائی که باعث
نسیان است خواندن لوح قبر و خوردن سیب ترش و خوردن گشنیز سبز و بول کردن در آب
ایستاده و خوردن پنیر و [illegible] است اما درد [illegible] از حضرت رسول منقولست که برای درد
سر روغن گشنیز را در بینی بچکانند ایضاً حضرت صادق فرمود که حجامت در وسط سر از آنکه
داخل حمام شوند مستحب است و [illegible] هر مرتبه [illegible] کرده است که حضرت
امام رضا [illegible] در [illegible] که [illegible] است که عنبر
فرمود که روغن [illegible] بعد از طعام خوردن به دماغ بچکانند ایضاً [illegible]
[illegible] بعد از [illegible]
و درد [illegible] کرد ایضاً [illegible] سیاه [illegible] کند [illegible]
دماغ [illegible] که زکام [illegible] میکند و در حدیث است که زکام [illegible] علاج
حدیث دیگر فرمود که زکام لشکری از لشکرهای خداست خدا میفرستد که دردهای
بر طرف کند و در کتب [illegible] است که [illegible]
[illegible] که در [illegible] داشته باشد برطرف شود [illegible] خصوص درد دندان و [illegible] گوش
[illegible]
[illegible] در [illegible] دستی [illegible] است
[illegible] که [illegible]
[illegible] است [illegible]
[illegible] الزعفران [illegible]
[illegible] و [illegible] است و [illegible]
[illegible] در معالجه امراض [illegible] و [illegible] ادویه اما [illegible]
در [illegible] که هر که چشم کسی [illegible] باید که [illegible]
[illegible] که [illegible] حضرت رسول برای درد چشم [illegible]
اللهم متعني بسمعي وبصري واجعلهما الوارثين مني وانصرني على من ظلمني
وأرني فيه ثأري [illegible] که برای [illegible] چشم [illegible]
[illegible] چشم [illegible] الکرسی [illegible]

خواند [illegible] است که [illegible] چشم [illegible]
ان [illegible] و چشم [illegible]
و [illegible] است که [illegible]
[illegible] در چشم [illegible] درد های چشم
ایضاً [illegible] و درد [illegible]
شود ایضاً [illegible] و [illegible] که از چشم داشته باشد
ایضاً [illegible]
[illegible] ایضاً [illegible]
[illegible] چشم [illegible] ایضاً
[illegible] که درد [illegible] ایضاً [illegible]
بر چشم [illegible] مکارم الاخلاق [illegible] است که [illegible]
باید که [illegible]
مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا
حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین [illegible]
[illegible] چشم [illegible] ایضاً [illegible]
[illegible]
الیوم [illegible] ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون [illegible]
[illegible] در چشم [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] فی زجاجة الزجاجة کأنها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة
ولا غربیة یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء
ویضرب الله الامثال للناس [illegible] است و [illegible]
وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر
[illegible] روایت است [illegible] که [illegible] در چشم [illegible]
[illegible] امام جعفر صادق از حضرت [illegible] فرمود که [illegible] کند درد [illegible]

ورده کند و در حدیث [illegible] است که بعد از نماز صبح و نماز شام بگو اللهم انی اسئلک
بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی
دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر
لک ابدا ما ابقیتنی و در روایت دیگر چنین است که این دعا را هفت بار بعد از نماز صبح
[illegible] باید کرد و در چشم [illegible] باید گفت [illegible]
[illegible] از سلیمان [illegible] روایت [illegible]
امام جعفر صادق [illegible] در چشم [illegible]
[illegible] در چشم [illegible] درد چشم [illegible]
[illegible] گفت این تعویذ کردم [illegible]
[illegible] اعوذ بعزة الله و قدرة
[illegible] و اعوذ [illegible] الله اعوذ [illegible]
رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] علی [illegible]
[illegible] فی النجوم فقال انی
سقیم [illegible] من الطیبات فتبارک الله رب العالمین
یا حنان یا عظیم یا کبیر یا جلیل یا منیع یا فرد یا وتر یا رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین
بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا حلیم [illegible] یا جلیل یا جمیل یا فرد
[illegible] ان تصلی علی محمد و آل محمد [illegible] فی قبری [illegible]
[illegible] فی قبری [illegible]
[illegible] ابو یوسف [illegible] حکایت [illegible] موسی بن المؤمن
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] در چشم [illegible]
[illegible] در اول [illegible]
[illegible] در چشم [illegible]
[illegible] لقد کنت فی
غفلة من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید [illegible]

[illegible] آب [illegible] در چشم کند از جمیع آزار [illegible]
[illegible] بعد [illegible]
[illegible] در چشم [illegible]
[illegible] در چشم کند آب [illegible]
و در چشم [illegible] در چشم کند [illegible] در چشم [illegible]
کند و [illegible] زعفران و عنبر [illegible] در چشم
کند حرارت و ظلمت که داشته باشد دفع کند و هر که لعاب [illegible] در چشم کند
[illegible] در چشم [illegible]
[illegible] در چشم [illegible] در آن
[illegible] از حضرت امام جعفر صادق
روایت شده که دست بر روی باید گذاشت و باید گفت [illegible]
[illegible]
[illegible] الرحیم [illegible]
لا اله الا هو الملک القدوس [illegible] المتکبر [illegible]
[illegible]
[illegible] روایت شده که دست [illegible]
در درد [illegible] باید گفت [illegible]
[illegible]
دست [illegible] در گوش [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible] روایت [illegible]
[illegible] سوره فاتحه [illegible]
[illegible] در گوش [illegible]
[illegible] در گوش [illegible]

بیان [illegible] فی الفور ساکن شد و منقولست از آنحضرت سؤال نمود که این امور [illegible]
کنند حضرت فرمود که فاطمه علیها السلام روزی شکایت نزد رسول خدا کرد از درد دندان
پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشت سبابه راست خود را در دهن او گذاشت و [illegible]
[illegible] این دعا خواند که بسم الله و بالله اسئلک بعزتک و جلالک و قدرتک
علی کل شیء [illegible] روحک و کلمتک ان تکشف ما تلقی فاطمه بنت خدیجه
من الضر کله پس ساکن شد درد او [illegible] بیمار [illegible] حکایت بود
[illegible] بر حضرت کنند که [illegible]
و [illegible] اسکن [illegible] بالذی [illegible] بعزته و علی [illegible]
و [illegible] درد کردن در [illegible]
چنین است که [illegible] در رکعت [illegible] بیاید [illegible] هر رکعت فاتحه
یکبار [illegible] سه بار در [illegible] منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت
از [illegible] فرمود که [illegible] روایت دیگر
که [illegible] برای [illegible]
[illegible] دندان [illegible] شکایت کرد بحضرت امام
جعفر صادق فرمود [illegible]
[illegible] و [illegible] که [illegible]
قطع میکند [illegible] چشم را [illegible] چشم را [illegible]
[illegible] سؤال کرد [illegible] چشم [illegible]
میکند و در روایت دیگر از حضرت امام موسی منقولست که [illegible]
[illegible] بیرون [illegible] در چشم بکشند که [illegible]
میکند و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت نزد [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] بگیر [illegible]
[illegible] چند قطره در گوش [illegible]
[illegible] روغن [illegible]
[illegible] در گوش [illegible]

بچکانند و پنبه در گوش بگذارند و سه روز چنین کنند تا شفا یابد ان شاء الله [illegible]
روغن زیت [illegible] چند قطره در گوش بچکانند و از حضرت امام موسی منقولست
که برای درد دندان سعد [illegible] بکار برند و فرمود که سرکه که از شراب بعمل آورده باشند
بن دندان را محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که حجامت بکن و در حدیث معتبر
دیگر فرمود که برای درد دندان حنظل را بگیرد و پوستش را بکند پس روغنش بگیرد
دندانش اگر کرم خالی شده باشد در میان آن دندان چند قطره از آن روغن بچکاند
و پنبه را بآن روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و [illegible]
کند اگر بن دندان درد کند در آن گوشی که [illegible] دندان واقع است
دو قطره [illegible] بچکاند و باز فرمود که هر کس درد دندان داشته باشد [illegible]
دندانش [illegible] درد کند یا دهانش [illegible] باشد [illegible]
[illegible] حنظل تازه که [illegible] باشد و زرد شده باشد بگیرد و [illegible] بگیرد
سوراخ کند و کاردی از آن سوراخ داخل کند [illegible] سوراخ
شود پس سرکه بسیار تندی که از شراب بعمل آورده باشند در آن سوراخ بریزد و [illegible]
آتش گذارد که [illegible] گرم شود [illegible]
بر دندانها و دهان [illegible] بعد از آن سرکه [illegible] کند و اگر خواهد [illegible] در میان
در سینه [illegible] بکرمانی [illegible] سرکه [illegible]
[illegible] حضرت امام علی نقی فرمود که [illegible]
[illegible] باشند نافع باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] با سرکه [illegible]
[illegible] داده [illegible]
فرمود که [illegible]
فرمود [illegible]
و [illegible] کند و گفته [illegible] منقولست که [illegible]
[illegible] درد [illegible]

برود [illegible] حضرت امام رضا [illegible] در خواب [illegible] فرمود که سعد درد من
[illegible] بعد از چندگاه شنیدم که حضرت امام رضا علیه السلام
[illegible] بخدمت آن حضرت رفته و حال خود را عرض کرد [illegible]
فرمود که در خواب فرموده بود چنان کردم [illegible] از حضرت رسول منقولست
[illegible] در معالجه حمای وفروح و
جروح [illegible] از ادعیه وادویه اما ادعیه در حدیث
[illegible] حضرت امام رضا منقولست که [illegible] مر حمای [illegible]
[illegible] بگو [illegible] یا رؤف یا رحیم [illegible]
[illegible] که [illegible] بسم الله [illegible]
[illegible] سه بار [illegible] ابدا بالله [illegible]
[illegible] وجروح از حضرت امام رضا
منقولست [illegible] باشد باید که در وقتی که بجامه خواب در آید بگوید
[illegible] کلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر
کل ذی شر [illegible] چنین است که [illegible] باید [illegible]
[illegible] الحاد [illegible] المولود [illegible]
[illegible] الشراب [illegible] بسم الله [illegible]
[illegible] بعد از آن [illegible] زمین [illegible] که گوشت زیادتی [illegible]
[illegible] در مکارم الاخلاق از امام رضا روایت شده
[illegible] از آن [illegible] بسم الله
الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت
الارض رجا وبست الجبال بسا فکانت هباء منبثا ویسئلونک عن الجبال فقل
ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا یومئذ یتبعون
الداعی لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا بعد از آن [illegible]
[illegible] بر آن [illegible] بدو [illegible]
[illegible] آن الله [illegible] بود که [illegible] عمل در تحت الشعاع

الشعاع [illegible] که صاحب [illegible] داره وبرتول [illegible] آیات
آخر سوره حشر را [illegible] وعلی الغور [illegible]
لو انزلنا هذا القرآن تا عزیز الحکیم [illegible] که صاحب [illegible]
در هر یک از این آیات [illegible] از آن [illegible]
از آن [illegible] در موضع [illegible] که این عمل [illegible] تحت الشعاع
[illegible] وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا
لَهَا مِنْ قَرَارٍ [illegible] از امام رضا روایت شده که [illegible] که در
[illegible] که [illegible]
[illegible] بسم الله [illegible]
[illegible] در [illegible]
المؤمنین روایت شده که در [illegible]
وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ [illegible]
[illegible]
در وقت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] یا رب [illegible] یا آدم
[illegible] صلی الله علی محمد [illegible]
[illegible] فی الدنیا والآخرة [illegible] علی [illegible]
[illegible] در حدیث [illegible] که [illegible]
[illegible]
[illegible] از حضرت صادق
منقولست که [illegible]
[illegible]
[illegible]

ثَبَّتَ وَبِهِ أَسْحَمَتْ ... که در زمین ... و در سیبه مذکور است که چون
سوره ... نوبی و ... و ... رحوش ... اسوب ... نبود که از آنجا
روی ... ابصار ... ماندن ... مذکور ... شود و در مکارم الاخلاق است
که ... در ... ماحب ... جوشن ...
... وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا
مِنْ قَرَارٍ ... وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ...
... که ... دفع ... بشکل ... بنویسد و ... کرده
و ... که ... دفع ... نوع ... ماح ...
... آیتا ... بشکل مذکور ... مندسه ... بنویسد ... و بازو ... باید
مربعرا ... جمع ... با شد ... نوع ... است
نوع دیگر ... که ... باید و
چون معلوم شود که طفل ... بیرون آورد ... او
... که ... خوب ... بیرون ...

دیاده ... بیرون بیاورد در ... آرد ...
که ... مذکور شد ... حرفات ...

در ... نوشته است و ... آن ... اگر طفلی ... الم
بیرون ... ماند ... در ... تنه بصیر الم
جسم ... طفلی که ... دندان ... باشد ... الکه الم
... که ... بیرون ...
... که ... بیرون ... نوع دیگر
این ... در ... و ...
وَالْجِبَالِ ... الْيَوْمَ ...
... الْإِنْسَانُ ... مِنْ ... الرحيم ...
... در وقت ... بیرون ... مرکب ...

و ... الرحیم ... که در طفل ...

دو ... در ... بله ... در ... دیگر اگر ... در دو
با ... بگوید ... دو ... که ... بیرون
هم جنین ... بروغن گل ... و ... دو ... اسفیوش
بوسیله ... کردن ... باشد ... که ...
بیرون ... اول که ... ظاهر ... انگشت شهادت ... کرداند و ...
مرتبه بگوید ... و در مرتبه ... انگشت ...
بگذارد ... و ... این آیات ... بنویسد ... کهنه ...
بسم الله الرحمن الرحيم وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ
مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ...
وَأَنْتَ لَا ... اللَّهُ ... در ... صحیح
و معتبر ... که ... حضرت صادق ...
او ... بحضرت ... که ... صوت ...
... یا علی یا عظیم ...
یا رحیم یا سامع الدعوات ... صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ... وَالْآخِرَةِ ... أَهْلُهُ
وَاصْرِفْ عَنِّي ... فَإِنَّكَ ...
در ... که ... رسیده بوده که ...
من ... ایضا ... در ... و ... وجود ...
سوره انعام وارد شده ... در مکارم الاخلاق ... است که ... بنویسند
و ... وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ...
... که ...
... در مکارم الاخلاق ... است که
... این کلمات را در ... بنویسند ...
... بخیر ...
... این کلمات ... بنویسند ... حتی

تحت العرش ابعاد و مناح ... این کلمات را تا پوست فقرا شد کرهن
کرده باشد و حنک را دیگر باب القاموس ما دو حضرت امام محمد باقر برای حما
جز لعمی فرمودند که قدری از قرآن بگیرد و همان قدر از سیب بزند و مزد و برابر بسوی تازه
بمال و بوزد بس نزد سکندر ارمانی وقت نماز ظهر و وقت نماز عصر بس باز کنار
که دو بیمار ان جا کرد و ... جراحت کار و اگر جراحت سوراخ داشته باشد
کمان اینها کرده و نیز الزرد کن و میان جراحت بگذارد در حدیث معتبر منقولست که حرجی
دیدن متوکل بود و اند که مشرف بر هلاک شد و اطبا جرات نمی کردند که نیشتر زنند
فتح بن خاقان وزیر متوکل عرض کرد حضرت فرمود که سرگین گوسفند که در زیر دست و پا
گوسفند سرشته بیند دیگر در گلاب مخلوط کنند و بر آن جراحت بگذارند چون این
خبر با نشان رسید خندیدند که این چه دوا است میکند وزیر گفت که آن حضرت دانا تر
عهد خویش است باید کرد بس به عمل آوردند و درد ساکن شد و خواب
رفت بس آن جراحت گشود و حرك بسیار از آن ریزد و شفا یافت و از حضرت صادق
منقولست که ... را گوشت بخوردن ... میکند و در حدیث دیگر
که شخصی شکایت کرد از حضرت امیر ... فرمود که بحمام برو و هار ... مخلوط کند
در آن موضع بمال که شفا خواهد یافت و از حضرت امام موسی منقولست که هیچ چیز برای
... تب ... از حضرت امام حسین ... ان موضع بمالد فرمود
که در نسخه حضرت رسول ... و فرمود از کسی که ... داشته باشد
برطرف ... فرمود از کسی که ... باشد با ایشان معاشرت مکنید
... و حضرت امام موسی ... در ... وقت
... منقولست که شخصی از حضرت ... کرد که
ماده طاعون ... است فرمود که سبب ... خورده عاقبت ...
در معالجه ... و ... و درد پشت و درد کمر و درد شکم و درد دل و ...
درد ... و درد ... و درد ... و درد ... و دفع الم ... و ...
... در مصباح کفعمی مذکور است که چهار رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از
حمد سوره الم نشرح یکبار و در دوم ... تا آخر و در ... سه بار و در ... بعد از حمد

... و درد ... مداوا ... این دعا را بخواند ... لا اله الا
... حکایت کرد ... امام حسین از
درد سینه حضرت فرمود که ... از آن ... این دعا را برای
دفع درد سینه بخواند ...
... المومنین ... تعملون بما
امام رضا منقولست که فرمود این دعا ... از برای ...
يا الله يا رب الارباب و يا سيد السادات و يا اله الالهة و يا ملك الملوك و يا
جبار السموات و الارضين اشفني و عافني من دائي هذا فاني عبدك و ابن عبدك
اتقلب في قبضتك و ناصيتي بيدك ... سه مرتبه ... بخواند
... حضرت امیر المومنین فرمود که دست بر موضع درد گذارد
و سه مرتبه این آیه را بخواند ... الا باذن الله كتابا مؤجلا
و من يرد ثواب الدنيا نؤته منها و من يرد ثواب الآخرة نؤته منها و سنجزي
الشاكرين و بعد ... در ... بر ...
... که دست بر موضع درد بگذارد و ...
... در مکارم الاخلاق منقولست که
برای ... این آیات را ... لا اله الا هو و الملائكة و اولو
العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام و ما اختلف
الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم و من يكفر بآيات
الله فان الله سريع الحساب ... حضرت امیر المومنین فرمود ...
... يا الله يا رحمن ... يا رب الارباب يا اله الالهة يا
... اشفني بشفائك من كل داء و سقم فاني عبدك
و ابن عبدك اتقلب في قبضتك ... در مکارم الاخلاق از امیر المومنین ...
... که اگر ... این دعا ...
... در مکارم الاخلاق چنین است که ...
... موسی ...

... مرتبطه

سه بار بگوید [illegible] خرجت باذن الله و برای درد دل در مصباح کفعمی چنین است که
این آیه [illegible] و صاحب درد [illegible] بخورد شفا یابد ان فی ذلک لذکری لمن
کان له قلب او القی السمع وهو شهید [illegible]
درد دل [illegible] شفا یابد [illegible] موضع درد [illegible]
دل درد [illegible] و در مکارم الاخلاق چنین است که این آیات را [illegible] بخواند
و صاحب درد دل باید [illegible] بخورد شفا یابد [illegible] من النار
[illegible] و یولون الادبر [illegible] والساعة ادهی وامر [illegible]
[illegible]
[illegible] این آیات را [illegible] و صاحب درد دل [illegible] و صاحب
دل درد [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا
وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب
فیه ان الله لا یخلف المیعاد الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله
تطمئن القلوب الذین آمنوا وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن مآب [illegible]
[illegible] و در مکارم الاخلاق چنین است که [illegible]
[illegible] در مصباح کفعمی [illegible]
[illegible] روایت شده که دست [illegible] لکتاب عزیز
لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم حمید [illegible] مکارم
الاخلاق چنین است [illegible]
[illegible] امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که
[illegible]
[illegible] العظیم [illegible] الذی لا یضر مع اسمه شیء [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت صادق [illegible]
[illegible] لا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم [illegible] در مصباح کفعمی [illegible]

محل [illegible] روایت شده که صاحب این درد چون از نماز فارغ شود دست بر موضع سجده
گذارد و بگوید افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون فتعالی الله الملک
الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم ومن یدع مع الله الها آخر لا برهان له به
فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون وقل رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین
[illegible] این آیات را از [illegible] در وقت [illegible]
[illegible] وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یمسسک
بخیر فهو علی کل شیء قدیر و در مکارم الاخلاق [illegible] روایت شده که [illegible]
[illegible]
[illegible] روایت شده که دست [illegible]
[illegible] لا حول ولا قوة
الا بالله [illegible]
درد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب
لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب [illegible]
[illegible] قل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا
وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک [illegible] وکبره تکبیرا
[illegible]
[illegible]
[illegible] در مکارم الاخلاق چنین است [illegible]
دعا [illegible] اللهم ان کان [illegible]

فرج فرمود که عورت خود را در موضعی که نه سزاوار بوده است و این بسیار بد
دران ... ... رج بود که دو ... دنار المتواتر بسم الله فمن
اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم
يحزنون ... اسأله ... ترى ... لا ... ولا ...
... ... که ... و ... و اسیر ...
بالد ... که مرکب را او اسیر ... ابد ... از ...
من ... واسمه ... انا ... الیک ... جام را در ظرف ... بود و
و کلاب ... از ... سیاه ... و ... که ... و ... سوی
اشامد کند ... که انا انزلنا ... بود و ... نیمه و ... اسیر ... کو کناد
و کشنیز ... و ... شعر ... و ... بر ... مرغ و ... شیر
کرم ... و ... مرغ ... کو ... اجزای ... بود ...
... ... بود و ... و ... حدیث وارد است
خوردن ... اسیر ... در روایت ... از حضرت امام رضا فرمود ...
... ... مساوی ... و ... ندی ... در ... حجامت
... ... و ... در ... سایه ... اگر ... باشد
... ... و ... ... که ...
... ... که صاحب ... در ...
... بسم الله الرحمن الرحیم ... الذی ... السموات
و الارض ... ... فلانه
... ... اسلام ... ... لقوم ...
... ... ان الله على كل شيء قدير وان الله قد
احاط بكل شيء علما ... ...
... بسم الله الرحمن الرحيم ... الذين ...
... ... هذا الكلام ... هذا الخاتم ...
... ... بسم الله الذي قال

الذي قال للسموات والارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين ...
در ... حضرت صادق فرمود که ... وقت ...
بیدار شدن بگو ... الم تعلم ان الله له ملك السموات والارض وما لكم من دون الله
من ولي ولا نصير ... شدن ... در مکارم الاخلاق نقل شده که ...
در ... باید ... ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء
على امر قد قدر وحملناه على ذات الواح ودسر تجري باعيننا ...
... امام علی ... نقل شده که ...
در ... خواب ...
... ...
... ...
بسم الله الرحمن الرحيم ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان
امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا ...
... ...
... ... الله ...
... ...
... ...
... ...
... ...
او ... حضرت امیر المؤمنین ...
... ... صلى الله على محمد و آله ...
على ... حضرت امام رضا فرمود که ...
... ... حضرت امیر المؤمنین فرمود که ...
و در ...
الذين كفروا ان السموات والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء
حي افلا يؤمنون ... ...

مثلاً کرده اند تا بالا آنکه رحمت و مادر او زند و در این وقت خواهند جنب زند
[illegible] که [illegible] از [illegible] می کند و اگر بعضی از ایشان کسی نماید [illegible]
[illegible] و باید و چون [illegible] کسی [illegible] و آید [illegible]
و [illegible] که [illegible] و حدیث [illegible] از حضرت امام [illegible] منقول است
که هر که [illegible] و [illegible] کردن باید کلمات [illegible] و کسی [illegible]
[illegible] لا اله الا الله [illegible] سبحان الله رب السموات
[illegible] وما بینهن وما تحتهن ورب العرش العظیم والحمد
لله رب العالمین و برای [illegible] کردن [illegible] اللهم
[illegible] الکبیر [illegible] الغفور الرحیم و نیز
[illegible] است که [illegible] کردن او [illegible]
میته نماز [illegible] است [illegible] روی جانمازی که بر آن نماز کرده
[illegible] الاجانس [illegible] و حضرت [illegible]
[illegible] دست [illegible] و اگر دست [illegible] حرکت دهد [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] که هر که [illegible]
[illegible] که [illegible] و چون [illegible] است که [illegible]
[illegible] و دستهایش بر پهلوهایش
[illegible] و دوش [illegible]
[illegible] اگر [illegible] و [illegible] و اگر شسته باشد [illegible]
[illegible] و از حضرت [illegible] منقول است که سزاوار است که برادران مؤمن را
خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر شوند و برای او نماز کنند و از برای او استغفار کنند
و ایشان [illegible] ثواب برند — در غسل [illegible] است [illegible] احکام میت از
غسل و کفن و نماز و دفن [illegible] کفایت [illegible] و اگر کسی [illegible]
ساقط [illegible] و اگر [illegible] میان علما [illegible] که ولایت [illegible]
تعلق [illegible] و دیگری [illegible] مردمان [illegible]
[illegible] زنان [illegible] لحوط است که [illegible] غسل [illegible]

[illegible] غسل و نماز و سایر احکام میت و لعیت برای میت [illegible]
[illegible] و [illegible] و شهیدی که در جهاد [illegible]
زنان کشته شده باشد [illegible] و [illegible] او را غسل [illegible] و کفن [illegible]
[illegible] دفن [illegible] و بعضی گفته اند که هر که در جهاد با
امام زمان کشته شود [illegible] نیست و [illegible] اصحاب [illegible]
که هر گاه از میت عضوی [illegible] شود که در آن استخوان باشد [illegible]
[illegible] و اگر [illegible]
دل [illegible] باشد [illegible] احوط است که اگر [illegible]
[illegible] و [illegible]
که [illegible] بعضی [illegible] واجب [illegible]
[illegible] شود [illegible] غسل [illegible] و کفن [illegible]
[illegible] و [illegible] کفن [illegible] و احوط [illegible]
هر گاه چهار ماه [illegible] باشد [illegible] است که در [illegible] دفن [illegible]
[illegible] و بعضی [illegible] اعتبار کرده اند در غسل
و کفن [illegible] و اگر [illegible]
است که غسل و کفن و دفن [illegible] و اگر [illegible] و [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] و [illegible]
[illegible] و [illegible]
و [illegible] که مرد را مرد غسل [illegible] و زن را [illegible]
[illegible] زن و شوهر که [illegible] دیگری را غسل [illegible]
و [illegible] غسل [illegible] است که [illegible]
غسل [illegible] که [illegible] غسل [illegible]
[illegible] غسل [illegible] است که [illegible]
[illegible] ساله [illegible] و بعضی [illegible] ساله [illegible]
[illegible] که مرد [illegible] شود و [illegible] که او را غسل [illegible]

ورا میتوان غسل داد از زیر جامه و هم چنین است هرگاه زن یا مرد [illegible] شده باشد و
جامه در حالت اختیار نیز تمام بکند دیگر را غسل می تواند داد اما احوط آنست که تا
ممکن باشد زن زن را و مرد مرد را غسل دهد اما کیفیت غسل بهتر آنست که بیش از
کفن را مهیا کند و اول عورت او را و بعد از آن از سر تا سری و بعد از آن پیرامن را بپوشد
و بعد [illegible] پیرامن را [illegible] کرده و بعد از آن [illegible] را نجاست بدن
[illegible] کرده این وجه غسل [illegible] و اگر میسر باشد میت را در
غسل [illegible] باشد و مستحب است که در وقت غسل پای میت سوی قبله
باشد بطریقی که حال احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال بایدچنین
[illegible] بکردن [illegible] و کودالی در [illegible] کند و تخت را سر از زیر
که [illegible] در آن [illegible] و مکروه است که آب غسل را بجائی که در آن بول و غایط کنند
[illegible] و اگر [illegible] باشد که [illegible] در آن ریزند [illegible] و باید که [illegible]
کنند و اگر [illegible] برامن [illegible] بکند و مرفق
را تخت که در وقت غسل میت را [illegible] و سنت است که غسال [illegible] دور باشد
[illegible] یکدیگر میت [illegible] و سنت است که [illegible] پیراهن را از طرف پای
بیرون کنند و اگر تنگ باشد بآذن ورثه [illegible] و سنت است که [illegible] غسل
که [illegible] باشد و سنت است که اول [illegible] نجاست از بدن میت بکند
که میت را در میان [illegible] بگیرد و مستحب است که غسل [illegible] از جانب راست
و مستحب است که انگشتان میت [illegible] کرده و اگر خوف شکستن باشد دست بردار
مکروه است که [illegible] مگر در حال ضرورت و نیز مکروه است که ناخن
میت [illegible] و اگر [illegible] باید که [illegible]
و با او دفن کنند و منقول است که [illegible] از حضرت [illegible] حضرت صادق
که [illegible] دفن [illegible] در قبر و احتیاط که میت را [illegible] غسل [illegible]
کافیست و منقول است که حدی ندارد و بعضی گفته اند که [illegible] باید باشد
[illegible] که [illegible] زیاده بوده باشد و کوبا
[illegible] و سایر اعضا [illegible] غسل [illegible] احوط آنست که [illegible] غسل

[illegible] که [illegible] و سنت است که اول [illegible]
میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید پس عورت میت را و سنت است که [illegible]
[illegible] و سنت است که [illegible] سه مرتبه بشوید و [illegible] آنست که در شستن عورت [illegible]
[illegible] که دستش بعورت نرسد و آب بسیار بریزد تا خوب پاک شود [illegible]
[illegible] و [illegible] باید کند و بهتر آنست که در این وقت [illegible] میت را [illegible]
کند که [illegible] داشته باشد [illegible] و اگر [illegible]
خوف [illegible] دست [illegible] که سنت است که سر
[illegible] غسل [illegible] پس سنت است که دستهای [illegible] تا مرفق بشوید
[illegible] که دست [illegible] وضو [illegible]
با آب خالص و بعضی واجب دانسته اند [illegible] کند که وضو بدهد [illegible] میت [illegible]
[illegible] بدن [illegible] و [illegible] سه
[illegible] که آب [illegible] و [illegible] کس باشد [illegible] و بهتر است که [illegible]
[illegible] پس [illegible]
که این میت را غسل [illegible] آب [illegible] از رحمة الله [illegible]
[illegible] پس [illegible] آب [illegible] و احوط آنست که [illegible]
جانب راست [illegible] و بعد از آن [illegible] مستحب و سنت است که [illegible] سه مرتبه
بر میت [illegible] و سه مرتبه سنت است
و هر [illegible] که [illegible] میت [illegible]
[illegible] دست [illegible] و بهتر آنست [illegible]
میت را [illegible] کند تا آب [illegible] برسد و همچنان کند که آب [illegible]
[illegible] و سنت است که هر مرتبه که میت را از [illegible]
[illegible] حدیث [illegible]
و [illegible] و اگر زن باشد گوید اللهم [illegible]
[illegible] غسل [illegible]
[illegible] بر میت [illegible] و مکروه [illegible] باشد و [illegible]

طریق که مذکور شد سه مرتبه بشوید و در بعض روایات در مرتبهٔ سوم جانب [illegible]
سرین وارد شده است باید که بماند اگر چیزی [illegible] شود پس [illegible]
بزو باید دیگر غسل آب کافور سنت آید که ظاهر [illegible] که از [illegible]
بود و باید که کافور [illegible] و داخل [illegible] غسل [illegible] دستهای خود را
مرتین بشوید و بهتر است که دستهای میت را [illegible] که گذشت و سر [illegible]
که فضلات از آن موضع بیرون رود پس احتیاطاً آب بریزد [illegible] مرده [illegible]
که بر میت غسل بدهد [illegible] کافور [illegible] و [illegible] حد [illegible]
[illegible] دو سه مرتبه سنت [illegible] جانب راست [illegible]
دستی بمالد و جانب راست و چپ [illegible] در غسل [illegible]
ظاهر [illegible] خوب بشوید که [illegible] کافور [illegible] ریخته شده است [illegible]
که [illegible] داخل شده باشد [illegible] دستهای میت را تا نصف ذراع [illegible]
واگر [illegible] میت [illegible] وضو [illegible] باشد پس احتیاطاً [illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible] مرتبه [illegible] سنت است که [illegible]
در وقت [illegible] دستی بکشد بر بدن میت و [illegible] این غسل و در اثنای این غسل [illegible]
میت نکند و چون ازین مرتبه فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد [illegible]
در دبر داخل کند و همچنین در دهان و بینی [illegible] داخل کند اگر خوف بیرون [illegible]
باشد [illegible] سنت است که [illegible] بعد از آن [illegible]
جامهای کفن بگذارد و سنت است که [illegible] غسال [illegible]
[illegible] گناهان او را [illegible]
[illegible] غسل [illegible] سنت که [illegible] غسل [illegible] میت [illegible]
[illegible] که [illegible] میت [illegible]
[illegible] سنت [illegible] که [illegible] بعد که نیت کند که [illegible] میت [illegible]
[illegible] کافور [illegible] حنوط [illegible]
[illegible] که [illegible] غسل کافور [illegible] و همچنین و چون

و چون نیت کند دست خود را از [illegible] و میان نیت [illegible] بگرداند
[illegible] نیت بعد از آن [illegible] دست [illegible] سر [illegible] دیگر [illegible]
دستها [illegible] و اگر میت [illegible] و [illegible]
[illegible] که در [illegible] تمام [illegible] باشد [illegible] ازاله می کند
و غسل می دهد و اگر [illegible] باشد در غسل اول [illegible] می شوید و [illegible]
که اگر خون [illegible] باشد [illegible] و از حضرت صادق منقول است که در
چنین [illegible] می شویند [illegible] در غسل و دست [illegible]
[illegible] کافوری [illegible] و همچنین اگر [illegible] باشد
[illegible] کافوری [illegible]
[illegible] در [illegible] غسل [illegible]
[illegible] کردن می کند [illegible] کردن [illegible] در میان [illegible]
و [illegible] می کنند [illegible]
[illegible] کردن میت [illegible] سنت [illegible]
[illegible] سنت [illegible]
[illegible] سنت [illegible]
[illegible] که [illegible] سنت و احادیث [illegible]
و [illegible] که [illegible] سنت [illegible]
[illegible] و [illegible] میت [illegible]
[illegible] سنت [illegible] مستحب است که [illegible]
[illegible] که [illegible] جامه [illegible] که [illegible]
[illegible] میت [illegible]
که سنت است [illegible] جانب [illegible] راست میت [illegible] و بعد از آن جانب
[illegible] جانب چپ میت [illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] دست [illegible]
کند [illegible]

اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند شاید بهتر باشد و سر بگیر
خرقه [illegible] زنبان [illegible] و از زیر جبر بگیر بسته [illegible] در بندد محکم بکنند کر ...
بعد که گذاشته [illegible] بپیچد و باید از هم [illegible] و رابطه را [illegible] بگونه ان حرقه عنب بر بلند
[illegible] نار [illegible] که [illegible] سر [illegible] است که تمام
[illegible] مرد [illegible] که [illegible] کرده باشد [illegible] کرده باشد [illegible]
هر دو طرف [illegible] سینه [illegible] جانب راست و [illegible]
[illegible] برای زن مقنعه زیاد کنند [illegible] سینه زن [illegible] که [illegible]
[illegible] کرده [illegible] که [illegible] باشد و در قیمت ان مصالحه
[illegible] کمی [illegible] بسیار [illegible] باشد و مکروه است که [illegible] ارکان [illegible] باشد
که پاره کنند استین [illegible] اگر استین داشته باشد [illegible] پیراهن خود [illegible] کفن کند
[illegible] استین و [illegible] باکی نیست و [illegible] کفن کردن [illegible] پیراهنی که در
[illegible] کرده و اگر پیراهن بعض از علما و صلحا [illegible] کفن کنند شاید بهتر باشد و مستحب است که
جامه که [illegible] باشد [illegible] کفن کنند [illegible] که [illegible] کفن [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible] و غیر ان در بعضی روایات وارد
شده است [illegible] حضرت امام حسین [illegible] که [illegible]
کفن [illegible] که از ان بیرون اورده باشند [illegible] و واجب [illegible]
[illegible] دست و [illegible] و کف دستها و زانوها و انگشتهای پاها کافور
بمالند اگر چه اندکی باشد و بهتر انست که [illegible] و سینه [illegible] اگر کافور
[illegible] کردن و [illegible] دست [illegible]
[illegible] که [illegible] باشد و [illegible]
[illegible] باشد که [illegible] باشد که [illegible]
[illegible] حضرت رسول [illegible] که [illegible] باشد
[illegible] است که [illegible]
[illegible] است که [illegible] بسیار [illegible] است که [illegible]
[illegible] که [illegible] باشد و اگر [illegible]

از [illegible] و الا [illegible] از هر درخت تری که باشد باید تر باشد [illegible] از درخت
[illegible] از درخت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] که [illegible] باشد [illegible] دست بعضی گفته اند که [illegible]
[illegible] که از [illegible] بهتر است و [illegible] کنند [illegible]
[illegible] که [illegible] راست [illegible] کردن [illegible]
[illegible] دیگر [illegible] جانب [illegible] کردن
گذارند و بعضی گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین نویسند [illegible] و اگر
[illegible] و اگر [illegible] کردن [illegible]
[illegible] باید در میان قبر [illegible] دفع [illegible]
[illegible] بگذارند [illegible] و تربیع [illegible]
حضرت صادق [illegible] فرمود که [illegible] جنازه [illegible]
و اگر [illegible] باید که [illegible] موافق [illegible]
راست [illegible] که جانب چپ [illegible] راست [illegible]
[illegible] راست [illegible] جنازه [illegible] چپ [illegible]
[illegible] بر دست چپ [illegible] که [illegible] جنازه است [illegible] چپ [illegible]
[illegible] و اگر علما
[illegible] که اول [illegible] راست جنازه [illegible] پای راست [illegible]
بر [illegible] و اول [illegible] و اگر [illegible] بهتر است و افضل است
جنازه [illegible] و [illegible] احادیث است که [illegible]
باشد [illegible]
[illegible] جنازه [illegible] حضرت رسول [illegible] فرمود که [illegible]
[illegible] ورسوله وصدق الله ورسوله
[illegible] زدنا ایمانا وتسلیما [illegible]
[illegible] حضرت امام [illegible]
فرموده اید [illegible] الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم حضرت صادق

فرمود که در حال برداشتن جنازه ایند عاجزانه بگوید بسم الله و بالله اللهم صل علی محمد
و آل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات و در ماز تشییع جنازه سنت است و بعضی گفته‌اند
که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است و همچنین بردن با آهسته کراهت دارد و در بردن جنازه
بر دوش [illegible] و اسراف [illegible] و در رفتن خوبست و مکروهست کسی که بجنازه حاضر شود و [illegible]
[illegible] در بیان نماز میت است و این نماز واجب است بر هر مسلمانی که
[illegible] فوت شود [illegible] اگر یکی را [illegible] حاضر [illegible] دیگری ساقط می‌شود و [illegible]
[illegible] که بالغ باشد عاقل [illegible] که هر طفلی که شش
[illegible] نماز [illegible] حاضر [illegible] اگر [illegible]
[illegible] بعضی سنت دانسته‌اند [illegible] نماز کردن بر کفار و خوارج و
[illegible] که [illegible] باشد و [illegible]
[illegible] کرده است [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] تکبیر بگوید در تکبیر
[illegible] و در [illegible] نماز [illegible]
[illegible] بعضی گفته‌اند که [illegible] جماعت [illegible]
کرده و [illegible] است که [illegible]
[illegible] و لیکن [illegible] باشد [illegible]
هر که را [illegible] نماز [illegible] بکند
[illegible] باشد [illegible]
[illegible] سنت است که [illegible]
و [illegible] نماز گذارد [illegible] باشد [illegible] باشد و [illegible]
[illegible] که [illegible] باشد و [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] است که [illegible] نماز [illegible]
[illegible] اگر چه [illegible] است که [illegible]
[illegible] باشد [illegible] نماز [illegible]

[illegible] و [illegible] سنت است که [illegible] باشد اگر [illegible] باشد
یا [illegible] باشد سنت است که [illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] باشد [illegible]
در بیان [illegible] نماز [illegible] اگر [illegible] باشد و اگر [illegible]
باشد [illegible] و [illegible] سنت است که [illegible]
و [illegible] سنت است که [illegible] باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible] که [illegible] که [illegible]
که نماز [illegible] حاضر [illegible] تکبیر [illegible] بگوید [illegible]
[illegible] تکبیر اول [illegible]
و [illegible] تکبیر [illegible] و [illegible]
[illegible] بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمدا رسول الله [illegible]
و [illegible] و [illegible]
و [illegible] بگوید [illegible] ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله [illegible]
و [illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک
علی محمد و آل محمد [illegible] و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک
حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء والمرسلین [illegible] بگوید [illegible] اللهم اغفر للمؤمنین
والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات [illegible]
بالخیرات انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر [illegible]
[illegible] ان هذا عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و انت خیر منزول به
اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه
و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و اغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین و اخلف
علی اهله فی الغابرین و ارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین [illegible] اگر [illegible]
[illegible] و در روایتی وارد شده که [illegible]

وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار و اگر میت مخالف مذهب باشد [illegible]
بعد از تکبیر چهارم [illegible] و بعد از [illegible]
بگوید [illegible] اللهم [illegible] اللهم اذقه اشد عذابک
و ما کان یتولی [illegible] و یعادی [illegible] و یبغض اهل بیت نبیک و اگر
میت مستضعف باشد چنین بگوید اللهم اغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک وقهم
عذاب الجحیم و اگر مذهب او ندانسته باشد بگوید اللهم ان هذه النفس انت احییتها
و انت امتها اللهم ولها ما تولت و احشرها مع من احبت و اگر میت طفل نابالغ
باشد بگوید اللهم اجعله لابویه و لنا سلفا و فرطا و اجرا و سنت است که جنازه
[illegible]
[illegible] بر جنازه [illegible] کردن [illegible]
[illegible] که نماز کرده باشد [illegible] و کسی که [illegible] نماز
[illegible] تمام [illegible] از [illegible]
[illegible] بر او [illegible] اگر [illegible]
[illegible] دفن کرده باشد [illegible]
نماز کند [illegible] و [illegible] نماز بر جنازه می توان کرد مگر آنکه
[illegible] مگر اگر خوف [illegible] باشد
باشد یا خوف ضایع شدن میت [illegible] و آداب دفن میت بعد از آن سنت است
که تابوت را در قبر [illegible] و احتیاط کنند در دفن میت و [illegible]
که میت را در [illegible] کنند [illegible] مرده [illegible]
[illegible] و [illegible] است [illegible]
[illegible] و سنت است که [illegible] کردن و سنت است کندن لحد
[illegible] باشد که [illegible]
[illegible] تابوت [illegible]
[illegible]
[illegible]

باید [illegible] قبر [illegible] سنت است که [illegible]
[illegible] باشد [illegible] که [illegible]
[illegible] سنت است که [illegible]
[illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] که چون [illegible]
بگوید [illegible]
باشد [illegible] و سنت است که
میت [illegible]
[illegible]
و سنت است که کسی که [illegible] که میت را [illegible]
[illegible] است که [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible]
با کفن اگر میت [illegible] باشد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] و اگر زن بوده [illegible] سنت است که [illegible]
قبر باشد و سنت است که چون میت را در [illegible] بگوید بسم الله و بالله و علی ملة
رسول الله [illegible] اللهم [illegible] له فی قبره [illegible]
[illegible] بالقول الثابت [illegible] عذاب القبر [illegible] در قبر بگذارد سنت است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و [illegible]
بالله و علی ملة رسول الله اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم افسح له فی قبره [illegible]

[illegible] بکند و [illegible] بکند غوغی که شیطان می کند و بعد از آن
[illegible] باشد و خبر است که ماری در قبر میت را عذاب می کند
[illegible] تا [illegible] از پیش سر بکند و در بیابان قبر [illegible]
[illegible] و غسل بدهد با تمام [illegible] خوب است که بعد از آن
[illegible] که [illegible] گناه باشد و توبه کند که از گناهان
باشد و بعضی روایات معلوم می شود که در [illegible] اللهم
جاف الارض عن جنبیه و صعد الیک روحه و لقه منک رضوانا و اسکن قبره
من رحمتک ما تغنیه به عن رحمة من سواک [illegible]
و سنت است که ولی میت [illegible] بعد از آنکه مردم برگردند [illegible]
[illegible] که [illegible] بکند [illegible] کند [illegible]
[illegible] است که [illegible] بکند [illegible]
[illegible] پس [illegible] می کند و مکروه است عمارت [illegible]
کردن و [illegible] قبر [illegible] الله [illegible] علیم [illegible]
که [illegible] و [illegible] مکروه است [illegible] قبر [illegible]
حضرت حق تعالی [illegible] می دارد [illegible]
[illegible] که [illegible]
[illegible] و بعضی
[illegible] مکروه است [illegible]
[illegible] است که [illegible]
[illegible] اگر [illegible]
[illegible] کرده باشد [illegible]
[illegible] است که [illegible] بعد از دفن و بعضی
[illegible] علیهم السلام [illegible] است که
[illegible] و [illegible]
[illegible] کرده [illegible]

[illegible]
است که [illegible] بعضی از علما [illegible]
[illegible] که [illegible] و [illegible]
گناه دارد و [illegible] که سنت [illegible]
و بعضی [illegible] کرده [illegible] و [illegible]
[illegible] که [illegible] بکند [illegible]
خراسان که [illegible]
[illegible] است [illegible]
کند بلکه بقضای الهی راضی باشند و بدانند که صابران را اجر عظیم است
[illegible] که صاحب مصیبت [illegible] و انا الیه راجعون [illegible]
[illegible] فی مصیبتی [illegible] افضل منها [illegible]
[illegible] است که [illegible] بکند و [illegible]
امر کند [illegible] و بعد از دفن [illegible] بعد از دفن بهتر است و [illegible]
که [illegible] حضرت رسول [illegible] که [illegible]
بهتر است و مستحب است که صاحب تعزیه [illegible] تا [illegible]
و جایز است [illegible] کردن که [illegible]
[illegible] که [illegible] بهتر است که [illegible]
که [illegible] برای صاحبان مصیبت طعام [illegible]
زیاده از سه روز [illegible] که چهار ماه و ده روز [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] که [illegible] و [illegible]
و [illegible] که [illegible]
[illegible] و بعد از آن [illegible]

پس [illegible] که [illegible] کرده است [illegible]
[illegible] که زندگان مردگان [illegible] فراموش بکنند [illegible]

که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب خویشان و برادران مؤمن امیدوارند
و احسان ایشان از جمیع مردم خصوصاً از دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای واجبه
و در مشاهد مشرفه بدر و مادر زیاده از دیگران دعا باید کرد و اعمال خیر برای ایشان
بعمل آورد و بعضی از اینها در حق حقوق والدین مذکور شد و عمر نوشته شد همه خیرات برای
پدر و مادر و سایر خویشان است که فرض ایشان را ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و خلق
بری گردانند و حج و سایر عبادتی که از ایشان فوت شده باشد سعی کنند باستیجار یا بتبرع
بعمل آورند و بسند صحیح منقولست که حضرت صادق فرمود که بسیار باشد که میت در تنگی
و شدتی بوده باشد و حق تعالی بر او وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو گویند که این
فرح که ترا رو داده است بسبب نمازیست که فلان برادر مؤمن برای تو کرد و راوی پرسید تعریف
در دو رکعت نماز شریک میتوانم کرد فرمود که بلی فرمود که میت شاد میشود بهدیه که رسد باو
او را بدو رکعت داخل شود در قبر نماز و روزه و حج و صدقه و سایر اعمال خیر و دعا
و ثواب این اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث معتبر منقولست
که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات اول فرزندی که از جهت او استغفار کند دوم
مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند و مردم از او بخوانند سیم درختی که بکارد چهارم
ازان نفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم جایی که بحفر نماید که خلق خدا انتفاع برند
ششم سنتی که مردم بآن عمل نمایند بارشاد او و بعد از این خلق باین سنت نیک عمل نمایند و نماز
هدیه میت را مولانا محمد محسن کاشی رحمه الله در خلاصة الاذکار بدو طریق نوشته اول آنکه در
شب اول دفن میت دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول الحمد و آیة الکرسی و در دوم الحمد یکمرتبه
و انا انزلناه ده مرتبه بخواند و بعد از سلام بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابها
الی قبر فلان دوم نیز دو رکعتست در اول بعد از الحمد توحید دو مرتبه و در دوم بعد از الحمد
سوره الهیکم التکاثر ده مرتبه نوشته و بعد از آن دعای مذکور را و بروایت دیگر بعد از الحمد
در رکعت اول آیة الکرسی نیز اضافه نموده و ملا محمد باقر رحمه الله در زاد المعاد آورده که در حدیث
صحیح از حضرت صادق منقولست که آن حضرت در هر شب برای فرزند خود و در هر روز
برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا
اعطیناک میخواند یعنی بعد الحمد و نمازهای دیگر برای میت در حضرات عالیات علیهم الصلوة

و برای والدین و دعا و اعمال عشره گذشت اما زیارت قبور و آداب آن بدانکه سنت است
زیارت قبور در روز دوشنبه و پنجشنبه و در روایت دیگر بین پنجشنبه و از شنبه است
و روز شنبه طرف آمد و چون داخل قبرستان شود بگوید السلام علی اهل الدیار من
المؤمنین والمسلمین انتم لنا فرط و نحن ان شاء الله بکم لاحقون و در حدیث معتبر دیگر
است که السلام علی اهل الدیار من المؤمنین والمسلمین رحم الله المستقدمین منکم
والمستأخرین و انا ان شاء الله بکم لاحقون و در روایت دیگر السلام علیکم اهل الدیار
من قوم مؤمنین و رحمة الله و برکاته انتم لنا سلف و نحن لکم تبع رحم الله المتقدمین
منکم والمستأخرین و انا لله و انا الیه راجعون و در احادیث بسیار وارد شده است
که هرکه نزد قبر مؤمن رو بقبله هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند از عذاب روز قیامت
ایمن گردد و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و سنت است که در وقت
خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد و در روایت دیگر رو بقبله بودن مذکور نیست
و سنت است که این دعا بخواند اللهم جاف الارض عن جنوبهم و صاعد الیک
ارواحهم و لقهم منک رضوانا و اسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم و تونس
به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر و در روایت دیگر این دعا بخواند اللهم ارحم غربته
و صل وحدته و آنس وحشته و آمن روعته و اسکن الیه من رحمتک ما یستغنی
بها عن رحمة من سواک و الحقه بمن کان یتولاه و در روایت دیگر منقولست که نزد قبر سوره
معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه
هفت مرتبه و از حضرت رسول منقولست که هرکه در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله
احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان ببخشد بعدد آن مردگان اجر
یابد و بروایت دیگر هرکه آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی
ملکی خلق کند که تسبیح کند برای او تا روز قیامت و در حدیث دیگر در بحار الانوار نوشته
که هرکه داخل قبرستان شود و سوره یس بخواند حق تعالی عذاب ایشان را سبک گرداند و بعدد
اهل مقابر حسنه او را کرامت فرماید و در روایت دیگر وارد شده است که هر شخصی که در قبرستان
بگوید چون از آن بگذرد ابتدا که باید بگوید اللهم ولهم ما تولوا و احشرهم
مع من احبوا و زیارت مقابر منقولست و ثواب عظیمه دارد و باعث

وانکاهی رهلذ دنیا و رغبت بآخرت می شود و در وقت بلاء بسیار و شادی بسیار باید که
بقبرستان رود و عبرت بگیرد از احوال ایشان و تفکر کند در فنای دنیا و تقلب احوال
آن و بخاطر بیاورد که او نیز عنقریب مثل ایشان خواهد گردید و دست از عمل کوتاه
خواهد شد و در آن وقت پشیمانی فایده نخواهد داشت و باید که در قبرستان نخندد
و حرف لغو نگوید و مشهور آنست که بر روی قبرها راه رفتن بغیر ضرورت مکروه است و در حدیث
معتبر از موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقولست که چون قبرستان روی را بدر بردی
قبرها که مرده مؤمن است راحت می یابد و هر که منافق است متألم می شود و اکثر علما
این حدیث را حمل بر حال ضرورت کرده اند باید که بر روی قبرها و نزدیک آنها بول و
غایط نکنند و در کتاب حق الیقین از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که حق تعالی
مبعوث خواهد کرد شیعیان ما را در روز قیامت از قبرهای ایشان با هر گناهی و عیبی که
داشته باشند و روهای ایشان درخشان باشد مانند ماه شب چهارده و خوفهای
ایشان ساکن کرده باشد و عیبهای ایشان پوشیده و راست من و امان با ایشان داده
باشند مردم بترسند و ایشان نترسند و مردم اندوهناک باشند و ایشان نباشند و محشور
شوند سوار بر ناقه هائی که بالهای ایشان از طلای درخشان باشد
و نرم باشند بی آنکه تعلیم کرده باشند و گردنهای آنها
از یاقوت سرخ باشد نرم تر از حریر از برای کرامتی که
خدا دارند و بروایت دیگر جامه های سفید پوشیده
باشند که درخشنده باشند از نور باشند و تاجها
از طلا باشد مکلل بدر و یاقوت
و تاج پادشاهی و اکلیل کرامت
بر سر داشته باشند و بگویند
لا اله الا الله محمد
رسول الله علی
ولی الله

۱۲۹۲
اللهم صل علی محمد و آله علیهم السلام تمت الکتاب بعون الله الملک الوهاب فی شهر جمادی الاولی سنه
من عام ثلاث اثنین و تسعین و مأتان بعد
الالف ...

کتابخانه آیت الله بروجردی(ره)
5530297

کتابخانه آیت الله بروجردی(ره)
5530297